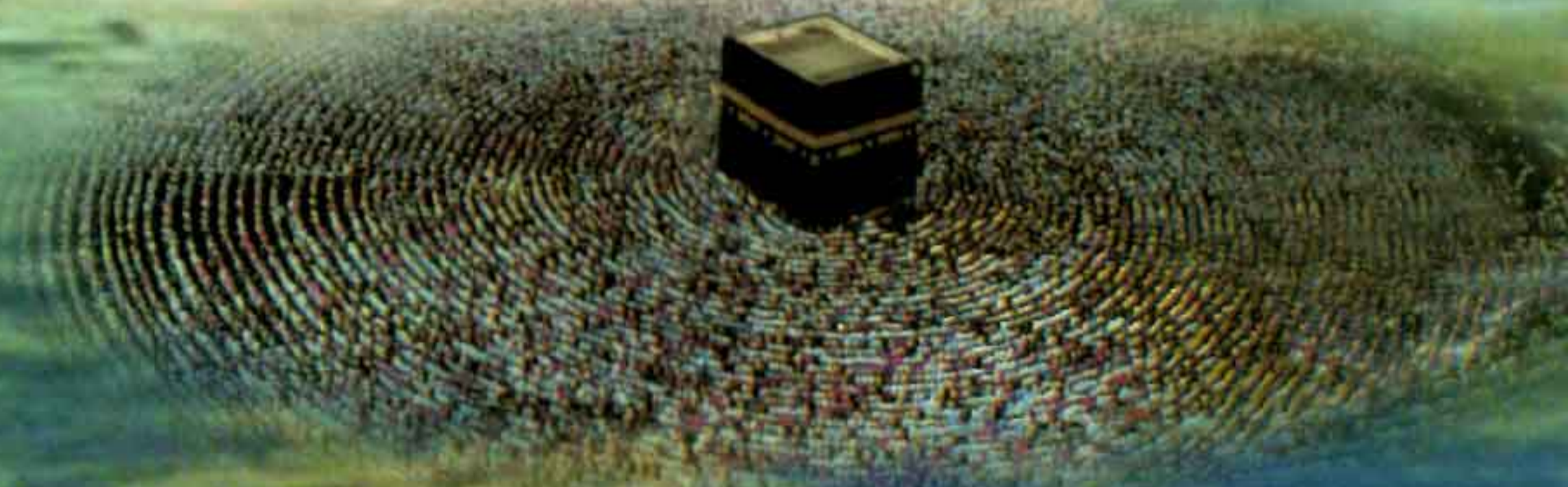


حور سید هدایت



شرحی بسوفا بر سخنان امام خمینی
پیرامون عظمت و شخصیت نبی اکرم الزمان



علیرضا نعمتی

امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده
هر چه زودتر فرارساند و **«خورشید هدایت»** و امامت را طالع فرماید.
امام خمینی علیه السلام
(صحیفه نور ج ۱۵/۲۲)



شرحی مبسوط بر سخنان امام خمینی علیه السلام
پیرامون عظمت و شخصیت منجی آخرالزمان

جلد اول

نوشته:
علیرضا نعمتی

نعمتی، علیرضا، ۱۳۴۳ -

خورشید هدایت: شرحی مبسوط بر سخنان امام خمینی علیه السلام پیرامون عظمت و شخصیت منجی
آخرالزمان / نوشته علیرضا نعمتی... قم: خورشید مکه، ۱۳۷۹.

ج ۲

ISBN 964-92923-3-0 (دوره) ۳۰۰۰۰ ریال:

ISBN 964-92923-2-2 (ج. ۲) - ISBN 964-92923-1-4 (ج. ۱)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

۲. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - - نظریه درباره

امام زمان، ۳. مهدویت، الف. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

خ ۹/۴/۲۲۲۴ BP

۱۴۶۹-۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

شناسنامه کتاب :

نام کتاب : خورشید هدایت (جلد اول)

مؤلف : علیرضا نعمتی

تلفن همراه: ۰۹۱۱۲۲۲۳۳۵۵

ناشر : انتشارات «خورشید مکه»

نوبت و تاریخ چاپ : اول : نیمه شعبان ۱۴۲۱ پاییز ۱۳۷۹

شمارگان : ۵۰۰۰

تعداد صفحات : ۳۷۵

چاپ : باقری

مراکز پخش :

دفتر انتشارات خورشید مکه تلفن و نمابر : ۰۲۵۱-۹۱۱۵۲۵

نشانی - قم - سالاریه - انتهای اقاچیا - پلاک ۱۰۱ - صندوق پستی : ۳۷۱۳۵ - ۱۴۵

قم: تلفن: ۷۴۲۵۱۹ - ۹۳۴۰۲۵

مشهد: ۰۹۱۱۵۱۶۳۷۷۱ - ۲۲۲۸۸۸۸

قیمت دوره دو جلدی: ۳۰۰۰ تومان

ISBN: 964 - 92923 - 1 - 4

شابک: ۹۶۴ - ۹۲۹۲۳ - ۱ - ۴

ISBN: 964 - 92923 - 3 - 0 (2 VOL.SET) (دوره دو جلدی) ۹۶۴ - ۹۲۹۲۳ - ۳ - ۰

قال الله تعالى

«و اشرققت الارض بنور ربّها»

«آنگاه که زمین با نور پروردگارش روشن شود»

خورشید مکه

«جهان را با نور علم و عدالت روشن و تاریکی جهل و ستم را میزداید»

انتشارات

خورشید مکه

مفتخر به نام نامی

حضرت بقیة الله

ارواحنا فداه



بوده و در تلاش است با انتشار کتابهایی که یاد و نام آخرین ذخیره الهی

را در اذهان زنده و فرهنگ انتظار را در جامعه تقویت نماید،

خدمتگزاری کوچک برای خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بوده

و قلب مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را شاد و مسرور نماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

سُبْحَانَ الْأَكْبَامِ الْمُنِيرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنِظِرِ الْمُهَيَّبِ

ہدایت

پیشگاہ مقدس و ملکوتی

حضرت امیر المؤمنین

علی بن ابی طالب علیہ الصلاۃ والسلام

و حضرت فاطمہ الزہرا

ام اللہ النقیۃ صلوات اللہ علیہا

پایہ گزاران حکومت جہانی حضرت

حضرت زین العابدین (رحمۃ اللہ علیہ)

در سال مبارک "امام علی" علیه السلام که از سوی مقام معظم رهبری
به این نام نامیده شد و به مناسبت سال گفتگویی تمدنی که

سوی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران از رای و مورد قبول همه ملل و نیا

قرار گرفت، کتاب حاضر که معرفی کننده ابعاد مختلف عظمت شخصیت

"مبجی آخر الزمان" و بیانگر "تمدن حقیقی شری در عصر ظهور"

آن حضرت است به همه ملل عالم که در انتظار ظهور صلح و عدالت و

تمدن حقیقی شری دست مبجی آخر الزمان هستند، تقدیم می گردد.

پیشگفتار

مقدمه



تذکرات مهم



کتاب «خورشید هدایت» در یک نگاه



«مقدمه»

بی شک انقلاب اسلامی ایران که براساس یک حرکت خودجوش از سوی مردم مسلمان ایران به رهبری بنیانگذار عظیم الشان جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی علیه السلام شکل گرفت، بی نظیرترین انقلاب و حرکت مردمی در عصر حاضر بشمار رفته و از همه نهضت‌های جهان معاصر ممتاز است، زیرا ریشه درخت این انقلاب، از عمق هزار و چهارصد ساله تاریخ گذشته و از معادن پربرکت وحی و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تغذیه نموده است و هیچ قدرتی قادر به خشکاندن ریشه این درخت نمی باشد گرچه ممکن است گاهی شاخه و یا برگ‌ها از آن خشکیده شود.

شاهد ما بر این سخن، سخنان ارزشمند امام راحل علیه السلام در مدت زعامت و رهبری این نهضت می باشد خصوصاً فرمایشات گرانبهای آن بزرگوار پیرامون عظمت و شخصیت منجی آخر الزمان حضرت بقیة الله الاعظم ارواح العالمین له الفداء.

این سخنان ارزشمند، روح نهضت اسلامی مردم ایران است.

این سخنان بیانگر اهداف بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران از نهضت و قیام مردم

مسلمان ایران از خرداد سال ۱۳۴۲ تا پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی است.

اگر این سخنان نبود، شاید اینچنین تصوّر می‌شد که امام راحل علیه السلام هدفی جز تشکیل یک حکومت بنام اسلام نداشته‌اند ولی با توجّه به این فرمایشات که از عمق وجود آن رهبر عالی‌مقام برخاسته است، هر انسانی به یقین درمی‌یابد امام راحل علیه السلام با توجّه به آینده‌ای روشن، آینده‌ای که «او می‌آید» و جهان را پر از عدل و داد می‌کند، این حرکت را شکل داده‌اند.

هر انسانی آرزو دارد در جهانی زندگی کند که هیچ ظلم و ستمی در آن دیده نشود، همه انسانها به حقوق حقّه خود برسند، از رفاه مادی و معنوی برخوردار باشند، غم‌دیده‌ای در جهان یافت نشود و....

این آرزو، یک آرزوی طبیعی و فطری در هر انسانی است که خداوند بزرگ آنرا در نهاد او نشانده است و اگر ظالمین و متجاوزین به حقوق انسانها، زمین پاک فطرت افراد بشر را پر از مواد سمی و خطرناک شیطانی و نفسانی نمی‌کردند، ^(۱) صدها سال قبل از آن، منجی یگانه عالم بشریت، آنکه همه انبیاء علیهم السلام در انتظار او بسر برده‌اند، قیام می‌فرمود و یک زندگی بهشتی متناسب با قوانین عالم دنیا را برای انسانها به ارمغان می‌آورد.

در راستای این آرزوی مقدّس بود که مردم مسلمان ایران با اعتقاد عمیقی که به

۱- اشاره به حدیث شریفی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که: «لولا ان الشیاطین یحومون علی قلوب بنی آدم لنظروا الی ملکوت السموات».

یعنی اگر شیاطین قلوب بنی آدم را احاطه نمی‌کردند و گرداگرد دلهای آنان نمی‌گشتند یقیناً انسانها به ملکوت آسمانها می‌نگریستند. (بحارالانوار ج ۵۹ ص ۱۶۳).

منجی آخرالزمان داشتند و او را فرزند پیامبر خویش می دانستند و معتقد بودند او زنده است و در میان مردم حضوری ناشناس دارد، تا خداوند اجازه قیام به او بدهد، نهضت خروشان خود علیه ظلم و ستم طاغوتیان را آغاز و تداوم بخشیدند تا آنکه خداوند بزرگ بر آنان منت نهاد و پیروزشان نمود.

«پس از پیروزی»

پس از این پیروزی بزرگ، مشکلات عظیمی بر سر راه مردم فداکار ایران پدید آمد که سالها آنانرا به خود مشغول داشت.

قسمتی از این مشکلات را شیطان و شیطان سیرتان پدید آوردند که از نام مقدس منجی آخرالزمان هراس داشتند، آنکه می آید و بساط شیطنت و دغلبازی آنانرا برمی چیند و به چند هزار سال ظلم و ستم طاغوتیان پایان می دهد.

چرا این مشکلات را پدید آوردند؟

زیرا می دیدند مردم مسلمان ایران براساس نام مقدس امام عصر ارواحنا فداه نهضت خود را شکل داده و آنرا با جان و مال عزیزان خود پاسداری می نمایند.

شیطان و پیروانش هرگز نخواسته اند موعود انبیاء بیاید و جهان را از سیاستهای پلید آنان پاکسازی نماید.

آیا غده های سرطانی بدن یک بیمار هیچگاه دوست دارند روزی طبیب مهربان بیاید و آنرا از بدن رنجور بیمار بریده و بدور اندازد؟ هرگز، هرگز!

از اینرو پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شیطان هرچه در توان داشت کوشید تا از جلو و عقب و راست و چپ بر این حرکت شکوهمند یورش آورده و مردم مسلمان ایران را از صراط مستقیم دور نماید. چرا که او در آغاز درگیریش با پروردگار در هنگامی که به حضرت آدم علیه السلام سجده نکرد چنین گفت و به عزت پروردگار قسم یاد

کرد که هرکس بخواهد در صراط مستقیم الهی حرکت کند، او از جلو و عقب و راست و چپ مانع آنان شود.^(۱)

و چه کسی است که نداند صراط مستقیم الهی همان انبیاء و جانشینان انبیاء هستند که راه راست خدا را برای مردم با حرف و عمل خویش بیان می‌کنند و هرکس بخواهد حقیقتاً (نه بخاطر هواهای نفسانی خویش) مردم را به راه انبیاء دعوت کند، شیطان آنجا حاضر شده و فعالیتش را آغاز می‌نماید.

تنها امتیازی که نهضت شکوهمند مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی ره را از همه نهضتها و قیامها ممتاز می‌ساخت، همین مشخصه بود که آنان با توجه و اعتقاد به ظهور منجی از جان و مال خود گذشته و در جنگی هشت ساله از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند و صدها هزار شهید پیشگاه کسی تقدیم می‌نمایند که امید دارند «او بیاید و جهان را پر از عدل و داد نماید».

شیطان قرن‌ها و قرن‌هاست کوشیده است سخن انبیاء علیهم‌السلام بر جوامع بشری بی‌اثر باشد، چه از آنروز که پیامبران قبل از اسلام دعوت خویش را آغاز نمودند تا جهان برای تشریف‌فرمائی آخرین پیامبر الهی حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم آماده گردد و خداوند بوسیله او دین حق را بطور کامل در اختیار بشر قرار دهد و پس از آن فقط قوانین پروردگار بر جامعه بشری حکمفرما شود.

و چه از آنروز که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم کار خویش را آغاز و مشغول زمینه‌سازی برای تحقق دین واحد الهی بر سراسر جهان شد و برنامه‌اش آن بود که :

قانون کامل الهی که همه قوانین ارائه شده از سوی پیامبران قبل را در بر داشت، را

۱- قال فبا اغويتني لافعدن لهم صراطك المستقيم * ثم لاتينهم من بين ايديهم و من خلفهم و عن ايمانهم و عن شمالهم و لا تجد اكثرهم شاكرين. سورة اعراف آيه ۱۶ و ۱۷.

توسط دوازده جانشین معصومش یکی پس از دیگری بر جامعه بشری اجراء نماید و افکار مردم دنیا علوم بی‌کرانی که آن جانشینان معصوم در اختیار داشتند رشد نماید و همه فکرها بر پذیرش حقیقت یکسو و یک جهت گشته، جانشین دوازدهم که همان منجی عالم بشریت است پس از دو الی سه قرن، حکومت واحد توحیدی را تحقق بخشیده و جهان برای همیشه از لوث جهل و ناپاکی و شیطنت پاک گردد، زیرا با رشد فکری مردم، حکومت حق که براساس علم و پاکی مطلق بنا نهاده شده قابل اجراء می‌باشد.

ولی مگر ابلیس بزرگ می‌گذاشت براحتی کار انجام شود و مردم سعادت‌مند گردند؟ آیا او دست روی دست می‌گذاشت تا ببیند دوازده امام معصوم، حکومت اسلامی پس از پیغمبر عظیم‌الشان اسلام را در دست گرفته و مردم را به راه راست هدایت می‌نمایند و پس از دو الی سه قرن بعد، جهان شاهد برپائی حکومت واحد توحیدی گردد؟، نه هرگز، او چنین چیزی نمی‌خواست.

و لذا او طبق برنامه خویش اولین قدم را برداشت و نگذاشت جانشینان معصوم پیغمبر عظیم‌الشان اسلام، زمام امور را در دست گیرند و قطار سنگین جامعه بشری را بر ریل رشد فکری قرار دهند و بشریت را به شهر سعادت و رفاه و معنویت برسانند. او کاری کرد که خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام خانه‌نشین شوند و شیطان سیرتان بر جامعه بشری حکم برانند و البته در این کار خویش بدان جهت موفق شد که هیچکس با او مقابله نکرد و همه مردم جز (عده‌ای کمی) که کاری از آنان نمی‌آمد ساکت بوده و اشتیاقی برای دیدن یک جامعه توحیدی و سالم از هر ظلم و ستم از خود نشان نمی‌دادند.

زمانها گذشت و جانشینان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از علی بن ابیطالب علیه السلام گرفته تا امام حسن عسکری علیه السلام یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند و خداوند دوازدهمین جانشین برحق پیامبر را از شر آنان نجات داد و او را از دید آنان مخفی نمود تا قرن‌ها سپری شود و جامعه بشری مجازات این بی‌اعتنایی به قوانین حق و جانشینان معصوم پیامبر عظیم‌الشان اسلام را ببیند.

قرن‌ها بگذرد و همه جمعیت‌ها که مدعی رهبری جهان می‌باشند خود را نشان دهند و بفهمند جز منجی یگانه معصوم از خطا هیچکس قادر به اصلاح جهان و برقراری صلح و عدالت در آن نمی‌باشد.

قرن‌ها بگذرد و جامعه بشری آثار زیانبار پذیرش هواهای نفسانی خویش را ببیند و بفهمد هوای نفس انسان و شیطان، جز فساد و جنگ و خدعه و فریب و طمع و ریاست‌طلبی و ظلم و ستم چیزی ببار نمی‌آورد.

قرن‌ها بود که جامعه بشری در این خواب سنگین غوطه می‌خورد و شاهد هزاران نوع ظلم و ستم بود.

با وقوع انقلاب اسلامی و پیروزی آن، شیطان به یکباره دید نزدیک است جهان با وجود مقدس منجی آخرالزمان که انقلاب اسلامی ایران براساس توجه به آن حضرت و زمینه‌سازی ظهور مقدسش شکل گرفته، آشنا گردد و شیطان و شیطان‌سیرتان به پایان مهلت فعالیت خود در کره زمین نزدیک شوند (زیرا با ظهور منجی آخرالزمان و پر شدن زمین از عدل و داد دیگر جایی برای فعالیت شیطان باقی نمی‌ماند).

از این رو شیطان پلید دید اگر دست روی دست بگذارد و علیه مردم مسلمان ایران که می‌خواهند نام مقدس منجی آخرالزمان را احیاء کنند فعالیتی ننماید، آنان با پیشرفت وسائل عصر حاضر که به سرعت تمامی اطلاعات را در جهان منعکس می‌سازد، جهان را دگرگون کرده و آنانرا با منجی آخرالزمان که همه ادیان او را قبول

دارند، آشنا می‌سازند. و اگر این سیل عظیم (نهضت فکری توجّه به منجی) از بند رها شود، دیگر بهیچ عنوان نمی‌توان در مقابل آن ایستاد.

مردم دنیا با منجی خویش آشنا خواهند شد و ظهور او را از خداوند طلب خواهند کرد و خداوند نیز هزاران سال است منتظر چنین روزی است تا بسرعت این خواسته بحق مردم را پاسخ دهد و رهبر حقیقی بشر را برساند.

آری، به همین دلیل شیطان با «کشور صاحب الزمان علیه السلام» درافتاد و از جنگ تحمیلی هشت ساله گرفته تا هزاران بلای دیگر را بر این کشور تحمیل کرد تا شاید بتواند چراغ پرنوری که هر لحظه نام «صاحب الزمان علیه السلام» را از خود ساطع می‌کند خاموش سازد.

البته شاید شیطان توانسته باشد حرکت و توجّه ما را نسبت به «حضرت صاحب الزمان علیه السلام» کم‌رنگ نموده باشد ولی هرگز قادر به خاموش نمودن آن نبوده و نخواهد بود.

«یک نگرانی»

ولی یک نگرانی دائماً بوده و هست که نکند ما غفلت کنیم و شیطان بتواند ما را از توجّه به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء منصرف نماید!

اگر از هر امر کوچک و بزرگی آمار و ارقام تهیّه کنیم خواهیم دید شاخص نمودار در بسیاری از امور در بالاترین درجه است ولی تنها شاخصی که هنوز درجه‌ای بالا نرفته شاخص «توجّه به امام عصر ارواحنا فداء» در جامعه می‌باشد.

شاید ما غافل باشیم از اینکه چرا این همه مشکلات را شیاطین جنّی و انسی پس از پیروزی انقلاب از داخل و خارج بر ما تحمیل کردند، ولی ابلیس بزرگ خوب می‌داند که چرا، او برای سرگرم ساختن ما به مسائل دیگر و غفلت از قیام و ظهور مقدّس

حضرت ولی عصر ارواحنا فداء این مشکلات را بوسیله ایادی خویش بر ما وارد ساخته است.

این واقعیت ملموس را همه ما بیش از بیست سال است که نظاره گر هستیم و غفلت عجیبی از منجی آخر الزمان در بین خود حس می‌کنیم، آنکه نهضت و انقلابمان را با نام و یاد او قرین ساخته بودیم و او را صاحب کشور خویش دانسته و می‌دانیم ولی آیا دیده‌ایم که کشوری متعلق به یک نفر باشد و در آن کشور از همه چیز بیش از صاحب آن یاد شود؟

«امام راحل در خواب نگران بودند»

یکی از انگیزه‌های من در نوشتن این کتاب نگرانی فوق بود که آنرا بصورت رؤیایی صادقانه دیدم.

در خواب می‌دیدم حضرت امام عجلتو پرچمی که در خواب آنرا با عنوان: «پرچم استقبال از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء» دیده می‌شد را برافراشته‌اند (یعنی همان پرچم مقدس جمهوری اسلامی)، ولی پس از وفات خویش در عالم برزخ با نگرانی خاصی به بازماندگان پس از خود (یعنی همه طرفداران انقلاب خصوصاً مسئولین امور) می‌نگرند که با این پرچم مقدس چه خواهند کرد.

این نگرانی بس عمیق و ریشه‌دار است چرا که غفلت ما از امام عصر ارواحنا فداء عمیق و ریشه‌دار است.

قضایای دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که حاکی از گلایه‌مندی حضرت ولی عصر علیه السلام از ما شیعیان است که بسیار کم بیاد آنحضرت هستیم و ما این قضایا را در کتاب حاضر و اکثر آنها را در کتاب «راهی بسوی نور» منعکس نموده‌ایم.

در یکی از این قضایا حضرت بقیة الله ارواحنا فداء اظهار داشته‌اند: «اگر شیعیان ما را

می خواستند دعا می کردند و فرج می رسید.»

پرواضح است، این دعا، صرف دعا و مانند دعاهاى تعارفی و در حدّ زبان ما نیست که اثری ندارد بلکه دعائی همراه با تلاش و کوشش فردی و اجتماعی و برای احیای فرهنگ انتظار در جامعه و حتی جهان است، تلاش و کوششی، همانند فعالیت مردم مسلمان ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که از مال و جان خویش برای پیروزی اسلام دریغ نمی کردند.

«یک ارتباط روحی در مقابل مرقد امام راحل علیه السلام»

در این راستا، یک شب که پس از جلسه سخنرانی پیرامون توجه به امام عصر ارواحنا فداه و معارف خاندان عصمت علیهم السلام به قم برمی گشتم، وقتی به مقابل مرقد امام علیه السلام رسیدم، بناگاه احساس کردم روح مطهر ایشان در آن فضا حاضر هستند و من می توانم لحظاتی با آن بزرگوار حرف بزنم.

چیزی که در آن لحظه بخاطرم رسید به ایشان عرض کنم، همان نگرانی بود که به آن اشاره کردم، در آن لحظات به آن روح پاک عرض کردم، شما پرچمی که برافراشتید برای آن بود که دنیا آماده استقبال از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه گردد ولی با کمال تأسف می بینیم بقدری ما از امام زمانمان غافل شده ایم که بیم آن می رود که آن حضرت بکلی از خاطره ها فراموش گردند و نام مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان ما به فراموشی سپرده شود و ندانیم حرکت این نهضت به چه سمتی است و از زمینه سازی برای ظهور آنحضرت غافل شویم.

سپس در همان ارتباط روحی خود، به ایشان عرض کردم، من در حدّ و توان خود آماده ام در این زمینه فعالیت کنم و قدمی بردارم.

وقتی سخنان بالا به پایان رسید و من از برابر مرقد مطهر ایشان عبور کردم، آن ارتباط

روحی نیز خاتمه یافت. (۱)

از سوی دیگر چون مدتی بود مشغول نوشتن مجموعه‌ای مستند پیرامون «مصلح آخرالزمان» یا «عصر دلتنگی» برای شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران بودم و آنرا با توجه به بعد جهانی شناخت «منجی آخرالزمان» نوشته بودم، مناسب دیدم «مطالبی که در آن مجموعه دنبال کرده‌ام و نیز مطالبی که پیرامون سخنان ارزشمند امام راحل ره در باره عظمت حضرت بقیةالله ارواحنا فدا، در نظر دارم را به صورت یک کتاب جامع در آورم.

«یک الهام»

این آرزو با لطف و عنایت پروردگار و نظر مقدس حضرت بقیةالله ارواحنا فدا، جامه عمل پوشید و حتی «خط سیر» شروع مطالب بصورتی وسیع و جهانی که حتی غیر مسلمانان را نیز با منجی آخرالزمان آشنا نماید. در یک الهام ملکوتی به خاطرم نقش بست که :

۱- ولی بمجرد اینکه به قم رسیدم، در بدو ورود به منزل، نامه‌ای را خانواده به من دادند که از سوی «کنگره بزرگداشت یکصدمین سالگرد تولد امام خمینی ره» بود و وقتی چشمم به دستخط امام راحل ره که امضاء مبارکش بود افتاد، ناگهان متوجه ارتباط روحی ساعتی قبل خود شدم و فهمیدم این نامه که در آن درخواست ارسال مقاله‌ای در ارتباط با «امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی» شده بود، پاسخ پیشنهادی من به روح مطهر امام ره است که بطور غیرمستقیم راه را برایم باز نموده‌اند تا آنچه را در نظر دارم نوشته و در اختیار مردم قرار دهم. تعجبم آنگاه زیادتر شد که وقتی از ستاد کنگره جویای کیفیت ارسال مقاله شدم، آنان اظهار داشتند این نامه باید سه ماه قبل به دست شما می‌رسید و تعجب است که چرا هم‌اکنون به دستتان رسیده است.

به هر حال این حسن اتفاق راه را برایم باز کرد و من در موضوع «امام خمینی و اندیشه حکومت جهانی اسلامی» مطلبم را نوشتم و آن را بر محور سخنان امام راحل ره پیرامون عظمت و شخصیت منجی آخرالزمان تنظیم نمودم.

«براساس حقایق پیوسته‌ای که در دعای ندبه مطرح شده است، مطالب باید عنوان شود».

پس از این قضایا و روشن شدن چهارچوبه کار، مجموعه سخنان ارزشمند حضرت امام علیه السلام را که بعضی از دوستان خوب امام زمان ارواحنا فداه از فیشهای تحقیقاتی بیت حضرت امام علیه السلام جمع‌آوری کرده بودند را در دست گرفته و آنرا براساس همان «حقایق به هم پیوسته در دعای ندبه» جداسازی و درسی عنوان تنظیم نمودم.

این عناوین بطوری بهم وابسته‌اند که اگر بخواهیم یک غیرمسلمان را با حضرت بتیة الله ارواحنا فداه آشنا کنیم می‌توانیم از نقطه صفر کار را آغاز کرده و او را با «منجی آخرالزمان» آشنا نموده و پیوند قلبی و عمیق بین او و آنحضرت ایجاد نمائیم.

«تذکرات مهم»

علاوه بر توضیحات فوق که جهت آشنایی با کتاب «خورشیدهدایت» ضروری بنظر می‌رسید، تذکرات مهم دیگری را بطور کوتاه و گذرا تقدیم می‌نمایم.

یک: سخنان حضرت امام قَدَّسَ سَلْوَهُ بطور پراکنده از صحیفه نور جمع‌آوری شده و طبق عناوین سی‌گانه تنظیم و قالب ریزی شده است تا زنجیره خاصی از حقایق معنوی که توضیح آن خواهد آمد، از آن بدست آمده و تأثیر بیشتری داشته باشد.

دو: سخنان امام قَدَّسَ سَلْوَهُ بطور جداگانه و در آغاز هر قسمت آمده و مطالب نویسنده، شرح دقیق جملات آن نمی‌باشد بلکه نویسنده کوشیده است براساس عنوان آن قسمت بحث خود را دنبال کند تا خدای ناکرده دخل و تصرفی بیجا در سخنان امام قَدَّسَ سَلْوَهُ نشده و مطالب از یکدیگر مجزا باشند.

سه: گزیده‌ای از سخنان امام قَدَّسَ سَلْوَهُ در هر قسمت را در کادر اصلی ابتدای آن قسمت به عنوان شعار آن عنوان قرار داده‌ایم.

چهار: در بالای هر صفحه از صفحات کتاب یک حدیث کوتاه آورده شده است که در یک صفحه متن عربی و در صفحه مقابل ترجمه آن قرار داده شده است.

احادیث هر قسمت از سی قسمت کتاب پیرامون موضوع کلی عنوان همان قسمت می‌باشد و گاهی معنی حدیث یک مطلب کلی در رابطه با معرفت به حضرت بَقِيَّةُ اللّٰهِ ارواحنا فدا، بوده که برای زینت صفحات کتاب آورده شده است.

پنج: مدارک و کتبی که این احادیث از آن نقل شده با شماره‌های مسلسل در پایان کتاب آورده شده و جهت احتیاط در نقل احادیث کلمه «عن رسول الله ﷺ یا عن الصادق علیه السلام» و... آورده شده که حاکی از نقل حدیث از مدارک فوق می‌باشد.

«خط سیر حقایق دعای ندبه»

شش: گفته شد که این کتاب براساس حقایقی نهفته در دعای ندبه تنظیم و زنجیره خاصی در آن دنبال شده است، در توضیح این مطلب و به عنوان بیان خلاصه‌ای از آن زنجیره خاص باید بگوئیم:

«حقایق دعای ندبه بسیار عمیق و متین و مطابق با آیات و روایات متواتر اسلامی است و با بیان هدف از بعثت انبیاء علیهم السلام و زحمات آنان در راه ترویج دین حق شروع گردیده و سپس به رسالت حضرت خاتم الانبیاء ﷺ رسیده و اهداف آن حضرت از رسالت مقدّسش را حکومت واحد جهانی توحیدی دانسته است که اهل بیت مطهرش (خصوصاً آخرین آنان که همان منجی جهان و امام دوازدهم است) بایستی پس از آن حضرت آنرا تحقق بخشند.

ولی ظلم و ستم طاغوتیان و سکوت مردم باعث شد آنان مظلوم و مهجور واقع شده و حتی جامعه بشری از آخرین حجّت حق بطور موقت محروم گردد.

اینجاست که هر عاقل و هر انسان ستم‌دیده و غمدیده‌ای باید زانوی غم در بغل گیرد و ناله و فریاد زند که چرا ما باید از آن رهبر آسمانی محروم باشیم و با محرومیت از رهبری او که رهبری علم و پاکی است زندگی تیره و تاری می‌شود و

انسانها راه راست را گم کرده و نمی‌دانند به کدام سو بروند، افکار انحرافی آنان را فرامی‌گیرد و هرکس به سوئی می‌رود و اختلاف و درگیری و جنگ و فساد و فقر همه جا را فرامی‌گیرد. (حقایقی که قرن‌هاست شاهد آن هستیم و در جهان امروز این مفسد و ناهنجاریها، جهانی و بین‌المللی شده است).

آری، او کجاست و از او خبری نیست؟

چرا جامعه بشری از او خبری نمی‌گیرد؟

ولی او در بین ماست و باید او را شناخته و خود را در حضور او بدانیم و زینت نامش باشیم و در حالت انتظار مقدمش روزشماری کرده و خود و جامعه خود را از گناه و دروغ و خیانت پاکسازی نمائیم و آماده دیدارش شویم و دست به دعا بلند کنیم و ملت‌مسانه ظهور مقدّسش و اصلاح امورمان را خواستار شویم.

ما حقایق فوق را که بطور فشرده در دعای ندبه عنوان شده، در سی قسمت کتاب حاضر با عناوینی که ملاحظه خواهید فرمود، تنظیم و براساس آن مطالب را دنبال نموده‌ایم و برای آنکه از جملات دعای ندبه بهره‌مند شویم در احادیث تزئینی بالای بعضی از صفحات، قسمتی از جملات دعای ندبه که مربوط به آن قسمت بوده است را ذکر نموده‌ایم.

هفت: شاید به نظر بعضی از خوانندگان محترم، قسمتی از مطالب در طول کتاب تکراری محسوب شود، ولی این تکرار گاهی برای تاکید بعضی از مطالب مهم و گاهی به جهت طولانی شدن کتاب و از یاد رفتن مطلبی در اوائل کتاب، مجدداً در اواسط آن یا در قسمتی دیگر یادآوری شده است، همچنین گاهی یک مطلب از ابعاد گوناگون در قسمتهای مختلف بیان گردیده که تکرار آن ضروری به نظر رسیده است.

هشت : همچنین سخنان حضرت امام عَلَيْهِ السَّلَام گاهی در بعضی از قسمت‌ها تکرار شده است که این تکرار به جهت موضوع مستقل آن قسمت است که از یک سخن امام عَلَيْهِ السَّلَام دو یا چند موضوع و عنوان مستقل برداشت می‌شود که لازم بوده آن سخن را در جای دیگری تکرار نمائیم تا مطلب ناقص نماند، به عنوان مثال این سخن حضرت امام عَلَيْهِ السَّلَام که می‌فرمایند :

«رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک حضرت بقیة الله است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست به دست بیاوریم».^(۱)

را در عنوان «رهبر ما» و نیز عنوان «او در بین ماست»، در هر دو جا آورده‌ایم، زیرا این کلام گهربار مسأله رهبری حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بر تمامی مسئولین و مردم را مطرح و امام عصر ارواحنا فداه را صاحب و رهبر کشور و همه جهان می‌داند و از سوی دیگر مناسب با عنوان «او در بین ماست» می‌باشد که بیانگر آن است که حضرت بقیة الله ارواحنا فداه هم اکنون زنده و حاضر در میان جامعه بشری حضور دارند و از میان آنان خارج نیستند و عقلاء و دانشمندان باید برای استفاده از آن رهبر عالیقدر چاره‌ای بیندیشند، و لذا سخن فوق را در هر دو عنوان آورده‌ایم.

نُه : مجدداً این نکته را خاطر نشان می‌سازیم که احادیث در بالای صفحات کتاب در ارتباط با عناوین کلی سی گانه این کتاب می‌باشند، ولی کوشش شده است احادیث قرار داده شده در هر قسمت مرتبط با عنوان کلی آن قسمت باشد و چنین نیست که هر حدیثی مربوط به مطالب همان صفحه باشد.

ده: ممکن است اشکالاتی به نظر محققین و دانشمندان جامعه اسلامی برسد که ما از آن غافل بوده‌ایم، لذا تقاضایمان از همه ارادتمندان به ساحت مقدّس حضرت بقیّة اللّه ارواحنا فداه آن است که اشتباهات مورد نظر و یا پیشنهادات سازنده خود را به نشانی عنوان شده در شناسنامه کتاب ارسال نمایند.

یازده: خلاصه‌ای از تمامی عناوین سی‌گانه کتاب را پس از پیشگفتار، جهت آشنائی اجمالی خوانندگان محترم با مطالب کتاب تقدیم نموده‌ایم که امید است مورد توجه شریفشان قرار گیرد.

دوازده: پس از چاپ کتاب «راهی بسوی نور» که اولین کتاب چاپی من بود، با استقبال وسیع خوانندگان محترم و دوستاناران خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام از مطالب مواجه و مجبور شدم در کمتر از دو سال آنرا شش مرتبه تجدید طبع نمایم و حتی یک نسخه از آن که بدست یکی از کارگردانان محترم شاغل در صداوسیما رسیده بود و ایشان از تذکرات داده شده در آن احساس مسئولیت کردند، همان احساس مسئولیت باعث شد که من برای صداوسیمای جمهوری اسلامی مجموعه مستند گزارشی یاد شده در صفحات قبل را بنویسم.

طبیعی بود که مطالب آن مجموعه بدلیل آنکه در معرض دید همه دنیا قرار گیرد، بایستی به شکلی غیر از آنچه در نزد ما شیعیان از معرفت امام عصر ارواحنا فداه وجود دارد، تنظیم گردد و فرض بر این قرار داشت که ما با یک مخاطب غیرمسلمان و ناآشنا با اسلام روبرو هستیم لذا حقایق مطرح شده پیرامون منجسی آخرالزمان ارواحنا فداه را از یک دید بین‌المللی و جهانی مورد بررسی قرار داده و به لطف پروردگار آنرا با سخنان گرانقدر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هماهنگ

نمودم تا جهانیان بدانند «حضرت بقیة الله ارواحنا فدا» چه شخصیت و عظمتی دارد که بزرگترین رهبر نهضت‌های اسلامی و غیراسلامی تاریخ گذشته خود را در برابر او هیچ دانسته و تنها او را قادر به اجرای صلح و عدالت در جهان می‌دانند». گرچه ممکن است این مطلب از نظر ما شیعیان که به عظمت حضرت بقیة الله ارواحنا فدا معترفیم چیز تازه‌ای بحساب نیاید، ولی در جهان امروز که بسیاری از جوامع حتی با نام مقدس آنحضرت و چنین رهبر آسمانی آشنا نیستند و به یکباره با انقلاب شکوهمند اسلامی ایران روبرو شده و رهبر بزرگ آن را که با ابرقدرت‌های شرق و غرب درافتاده و پیروز میدان شده است را دیده‌اند، جایگاه او را مورد بررسی قرار می‌دهند که؟

امام خمینی علیه السلام کیست و چه عقیده‌ای دارد؟
آیا او شخص مستقلی است یا نماینده شخص دیگری می‌باشد و عقاید او را ترویج می‌کند، و سؤالاتی در این راستا...
و آنگاه که از حضرت امام علیه السلام یا مسئولین بلندپایه نظام مقدس جمهوری اسلامی این پاسخ را دریافت می‌کنند که :
ما سربازان کوچکی برای امام زمان علیه السلام هستیم.
او رهبر ماست و ما در برابر او هیچ هستیم.
ما باید رضایت او را که رضایت خداست بدست آوریم.
ما باید خود را آماده ظهور او کنیم.
تنها او قادر به اجرای عدالت در جهان می‌باشد.
او دوازدهمین جانشین معصوم پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله است که قرن‌هاست خداوند او را طول عمر داده تا جهان بشریت از وجود مقدسش محروم نگردد....

پاسخهای فوق دقیقاً همان چیزی بود که اذهان جهانیان را متوجه نجات دهنده خویش نموده و آنان دقیقاً با چیزی روبرو شده‌اند که خواسته ماست. این همان چیزی بود که باید دنیای امروز با آن آشنا می‌شد و «منجی آخر الزمان» را که قرن‌هاست از معرفت و شناخت مردم جهان مخفی مانده می‌شناخت. آری دنیای امروز باید با انقلاب عظیم اسلامی ایران روبرو می‌شد تا به عظمت و شخصیت حضرت مهدی ارواحناده آگاه گردد که چگونه ارادت و محبت قلبی یک رهبر آگاه و نیز مردم مسلمان پیرو او به ساحت مقدس آن منجی بزرگ، باعث می‌شود توده‌های عظیم دهها میلیونی براه افتاده و صدها هزار شهید تقدیم راه حضرتش کنند. جهانیان باید امام زمان علیه السلام را بشناسند و ما شیعیان باید پیشگام در این حرکت مقدس باشیم.

و این حداقل تشکر ما (خصوصاً مسئولین کشور) از آن حضرت است که بیش از بیست سال است ما را در برابر تمامی قدرتهای ظالم دنیا حفظ نموده‌اند. اگر مهمترین توجه دستگاههای فرهنگی کشور، (اگر نگوئیم تمام دستگاههای کشور)^(۱) به معرفی شخصیت و عظمت و قداست حضرت بقیة الله ارواحناده در جهان معطوف شود و وزارتخانه‌ها یا سازمانهای فرهنگی، وجهه همت خود را آشنا نمودن جامعه و جهان امروز با منجی عالم بشریت قرار دهند و هر روز اخبار فراوانی در این رابطه به دنیا منتشر شود و سمینارهای بین‌المللی ترتیب یابد و فیلمها ساخته شود و

۱- که در سخنان امام راحل رحمته الله علیه، تمام دستگاههای در کشور جمهوری اسلامی، باید زمینه‌ساز تشریف‌فرمایی حضرت بقیة الله ارواحناده باشند، مانند این قسمت از فرمایشات آن بزرگوار: «...تمام دستگاههایی که الآن بکار گرفته شده‌اند در کشور ما و امیدواریم در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند، باید توجه به این معنی داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه». صحیفه نوری ج ۱۲ ص ۲۰۹ - ۲۰۸.

دهها نوع فعالیت دیگر... اینها تنها کاری است که باید از سوی ما جهت نجات جهان از ظلم و بی عدالتی صورت گیرد.

امید آن است که این پرچم پر عظمت برای استقبال از ظهور بزرگترین شخصیت تاریخ و آنکه انبیاء علیهم السلام آرزوی ظهورش را داشتند همچنان پر عظمت و پرافتخار در اهتزاز باشد و ما با تلاش و کوشش خود بتوانیم هر روز بیش از گذشته این نام مقدس را در جهان احیاء نموده و زمینه ساز ظهور مقدسش باشیم تا این نام مبارک و زیبا بر همه زبانها و در همه جهان نقش بسته و مهمترین مسأله روز جهان گردد.

والسلام علی من اتبع الهدی - نیمه شعبان ۱۴۲۱ هجری قمری

قم - علی رضا نعمتی

« کتاب خورشید هدایت در یک نگاه »

اگر مایل باشید، می‌توانیم خلاصه‌ای بسیار فشرده از حدود هفتصد صفحه کتاب حاضر را با استفاده از عناوین سی‌گانه آن، در سطوری کوتاه تقدیمتان نماییم (عناوین سی‌گانه با حروفی پررنگ و درشت نوشته شده است).

«سرگشتگی» جامعه بشری را فرا گرفته و این سرگشتگی ناشی از دور شدن بشر از راه انبیاء علیهم‌السلام است زیرا انبیاء علیهم‌السلام راه هدایت و سعادت بشر می‌باشند. و هرکس دست خویش را از دست راهنمای خود جدا کند سرگشته و حیران خواهد شد.

«هدف انبیاء علیهم‌السلام» آن بوده است که جامعه بشری را از سرگشتگی رهانیده و شرایط یک حکومت عدل جهانی سرشار از صلح و صفا و محبت و عدالت را، ایجاد نمایند و حتی از تحقق این آرزو در زندگی بشر خبر داده و او را با عنوان منجی آخرالزمان به دنیا معرفی نموده‌اند.

از اینرو پیروان همه ادیان، چشم انتظار فرا رسیدن روزی هستند که جهان از هرگونه دغلبازی و ظلم و ستم تهی شود و عدل و صفا و محبت تمام زمین را فراگیرد و لذا «همه در انتظار او» هستند که بیاید و جهان را پر از عدل و داد نماید.

از سوی دیگر «افتخار ما» مسلمانان خصوصاً ما شیعیان آن است که آن منجی یگانه، فرزند پیغمبر آخرالزمان و رسول معظم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

آن منجی یگانه «پرچمدار رهایی» انسانها از قید و بندهای شیطان و هواهای

نفسانی و «طیب حقیقی بشر» است که می‌آید و تمامی امراض روحی انسانها را درمان می‌نماید.

او «انسان کاملی» است که شرایط رهبری جهان تنها در او جمع است یعنی دارای: «قدرت آسمانی (معجزه) و عصمت از خطا و علم به تمام پنهانیاها و آگاه از همه حقایق» از سوی خداوند جهان است.

ظهور او یک «وعدۀ حتمی» از سوی خداوند به جهان بشریت است زیرا اگر چنین نبود، خلقت انسان بیهوده گشته و خداوند جهانی پر از فساد و محروم از رهبری آگاه و معصوم را آفریده، و بارزترین نوع مخلوقات یعنی انسان را در مسیر نابودی قرار داده است.

پیامبر آخرالزمان که پایان دهنده همه پیامبران بود طبق وعدۀ حضرت عیسی علیه السلام به دنیا تشریف فرما شد تا با قانون کامل الهی یعنی «قرآن کریم» و توسط مجریان معصوم از خطا یعنی دوازده امام معصوم که «سیاست‌گزاران حقیقی بشر» از سوی خداوند بودند، جهان بشریت را سرشار از صلح و صفا و پر از عدالت و محبت نماید.

آنان قرار بود در مدّت حدود سه قرن پس از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به حدی فکر بشر را رشد دهند که آماده پذیرش حکومت واحد جهانی الهی که همه انبیاء علیهم السلام زمینه‌ساز آن بودند گردد، ولی صدها افسوس که طاغوتیان و ظالمین با استفاده از سکوت و سستی مردم همه آنان و حتی قرآن کریم را در «مظلومیت و مهجوریت» فرو بردند.

آری، خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، با عصمت خویش از خطا و با علم بی‌نهایتی که در سینه داشتند می‌بایست طبق برنامه‌ای (که اگر جامعه آنرا می‌پذیرفت) جهان را آماده حکومت جهانی منجی آخرالزمان نمایند و لذا طبق همان برنامه و برای

آنکه بشریت عذری در پیشگاه پروردگار نداشته باشند، منجی آخرالزمان در سال ۲۵۵ هجری بدنیآ آمد تا روز تولد او، «بزرگترین عید بشر» باشد و جهانیان مژده آمدن او را که انبیاء علیهم السلام داده بودند با چشمان خود ببینند و «اگر می‌خواهند جامعه عاری از هرگونه فساد داشته باشند» او را یاری نموده و خواستار تحقق حکومت واحد جهانی توحیدی شوند.

ولی این آرزو در آن روزگار تقریباً دست‌نیافتنی بود و جز عده‌ای اندک منجی آخرالزمان را نمی‌شناختند و نزدیک بود ظالمین آن حضرت را هم به شهادت برسانند.

لذا خداوند مقرر فرمود آن بزرگوار تا روزی که مردم خواستار ظهور مقدّسش شوند و از جان و دل او را یاری نمایند در خفاء زندگی کند و «ناشناس» باشد و جهان از وجود او محروم نگردد و از طرفی در میان بشر حضور داشته باشد تا هر روز که مردم جهان خواستند از ظلم و ستم نجات یابند نگویند خدایا ما رهبری از جانب تو نداشتیم و این «راز طول عمر» آن حضرت است که برای نجات جامعه بشری منتظر مانده و خداوند عمر شریفش را طولانی نموده است تا در وقت مناسب جهان را بوسیله او پر از عدل و داد نماید.

پس «او در بین ماست»، او از میان ما خارج نیست، او مانند یکی از مردم جهان و در میان آنان بسر می‌برد و تنها خداوند خواسته او «ناشناس» باشد تا ظالمی به او دست نیابد و مانند اجداد طاهرینش او را به شهادت نرسانند. و اگر جز این بود، جهان بشری بدون امام و رهبری معصوم جهانی ناقص و بیهوده گشته و دیگر مفهومی برای خلقت میلیاردها انسان محروم از سعادت و مقام انسانیت وجود نداشت.

پس او در بین ماست و صدها و هزاران نفر بطور متفرق در طول تاریخ یازده قرن زمان غیبت او را دیده و حتی عده‌ای آن حضرت را شناخته و از او معجزاتی مشاهده

کرده‌اند که علماء بزرگ شیعه این تشرّفات را در کتب خویش ثبت نموده‌اند. ولی غیبت و ناشناس زندگی کردن رهبری که منجی جهان بشریت است برای جامعه بشری یک نقص بسیار بزرگ است و نشانه غفلت آنان از آن وجود مقدّس است که مجبور باشد تنها و غریبانه زندگی کند تا به شهادت نرسد.

پس باید «مقدمات فرج» و ظهور آن بزرگوار را فراهم نمود و از رهبری انسان کاملی که از هر خطائی به دور و مجهز به علم بی‌نهایت الهی و قدرت و معجزه است بهره‌مند گردید.

باید در سطح وسیعی امر بمعروف و نهی از منکر (یعنی در سطح یک یا چند کشور) را احیاء کرد و در حد امکان از ظلم و ستم جلوگیری کرده و «حکومت در عصر غیبت» را برای نجات افراد جامعه بوجود آورد تا تحمّل تاریکی زمان غیبت کمی آسانتر گردد و بوسیله چنین حکومتی که طبعاً امکانات یک کشور را در اختیار دارد برای ظهور منجی و آشنا کردن جهان با او تلاش کرد.

این هدف بوسیله بزرگترین رهبر نهضت‌های اسلامی عصر حاضر یعنی حضرت امام خمینی قدس سرّه تعقیب شد و «انقلاب اسلامی در کشور صاحب الزّمان» شکل گرفت. این انقلاب شکل گرفت تا زمینه‌ساز ظهور منجی آخر الزّمان گردد و شاهد بر این سخنان، کلمات ارزشمند امام قدس سرّه است که این کشور را کشور صاحب الزّمان می‌دانست و همه ما را موظّف می‌ساخت خود را «در حضور او» بدانیم و فکر نکنیم حال که امام زمان علیه السلام غائب است دیگر در حضور او نیستیم و احساس مسئولیت در برابر آن بزرگوار نکنیم.

او «رهبر ما» است و همه ما از مقام معظم رهبری که خود را سرباز آنحضرت می‌دانند تا یکایک افراد جامعه مسلمان تحت فرمان آن بزرگوار می‌باشند و این افتخار تنها برای این کشور رقم خورده است.

در عین حال ما توان اجرای عدالت در سطح جهان را نداشته و تنها موظفیم تا می توانیم نگذاریم به مردم ظلم شود و گمراهی و انحراف جامعه را فراگیرد ولی «تنها او می تواند» جهان را پر از عدل و داد نماید لذا امام راحل ره صریحاً فرمودند «البته این پر کردن دنیا از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم، آیا چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند»^(۱)

این سخن امام راحل ره که در اوائل انقلاب در دنیا منتشر گردید، موجب خشم و نفرت طاغوتیان و جهانخواران واقع شده و از پایه های لرزان حکومت های ظالمانه خویش هراسیدند و سیل تهمت و افتراء و سخنان مرموزانه ای که از زبان علماء درباری خارج می شد را متوجه آن رهبر عالیقدر نموده و گفتند: امام خمینی ره گفته است: «حضرت مهدی تکمیل می کند شریعت را».

این سخن مرموز موجب شد امام راحل ره ضمن معرفی حضرت ولی عصر علیه السلام به عنوان «مجری قانون» شریعت سخنان مرموزانه علماء درباری را تکذیب نموده و اظهار دارند:

«ما که از امام مهدی علیه السلام که قوه اجرائی اسلام است صحبت می کنیم و می گوئیم که عدل در زمان او فراگیر خواهد شد و از طرف خود آنها هم همین معنا است که «یملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملأت ظلماً و جوراً» ما که راجع به آن می گوئیم و می گوئیم که انبیاء موفق نشده اند اجرا کنند مقاصد خودشان را و خداوند در آخر الزمان کسی را می آورد که اجرا کند مسائل انبیاء را، این بیچاره ها برای خدمت به اجانب یا نفهمیده تأویل می کنند که فلان گفته است که حضرت مهدی تکمیل می کند شریعت را»^(۲).

۱- صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۱۹۸.

۲- صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۲۸۶ تاریخ ۵۹/۵/۲۰.

منتظران روز ظهور منجی آخرالزمان وظایفی دارند که مهمترین آن حرکت فکری و اجتماعی بسوی منجی و شناخت اوست.

آنان باید صفات رذیله نفسانی و شیطانی را از خود دور کرده و در جامعه فرهنگ دوری از گناه و هواهای نفسانی را ترویج نمایند و اینرا بدانند که «معنی انتظار و تکلیف منتظران» آن است که باید خود صالح باشند و برای ظهور مصلح از هیچ تلاشی دریغ نورزند و آن حضرت را به دنیا معرفی نمایند.

لذا ما پرچمداران استقبال از ظهور منجی باید «زینتِ او باشیم» و نام مقدّسش را زیباترین واژه در دنیای امروز جلوه دهیم و این کار جز با عمل صالح و به دور از هواهای نفسانی ممکن نیست.

اگر بتوانیم مردم عصر حاضر را با منجی خویش که همه ادیان به او معتقدند آشنا نمائیم و امتیازات زندگی در «عصر تمدن» حقیقی بشر «یا روز ظهور» منجی را که به وسیله حکومت جهانی آن حضرت محقق می شود، به باور آنان منتقل نماییم، یک بیداری فکری نسبت به آن روز پیدا کرده و چون مظلومی که به شدت تحت ظلم قرار گرفته و خواهان رهایی خود از بند ظالم است، خواستار رهایی از بندهای شیطان و زندگی در عصر تمدن حقیقی یا روز ظهور خواهند شد.

اگر جهانیان با «مقام ولایت» و رهبری حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه آشنا شوند و بدانند دارای رهبری زنده و حاضر در میان خود هستند که جانشین تمامی انبیاء علیهم السلام است و بر همه موجودات حتی جمادات و حیوانات نفوذ دارد و آنان را هدایت می نماید، اگر با قدرت و علم او که حتی خطورات قلبی تمامی انسانها را می داند و قادر است از هر کجای جهان که باشد بدون هیچ وسیله ارتباطی آنان را ببیند و صدایشان را بشنود، اگر با این مقام بزرگ آشنا شود یقیناً جز او کس دیگری را در قلب خود راه نخواهند داد و به همه مدعیان دروغین و خدایان نفسانی و شیطانی، نه خواهند گفت.

او «خورشید هدایتی» است که اگر یک روز در زمین نباشد و نور الهی خود را بر جهان نتاباند، زمین نابود خواهد گشت همانطوری که اگر خورشید ظاهری نور خود را از زمین قطع کند همه از نور و حرارت آن محروم گشته، مرگ و نیستی موجودات را فرا خواهد گرفت و کمترین دلیل بر این مطلب آن است که با همه گناهان و معصیت‌های اهل زمین، (که یک هزارم این گناهان کافی است تمام شهرهای جهان امروز را دچار عذاب الهی کرده و همه را نابود نماید) خداوند عذاب بر جهانیان نمی‌فرستد و منتظر روز ظهور و شکوفایی فکر بشر برای پذیرش منجی است تا همه عالم را سرشار از صلح و صفا گرداند.

هم‌اکنون با قرار گرفتن ابرهای سراسری و تیره‌ظلم و گناه و قتل و خیانت و دغلبازی قدرتمندان و حيله‌گران در برابر این خورشید درخشان، دنیا پر از ظلم گشته و وقت آن است که مردم جهان ظهور منجی را طلب نمایند و «دنیای پر از ظلم» کنونی را با رهبری آن انسان کامل پر از صلح و صفا گردانند.

سلام بر آنانکه چشم براه اویند و با این چشم‌براهی خود را آماده ورود این میهمان حق گستر می‌نمایند.

«سلام بر منتظران» آنحضرت که روز و شبشان با یاد و نام آنحضرت سپری می‌شود و در هر جای اجتماع که هستند می‌کوشند دیگران را متوجه نجات دهنده خویش نمایند.

و اما ما شیعیان که خود را معتقد به آنحضرت دانسته و او را در میان خود حاضر می‌دانیم، باید «آماده دیدار او شویم» و خود را از صفات ناپسند خصوصاً ریاست‌طلبی و فراموشی از امام عصر ارواحنا فداه پاک نماییم.

«تکلیف مسئولین» ما آن است که ضمن اداره هرچه بهتر امور مردم، جامعه را بسوی اهداف عظیم انقلاب که زمینه‌سازی برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است

سوق دهند همانگونه که امام خمینی قدس سره چنین فرمود (و ما سخن ایشان را در قسمت تکلیف مسئولین نقل خواهیم کرد).

و بالاخره، خدای بزرگ و همه انبیاء و اولیاء و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام «تنها یک سفارش» به ما دارند که بپا خیزیم و منجی خود را که سالهاست منتظر نگه داشته‌ایم، بشناسیم و درخواست ظهور مقدّسش را از خدای منان بنمائیم که این سفارش پایان بخش همه دردهای فردی و اجتماعی بشر می‌باشد.

این بود خلاصه‌ای از سی قسمت کتاب «خورشید هدایت» که با استفاده از عناوین خود کتاب تنظیم و تقدیم حضورتان گردید.
سی قسمت فوق کاملاً عقلی و مورد پذیرش هر انسان عاقل و منصفی است که حق طلب باشد و در برابر آن لجاجت نورزد.

قسمت اوّل :



«اگر چنانچه یک منجی برای این بشر پیدا نشود و انشاءالله امیدوارم که بزودی پیدا بشود و خداوند منجی بزرگ را به داد بشریت برساند که اگر دیر بشود، اصلاً هلاکت در بین همه شان یک امر ساری عمومی می شود».

صحیفه نورج ۱۸ ص ۵

قال رسول الله ﷺ :

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهليّة»^۱

سرگشتگی^(۱)، سرگردانی، تحیر، بی هدفی....

سرگردان کیست؟

آیا بشر امروز سرگردان است؟ سرگشته است؟ بی هدف و متحیر است؟! آری انسان امروز بمانند کسی است که در بیابانی گم شده و نمی داند به کجا باید برود. گاهی به طرف شرق، گاهی به سوی غرب رفته و نمی داند گم شده اش را کجا باید بجوید.

چرا انسان سرگردان می شود؟ شما چه پاسخی برای این سؤال دارید؟

شاید بگوئید: چون نمی داند، سرگردان است.

انسان وقتی در بیابان راه را گم کرده و «نمی داند» به کدام طرف برود تا هلاک نشود حالت سرگردانی و تحیر پیدا می کند، پس پاسخ روشن است: «چون نمی داند سرگردان است» و در نتیجه:

ریشه اصلی سرگردانی در ندانستن است و ندانستن آنکه هویت اصلی او در چیست و به کجا باید برسد.

آیا انسان امروز سرگردان نیست؟

آیا به دنبال هدف نمی گردد؟

۱- سخنان حضرت امام خمینی علیه السلام در باره سرگشتگی جامعه بشری را به جهت آماده سازی ذهنی (تنها در همین

قسمت) در پایان آن آورده ایم.

رسول خدا ﷺ :

«آنانکه بدون شناختن امام زمانشان از دنیا بروند در حقیقت به سرگ
زمان جاهلیت (در کفر و گمراهی) از دنیا رفته‌اند.»

آیا در بیابان کویری زندگی حیوانی که از انسانیت خبری نیست به دنبال شهر
"انسانیت" و "انسانهای حقیقی" نمی‌گردد و نمی‌گوید :

«از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست»

آری همه ما در بیابان زندگی حیوانی به دنبال شهر انسانیت در حرکتیم و مانند
مسافرین اتوبوسی هستیم که با سرعت فوق‌العاده‌ای حرکت می‌کند و مقصد آن
رسیدن به شهر انسانیت و زندگی انسانی است که هزاران سال در بیابان خشک صفات
زشت غیرانسانی طی طریق کرده و هنوز به آن شهر نرسیده است.
شاید کسی بگوید چون بشر به پیشرفتهای علمی دست یافته، پس به آن شهر
رسیده است.

در پاسخ باید گفت :

اگر رسیده پس این همه اعمال خلاف انسانیت در آن برای چیست؟
اگر رسیده است پس چرا همه روزه کشتارهای فجیع در جای جای آن به چشم
می‌خورد؟

اگر رسیده است پس چرا همه روزه هزاران نفر از گرسنگی می‌میرند و در همان زمان
عده‌ای از سیری دچار مشکل بوده و نمی‌دانند با ثروت‌های هنگفت خود چه کنند؟

«هنوز به نقطه شروع زندگی نرسیده‌ایم»

و اگر فرض کنیم بشریت از لحاظ مادی همه مشکلات خویش را از میان بردارد (که
این فرض تا هواهای نفسانی و شیطانی بر بشر حاکم است غیرممکن است) تازه مانند
حیوانات از یک زندگی حیوانی برخوردار شده است زیرا زندگی حیوانات کاملاً
منظم، علمی، پیشرفته و بی‌دغدغه است و هیچ مشکلی در آن مشاهده نمی‌شود و

قال رسول الله ﷺ :

«المهدى من ولدى... يكون له غيبة و حيرة يضل فيها الأمم...»^۱

لذا از هر جهت (جز ابعاد روحی و زندگی انسانی) نظم موجود در زندگی جانداران یک تابلوی راهنمای علمی بسیار دقیق برای ما انسانهاست که بهترین الگوها از آن اقتباس شده و دانشمندان رموز پیچیده علمی در بخش‌های مختلف را از قوانین بی‌نهایت دقیقی که خداوند متعال در زندگی جانداران اجرای نموده، به دست آورده و در زندگی مادی خود پیاده نموده و آنرا پیشرفته کرده‌اند.

ولی آیا رسیدن به یک زندگی حیوانی و بی‌عیب و نقص هدف از خلقت ما انسانهاست؟

اگر چنین است که بهتر بود خداوند ما را حیوان قرار می‌داد تا راحت‌تر و بدون هیچ دغدغه‌ی خاطری از لذت‌های زندگی حیوانی و مادی بهره می‌بردیم (که عقل انسان هر روز صدها فریاد بر سر او می‌کشد و او را بر غفلت از هدف اصلی خلقت سرزنش می‌کند). اگر چنین است آیا بهتر نبود حیوان خلق می‌شدیم تا مانند حیوانات که از فسادها و جنگها و بی‌امنیتی‌ها و هزاران بلای خانمانسوز دیگر زندگی ما انسانها دورند، ما هم از همه نابسامانیهای زندگی به اصطلاح انسانی (و در حقیقت ضد انسانی) راحت می‌شدیم؟

لذا باید با کمال جرأت و شجاعت بگوئیم حیوانات از ما جلوتر و پیشرفته‌تر هستند زیرا بدون آنکه هیچ ادعائی (مانند ادعاهای ما انسانها) داشته باشند از یک زندگی کاملاً راحت و بی‌زحمت بهره‌مند بوده و عقل هم ندارند تا کسی آنانرا سرزنش نماید که چرا به دستور عقل رفتار نکردید.

ولی ما انسانها بر فرض رسیدن به یک زندگی حیوانی کاملاً راحت، تازه به نقطه صفر دست یافته‌ایم و هیچ کمالی از کمالات انسانی کسب ننموده‌ایم.

و ای کاش این چنین بود و به همان نقطه صفر رسیده بودیم و مانند امروز یا دیروز

رسول خدا ﷺ :

«حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان من است... برای او غیبتی است که همه امتها در زمان غیبتش دچار سرگشتگی می شوند».

شاهد هزاران نوع جنایت، خیانت، فساد، جنگ، تهدید اتمی، آدم ربائی، فسادجنسی و ترویج آن در سطح جهان، به هرصورت که دلخواه عده‌ای از استعمارگران و سیاستمداران شیطانی پشت پرده است و... هزاران نوع فجایع دیگر نمی بودیم، ای کاش چون حیوان بودیم و این مفاسد در زندگی را نمی دیدیم و مانند حیوانات ادعائی نداشتیم.

آری نابسامانیهای موجود در زندگی بشر (که به دست خود او ایجاد شده) حقیقتاً او را سرگردان و بی هدف کرده است.

نمی داند به غرب رو کند و گم شده خود را در آن بیابد یا به طرف شرق رفته و تشنگی خود را برطرف نماید. کدام فکر و عقیده را بپذیرد، کدام حکومت را به تمام معنی حکومتی عادلانه بداند کجا و چه زمانی دیده شده که عدالت در این جامعه بشری حکم فرما باشد؟

انسان امروز، تا دیروز فکر می کرد اگر به سوی علم یعنی علوم مادی و پیشرفتهای فیزیکی، صنعتی، فضائی و غیره برود به مقصد می رسد، ولی امروز می بیند که پیشرفت صنعتی و علمی و فضائی حتی اگر تا کپکشانهای دور دست نیز سفر کند و حتی اگر در کرات دیگر با فاصله هزاران سال نوری هم منزل نموده و مانند کره زمین در آن بسربرد، تا با صفات انسانی آمیخته نگردد فایده‌ای نداشته و به مقصد خود که شهر انسانیّت و صفات انسانی است نرسیده و سرگردان است.

اکنون باید ببینیم علت سرگشتگی انسان چیست؟ ولی قبل از آن باید کلمه انسان را قدری مورد توجه قرار دهیم.

انسان کلمه‌ای است از ریشه انس.

انسان یعنی موجودی که باید انس بگیرد.

قال رسول الله ﷺ :

«سيجيء اقوام في آخر الزمان وجوههم وجوه الادميين وقلوبهم قلوب الشياطين»^۲

انس با چیزی که به او آرامش بخشد،

انس با چیزی که همیشه با او باشد و او را از خطر حفظ نماید.

انس با کسی که از همه چیز بی نیاز باشد و به او محبت کامل داشته باشد.

مرگ در او راه نداشته باشد.

آری انسان باید با خدای خویش انس بگیرد.

خدا تنها کسی است که به انسان آرامش می دهد.

دلسوز انسان است.

همیشه با انسان است.

نمی میرد و بی نیاز است.

آیا انسان امروز در این وادی پیشرفتی کرده است یا عقب گرد نموده و به غیر از خدا

با هر چیز دیگر انس گرفته و هزاران چیز را بجای خدا برای خود برگزیده است که همه

آنها دیر یا زود از او جدا می شوند.

انسان تا با خدای خویش و خالق مهربانش انس نگیرد و از او آرامش نخواهد هرگز

به آرامش که نیاز اصلی اوست دست نخواهد یافت و اگر نفس جاهل یا شیطان

چیزهای دیگری را به عنوان عناصر آرامش بخش به او معرفی کرده یا بر او تحمیل

نموده اند دیر یا زود (در دنیا یا پس از مرگ) خواهد فهمید که اشتباه کرده است و باید

به آغوش پروردگار بازگردد.

«ولی باید اذعان نمود...»

ولی باید اذعان نمود که انسان امروز به جایی رسیده که تنها صفات شایسته انسانی

را موجب دست یابی به صلح و عدالت جهانی می داند.

رسول خدا ﷺ :
«بزودی مردمی در آخرالزمان خواهند آمد که صورتهای آدمیزاد دارند ولی
دلهایشان دلهای شیطانی است.»

انسان امروز با هدف رسیدن به شهر انسانیت چون تشنه‌ای در کویر به دنبال آب
می‌دود ولی آنرا نمی‌یابد.

او بارها و بارها سرابهایی را دیده است که به گمان آنها را آب پنداشته است و به امید
رسیدن به آب بسوی آنها دویده و سخت هم دویده است. (منظور ایده‌ها و حکومتها
و عقاید مختلفی است که در جهان بروز و ظهور کرده) ولی تا به آن رسیده متوجه شده
سرابی بیش نبوده و مجدداً باید به سوی دیگر بدود.

«انسان در تشخیص نقش سرانگشت خود متحیر نیست چه رسد...»

اکنون زمان آن رسیده است که به علت این سرگردانی پی ببریم و
اصولاً بدانیم انسان، سرگشته و حیران خلق نشده است.

سرگردانی شایسته انسان، آنهم چندین میلیارد انسان موجود در کره زمین نیست و
خداوند قادر و حکیمی که در سرانگشت همین چند میلیارد انسان چنان قدرت و
حکمتی بکار برده که دو نقش و دو سرانگشت یکسان در آنها نه در گذشتگان و نه در
آیندگان یافت نمی‌شود، و با همین نقش سرانگشتان می‌خواهد بما بگوید ای انسان
من در تشخیص نقش سرانگشت میلیاردها میلیارد انسان نگذاشته‌ام تو سرگردان
شوی (که آیا این اثر انگشت مال این فرد است یا آن فرد) آیا خواسته‌ام که تو بدون
راهنمایی معصوم از جانب من مانده و سرگردان شوی و راه رسیدن به مقام انسانیت
را ندانی؟

آری خدای حکیم و مهربان هیچگاه دوست ندارد و نخواسته مخلوق عزیزش یعنی
انسان، سرگشته و متحیر باشد و چگونه چنین باشد در حالیکه حیوانات متحیر و
سرگردان خلق نشده و براحتی زندگی می‌کنند ولی انسان که اشرف مخلوقات است

دعاء الندبة :

«وكان بعده هدى من الضلال ونوراً من العمى»^۲

خود معترف است که سرگشته است و چنان هدف را گم کرده که رسیدن به رفاه مادی را همه چیز می داند که اگر حیوانات می دانستند ما انسانها دارای عقل و شعور انسانی هستیم به ما می خندیدند و می گفتند اینها دیگر چه موجوداتی هستند و چگونه شعار مقام انسانیت را سر می دهند درحالیکه در همه جا به دنبال رسیدن به زندگی حیوانی خویش اند.

از این فاجعه آمیزتر آنکه همین شعارهای زیبا (مقام انسانیت و حقوق بشر و...) را عده ای به دروغ سرداده و آنرا وسیله رسیدن به زندگی حیوانی خود می نمایند.

«جاده انسانیت»

خداوند انسان را از آغاز، در شاهراه هدایت پیامبران خویش قرار داد و به او گفت : در این جاده حرکت کن تا به شهر انسانیت برسی .

ولی انسان بمجرد سوار شدن بر ماشین زندگی و مسلط شدن بر آن و تا خود را آزاد و فرمانده این ماشین دید فرمان زندگی را به جاده های انحرافی چرخاند و به فکر ناقص خود متکی شد و سخن انبیاء و علوم آنها را که به منبع علم حقیقی و بی نهایت (پروردگار) متصل بود هیچ به حساب نیاورد و آنها را عقب افتاده و مانع راه خود دید و راه انتخابی خود را هوسهای جاهلانه و صفات غیرانسانی و ریاست و طمع و کسب ثروت و قدرت ضدانسانی قرار داد.

انسان بمجرد انحراف از شاهراه انبیاء عليهم السلام و مقداری حرکت در جاده انحرافی ناگاه خود را در بیابانی خشک و سوزان با گودالهای خطرناک و دره های وحشتناک و مار و عقربهای کشنده و... (هواهای نفسانی و شیطانی و صفات زشت دور از مقام یک انسان) دید.

دعای ندبه :

«علی علیّه السلام (و امامان معصوم) پس از رسول خدا ﷺ چراغ هدایت مردم از تاریکی و گمراهی هابودند. (بدون آنان بشر سرگشته می شود).

عقربهائی که بجای کشتن یک نفر یک شهر با تمام ساکنین آنرا در یک لحظه خاکستر می کنند (مانند انفجار بمبهای اتمی) مارهائی خوش خط و خال که بینندگان یعنی طعمه های منحرف شده از جاده انبیاء را کاملاً می بلعند (مارهای شهوت و ریاست و...) و اثری از انسانیت و شکل انسانی در طعمه خود که همان انسانهای ضعیف الایمان هستند، باقی نمی گذارند.

آری جامعه بشری با انحراف از جاده انبیاء علیهم السلام در گودالهای فقر، مرگ زودرس، جنگهای جهانی و منطقه ای و هزاران صفت زشت و غیرانسانی افتاد و چشید آنچه باید بچشد و فهمید که انحراف از راه انبیاء علیهم السلام چه نتیجه ای دارد.

انسان امروز همانطور که این تصویر برگرفته از یک مجله آفریقائی گویای آن است از سرگشتگی می نالد و دست بسوی خالق خویش دراز کرده و نجات دهنده را می طلبد. انسان امروز چون آتش گرفته ای است که آتش نشان را صدا می زند.



عن الامام العسکری علیه السلام :

«اما ان لولدی غیبة یرتاب فیها الناس الا من عصمه الله»^۵

آری انسان امروز، منجی آخرالزمان را (که همه پیامبران نوید ظهورش را داده‌اند) می‌طلبد و دیگر فریب افکار ناقص انسانهای گم شده را که هر یک در اثر تشنگی و گم‌شدگی خیال می‌کنند آنچه می‌گویند درست است را نمی‌پذیرد و آماده است خود را از دست هزاران نوع خدای ساختگی (خواسته‌های دل این و آن) نجات دهد. انسان امروز می‌فهمد که تنها آن منجی الهی که معصوم است و کوچکترین خطائی ندارد قادر است کاروان بزرگ جامعه بشری را به شهر انسانیت برساند.

«نتیجه»

این کاروان بزرگ در قرن پیشرفت و قرن صنعت و تکنولوژی و... ناگهان با صدائی از گوشه جهان و از کشور ایران مواجه شد و مردی را دید که می‌گوید باید آستین همت بالا بزنیم و خود را از این سرگردانی نجات دهیم.

باید افکار جهانیان را برای ظهور منجی عالم بشریت که پیامبران الهی از هزاران سال پیش نوید ظهورش را داده‌اند آماده نمائیم چرا که او زنده است و در بین ما حضور دارد ولی ناشناس زندگی می‌کند تا مردم جهان آماده پذیرش او شوند او بیاید و به قدرت پروردگار و ملائکه و یاران بااستقامتش جهان را تحت فرمان عدالت و انسانیت درآورد.

گرچه استعمارگران بین‌المللی و سیاستمداران شیطانی پشت‌پرده با تبلیغات زهراگین خود کوشیدند آن انسان کامل را جنگجو، ویرانگر و خونریز معرفی نمایند ولی خورشید همیشه پشت ابر نمی‌ماند و جهانیان به مقام آسمانی او پی خواهند برد.

آری امام خمینی قده مردی بود که می‌خواست مردم ایران و سایر کشورهای جهان متوجه منجی عالم بشریت شوند و او را صدا بزنند و برای آنکه این گفته خود را در

امام عسکری علیه السلام :
«برای فرزندانم (حضرت مهدی علیه السلام) غیبتی است که همه مردم مگسر
کسیکه خداوند او را حفظ نماید، در آن زمان دچار سرگشتگی می شوند.»

عمل به اثبات رساند کوشید تا حدی که می تواند (توجه داشته باشید تا حدی که می تواند و توان او یک توان بشری است) جامعه خود را به سوی عدالت رهنمون سازد تا توجه به خدا و معنویات و توجه به حکومت جهانی منجی عالم بشریت جایگزین توجه به فساد و فحشاء و قتل و خیانت و رشوه و... گردد.

امام خمینی قدس سره در باره سرگردانی و از هم گسیختگی جامعه بشری می فرمود :

- " این گرفتاریهایی که بشر به آن مبتلاست این نحو گرفتاریهاست

اینطور حقکشی هاست که سرتاسر عالم را فرا گرفته است و اگر چنانچه یک

منجی برای این بشر پیدا نشود و انشاءالله امیدوارم که به زودی پیدا بشود و

خداوند منجی بزرگ را به داد بشریت برساند که اگر دیر بشود اصلاً هلاکت در

بین همه شان یک امر ساری عمومی می شود." (۱)

- " انبیاء دنبال این بودند که چرا باید این بشری که فطرتاً باید فطرت سالم

داشته باشد، چرا باید اینطور باشد. رسول اکرم برای این غصه می خورد، در

وحی هم به او گفته است که مثل اینکه تو خودت را داری به کشتن می دهی که

اینها ایمان نمی آورند." (۲)(۳)

۱- صحیفه نور - ج ۱۸ - ص ۵ - تاریخ ۶۴/۳/۱۴ - ۲- صحیفه نور ج ۱۳ - ص ۱۳۳-۱۳۴ - تاریخ ۵۹/۸/۶

۳- لعلک باخغ نفسک الا یکونوا مومنین (سوره شعراء آیه ۳).

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم :

«الآن انه لا غالب له ولا منصور عليه»^۶

«ای مردم بدانید که هیچکس نمی تواند بر حضرت مهدی علیه السلام غلبه کند و بر او پیروز گردد»

– “ مقصد اسلام و مقصد همه انبیاء این است که آدمها را تربیت کنند، صورتهای آدمی را آدم معنوی و واقعی کنند، مهم در نظر انبیا این است که انسان درست بشود، اگر انسان تربیت شد، همه مسائل حل است. یک مملکتی که دارای انسان مهذب است، تمام مطالبش حل است. انسان آگاه مهذب، همه ابعاد سعادت را برای کشور تأمین می کند ...

لکن همه مقصد این نیست، رفاه برای امت درست می کند لکن مقصد این نیست. انسان، حیوان نیست، انسان یک موجودی است که در طرف سعادت به بالاترین مقام می رسد، در طرف کمال به بالاترین مقام موجودات می رسد و اگر انحراف داشته باشد از پست ترین موجودات پست تر است. انبیاء که دیدند مردم در هلاکت هستند از حیث اخلاق، از حیث عقاید، از حیث اعمال، مکتبهایی را خدای تبارک و تعالی به آنها الهام کرد تا نجات بدهد انسان را به همه ابعادی که دارد. اگر انسان حیوانی بود مثل سایر حیوانات، لکن حیوانی که تدبیر دارد، حیوانی که اهل صنعت است، اگر این بود احتیاج به آمدن انبیاء نداشت. برای اینکه این راه، راهی است که مادین خودشان ادراک می کنند، آمدن انبیاء برای این است که آن راههایی که بشر نمی داند، آن حقایقی را که انسان نمی داند به آنها تعلیم بفرمایند. انبیاء برای راهنمایی یک مقام بالاتر، یک مقام انسانی بالاتر آمده اند.”^(۱)

۱- صحیفه نوری ۷- ص ۱۶ - تاریخ ۵۸/۳/۸

قسمت دوم :

پدافند انبیاء

«انبیاء اینکه دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا محقق کنند...» «انبیاء موفق نشده‌اند اجرای کنند مقاصد خودشان را و خداوند در آخر زمان کسی را می‌آورد که اجراء کند مسائل انبیاء را» .

صحیفه نور ج ۱۶ ص ۱۰۵ و ج ۱۳ ص ۳

عن الباقر عليه السلام :
« اخذ الله الميثاق على النبيين و قال الست بربكم قالوا بلى... و ان المهدي عليه السلام
انتصر به لديني»^۷.

امام خمینی قدس سره در بیان هدف اصلی انبیاء چنین می فرمود :

– “ هر یک از انبیا که آمدند برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که
که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند، حتی رسول
ختمی صلی الله علیه و آله که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و
برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا و آن
کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد
کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در
زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت... حضرت
صاحب سلام الله علیه این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم زمین را پر از
عدل و داد خواهد کرد به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهی... ”^(۱).

۱- صحیفه نوره ۱۲ - ص ۲۰۸ - ۲۰۷ - تاریخ ۵۹/۴/۷

امام باقر علیه السلام :

«خداوند از انبیاء پیمان گرفت و فرمود: آیامن پروردگار شما نیستم گفتند بلی... و به آنان فرمود: آیا حضرت مهدی علیه السلام همان کسی که بوسیله او دینم رایاری می‌کنم نمی‌باشد؟».

- " انبیاء اینکه دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند ".^(۱)
- " انبیاء یک روزشان برای خودشان صرف نشده است. یک ساعتشان توجه به خودشان نبوده. همه توجه به این بوده است که این مریضه‌ها را، اینهایی که دارند خودشان را به چاه می‌اندازند، اینهایی که دارند خودشان را به عاقبت‌های بسیار بد می‌اندازند، اینها را نجات بدهند ".^(۲)
- " انبیاء و اولیائی که راهها را می‌دانستند، عواقب را می‌دانستند، برای بشر غصه می‌خوردند و جانفشانی می‌کردند که مردم را نجات بدهند ".^(۳)
- " انبیای خدا برای این مبعوث شدند که آدم تربیت کنند؛ انسان بسازند؛ بشر را از زشتیها، پلیدیها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند، و با فضایل و آداب حسنه آشنا کنند ".^(۴)
- " ... این همه انبیاء آمده‌اند و دعوت کردند و کشته شدند جنگها کردند و زحمتهای کشیدند، آیا فقط برای این بود که مستکبرین را کنار بزنند و

۱- صحیفه نوری ۱۶ - ص ۱۰۵ - تاریخ ۶۱/۱/۱۴ - ۲- صحیفه نوری ۱۵ - ص ۲۸۴ - تاریخ ۶۰/۱۰/۲۳

۳- صحیفه نوری ۱۵ - ص ۲۸۳-۲۸۴ - تاریخ ۶۰/۱۰/۲۳

۲- جهاد اکبر - ص ۲۴

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم:

«الآن والله في أرضه و حکمته في خلقه و امينه في سره و علانيته»^١.

توده‌های مردم را برای آنها رفاه حاصل کنند یا مقصد بالاتر از اینهاست؟
خدای تبارک و تعالی که انبیاء را فرستاده است برای تعمیر دنیا فقط فرستاده
است یا مقصد بیشتر از اینهاست و بالاتر از اینهاست؟^(۱)

- " اگر انبیاء را ما استثنا بکنیم از بشر، از اول انبیایی در کار نبودند و بشر
خودش

خود به خود بزرگ می‌شد، اگر این طور بود، تمام بشر به هلاکت و به نابسامانی
می‌رسید و روی خوش در بین بشر اصلاً پیدا نمی‌شد. الآن که می‌بینید که یک
عدد بسیاری از مردم خوب هستند و آن توده‌های مردم است، این از برکت
همان تربیتهای معنوی انبیای خداست. تربیتهای معنوی انبیای خدا، در عین
حالی که همه قبول نکردند این تربیت را، مع ذلک آنقدر در دنیا نور افکنده
است که توده‌های ضعیف مردم همه خوب هستند کمتر در آنها این فسادها پیدا
می‌شود." ^(۲)

- " اساساً انبیای خدا، صلوات‌الله و سلامه‌علیهم، مبعوث شدند برای خدمت بسه بندگان
خدا، خدمتهای معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به

۱- صحیفه نور ج ۷ - ص ۱۵ - تاریخ ۵۸/۳/۸
۲- صحیفه نور ج ۱۷ - ص ۲۰ - تاریخ ۶۱/۶/۲۸

رسول خدا ﷺ :
«مردم بدانید حضرت مهدی علیه السلام سرپرستی مهربان از سوی خداوند در زمین و حاکم از سوی او در خلق و امین پروردگار در پنهان و آشکار امور الهی است.»

مظلومان و ستم‌دیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی".^(۱)

- "تمام انبیاء معلّمها هستند و تمام بشر دانشجو. انبیاء مکتبی دارند که در آن مکتب می‌خواهند این موجود دوپایی که بدترین موجودات است و اگر رها بشود خطرناکترین موجودات عالم است، این را به راه مستقیم، به صراط مستقیم هدایت کنند و اجرای این امر را هم خودشان متکفل‌اند".^(۲)

اینها قسمتی از سخنان حضرت امام خمینی ره درباره هدف انبیاء علیهم السلام بود که ما با ردیف نمودن آنها، زنجیره مشخصی که براساس آن این کتاب را شکل داده‌ایم، دنبال می‌کنیم.

حلقه اول این زنجیره بحث سرگشتگی انسان بود که توضیحات لازم را پیرامون آن بیان کردیم و ثابت شد که انسان دیروز و امروز سرگردان است و دلیل آن هم اینست که برای رسیدن به مقصد اصلی یعنی رسیدن به مقام انسانیت که منعکس کننده صفات پروردگار در خود باشد نمی‌داند چه کند و چگونه در همین دنیا به مقامی که انبیاء نوید آنرا داده‌اند برسد.

انسان موجودی بسیار قوی و دارای سرمایه عظیمی برای پیشرفت بسوی آینده نامتناهی است.

۱- صحیفه نوری ۱۸ - ص ۴۳ - تاریخ ۶۲/۴/۲۳ ۲- صحیفه نوری ۱۳ - ص ۵۲ - تاریخ ۵۹/۶/۸

عن رسول الله ﷺ :

«من انكر القائم من ولدي فقد انكرني»^۱

«پرواز به سوی آسمان»

در حقیقت باید این مثل را برای انسان زد که :

انسان مانند موشکی فضایی است که بر سکوی پرتابی به نام زندگی حیوانی قرار گرفته و باید با تکیه بر زندگی مادی و حیوانی (که از ضروریات وجود بشر است) بسوی آسمان کمال و معنویت و صفات انسانی و صفات پیامبران که در آسمان معنویت می درخشند، پرواز نماید.

انسان همانند آن موشک دارای سرمایه و انرژی معنوی عظیمی است که می تواند با قدرت و استقامت (بسان یک موشک) خود را از سکوی زندگی حیوانی جدا و بر جاذبه شهوات و سایر نیروهای بازدارنده غلبه کند.

انسان می تواند بسان معلم انسانیت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام دارای ابعاد مختلف توجه به دنیا و آخرت باشد و در عین برخورداری از نعمتهای مادی پروردگار، از اوج معنویت و صفات انسانی برخوردار گردد و نگذارد جاذبه شهوت و محبت دنیا او را زمین گیر کرده و از پرواز بسوی آسمان کمال باز دارد.

انسان دیروز و امروز و فردا چنان قوی خلق شده است که می تواند چون سفینه ای هزاران سال نوری آسمان کمالات و معنویات حرکت کرده و خود را به اوج معنویت برساند.

ولی آیا این آرزوی انبیاء علیهم السلام که همانند مهندسین و سازندگان پرتاب موشک بر ما نظاره گرند هیچگاه به واقعیت مبدل گشته و انسان توانسته است به آسمان معنویات پرواز کند، و صفات انسانی و کمالات روحی را در تصرف خود درآورد؟

باید بگوئیم، خداوند متعال و انبیاء و جانشینان آنان از هزاران سال قبل تاکنون

رسول خدا ﷺ :
«کسیکه حضرت قائم عجل الله فرجه که از فرزندانم می باشد را منکر شود، یقیناً
مرا منکر شده است».

منتظر تحقق این آرزو بوده و برای انجام آن روزشماری می کنند. (در قرآن کریم مکرر این معنی آمده است که ای مردم شما منتظر چنین روزی باشید ما هم منتظر هستیم).^(۱)

«اگر پرواز صورت نگیرد...»

اگر به جهت نقص فنی، موشک از پرتاب به سوی آسمان باز بماند، به ناچار می بایست سرمایه هنگفت آنرا در امور دیگری (غیر از فضاوردی) بکار گیرند که با این سرمایه عظیم دهها کار پرهزینه اعجاب برانگیز می توان انجام داد. در مورد انسان نیز مطلب همینطور است اگر انسان به هدف انبیاء توجه ننموده و از آن نیروی عظیم معنوی خود برای صعود به آسمان کمالات و معنویات بهره نگیرد و خود را اسیر هواهای نفسانی و شیطانی نماید ناچار است آنرا در امور دیگری بکار گیرد و حتی گاهی اعجاب دیگران را برانگیزد، لذا بسیاری از انسانها را می بینیم در اموری که هدف یک انسان حقیقی نیست نیروی خود را بکار گرفته و حتی پیشرفتهای خارق العاده ای انجام می دهند، مثلاً با ریاضتهای خاصی می توانند شیشه را بچوند و مانند غذا آنرا فرو دهند، یا در بعضی رشته های ورزشی از حد معمول گذشته، با به خطر انداختن جان خود و دیگران و تنها برای هنرنمایی و جلب نمودن چشمهای مردم بسوی خود (نه ورزش و تقویت نیروهای جسمی) کارهایی انجام دهند که بینندگان از تعجب متحیر شوند یا در امور خلاف قانون، شاهدیم چگونه دزدان و قاچاقچیان از حيله هائی استفاده می کنند که انسان دچار تحیر می شود. همچنین در

۱- قل انتظروا انا منتظرون - سوره انعام آیه ۱۵۸

زیارت صاحب الامر :

«اشهد... انک حی لا تموت حتی تبطل الحبت والطاغوت»^{۱۰}

کشتار و جنگ و... چنان انسان پیش می رود که مایه حیرت تاریخ و جهانیان می شود.
علت چیست؟

چرا خداوند این نیرو را به انسان داده؟ و آیا او دوست دارد انسان چنین کند؟
پاسخ ما با توجه به مثالی که زدیم روشن است.

خداوند این سوخت و انرژی معنوی را برای رسیدن انسان به کمالات و صفات شایسته انسانی به او مرحمت فرموده تا بتواند به مقام بلند جانشینی خدا بر زمین نائل شود و ستاره‌ای در آسمان معنویات گردد و برای آنانکه راه حقیقت را گم کرده‌اند بدرخشد و نور دهد و راه را بنمایاند.

ولی ما انسانها این ذخیره عظیم، از انرژی معنوی را بجای حرکت بسوی کمالات روحی و معنوی در امور دیگری که مورد نظر سازنده این فضاپیما نیست بکار گرفته و مانند بچه‌ای شده‌ایم که پولهای خرید سوخت موشک فضاپیما را برداشته و بین بچه‌ها تقسیم می‌کند تا آنرا بخرند و آنها هم هریک مثل او با آن پولها بازی کرده و آنها را پاره پاره نمایند بطوری که اگر کسی میلیاردها میلیارد تومان را که باید صرف خرید سوخت برای موشک می‌شد را ببیند چگونه توسط این کودک و در دست سایر کودکان از بین رفته تعجب می‌کند و با خود می‌گوید این کودک عجب کار حیرت‌انگیزی انجام داده و میلیاردها عدد سکه یا اسکناس را در تمام شهر پخش نموده و تمام خیابانها را مانند برگ پائیزی پوشانده است.

آیا اگر شما بیننده این صحنه باشید به این کودک آفرین می‌گوئید که چه کار مهمی انجام داده و در عرض یک روز تمام شهر را از اسکناس سفیدپوش کرده است یا بحال او غصه می‌خورید که چرا بجای خرید سوخت موشک فضاپیما پولها را هدر داده و موشک از پرواز و پیشرفت باز مانده است؟

زیارت امام عصر علیه السلام :
«شهادت می‌دهم یا صاحب‌الزمان که شما تا حق را بر تمامی جهان حاکم نسازی و
راه و رسم دشمنان حق را از بین نبری، زنده هستی و از دنیا نخواهی رفت».

آری ما که بجای صرف این سرمایه برای اوج گرفتن در آسمان انسانیت آنرا در امور
دیگر مصرف نمودیم هنر نکرده‌ایم و قهرمان نیستیم.

«هنر چیست؟»

هنر آن است که انسان، انسان شود. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که
فرمود: قهرمان کسی است که بر نفس خود غلبه کند.^(۱)
هنر آن است که جامعه بشری از هرگونه چهره غیرانسانی پاکسازی شود.
هنر آن است که در کوره زمین فقر و گرسنگی و گرفتاری و دغدغه خاطر وجود نداشته
باشد.

هنر آن است که انسانها دارای صفات زشت شیطانی و نفسانی نبوده و در صدد تفرقه
و کنار زدن یکدیگر از صحنه نباشند و تمامی کوره زمین از هرگونه نابسامانی مادی و
معنوی تهی گردد و انسانها به اوج سعادت برسند.
و هنر آن است که همه مردم مانند انبیاء که معلمین بشرند دارای سواد انسانی و
معنوی شوند و همانطور که اگر انبیاء همه یکجا جمع باشند با هم اختلافی ندارند
انسانها نیز مانند معلمین خود چنین شوند که بالاخره این کار باید انجام شود و
خداوند نوید تحقق آنرا بوسیله ظهور «منجی آخرالزمان» به همه دنیا داده است.

۱- جامع احادیث الشیعه (ج ۱۶/۳۲۳) عن النبی صلی الله علیه و آله : ان الشدید لیس من غلب الناس و لکن الشدید من غلب علی نفسه.

دعاء النذبة :

«الی ان انتهت بالامر الی حییک و نجیبک محمد ﷺ... قدمته علی انبیائک».

«تلاش انبیاء ﷺ»

آری انبیاء و جانشینان آنان از طرف سازنده و خالق بشر همیشه در تلاش بوده‌اند تا انسانها با استفاده از زندگی دنیا و بهره‌برداری از نعمتهای پروردگار، از آن به عنوان سکوی حرکت بسوی مقام انسانیت استفاده نمایند و چنانچه این حرکت در جامعه بشری انجام نشود سرمایه عظیم الهی و روح لطیف انسانی در میان انبوه نیروهای بازدارنده و جاذبه‌های مختلف شهوانی اسیر شده و مانند موشکی پرتاب نشده هرآنچه برایش هزینه شده است به هدر خواهد رفت.

هدر رفتن این سرمایه در مورد اشخاص ممکن است، یعنی بعضی از انسانها روحشان مرده و از انسانیت چیزی درک نمی‌کنند و حتی با انفجار و بروز صفات زشت خود همچون تکبر، خودخواهی، شهوت پرستی و ریاست طلبی و... انسانهای دیگر را هم به کام مرگ کشانده‌اند.

ولی باید دانست که مجموعه انسانها چنین نیستند و چنین نخواهند بود یعنی جامعه بشری کارش بدانجا نخواهد رسید که چون موشک مثال زده شده پرتاب نشود و یا منفجر گردد بلکه خداوند متعال به عنوان سازنده و خالق بشر چنین اجازه‌ای به جامعه بشریت نخواهد داد تا به جایی برسند که مفهوم انسانیت و راه پیامبران را محو نمایند و اگر چنین می‌بود اصلاً انسانها را نمی‌آفرید. و فاسد شدن بعضی از آنها که با اختیار خودشان صورت گرفته، تنها موجب عبرت دیگران می‌شود تا جائیکه جامعه بشری بواسطه عبرت گرفتن از اعمال زشت سیرتان به این نتیجه می‌رسد که :

«تنها با کنار گذاشتن خواسته‌های جاهلانه و اطاعت از پروردگار می‌توان به

سعادت رسید».

دعای ندبه :

«خدا یا سلسله پیامبران را بسوی خلق گسیل داشتی تا زمینه تشریف فرمائی حبیب و نجیب تو، برگزیده و آقای همه خلق که سرور تمامی انبیاء بود یعنی حضرت محمد ﷺ را فراهم نمایند.»

«مدرسه‌ای در گوشهٔ عالم»

خداوند متعال مدرسه بزرگ کرهٔ زمین را در کشور پهناور کهکشان راه شیری ایجاد کرد تا در آن انبیاء و جانشینان آنان براساس کتابهای آسمانی تورات و انجیل و قرآن کریم درسهای انسان شدن را به بشر بیاموزند و او را از این مدرسه توحید و معنویت فارغ‌التحصیل نموده، راهی زندگی جاودانه بهشتی نمایند.

اگر بنا بود این مدرسه به تعطیلی کشیده و دروس انسانیت در آن محو و حیوانیت و تکبر، خودخواهی و پول پرستی و تجاوز و ظلم و... جایگزین گردد، هرگز چنین مدرسه‌ای را بنا نمی نمود.

اگر شما بدانید مدرسه‌ای را در شهر یا روستائی بسازید و بمجرد افتتاح آن عده‌ای جاهل که از باسواد شدن مردم می ترسند بیایند و آنرا تعطیل و دانش آموزان را از آن فراری دهند و مدرسه ساخته شده شما را تبدیل به زباله دانی و محل فعالیت‌های فاسد و دزدی و تجاوز خود قرار دهند اگر از حالا بدانید چنین می شود مدرسه را خواهید ساخت؟

«ملائکه چه گفتند و چه شنیدند؟»

اگر بنا بود که عده‌ای شیطان سیرت و ظالم و خودخواه زندگی انسانی در کرهٔ زمین را مبدل به زندگی غیر انسانی و حیوانیت و کشتار و فساد و ناامنی و هزاران بدبختی دیگر نمایند و پایان جامعه بشری چنین باشد اصلاً خداوند هیچ انسانی را نمی آفرید چنانکه در قرآن کریم این معنی را نفی فرموده و در ابتدای خلقت حضرت آدم علیه السلام به ملائکه فرمود:

دعاء الندبة :

«... و لئلا يقول احد لولا ارسلت الينا رسولا منذراً و اقت لنا علماً هادياً فنتبع
اياك من قبل ان نذل و نخزي»^{۱۲}

«من می خواهم در روی زمین جانشینی برای خود قرار دهم»^(۱)

و آنگاه که ملائکه گفتند :

«خدایا آیا در روی زمین موجودی را خلق می کنی که در آن فساد کرده و خونها را

بریزد»^(۲)

زیرا ملائکه (چنانکه در روایات نقل شده از خاندان عصمت عليهم السلام آمده است) دوره‌هایی قبل از حضرت آدم از آدمها و عالمها را دیده بودند که در روی زمین بسر می بردند و با جنگ و خونریزی زندگی خود را به نابودی می کشاندند. (مانند بعضی انسانهای به اصطلاح متمدن امروز که ممکن است در یک لحظه با چند انفجار اتمی به حیات بشر پایان دهند).

ولی خداوند متعال که خود می دانست چه می کند، اراده‌اش آن بود که با خلقت حضرت آدم عليه السلام و نسل او و تأسیس مدرسه بزرگ توحید و انسان سازی با معلمینی همچون انبیاء و جانشینان معصوم آنان انسانها را تربیت و به مقام جانشینی حق بر روی زمین برساند.

انسان دست خداوند در زمین شود و خداوند بوسیله او کره خاکی را سرشار از صلح و عدالت و محبت و معنویت و صفات نیک که صفات الهی است نماید.

لذا خداوند به حضرت آدم عليه السلام فرمود که به ملائکه توضیح دهد و زندگی زمان ظهور منجی آخر الزمان را (پس از وقت معینی که هیچکس جز خداوند آنرا نمی داند)

۱- انی جاعل فی الارض خلیفه - سوره بقره آیه ۲۴

۲- قالوا اجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء - سوره بقره آیه ۲۵

دعای ندبه :

«خدایا تو پیامبران و جانشینان آنان را بسوی مردم فرستادی تا کسی نگوید خدایا ما رهبری برای اصلاح خود نداشتیم تا جهنمی نشویم».

برای ملائکه تشریح نماید تا آنها بدانند که در این دوره، انسان حقیقی از این مدرسه بزرگ فارغ التحصیل خواهد شد.

ملائکه وقتی توضیحات حضرت آدم علیه السلام در باره زندگی پس از ظهور منجی عالم بشریت را شنیدند، دیدند فساد و خونریزی انسانها در زمان قبل از ظهور در برابر زندگی سرشار از صفا و معنویت پس از ظهور منجی که شاید میلیونها سال تا قیامت طول بکشد چیزی نیست، اعتراض خود را پس گرفته و ساکت شدند. (اینها خلاصه‌ای بود از مجموع آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که فشرده آنرا یادآوری نمودیم).^(۱)

درست است که شیطان سیرتان و پیروان هواهای نفسانی چند هزار سال است که بر بشر مسلط شده و جان و مال مردم را در اختیار گرفته و به آنان ظلم و تجاوز می‌کنند ولی این وضع بزودی پایان خواهد یافت و خداوند نخواهد گذاشت جامعه بشری به انحطاط کامل کشیده شود.

«چرا خداوند جلوی فساد بشر را نمی‌گیرد»

ممکن است پرسید : پس چرا خداوند تا بحال چند هزار سال است بشر را آزاد گذاشته و جلوی فساد او را نمی‌گیرد؟

پاسخ می‌دهیم : زیرا نخواسته به اجبار آنرا وادار به پذیرش حق نماید بلکه اراده‌اش این بوده که بوسیله علوم انبیاء و جانشینان آنان افکار بشر را رشد داده و آنها را برای پذیرش حق آماده نماید که بحمدلله تلاش مستمر پیامبران خصوصاً آخرین

۱- محققین می‌توانند به روایات مربوطه در ذیل سوره بقره آیه ۲۴ به بعد در تفسیر برهان مراجعه نمایند.

زیارت ال یاسین :

«السلام علیک یا میثاق اللّٰه الذی اخذہ و وکّده»^{۱۳}

«سلام بر شما یا صاحب الزمان ای پیمان پروردگار که از همه مردم آنرا گرفته و بر آن تاکید نموده است»

پیامبر الهی حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دوازده جانشین به حق آن بزرگوار (که آخرین آنان هم اکنون زنده و در بین ما انسانها حضور دارد) به ثمر نشسته و در اثر زحمات آنان امروزه بشریت به رشد فکری لازم نزدیک شده و آماده بازگشائی این مدرسه انسان سازی و نشستن در کلاس درس " منجی آخر الزمان " شده است. نشانه این رشد فکری آن است که جامعه بشری حاضر نیست به جنگ جهانی سوم تن در دهد و حتی ابرقدرتها که آتش این جنگ در اختیار آنان است از این خطر بزرگ پرهیز می کنند.

جامعه بشری به آن حد از رشد فکری رسیده که صلح و عدالت جهانی را تنها راه حل مشکلات انسانها می داند و واضح است «صلح و عدالت جهانی» تنها با تعالیم انبیاء که بشر را به ترک صفات شیطانی و تکبر و خودخواهی و تجاوز و ظلم و... دعوت کرده اند و با رهبری " منجی آخر الزمان " که پیامبران الهی نوید ظهورش را داده اند تحقق می یابد.

" و اکنون این ما صلح جویان و جویندگان راه انبیاء هستیم که باید در «گفتگوی تمدنها» عظیم ترین تمدن و حقیقی ترین تمدن، تمدن الهی، تمدن توحیدی، تمدن انسان سازی و انسان دوستی و خلاصه :

تمدن و انسانیت حقیقی ارائه شده از سوی پروردگار که همان زندگی پس از ظهور منجی عالم بشریت است را گفتگو نمائیم و افکار جهانی را آماده پذیرش صلح حقیقی به دست آنکه «همه در انتظار اویند» بنمائیم که در عنوان بعد او را بیشتر معرفی خواهیم نمود. ان شاء الله "

قسمت سوّم :

همه در انتظار او

«مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین، از کعبه
ندا سر می دهد و بشریت را به توحید می خواند.»

صحیفه نور ج ۱۸ ص ۸۸

دعای ندبه :

«این المنتظر لاقامة الامت والعوج»^{۱۴}

امام خمینی قدس سره در باره اتفاق جهانیان و پیروان ادیان پیرامون حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ندای توحیدی آن حضرت می فرمایند:

- " مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید می خواند ".^(۱)

- " ابراهیم خلیل در اول زمان و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود روحی فدا در آخر زمان از کعبه ندای توحید سر دادند و می دهند ".^(۲)

«معجزه‌های بزرگ در تمام جهان»

یکی از معجزات دین حق و قدرت نمائیهای ذات مقدس پروردگار آن است که عموم مردم کره زمین را به وجود مقدس مصلح آخر الزمان ارواحنا فداه معتقد و آنان را در انتظار تشریف فرمائی و ظهور مقدسش قرار داده است.

ادیان مختلف، به مردم جهان بشارت داده‌اند که منجی آخر الزمان خواهد آمد و جهان را از هرگونه ظلم و بی عدالتی و فقر و محرومیت نجات خواهد داد.

۱- صحیفه نور ج ۱۸ - ص ۸۸ - تاریخ ۶/۶/۶۲. ۲- صحیفه نور ج ۱۸ - ص ۸۷ - تاریخ ۶/۶/۶۲

دعای ندبه :

«کجاست آن یگانه‌ای که همه در انتظار اویند بیاید و کجی‌ها و نابسامانیها را به سامان برساند».

آری، این اتفاق نظر از قدرت نمائیهای پروردگار و از معجزات انجام شده در باره وجود مقدس مصلح آخرالزمان است که همه او را قبول دارند با آنکه هریک از ادیان ممکن است اختلاف نظرهای عمیقی با هم داشته باشند.

حتی در میان مسلمانان که اختلاف نظرهای اساسی و عمیق وجود دارد (که البته این اختلافات را استعمار قدیم و جدید در میان آنان ایجاد و به آن دامن زده است) ولی در باره وجود مقدس مصلح بزرگ حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه اتفاق نظر عجیبی وجود دارد که مایه شگفتی است که به عنوان نمونه می‌توان به اتفاق نظر اهل سنت و شیعه در این باره اشاره کرد.

انبیاء بزرگ و به دنبال آنان متفکرین جهان بشریت همیشه برای سعادت و زندگی شایسته انسانی طرح یک حکومت واحد جهانی به رهبری شخصی پاک از هر خطا و در عین حال قدرتمند را مطرح نموده‌اند.

«تفکر کنفوسیوس»

کنفوسیوس در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از پرچمداران این طرز تفکر بود و بیش از سی سال در این زمینه کار کرد و تنها امیدش این بود که یک پادشاه بافضیلت و صاحب عزم ظهور کرده و این مقصود خدائی او را از دایره فکر و گفتار بیرون آورده و به میدان کردار درآورد.^(۱) و شاید مقصود او از این کلام ظهور همان شخصیت عظیمی است که بنام مصلح آخرالزمان در ادیان مختلف خصوصاً اسلام لقب گرفته و معرفی شده است.

۱ - کتاب راه کنفوسیوس و کتاب مکالمات کنفوسیوس ص ۱۳۲

قرآن کریم:

«ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر، أن الأرض يرثها عبادي الصالحون»^{۱۵}

قال ابو جعفر عليه السلام: هم اصحاب المهدي في آخر الزمان»^{۱۶}

مردم چین نیز در این راستا از سالیان دراز اندیشه والای صلح و آرامش جهان را گرامی داشته و ریشه هر نزاعی را در فقدان پینگ PING یعنی «عدالت» می دانستند.

«تفکر زَنُو»

«زَنُو» فیلسوف شهیر یونان در حدود ۳۵۰ سال قبل از میلاد مسیح تئوری خود را چنین بیان می کند:

«باید تمام افراد دنیا از قانون واحدی پیروی کنند تا بتوانند سعادت خود را تأمین نمایند».

«... و دیگران»

«توماس مور»، «فرانسیس بیکن»، «کانت»، «ولتر» و «ویکتور هوگو» در قرن اخیر سخن از حکومت واحد جهانی به میان آورده اند.

«انشتین» می گوید:

«ملل جهان از هر نژاد و رنگی که باشند می توانند و باید زیر یک پرچم واحد بشریت در صلح و صفا و برابری و برادری زندگی کنند».

«برتراند راسل» فیلسوف مشهور انگلیسی نیز معتقد است عدم اجرای طرح حکومت واحد بالاخره به نابودی بشریت منجر خواهد گشت.

«بشریت در مسیر صلح جهانی»

و از طرفی عموم مردم جهان از قدیم تا امروز طالب روزی بوده اند که رهبری عادل و از جمیع جهات معصوم از جانب خداوند بر جهان حکومت کند و همه انسانها در صلح و صفا زندگی کرده و به سعادت دنیا و آخرت خود برسند.

قرآن کریم :

«در کتاب زبور پس از قرآن نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من در اختیار خواهند گرفت». امام باقر علیه السلام فرمود: آنان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان می باشند.

امروزه مردم دنیا با پیشرفتهای عظیمی که در صنعت و تکنولوژی نموده‌اند دارای نوعی خاص از رشد فکری شده‌اند که در گذشته وجود نداشت.

«لطف پروردگار به مردم عصر حاضر»

لطفی که از جانب خداوند به مردم جهان شد این بود که افکار آنان را به سوی کشف مجهولات و پیشرفت به سوی زندگی بهتر هدایت فرمود و باعث شد مخترعین و مکتشفین به لطف پروردگار و سائلی را در اختیار بشر قرار دهند که همه دنیا را بهم مرتبط و نزدیک نموده و افراد بشر بسان یک خانواده و یک دهکده در کنار هم قرار گیرند و یکدیگر را به تدریج درک نمایند و بدانند که زندگی انسانها به دور از یکدیگر و بدون نیاز به هم نوع ممکن نیست و باید قانونی عادلانه از سوی خالق بشر، عدالت را در همه جای زمین به اجرا درآورد.

اکنون دیگر بشریت راه گریزی از این اجتماع و همبستگی جهانی ندارد، بلکه روز بروز بر شدت نیاز به آن افزوده می‌گردد.

این بدان معنی است که خداوند بزرگ زندگی بشر را در مسیری قرار داده که ناگزیر باشند به صورت یک خانواده جهانی زندگی کنند و آنگاه لزوم وجود پدری مهربان برای این خانواده را لمس و درک نمایند و این مطلب همان آرزوی دیرینه انسانها است که رهبری الهی و معصوم از خطا از طرف خداوند سرپرستی این خانواده بشری را بر عهده گرفته، دست محبت بر سر همه آنان بکشد و همانند پدری دلسوز آنانرا به سوی حق هدایت و از لحاظ مادی و معنوی آنانرا سعادت‌مند نماید.

عن الباقر عليه السلام :
 «انّ عيسى عليه السلام ينزل قبل يوم القيامة الى الدنيا فلا يبقى أهل ملة يهودى و
 لا غيره الا آمنوا به قبل موتهم و يصلّى عيسى خلف المهدي عليه السلام». ۱۷

«اتفاق نظر ادیان جهان پیرامون ظهور منجی آخر الزمان»

تذکر :

ما در این کتاب در صدد ذکر تمامی آنچه ادیان مختلف در باره
 مصلح آخر الزمان گفته‌اند نیستیم بلکه گزیده‌ای از آنچه در دسترس
 بوده را تقدیمتان می‌نمائیم و جهت اطلاع شما خوانندگان گرامی از
 مشروح آنچه ادیان مهم در باره مصلح آخر الزمان گفته‌اند شما را به
 کتاب «مصلح آخر الزمان» تألیف استاد بزرگوارمان حضرت
 آية الله حاج سید حسن ابطحی مدظله العالی، ارجاع می‌دهیم. کتابی
 پرارزش که پیرامون شخصیت مصلح آخر الزمان و بیان نقاط مشترک
 اسلام و مسیحیت در باره مصلح آخر الزمان که اصل آن طی مقاله‌ای
 در سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت (آذرماه ۱۳۶۹) در شهر
 آتن ارایه شده است می‌باشد که ما بعضی از متون ادیان مختلف را از
 این کتاب پرمحتوا نقل می‌کنیم.

«منجی آخر الزمان در اعتقادات زردشت»

در آئین زردشتیان از مصلح آخر الزمان با عنوان سوشیانت یا سوشیانس یعنی
 رهاننده یا نجات دهنده یاد شده است.

در کتاب جاماسب نامه، جاماسب از قول استادش زردشت خبر می‌دهد که :

"پیش از ظهور «سوشیانس» پیمان شکنی و دروغ و بی‌دینی در جهان رواج
 می‌یابد و مردم از خدا دوری جسته، ظلم و فساد و فرومایگی آشکار می‌گردد و
 همین‌ها نیز اوضاع جهان را دگرگون ساخته زمینه را برای ظهور نجات دهنده

امام باقر علیه السلام :
«حضرت عیسی علیه السلام قبل از روز قیامت به دنیا باز خواهد گشت و همه ملت‌ها چه یهودی چه غیر آنان قبل از مرگ به او ایمان خواهند آورد و او پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌خواند.»

مساعد می‌گرداند.^(۱)

و نیز جاماسب می‌گوید :

«مردی بیرون آید از زمین تا زیان از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جدّ خویش بوده با سپاه بسیار و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین پر داد کند.»

«دین مهر آزمای»

در کتاب «بشارات عهدین»^(۲) افزون بر این جملات و در ادامه آن چند جمله دیگر از کتاب جاماسب نقل شده که مؤلف محترم کتاب بشارات اظهار می‌دارد :

بیشتر آنچه از کتاب جاماسب نقل می‌شود از نسخه‌ای مربوط به ده قرن گذشته است که در کتابخانه ملی ملک در تهران آنرا رؤیت نموده‌ام.

در این جملات از فراگیر شدن دین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با عنوان «دین مهر آزمای» خبر داده است که «مهر آزمای» در کتاب جاماسب نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است با هم این جملات را مرور می‌کنیم :

«... و همه کس به دین «مهر آزمای» باز آیند و جور و آشوب از جهان برخیزد، چنانکه فراموش کنند که چون

۱- اینها بخشی از همان علائم ظهوری است که در روایات اسلامی به آن اشاره شده است.

۲- بشارات عهدین/دارالکتب الاسلامیه ص ۲۵۸

عن الباقر عليه السلام :

«فلا يبقى على وجه الارض خراب الا عمر و ينزل روح الله عيسى ابن مريم

فيصلى خلفه»^{۱۸}

سلاح باید داشتن و اگر وصف نیکوئی آن کنم تلخ گردد این
زندگانی که ما بدو اندریم."

آری، حقیقت این است که اگر ما مردم عصر قبل از ظهور منجی
آخرالزمان از امتیازات زندگی آن عصر باخبر شویم زندگانی کنونی بر
ما تلخ گشته و آنرا جز ضرر و خسارت چیزی نمی بینیم زیرا در عصر
طلائی حکومت عدل الهی در تمامی جهان کوچکترین ظلمی پدیدار
نخواهد گشت و تمام جمعیت کره زمین از لحاظ مادی و معنوی
ثروتمند خواهند شد.

آنروز همه مردم جهان ثروتمند، آزاد، خوش اخلاق، خداشناس،
پرمحبت، تربیت شده نماینده الهی حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء
بوده و هیچ اختلاف و درگیری و فسادى صورت نخواهد گرفت ولی
هم اکنون این امتیازات برعکس بوده و عموم مردم جهان فقیر،
ناراحت، دچار درگیری و اختلاف و تبعیض و دوری از خدا و اخلاق
ردیله و تحت تأثیر شیطان و هواهای نفسانی می باشند و از زندگی
مادی و معنوی لذتی نمی برند.

حتی ثروتمندان بزرگ دنیا که کمترین جمعیت کره زمین اند نیز
معنی زندگی حقیقی را درک نکرده و از لحاظ روحی، نگران زندگی
پس از مرگ که زندگی جاودانه انسان است می باشند و همین مطلب
ولو بصورت احتمالی تلخ کننده زندگی برای این عده اندک نیز
خواهد بود.

و لذا قرآن کریم طبق تفسیر نقل شده از امامان معصوم و
جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عصر طلائی ظهور منجی کل جهان
قسم یاد کرده و آنرا به قدری پرارزش و گرانبه می داند که اگر

امام باقر علیه السلام :
«با ظهور حضرت مهدی علیه السلام هیچ نقطه‌ای در زمین باقی نخواهد ماند مگر آنکه آباد خواهد شد در آن هنگام حضرت روح‌الله عیسی بن مریم از آسمان نازل و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند»

مردم از امتیازات آن عصر باخبر شوند یقیناً زندگی قبل از آنرا در خسارت شدید خواهند دید، آنجا که فرموده است :

”والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.“

”قسم به عصر درخشان قیام و ظهور حجة بن الحسن علیه السلام که انسانهای محروم از زندگی در آن عصر یقیناً در زیان شدید بسر می‌برند مگر کسانی که (خود را بطور شخصی به امتیازات آن زندگی درخشان برسانند یعنی) ایمان خود را کامل و خود را از آنچه با مقام یک انسان مناسبت ندارد (یعنی صفات رذیله) پاک نمایند و بکوشند مردم را به سوی منجی عالم بشریت که حقیقت به دست اوست راهنمایی و آنانرا به صبر و استقامت در راه آن حضرت توصیه نمایند.“^(۱)

در همان کتاب (جاماسب نامه) آمده است :

”پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوههای مکه پیدا شود...“

و از فرزندان دختر پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه

۱- تفسیر و توضیح فوق با توجه به مجموع روایات در باره سوره عصر و معرفت به امام زمان علیه السلام و مقام آن حضرت بطور فشرده بیان شد.

دعاء الندبة :

«اللهم لك الحمد على ماجرى به قضاؤك في اوليائك الذين استخلصتهم
لنفسك ودينك»^{۱۹}

شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مگه
باشد و دولت او تا به قیامت متصل باشد.
و از خوبان و پیامبران گروه بسیاری را زنده کند و از بدان گیتی و کافران گروهی
را....»

در این متن که با آنچه اسلام و روایات پیشوایان معصوم فرموده‌اند
مطابقت دارد، دقیقاً خصوصیتی مهم از حضرت ولی عصر ارواحنا فداه
ذکر گردیده است از جمله :

- ۱- او فرزند آخرین پیامبران است که دین او تا قیامت پابرجاست.
- ۲- او فرزند دختر این پیامبر یعنی شاه زنان (سیده نساء العالمین)
فاطمه اطهرت علیها السلام است.
- ۳- او آخرین جانشین آن پیامبر است.
- ۴- دولت او (حکومت جهانی حضرت مهدی علیها السلام) تا قیامت ادامه
دارد.
- ۵- پس از ظهور عده‌ای از خوبان و عده‌ای از بدان زنده خواهند شد.
(مسأله رجعت در روایات اسلامی).

«منجی آخر الزمان در عقاید هندو»

در کتاب «شاکمونی» که به عقیده هندوها پیامبر و صاحب کتاب آسمانی است
از مصلح آخر الزمان به عنوان فرزند کشن یاد شده که معنی کشن به لغت هندی نام
پیامبر اسلام ﷺ است در این کتاب آمده است :

دعای ندبه :

«خدایا تو را سپاس می‌گویم بر آنچه بر پیامبران و یاران آنها گذشت زیرا همه رنجهای آنان برای آن بود که زمینه حکومت واحد جهانی توحیدی را فراهم سازند.»

" پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سیدخلاق دو جهان کشن بزرگوار تمام شود. وی کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا ارض تسعین که زیر قطب شمالی است و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او قائم باشد و خداشناس باشد."

بدیهی است که مصلح آخرالزمان در قرآن و سخنان پیشوایان اسلام با همین خصوصیات یعنی فرزند پیامبر اسلام بودن و حکومت کردن او بر همه زمین و زنده شدن دین خدا و یکی شدن دین و اینکه او قائم و خداشناس است ذکر شده است. در کتاب «دید» می‌خوانیم :

پس از خرابی دنیا (منظور از خرابی دنیا فساد و خونریزی و جنگهای جهانی است) پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او " منصور " باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا خواهد برآید.

در کلمات نقل شده از پیشوایان دین اسلام یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام را «منصور» ذکر نموده‌اند که همین خصوصیت یعنی تسلط بر تمام دنیا برای او به عنوان «منصور» یعنی یاری شده از طرف خداوند ذکر شده است.

و نیز در کتاب «باسک» که یکی دیگر از کتابهای هندوها است می‌خوانیم :

قال رسول الله ﷺ :
«الأمّة من بعدى اثنا عشر، اولهم انت يا على و آخرهم القائم الذى يفتح الله تعالى
على يديه مشارق الارض و مغاربها»^۱

” دور دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد... ”

و بالاخره در کتاب «پاتیکل» که شخصی از رهبران هندو است می خوانیم :
” چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه
پیدا شود از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخر الزمان و دیگری صدیق اکبر
یعنی وصی بزرگتر وی که ” پشن ” نام دارد.

” پشن به معنی علی ابن ابیطالب علیه السلام است و در میان مسلمین نیز
دقیقاً همین نشانه در باره مصلح آخر الزمان که فرزند «پشن» و فرزند
ناموس آخر الزمان یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد ذکر شده است و او
نیست کسی جز حضرت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله .”

سپس در باره دولت آن حضرت و عمر طولانی اش می گوید :
” و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر
دنیا به او تمام شود ”^(۱)

۱- موارد فوق (عقاید هندو) از کتاب شریف «مصلح آخر الزمان» ص ۱۳۲-۱۳۴ نقل شد.

رسول خدا ﷺ :
 «امامان معصوم پس از من دوازده نفرند اولین آنها تو هستی ای علی و آخرین آنان حضرت قائم عجل الله فرجه است که خداوند همه دنیا را بوسیله او فتح خواهد کرد».

«منجی آخر الزمان در اعتقادات یهود»

در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی، هنگامیکه متون مجموعه مستند ۲۶ قسمتی «عصر دل‌تنگی» که پیرامون شخصیت منجی آخر الزمان حضرت بقیة الله ارواحنا فدا بود را برای شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران می‌نوشتیم یکی از دوستان خوب امام زمان عجل الله فرجه دو شماره از مجله «بینا» که نشریه انجمن کلیمیان تهران بود را برایم آورد که در آن مجموعه کاملاً مورد استفاده قرار گرفت. مطالبی بسیار جالب در این دو شماره پیرامون شخصیت (منجی آخر الزمان) بچشم می‌خورد که اکثر آنها با عقاید ما مسلمانان و شیعیان در باره حضرت بقیة الله ارواحنا فدا کاملاً مطابقت داشت لذا مناسب دیدم قسمت‌هایی از همان مطالب را گزیده و با عقاید اسلامی مطابقت دهم.



לא יסור שבת מיהודה ומחזק מביין רגליו
 עד כי יבא שילה ולו יקהת עמים (בר' מח:)
 (حضرت یعقوب گفت: چوب تنبیه) از یهودا و ترکه تادیب از نسلش دور نخواهد شد
 تا ناجی جهان از او ظهور کند و ملتها از او اطاعت کنند (سفر برشت: ۲۸:۱)

دعاء الندبة :

«این المؤمن لأحياء الكتاب و حدوده»^{۲۱}

اَوَّل :

«بشارت آمدن منجی آخر الزمان و اطاعت همه مردم جهان از او»

همچنانکه در آیات قرآن و روایات ائمه هدی علیهم السلام آمده است، حضرت مهدی ارواحنا فداه به عنوان وعده مسلم الهی خواهد آمد و تمامی جهان از او اطاعت خواهند کرد، در اعتقادات یهود نیز عیناً همین مطالب یاد شده است.

لازم به ذکر است در کتاب مقدس سفر پیدایش (برشیت) شماره ۴۹ آیه (۱۰) از این مطلب به عنوان «شیلو» (منجی آخر الزمان) یاد شده است.

همچنین «هارامبام» در اصل دوازدهم از اصول سیزده گانه ایمان یهود چنین می گوید:

שִׁתְּמַחֵנָה עִם כָּל זֶה אֶתְּכַּח לּוֹ בְּכָל יוֹם שִׁבְעָא

אָנִי מֵאֲמִין בְּאַמוֹנָה שְׁלָמָה בְּבִיאַת הַמָּשִׁיחַ וְאֶף עַל פִּי

« من با ایمان کامل به آمدن ماشیح اعتقاد دارم و اگر چه او تأخیر

کند، با این حال هر روز در انتظار او هستم که بیاید»

(اصل دوازدهم از اصول سیزده گانه ایمان یهود - هارامبام)

دعای ندبه :

«کجاست آنکه همه در انتظار او بیاید و راه و روش الهی را زنده کند.»

دوم:

«برچیده شدن شرک از تمامی نقاط زمین»

«یک توضیح» :

مهمترین چیزی که در زندگی بشر موجب انحطاط فکری و اخلاقی و حتی مادی او شده، دور شدن از خدا و فراموش نمودن قدرت پروردگار در زندگی روزمره است. آنگاه که انسان به قدرتهای دیگری غیر از خدا متوجه شده و آنها را موجب پیشرفت کارهایش می داند مثلاً وقتیکه شخص فقیر، فرد ثروتمندی را موجب پیشرفت زندگی خود تصور می کند (اگر به تربیتهای الهی توجه ننماید) خدا را فراموش نموده و اراده آن شخص ثروتمند را در اعمال خود دخالت می دهد و بدینوسیله اراده و سیاستهای الهی را در اعمال خود فراموش می نماید و همین کار موجب اعمال سیاستهای نفسانی و شهوانی صاحبان پول و ثروت در زندگی مردم شده و آنها خدای مردم می شوند و خدای حقیقی از زندگی به کناری می رود و نتیجه این مطلب هم نابودی جهان است زیرا صاحبان پول و ثروت (اگر بنده خدا و پیرو انبیاء علیهم السلام نباشند) بخاطر حفظ قدرت و ثروت و ریاست خود همه رموز زندگی در عالم هستی را نادیده گرفته و دست به هرکاری می زنند و با جهالت خود موجب نابودی زندگی بشر می گردند.

از اینرو برنامه انبیاء خصوصاً «منجی آخر الزمان» برچیدن شرک (دخالت دادن اراده غیرخدا در امور زندگی) از جهان است و آن حضرت این کار را براساس «علم» انجام می دهد زیرا علم اساس همه خوبیهاست همچنانکه در مطلب بعدی به آن اشاره خواهیم نمود.

عن رسول الله ﷺ :
 «القائم من ولدی اسمہ اسمی، وکنیتہ کنیتی و شائلہ شائلی و سنتہ سنتی،
 یقیم الناس علی ملتی و شریعتی»^۱.

با خشکاندن ریشه‌های شرک از زندگی بشر، درخت زندگی و سعادت جان گرفته و سرسبز و پرطراوت خواهد شد و قوانین سعادتبخش الهی که براساس علم بی‌نهایت است در امور فردی و اجتماعی زندگی بشر جاری گشته و همه جا را پر از سعادت، ثروت، صفا و محبت خواهد نمود چنانکه نظم موجود در عالم هستی از ساختمان اتم گرفته تا کهکشانهای عظیم نتیجه اجزاء قوانین علمی از سوی پروردگار در تمام اجزاء عالم خلقت بوده و ذره‌ای فساد در آن بچشم نمی‌خورد. لذا در اسلام و سایر ادیان از جمله اعتقادات یهود این مطلب به صراحت مورد توجه قرار گرفته است.

در کتاب زخریا^(۱) چنین آمده است : (برگرفته از مجله بینانجمن کلیمیان تهران)

וְהָיָה בְיוֹם הַהוּא נָאֵם ד' צְבָאוֹת אֲכַרִּית
 מִן הָאָרֶץ וְלֹא יִזְכְּרוּ עוֹד אֶת שְׁמוֹת הַעֲצָבִים
 זְכַרִּיהָ יִגֹּב
 « حد-اوند صاحب قدرت می‌فرماید در آن
 روز (نجات) من اسامی بت‌ها را از زمین
 منقطع خواهم کرد و آنها دیگر بادآوری
 نخواهند شده. (زخریا)

و نیز:

וְהָיָה ד' לְמַלְכָּךְ עַל כָּל הָאָרֶץ בְּיוֹם הַהוּא
 « יִהְיֶה ד' אֶתְדָּ וְשְׁמוֹ אֶתְדָּ » (זְכַרִּיהָ ד' אֵם)
 « حد-اوند بر تمامی زمین پادشاه خواهد
 بود، در آن روز، حد-اوند یکتا و نامش یکتا
 خواهد بود » (زخریا)

۱- (یعنی زکریا علیہ السلام)

رسول خدا ﷺ :

«حضرت قائم از فرزندان من، هم نام و هم کنیه من است، شمائل او همانند من و روش او همان روش من است، او مردم را در مسیر دین و آئین من قرار خواهد داد».

به عقیده ما مسلمانان نیز با ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فدا، تنها خداوند پرستیده شده و دین واحد الهی تمام زمین را فرا می‌گیرد و مردم جهان همان عقیده صحیح توحیدی پیامبران الهی را خواهند داشت. در نتیجه ریشه‌های پیروی از هواهای نفسانی و شیطانی زده شده و اعمال غیرانسانی از صحنه گیتی محو خواهد شد.

سوم:

«انتشار علم بوسیله منجی آخر الزمان و پرشدن زمین از علم»

باید توجه داشت که ریشه تمام مفاسد و نابسامانیهای فردی و اجتماعی و ظلمها و خونریزیها و حتی امراض بدنی و لاعلاج و فقر و غیره یک چیز است و آن «جهل» و اعمال جاهلانه انسان است.

آنگاه که انسان براساس علم حرکت نمی‌کند اعمال جاهلانه از او سر می‌زند مثلاً وقتی که می‌داند خوش اخلاقی باعث ازدیاد محبت می‌شود و به این علم عمل نمی‌کند و بد اخلاق می‌شود بر اثر بد اخلاقی اعمال جاهلانه از او سر می‌زند.

یا وقتی که می‌داند باید درمان درد خود را از نسخه عالمانه پزشک بدست آورد و چنین نمی‌کند به نثر غیر عالمانه و به دور از علم خود یا دیگران عمل می‌کند مرضش زیادتر و حتی منجر به مرگ می‌گردد.

به جز اینها صدها و هزاران مورد مثال دیگر را می‌توان ذکر کرد که ذکر همین مقدار برای ما کافی است.

«علم» اساس خوشبختی و سعادت است.

«علم» موجب سلامتی روح و جسم می‌شود.

«علم» سرچشمه اخلاق و صفات انسانی است.

عن رسول الله ﷺ :

«من ذرّتی المهدی اذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته فقدمه و صلی خلفه»^{۲۳}

«علم» انسان را به خداوند عالم نزدیک و از شیطان که جهل مطلق است دور می‌کند.

«نمونه‌ای از علم»

قبل از این خصوصاً در صدر اسلام جامعه بشری پذیرش علم را نداشت و سرچشمه‌های علم و حقیقت یعنی دوازده امام معصوم علیهم‌السلام که جانشینان پیامبر آخرالزمان بودند را مجبور به خانه‌نشینی و سکوت نمود تا آنکه همه آنان به شهادت رسیدند (مگر آخرین آنان که تاکنون بطور ناشناس در میان بشر باقی است و منتظر رشد فکری جهانی در پذیرش حقیقت و علوم الهی است).

از آن زمان تاکنون پیوسته جهل و هواهای نفسانی بشر بر او حکومت کرده و او را از علم واقعی محروم نموده است زیرا شیطان که دشمن انسان است هنگامی که انسان را جاهل ببیند بر او قدرت می‌یابد و در فکر او نفوذ می‌نماید و او را با احتمالات گوناگون سرگرم و زمام امور زندگیش را در دست می‌گیرد.

تنها راهی که انسان را از این بن‌بست رها می‌سازد، پذیرش علم و دوری از جهل است، لذا برای آنکه جامعه بشری به ارزش علم آگاه گردد و اثر آنرا در سعادت و پیشرفت خود مشاهده کند خداوند متعال در عصر حاضر دریچه‌ای از علوم مادی و تکنولوژی را به رویش گشوده است.

این دریچه تنها ترشحاتی بسیار کوچک از اقیانوس علم، آنهم در بعد زندگی مادی است که با مشاهده آثار آن همه درمی‌یابند که :

علم اساس پیشرفت بشر است.

علم موجب باز شدن فکر انسانهاست.

علم موجب شناخت پروردگار و اطاعت و پیروی از اوست.

رسول خدا ﷺ :

«حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان من است که در وقت خروجش حضرت عیسی بن مریم به جهت یاری او نازل شده و او را رهبر خود قرار داده و پشت سرش نماز خواهد خواند».

«پیشرفت علم در حال حاضر زمینه ظهور منجی است»

آنچه باید در این میان مورد توجه و دقت و تعمق قرار گیرد آن است که چرا خداوند بخشی از رموز عالم مادی را در اختیار انسان امروز قرار داده است؟ آیا خداوند می خواسته بشر امروز با پیشرفت علمی به سلاحهای مرگبار دست یافته و با چند انفجار اتمی و هیدروژنی به حیات خود خاتمه دهد؟ یا آنکه می خواسته بندگان را با این پیشرفت خارق العاده اسیر و برده سیاستمداران و زورگویان بین المللی کند؟ آیا خدای بزرگ می خواسته انسان امروز همه چیز را در علوم مادی خلاصه کرده و خدا را فراموش نماید و حتی علم را با خدا و دین بیگانه ببیند؟ پاسخ ما یک چیز است.

ما می گوئیم خداوند برای آنکه افکار بشر را رشد داده و او را آماده ظهور منجی آخر الزمان نماید، انسان امروز را با فطره‌ای از علم، آن هم علوم مادی آشنا ساخته و قدرت و پیشرفت و رفاه و دست یابی به امور ناممکن را برایش هموار نموده است تا ارزش علم را دریافته و آنگاه که با منجی آخر الزمان ارواحنفاذ روبرو شد شیفته او گردد زیرا آن منجی، یگانه وارث تمامی علوم حقیقی از سوی خداوند متعال است و با پذیرش رهبری او از سوی مردم جهان بشریت کلید تمامی قفل‌های زندگی و رفع تمام نابسامانیهای مادی و معنوی را به دست خواهد آورد و به زندگی سعادت‌مندانه خود خواهد رسید.

آری انسان امروز به طور طبیعی آماده پذیرش یگانه رهبری شده است که تمامی علم در اختیار اوست.

عن رسول الله ﷺ :
 «من انكر خروج المهدي فقد كفر بما انزل على محمد و من انكر نزول عيسى فقد كفر»^{۲۲}

«تنها چیزی که باقی مانده»

تنها چیزی که باقی مانده این است که انسان امروز در جستجوی آن عالم و رهبر یگانه است تا او را بیابد و به فرمانش که جز «علم» چیزی نیست گردن نهد. آن عالم یگانه تمام علم را در دست دارد و باید چنین باشد زیرا او رهبر بشر است. او نماینده خدا در زمین است و خدا به وسیله او و علم او ریشه‌های جهل و خودپرستی و اطاعت از جاهلان را می‌خشکاند.

لذا در بشارت‌های انبیاء این مطلب مورد توجه قرار گرفته و آنان بشر را به باز شدن دریچه‌های علم در زمان ظهور منجی جهان خبر داده‌اند.

از باب نمونه در مجلهٔ بینا از انجمن کلیمیان تهران که اعتقاد یهود در باره ناجی جهان را بیان نموده است، در باره انتشار علوم بوسیله مصلح آخرالزمان چنین آمده است.

פי מלאה הארץ דעה את ד
 פמים לים מכסים (ישעיה יא.ט)
 « زمین از دانش الهی مملو خواهد شد،
 همانند آبهایی که دریا را می‌پوشانند» (یشعیا)
 פי חמלא הארץ לדעת את פבוד ד פמים
 יכסו על ים (חמקוק ביד)

אחרי תמים הקם נאם ד נתתי
 את חורתי בקרבט ועז לכם אכתובה -
 ולא ילמדו עוד איש את דעהו ואיש
 את אחיו לאמר דעו את ד פי כולם
 ידעו אחתי למקטנם ועד גדולם
 דמיה לא ללב-לב

« زمین از دانش الهی و شناخت جلال او
 مملو خواهد شد، همانند آبهایی که دریا را
 می‌پوشانند» (حبقوق)

« حد-اوند می‌فرماید پس از آن ایام، دانش
 خود را در نهاد آنها گذارده و تعالیم خود را بر
 قلب آنها خواهم نوشت ... (بسه گونه‌ای که)
 دیگر کسی ممنوعش را تعلیم نخواهد داد و
 کسی برادرش را درس نخواهد داد که: حد-
 را بشناسید، زیرا همه (انسانها) مرا خواهند
 شناخت از کوچکترین تا بزرگترین آنها» (برمیا)

رسول خدا ﷺ :
«کسیکه خروج و قیام جهانی حضرت مهدی ﷺ را منکر شود تحقیقاً به آنچه بر محمد نازل شده است کافر شده، همچنین کسیکه نزول عیسی ﷺ را منکر شود، نیز کافر می باشد».

همین مطالب در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته و از حضرت ولی عصر علیه السلام به عنوان منتشرکننده تمام علوم یاد می شود بطوری که در بعضی از روایات فرموده اند :

« آنچه از علوم تاکنون منتشر گردیده تنها دو بخش از بیست و هفت بخش علم است و بیست و پنج بخش دیگر را حضرت ولی عصر علیه السلام به آن دو بخش ضمیمه نموده و در میان بشر منتشر خواهد نمود ».

بدیهی است که با طلوع خورشید علم از زبان مبارک آن حضرت جهان از تاریکی جهل بمانند بیرون آمدن روز از شب، از انحرافات و اعمال ناپسند خارج خواهد شد.

و در کتاب دانیال نبی از کتاب مقدس (دانیال ۱۲ : ۳-۱۳) آمده است :

« و دانشمندان مثل ضیای سپهر، و کسانی که بسیاری را به راه صداقت رهبری نمایند مانند کواکب تا ابد درخشان خواهند بود * اما تو ای دانیال کلمات را مخفی کن و کتاب را تا زمان انجام کار مختوم ساز تا حینی که بسیار گردش کرده علم زیاد گردد »^(۱).

چنانکه ملاحظه فرمودید جمله « تا حینی که بسیار گردش کرده علم زیاد گردد » بر آنچه در مقدمه بالا به آن اشاره کردیم دلالت دارد و با عصر حاضر که علم در میان بشر زیاد گشته مطابق است و زمینه ظهور منجی و حکومت علم بوسیله آن بزرگوار را بیان

۱- کتاب بشارات عهدین ص ۲۶۹.

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم:

«إلا انه قد بشر به من سلف بين يديه»^{۲۵}

می نماید.

چهارم:

«جهان در اختیار بندگان صالح و واقعی خداوند قرار خواهد گرفت»

به تصریح قرآن کریم و زیور حضرت داود عليه السلام کره زمین در اختیار بندگان شایسته الهی قرار خواهد گرفت.

در قرآن کریم سوره انبیاء آمده است:

«و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون»^(۱)

یعنی ما در کتاب زیور پس از قرآن نوشتیم که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد که امام صادق عليه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: منظور از بندگان صالح خدا حضرت قائم و اصحابش می باشند.^(۲)

همچنین در زیور داود عليه السلام از کتاب مقدس آمده است:

“در میان امتهای گوئید خداوند سلطنت می گیرد، ربع مسکونی پایدار می شود... تا

آنکه گوید:

آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند کرد، زیرا که می آید، زیرا که برای داوری

جهان می آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد.” (مزمور ۹۶)

“شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد.”

۲- مجمع البیان ج ۷ ص ۶۶.

۱- سوره انبیاء آیه ۱۰۵.

رسول خدا ﷺ در غدیر خم :
«ای مردم بدانید که همه فرستادگان الهی که قبل از حضرت مهدی ﷺ آمده‌اند بشارت
ظهور او را به مردم جهان داده‌اند.»

(مزمور ۳۷)

و در مزمور هفتاد و دوم آمده است :

" ای خدا! احکام خود را به ملک زاده عطا فرما تا آنکه قوم تو را به عدالت و
فقرای تو را به انصاف حکم نماید."
" در زمان او صالحان خواهند شکفت."
" و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا."
" بلکه تمامی ملوک به او کرنش خواهند نمود و تمامی امم او را بندگی خواهند
کرد."

در مزمور سی و هفتم آمده است :

" صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود و اما نسل
شریر منقطع خواهند شد."

" منتظر خداوند باش و طریق او را نگهدار تا تو را به وراثت زمین برافرازد."

پنجم :

«شفای همهٔ امراض، صلح جهانی و همزیستی مسالمت آمیز»

پنجمین نقطه مشترک اعتقادات یهود با مسلمانان در باره منجی آخرالزمان مسأله
همزیستی مسالمت آمیز و صلح جهانی و رفع همه نابسامانیها و شفای امراض است.

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم:

«إلا انه المُخْبِر عن ربه عزّ وجلّ والمنبّه بامر إيمانه»^{۲۶}

در نشریه انجمن کلیمیان تهران این مطالب که مستند به کتاب مقدس است چنین آمده است.

וכתמו תרבותם לאתים וחנינותיהם למקורות
לא ישא גוי אל גוי חרב ולא ילקחו
עוד מלחמה (ישעיה נב - מיכה דג)

« آنها شمشیرهای خود را شکسته و به
گاوآهن (تبدیل خواهند کرد) و نیزه‌های خود
را به فیچی‌های شاخه‌زنی (مبدل می‌کنند).
ملتی بر ملت دیگر شمشیر نخواهد کشید و
دیگر جنگ نخواهند آموخت» (یشعیا - میخا)
ונקרתה קשת מלחמה ודבר שלום לגוים»
(זכریה ט)

« تیر و کمان جنگ از بین می‌رود و
(ماشیح) با ملتها از صلح صحبت خواهد کرد»
(زخریا)

אז תפקחנה עיני עורים ואזני חרשים תפקחנה
אז ידלג כאיל פסח ותרו לשון אלים (ישעיה לה-ז)
«در آن زمان چشم نابینایان روشن شده و
گوش ناشنویان باز خواهد شد. در آن زمان
فرد لنگ همانند گوزن جست و خیز کرده و
زبان انسان لال ترنم خواهد کرد» (یشعیا)

והושעתי אתכם בכל טמאותיכם וקראתי אל
הרגל והרביתי אתו ולא אתן עליכם רعب
(یחזקאל ۱۰:۶)

« شما را از تمساح ناپاک‌کپها و پلیدی‌هایتان
نجات می‌دهم، غله را بارور نموده و آن را زیاد
خواهم کرد و دیگر برای شما قحطی قرار
نخواهم داد» (یحزقل)

رسول خدا ﷺ در غدیر خم :
«آگاه باشید که حضرت مهدی علیه السلام سخنگوی پروردگار و توجّه دهنده مردم به آنچه
موجب ایمان و آرامش روحی می‌گردد است.»

مطلب فوق به وضوح در آیات و روایات اسلامی به چشم می‌خورد زیرا بواسطه
انتشار علوم حقیقی مادی و معنوی هرگونه مرض جسمی و روحی از زندگی بشر زائل
شده و همه نابسامانیها پایان خواهد یافت.

ششم :

«انتظار ظهور»

ششمین نقطه مشترک در اعتقادات یهود و مسلمانان مسأله حیاتی و انسان ساز
«انتظار» است.

«انتظار» ظهور مصلح انسان را در انتظار خوبیها قرار داده و مشتاق آن می‌نماید.
«انتظار» هر چیز انسان را به طرف همان چیز می‌کشاند، اگر انسان انتظار پول و
ریاست را داشته باشد بسوی آن کشیده می‌شود، اگر انتظار آمدن میهمانی را داشته
باشد بسوی آن میهمان و فراهم نمودن مقدمات میهمانی از قبیل خرید غذا، میوه و
آماده کردن اتاق پذیرایی کشیده می‌شود.

بنابراین آنانکه می‌گویند ما منتظر مصلح هستیم ولی هیچ اثری از انتظار در رفتار و
گفتارشان دیده نمی‌شود،

هیچ کوششی بسوی مصلح حقیقی در خود نمی‌یابند،

هیچ شناختی از او ندارند،

هیچ سخنی از او به میان نمی‌آورند و بلکه کسانی را که از او بسیار یاد کنند را مورد

استهزاء و سرزنش قرار می‌دهند چگونه می‌توانند مدعی انتظار مصلح باشند؟

لذا آنانکه مصلح را نمی‌شناسند در حقیقت اصلاح و صلح و خوبی و شایستگی را

نمی‌شناسند و کسی که اینها را نشناسد از دایره انسانیت خارج و تنها در زندگی

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم :

«الآن انه خيرة الله و مختاره الا انه وارث كل علم والمحيط به»^{١٧}

حیوانی زنده است و از لحاظ روحی و قلبی مرده‌ای بیش نیست همانطور که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیث متفق علیه بین شیعه و سنی فرمودند :

«من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة»

کسیکه امام زمانش را نشناسد چنانچه با همین حالت از دنیا برود و خود را اصلاح نکند به مرگ زمان جاهلیت (در کفر و گمراهی و نفاق) مرده است.

«لازم به تذکر است»

لازم به تذکر است منظور از این شناخت، شناختی است که انسان را چشم براه آن محبوب بگرداند و در «انتظار» او قرار دهد زیرا وقتی انسان چیزی (مثلاً پول) را به درستی بشناسد هیچگاه از فکر آن خارج نمی‌شود و در عمل تمام تلاش خود را برای بدست آوردن آن انجام می‌دهد که شاهد این تلاش در تمام جمعیت کره زمین برای بدست آوردن پول (به عنوان مثال) هستیم.

آیا ما مصلح خود و امام زمانمان را چنین می‌شناسیم؟ و آیا در راه رسیدن به او تلاش و جنب و جوشی داریم؟

بنابراین نباید از این سخن که «ما امام زمان خود را نمی‌شناسیم» ناراحت شویم زیرا اثری از شناخت آن حضرت در زندگی خود نمی‌بینیم، نه در فیلمهایمان، نه در سریالهایمان، نه در روزنامه‌هایمان، نه در کلاسهای درس‌مان، نه در...

لذا باید بگوئیم در انتظار ظهور منجی نبوده و نیستیم و لذا آنرا بدست نمی‌آوریم و خداوند چون ما را منتظر نمی‌بیند اذن ظهور به آن حضرت نداده است.

بگذریم... سخن از بررسی نقاط مشترک اسلام و یهود در باره

«انتظار ظهور مصلح» بود. در نشریه انجمن کلیمیان تهران

«مجله بینا» که گزیده‌ای از آن در صفحه بعد می‌آید در این

باره آمده است :

رسول خدا ﷺ در غدیر خم:
«آگاه باشید که حضرت مهدی ﷺ برگزیده خدا و انتخاب شده او برای اصلاح جهان است او بهمه چیز آگاه است و تمامی علوم انبیاء را در اختیار دارد».

گر چه او تأخیر کند، (با این حال) برای او منتظر باش، زیرا او حتماً خواهد آمد (حقوق نبی)

بمب ۹ شماره پنجم

بخش ششم: انتظار برای ماشیح

אם יתקדמה חפזה לו פי בא יבא לא יאחר
اگر چه او تأخیر کند، (با این حال) برای او منتظر باش، زیرا او حتماً خواهد آمد و (از زمان مناسب) دیر نخواهد کرد! و بشعیا می گوید (۱۸: ۳۰):
«אשרי כל חוֹבֵי לו» «خوشا به حال تمام کسانی که برای او انتظار می کشند»
در تلمود (שבח לא) گفته شده است یکی از اولین سوالاتی که در روز قضاوت الهی از انسان (یهودی) می پرسند این است که «צִיפִית לִישׁוּעָה» «آیا چشم به راه نجات بودی؟».

۱- صواب و میصوابی منتظر بودن صبر و انتظار برای ماشیح، تنها یک صفت خوب نیست بلکه یک فریضه مهم مذهبی است. به همین دلیل اعتقاد و انتظار برای او جزء اصول سیزده گانه یهود قرار گرفته است. برخی از مراجع مذهبی، اصل ایمان به ماشیح و نجات را قسمت تکمیل کننده فرمان اول مجموعه ده فرمان می دانند. خداوند در اولین فرمان چنین می فرماید: (شموت ۲: ۲۰)
«من خدا خالق تو هستم که تو را از سرزمین مصر، از خانه بردگی بیرون آوردم»

خوشا به حال تمام کسانی که برای او انتظار می کشند (بشعیا نبی)

ایمان به آمدن ماشیح و منتظر بودن برای او، دو موضوع مجزا هستند. "ایمان داشتن"، تصدیق و تایید یک اعتقاد است که در مورد همه قسمت های تورات صادق بوده و در این زمینه، تصدیق اصل ماشیح و آمدن او می باشد. اما "منتظر بودن" یعنی صبر و انتظار مشتاقانه و جدی برای گشولا و نجات که هر چه زودتر به وقوع پیوندد.

در اینجا خداوند در اولین کلام مستقیم خود با بنی اسرائیل، وجود و شناسایی خود را بلافاصله به موضوع آزادی و نجات از بندگی سرزمین مصر مرتبط می نماید. یعنی ایمان و انتظار برای نجات و آزادی، مکمل اعتقاد به وجود خداوند و توحید است.

حقوق نبی چنین می فرماید: (۲: ۳)

قرآن کریم: «قل انتظروا انا منتظرون»^{۲۸}
 عن الصادق عليه السلام: «طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته»^{۲۹}

هفتم:

«ناگهانی بودن زمان ظهور»

در منابع معتبر اسلامی (قرآن و روایات پیشوایان اسلام) از زمان ظهور منجی آخرالزمان حضرت بقیةالله ارواحنا فداه به شکل نامعلوم و ناگهانی یاد شده و حتی سفارش شده است که اگر کسی از زمان ظهور آن حضرت خبر داد سخن او را تکذیب کنید و لذا در اسلام به شدت از تعیین وقت ظهور نهی شده است.

شاید دلیل این ممنوعیت آن باشد که مردم جهان هر لحظه و هر روز به ظهور منجی بیندیشند و بسوی آن گام بردارند تا هرچه زودتر خداوند اذن ظهور به آن حضرت عنایت و جهان را از بدیها و هرگونه زشتی پاک نماید.

اگر در صدر اسلام خصوصاً در زمان تولد منجی آخرالزمان حضرت بقیةالله ارواحنا فداه گفته می شد مثلاً ده قرن دیگر آن حضرت ظهور خواهد کرد، مردم آن زمان تا ده قرن بعد از دست یابی به جامعه‌ای عاری از هرگونه ظلم و ستم ناامید شده و در پذیرش ظلم بر خود در پیشگاه الهی خود را معذور می دیدند و حرکتی برای رسیدن به جامعه‌ای پاک نمی نمودند.

«افزون بر این»

افزون بر این اگر تاریخ ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تعیین می شد مردم آن عصر از دست یابی به زمان ظهور محروم می شدند در حالیکه خداوند این را نمی خواهد بلکه اگر مردم آن زمان ظهور امام زمان ارواحنا فداه را یکپارچه خواستار می شدند از همان زمان ظهور آن حضرت آغاز و جهان پر از عدل و داد می شد.

اکنون نمونه‌ای از اعتقادات یهود در باره «نامعلوم بودن زمان ظهور» را از همان مجله که از کتاب مقدس نقل نموده ذکر می کنیم:

قرآن کریم: «بگو منتظر آن روز باشید که ما هم منتظر هستیم»
امام صادق علیه السلام: «خوشا بحال شیعیان حضرت قائم علیه السلام که در زمان غیبت آن
حضرت پیوسته در انتظار ظهور آن بزرگوار بسر می‌برند» (و در این جهت تلاش می‌کنند).

بخش چهارم: تاریخ ظهور ماشیح
تاریخ واقعی آمدن ماشیح، رازی است که
از بشر خاکی پوشیده مانده است. در یسعیا
(۶۰:۲۲) چنین آمده:
«אֲנִי דַּ בְּעַתָּה אֲחִישָׁנָה»
«من خدایی هستم که (نجات را) در زمان
خودش، تسریع خواهم کرد»
در این پاسوق (آیه)، دو مفهوم ظاهرا
متضاد بیان شده است:
۱. בְּעַתָּה - در زمان خودش: این
زمان موعود (۲۳:۲۷) زمان تعیین شده)
بدون قید و شرط می‌باشد، یعنی این وقت
از ابتدای آفرینش تعیین گشته و ارتباطی به
لیافت و شایستگی مردم هر دوره نخواهد
داشت.

۲. אֲחִישָׁנָה - آن را تسریع خواهم
کرد: این عبارت به معنای آن است که
نجات نهایی و ظهور ماشیح ممکن است
که زودتر از زمان تعیین شده فوق، واقع
شود.
در تلمود (سنهدرین ۹۸ الف) این قضیه
چنین تعبیر شده است که اگر مردم هر دوره از
خود آمادگی و شایستگی لازم را نشان دهند،
ظهور ماشیح تسریع شده و در زمان آنها واقع
خواهد شد و در غیر آن، در وقت مناسبی که
از ابتدای آفرینش در نظر گرفته شده است، او
به هر حال خواهد آمد.
در مزامیر داود (۹۵:۷) چنین آمده است:
«הֲיִוָּם אִם בְּקִלּוֹ תִשְׁמְעוּ» «امروز (خواهد
آمد)، اگر به ندای او گوش دهید»

آری، حجة بن الحسن ارواحانفدا، آن یگانه منجی عالم بشریت به «ناگهان» و به مانند
شهاب سنگ، آسمان تیره و سیاه جهل و فقر و نابسامانی بشر را خواهد شکافت و به
دور از انتظار بسیاری از مردم که از ظهور مقدّسش ناامید شده یا آنرا دور می‌پندارند،
جمال بی‌مثالش را آشکار خواهد نمود و بشریت را به صلح و دوستی فرا خواهد
خواند.

هشتم:

«سفارشات علماء یهود و علماء اسلام برای تسریع در ظهور»

از آن رو که ظهور منجی عالم بشریت بیشتر به خواست مردم بستگی دارد و این یک

الدعاء ندبة:

«این المرتجی لازالة الجور والعدوان»^{۳۰}

مسأله عقلی است در شرع مقدّس اسلام دستوراتی برای تسریع در ظهور آن حضرت داده شده مانند این جمله از حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه که در توقیعی فرمودند:

« و اکثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم »

« برای آنکه خداوند با عجله و با سرعت فرج را برساند، بسیار دعا کنید که این فرج خود شماست. (چرا که گشایش حقیقی امور شما فقط با ظهور و فرج ما تحقق خواهد یافت) »^(۱)

همچنین در سفارشات علماء یهود برای تسریع در ظهور منجی آمده است (به نقل از مجله بینا):

بخش پنجم: تسریع در ظهور ماشیح

علمای یهود، برای تسریع ظهور ماشیح و نجات نهایی، انجام فرمانهای دینی مخصوصی را به این شرح توصیه کرده‌اند:

۱. تشبوا (توبه): یسعیای نبی می‌فرماید (۱۲- ۱۱: ۲۱):

שמר מה מלילה שמר מה מלילה
אמר שמר אתה בקר וגם לילה
אם תבלין בעיו שבו אתיו

تعبیر کلام یسعیا این است که صبح آزادی و نجات در حضور خداوند دمیده و ماشیح آماده ظهور است، و در پاسخ این سؤال که چه وقت او می‌آید خداوند می‌فرماید: هر گاه آن را طلب کنید پس چیست که مانع نجات می‌شود؟ نبودن توبه و تشبوا پس بازگشته و بیایید.

«ای نگهبان (یعنی خدا)، شب چه خواهد شد؟ نگهبان گفت: صبح (یعنی نجات) فرا رسیده و همچنین شب (یعنی کیفر و مجازات برای شریران)، اگر (گنوا و نجات را) می‌خواهید، آن را طلب کنید، بازگردید و محسوب می‌گردید. بیایید»

بنابراین بهترین و ساده‌ترین روش برای آمدن ماشیح، پشیمانی ساده و خالصانه و تائبانه و همچنین شب (یعنی کیفر و مجازات برای شریران)، اگر (گنوا و نجات را) می‌خواهید، آن را طلب کنید، بازگردید و محسوب می‌گردید.

۱- احتجاج جلد ۲ ص ۵۴۵ احتجاج شماره ۳۴۴.

دعای ندبه :

«کجاست آن آرزوی همه امیدواران که بیاید و ستم و تجاوز را
ریشه کن نماید».

۲. شبات (مراسم روز مقدس شنبه): «תלמוד תורה כנגד כלם». «مطالعه و در تلمود آمده است که یکی از راههای تسریع فراگیری تورات و شریعت الهی هم ارزش ظهور ماشیح، رعایت دقیق و کامل قوانین روز اجرای تمام فرایض دینی است.»
شنبه (تعطیل و عبادت آن روز) است زیرا به همین دلیل است که اهمیت دادن افراد رعایت آن یکی از نشانه‌های ایمان یک فرد به علوم الهی و اختصاص اوقات روزانه و یهودی به احکام تورات است. هفتگی به فراگیری آن، موجبات تسریع ظهور را فراهم می‌سازد.
۳. مطالعه تورات و علوم دینی: جمله معروفی در تلمود به این مضمون ذکر شده است: «مطالعه تورات و علوم دینی: جمله معروفی در تلمود به این مضمون ذکر شده است:»
۴. صداقا (صدقه): گفته شده است که ترحم انسانها بر فقرا و مستمندان، بطور متقابل موجب برانگیخته شدن ترحم آسمانی (از جانب خداوند) گشته و در نتیجه آمدن ماشیح و فرارسیدن ایام نجات را تسریع می‌کند.

در روایات اسلامی نیز مانند این دستورات که موجب تسریع در ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فدا می شود ذکر شده مانند توبه از گناهان، دعا برای تعجیل فرج، صدقه برای سلامتی امام زمان علیه السلام و انجام امور خیر، آگاهی از معارف دینی در روز جمعه و گفتگو از امر اهل بیت (که مهمترین امر اهل بیت علیهم السلام ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است) و دستورات دیگری که اکنون جای ذکر آنها نیست سفارش شده است.

نهم :

«عظمت و شخصیت منجی آخر الزمان در اعتقاد یهود و اسلام»

در نشریه فوق، اعتقاد یهود در باره عظمت منجی آخر الزمان چنین ذکر شده است:

عن رسول الله ﷺ :
 «و منّا مهدي الأمة الذي يصلي عيسى خلفه ثم ضرب على منكب الحسين عليه السلام فقال :
 من هذا مهدي الأمة»^{۳۱}

ج: شخصیت و صفات خاص ماشیح

يشعیای نبی در وصف او چنین می گوید:
 וְנִזְחָה עָלָיו רוּחַ דְּרוּחַ חֲכָמָה וּבִינָה רוּחַ עֶזְרָה
 וְגִבּוֹרָה רוּחַ נְעֻמַת וְיִרְאָת ד' ...
 וְנִרְיָחוּ בְיָרְאָת ד' וְלֹא לְמִקְרָאָה עֵינָיו יִשְׁפּוֹט
 וְלֹא לְמִשְׁמַע אָזְנוֹ יִזְכִּית ...
 וְשִׁפְט בְּצַדֵּק דְּלִים וְהוֹכִיחַ בְּמִישׁוֹר לְעֵנְוֵי אָרֶץ
 וְהַקְהָ אָרֶץ בְּשִׁבְט סִיּוּ וּבְרוּחַ שְׁפָתָיו יִמִּית דְּשַׁע.

را با عدالت داوری کرده و برای افتادگان
 زمین، با تساوی حقوق تصمیم خواهد گرفت،
 و (ظالمان) زمین را با عصای (سخن) دهان
 خود می کوبد و شریران را با نفس (نسیم)
 لبهای خود از بین خواهد برد».

طبق عقیده هارامیام (موسی بن میمون):

«عقل و دانش او از حضرت سلیمان نیز
 بیشتر خواهد بود. او از پدران قوم بهود
 (ابراهیم، اسحق و یعقوب) و نیز از همه انبیای
 بنی اسرائیل که پس از حضرت موسی برانگیخته
 شدند، بلندمرتبه تر خواهد بود» □

«روح حد-اوند بسر او خواهد آمد، روح
 عقل و فهم، روح تدبیر و توانایی، روح دانش
 و ترس الهی. و او با ترس الهی الهام می گیرد،
 با دید چشمانش قضاوت نخواهد کرد و با
 شنیده گوشهایش فتوی نخواهد داد. تهیدستان
 روح حد-اوند بسر او خواهد آمد، روح
 عقل و فهم، روح تدبیر و توانایی، روح دانش
 و ترس الهی. و او با ترس الهی الهام می گیرد،
 با دید چشمانش قضاوت نخواهد کرد و با
 شنیده گوشهایش فتوی نخواهد داد. تهیدستان

آری، حضرت بقیة الله ارواحنا فداء چنان با عظمت است که همه پیامبران اولوالعزم و
 پیروان آنان او را منجی جهان دانسته و انتظار ظهورش را به جهانیان توصیه نموده اند
 ولی متأسفانه غفلت جامعه بشری از او و تمایل به خواسته های نفسانی موجب
 فراموشی از آن حضرت و تأخیر در امر فرجش گردیده است.
 امید آنکه روز به روز جهان با حضرتش آشنا گردد و ظهور مقدّسش خواسته همگان
 گردد.

رسول خدا ﷺ :

«حضرت مهدی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز خواهد خواند از ما اهل بیت است او از فرزندان این حسین عزیز من می باشد.» (اینرا در حالی فرمود که بر شانه حسین علیّه دست گذاشت).

«انجیل در باره منجی آخرالزمان چه می گوید؟»

اگر مطالب کتاب مقدس خصوصاً انجیل در باره مصلح آخرالزمان برای مسلمانها خوانده شود آنها فکر می کنند آیات قرآن و یا روایات پیشوایان اسلام در باره حضرت مهدی علیّه برایشان قرائت می گردد.

با وجود آنکه قرآن و کتاب مقدس اکثر صفات و خصوصیات مصلح آخرالزمان و به تعبیر انجیل «پسر انسان» را بیان کرده و کاملاً با هم اتفاق نظر دارند ولی استعمارگران بین المللی همیشه کوشیده اند تخم اختلاف بین این دو مذهب بزرگ جهانی بیفشانند.

آنان در خصوص منجی آخرالزمان به دست و پا افتاده برای آنکه از ظهور آن حضرت جلوگیری نمایند و این وعده بزرگ تورات و انجیل و زبور و قرآن را به خیال خود ناکام گذارند برنامه همیشگی خود را که ایجاد تفرقه بین امتهای و حکومت بر آنهاست، به مورد اجرای گذاشته اند.

«شیطنت پنهان در فیلم نوسترآداموس»

به عنوان نمونه در فیلم پیشگوئیهای نوسترآداموس کوشش شده مصلح آخرالزمان یا حضرت مهدی علیّه را ضد مسیح جلوه دهند در حالیکه نمی دانند یا می دانند و می خواهند حق را بپوشانند که مصلح آخرالزمان بیش از هرکس دیگری جلال و عظمت حضرت عیسی علیّه را آشکار خواهند نمود و حتی در انجیل آمده است که حضرت عیسی علیّه فرمود: او مرا جلال خواهد داد.

آری آنچه سیاستمداران بین المللی را وادار کرده حضرت مهدی علیّه را ضد مسیح جلوه دهند همان است که آنها از آن وحشت دارند و آن بشارت اتحاد پیروان حضرت

دعاء الندبه :

«این المَعْدُ لقطع دابر الظلمه»^{۳۱}

عیسی علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام و یاران آن حضرت است زیرا در روایات ما آمده است، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمده و در کنار حضرت مهدی علیه السلام و به کمک یکدیگر جهان را از شرّ فتنه‌ها پاکسازی خواهند نمود.

اکنون به امید آنکه ابرهای مسموم تبلیغاتی استعمارگران از سر مردم صلح جوی جهان کنار رفته و حقایق زلال و نورانی قرآن و انجیل در باره مصلح آخرالزمان آشکار گردد، و جهانیان آن بزرگوار را بشناسند، قسمت‌هایی از انجیل مقدّس را که با قرآن و روایات اسلامی تطبیق داده شده، ذکر می‌کنیم.

اول: در انجیل یوحنا باب ۱۴ شماره ۱۶ آمده است:

«من از پدر خواهم خواست و "تسلی دهنده" دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند یعنی * روح راستی * که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد».

«تسلی دهنده» از خصوصیات مصلح آخرالزمان است که با حکومت واحد و عدالت جهانی‌اش جهانیان را تسلی و آرامش خواهد داد و ناراحتی را از مردم دنیا برخواهد داشت.

«روح راستی» نیز بیانگر شخصیت آن حضرت می‌باشد که جز به حق و راستی داوری نخواهد کرد. (در صفحات آینده پیرامون روح راستی توضیحاتی خواهیم داد) در سخنان پیشوایان اسلام نیز همین صفات در باره مصلح آخرالزمان به چشم می‌خورد.

نقطه مشترک سوّم این سخن انجیل با اسلام آن است که جهان نمی‌تواند مصلح آخرالزمان را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد.

دعای ندبه :

«کجاست آن ذخیره خدا برای نجات بشر که همه در انتظارند بیاید
و ریشه ظالمین را قطع نماید».

در اسلام نیز از وجود مقدس آن حضرت به صفت غائب یاد شده که جهانیان
اورانمی بینند و او رانمی شناسند و تا ایمان به غیب نداشته باشند نمی توانند آن
حضرت را با آنکه در میان مردم زندگی می کند ولی ناشناس است قبول نمایند.
و در باب ۱۵ شماره ۲۷ می گوید :

«لیکن چون «تسلی دهنده» که او از جانب پدر نزد شما آید یعنی «روح راستی» که
از پدر صادر می گردد، او بر من شهادت خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد».
و این چهارمین و پنجمین مطلب مشترک بین انجیل و اسلام در باره مصلح
آخر الزمان است که حضرت عیسی علیه السلام می فرماید : او بر من شهادت خواهد داد، در
روایات اسلامی ذیل آیه شریفه " و ان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته " نیز آمده
است :

«حضرت عیسی قبل از روز قیامت به دنیا باز خواهد گشت، آنگاه هیچ یهودی و
نصرانی نیست مگر آنکه قبل از وفات آنحضرت به او ایمان می آورد و حضرت
عیسی علیه السلام را می بینند که پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می خواند»^(۱).

«حضرت عیسی علیه السلام : او مرا جلال خواهد داد»

انجیل یوحنا در باب ۱۶ شماره ۷ چنین می گوید :

«راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد
شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم و چون او آید جهان را بر گناه

زیارت امام عصر علیه السلام :
 «السلام على المهدي الذي وعد الله عزّ وجلّ به الأمم... و يملاء به الارض
 قسطاً و عدلاً»^{۳۳}

و عدالت، داوری و ملزم خواهد نمود.

در روایات اسلامی از این مطلب به عنوان یملاء الارض قسطاً و عدلاً یعنی حضرت مهدی علیه السلام جهان را پر از عدل و داد خواهد فرمود، یاد شده است که این ششمین مطلب مشترک بین انجیل و اسلام پیرامون مصلح آخرالزمان است. انجیل یوحنا در باب ۱۶ شماره ۷ پس از آنکه ظهور مصلح آخرالزمان را با صفت تسلی دهنده بشارت داده و حکومت بر عدالت را توسط او بر جهان نوید می دهد از قول حضرت عیسی علیه السلام آورده است که :

” بسیاری چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم لکن الآن طاقت تحمل آنها را ندارید ولیکن چون اویعنی * روح راستی * آید شما را به جمیع راستیها هدایت خواهد کرد زیرا که او از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده سخن خواهد گفت.”

انجیل یوحنا در باب ۱۶ از قول حضرت عیسی علیه السلام می فرماید :

” او مرا جلال خواهد داد زیرا که آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد....”

لازم به توضیح است که طریقه جلال دادن حضرت عیسی علیه السلام از سوی پیامبر عظیم الشان اسلام و نیز حضرت مهدی ارواحنا فداه به دو طریق است. یکی از طریق بیان حقایق آیات قرآن در باره حضرت عیسی علیه السلام، که هم اکنون اگر مسیحیان جهان به این آیات در باره آن حضرت توجه نمایند حقیقتاً به عظمت شأن حضرت عیسی اعتراف خواهند نمود.

زیارت امام عصر علیه السلام :

«سلام بر حضرت مهدی علیه السلام آن نجات دهنده‌ای که خداوند به همه‌امتهای جهان وعده ظهورش را داده که بوسیله او زمین را پر از عدل و داد می‌نماید».

از باب نمونه کافیهست بدانیم قرآن کریم حضرت عیسی علیه السلام را سخن پروردگار (کلمة الله) و بنده او و فرستاده‌اش که در گهواره و حتی موقع تولد با مادر سخن گفته است یاد می‌کند و طرز تولد او را به صورت معجزه و در زیر درخت خرما و دور از چشم مردم می‌داند. همچنین پیشوایان معصوم علیهم‌الصلاة والسلام نیز سخنان بسیاری از حضرت عیسی علیه السلام نقل نموده‌اند که اگر کسی این کلمات را مطالعه نماید کافی است که به عظمت مقام حضرت عیسی علیه السلام اعتراف نماید و او را پیامبر عظیم‌الشان و روح الهی بداند. و طریقه دوم جلال دادن به حضرت عیسی علیه السلام احترام عملی حضرت مهدی علیه السلام از آن حضرت است که در موقع ظهور مقدسش به حضرت عیسی علیه السلام پیشنهاد امام جماعت بودن در نماز را نموده و به کمک آن حضرت و یاران باوفای خویش صلح و عدالت را بر جهان حاکم می‌سازد.

«توضیحی در مورد روح راستی»

چنانکه پیش از این گفته شد روح راستی ممکن است بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز صدق کند که این مطلب منافاتی با آنچه ما در صدر بیان آن هستیم ندارد زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نوید تحقق تعالیم خود بر جهان را با ظهور فرزند عزیز خود حضرت مهدی علیه السلام داده‌اند. و ممکن است دانشمندان مسیحی بگویند منظور از روح راستی روح القدس است که باز چندان مشکلی ایجاد نمی‌کند زیرا روح القدس همان روحی است که طبق روایات ما امامان معصوم و حضرت مهدی علیه‌الصلاة والسلام را تایید و یاری می‌کند و هرچه آن حضرت انجام دهد بلاشک به کمک و تایید روح القدس خواهد بود.

زیارت امام عصر علیه السلام :

«السلام على النور الذي اراد اهل الكفر اطفائه فابى الله الا ان يتم نوره بكرهم»^{۳۴}.

علاوه بر این در این جملات آمده که روح راستی خواهد آمد و شما را به جمیع راستیها هدایت خواهد کرد زیرا که او از خود تکلم نمی‌کند...

در حالیکه این خصوصیات مربوط به کسی است که روح پنهان نیست بلکه مربوط به کسی است که مثل انسانهای دیگر در بین مردم زندگی می‌کند و آنرا هدایت می‌نماید که حضرت مهدی علیه السلام چنین است بلکه طبق نظر بعضی از بزرگان علم و معنویت می‌توانیم بگوئیم "روح القدس" همان صفات و علوم بیکران چهارده نور مقدس علیهم السلام است که موجب تایید آنان و قدرت و عظمتشان می‌گردد که این مطلب هم خلاصه آیات و روایاتی است که در باره روح القدس ذکر شده و اکنون مجال توضیح آن نیست.

«پسر انسان در انجیل»

«پسرانسان» نامی آشنا در انجیل متی و مرقس و لوقا است.

«پسر انسان» نامی نمادین از وجود مصلح جهان در آخرالزمان است که در انجیل مقدس نوید ظهورش داده شده.

«پسر انسان» همان موعود تورات و انجیل و زبور و زرتشت و بودا و اسلام است.

«پسر انسان» ظهور خواهد کرد و از ساعت ظهورش هیچکس حتی ملائکه آسمان

اطلاع ندارند آیا این جمله را از قرآن می‌دانید یا از انجیل؟ یا از هر دو؟

حضرت عیسی علیه السلام (انجیل متی باب ۲۴ شماره ۴۴-۲۷) می‌فرماید :

"هم چنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور

«پسرانسان» نیز چنان خواهد شد.... آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید

زیارت امام عصر علیه السلام :

«سلام بر امام عصر علیه السلام آن نور الهی که کافران می خواستند آنرا خاموش سازند ولی خداوند نگذاشت چنین کنند».

می گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و «پسرانسان» را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می آید اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان، لهذا شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید «پسرانسان» می آید .»

تمامی این جملات منطبق بر روایات اسلامی و آیات قرآن در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اول آنکه : در روایات پیشوایان اسلام از حضرت علی بن ابیطالب و حضرت حسین بن علی علیه السلام به عنوان "انسان" یاد شده است که طبعاً چون حضرت ولی عصر علیه السلام فرزند علی ابیطالب و فرزند حسین بن علی علیه السلام است " پسر انسان " می باشد.

دوم آنکه : ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای همه کره زمین است، همچنانکه انجیل می فرماید : " ظهور پسرانسان مانند برقی که از مشرق تا مغرب ساطع می گردد خواهد بود ."

سوم آنکه : چنانکه انجیل فرمود در روایات پیشوایان اسلام نیز آمده است که علامتی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آسمان آشکار می شود، از امام صادق علیه السلام نقل شده که به نام آن حضرت و پدرش از آسمان ندا داده می شود ^(۱) و فرمود : جبرئیل در آسمان با صدائی که همه خلایق می شنوند ندا می کند : " امر خداوند فرا رسید پس در آن عجله نکنید ."

۱ - المحجة فیما نزل فی القائم الحجة ص ۲۰۹

زیارت امام عصر علیه السلام :

«السلام عليك يا معدن العلوم النبويه»^{۲۵}

چهارم آنکه: از امام صادق علیه السلام نقل شده است: "جمعی از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام بر ابر سوار می شوند" چنانکه در انجیل فرمود: "و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می آید."

پنجم آنکه: طبق آیات قرآن و روایات نقل شده از پیشوایان اسلام لحظه ظهور حضرت مهدی علیه السلام بهیچ عنوان مشخص نبوده و کاملاً مخفی می باشد و از آن به ظهور ناگهانی تعبیر شده است، از امام باقر علیه السلام نقل شده که درباره این آیه شریفه "آیا نمی نگرند که آن ساعت بطور ناگهانی بسراغشان خواهد آمد" ^(۱) فرمود:

"منظور ظهور حضرت مهدی علیه السلام عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بطور ناگهانی قیام خواهد فرمود" ^(۲)

آنچه مسلم است آن است که ظهور ناگهانی برای آن می باشد که دوستان از حالت غفلت خارج شده، با خود بگویند هر روز ممکن است امام زمان علیه السلام ظهور کند پس به گونه ای باشیم که او از ما راضی بوده تا بتوانیم آن بزرگوار را یاری کنیم و نیز دشمنان چون از آن ساعت و روز آگاه نیستند غافلگیر خواهند شد.

مشابه موارد فوق در انجیل دیگر نیز آمده است. ^(۳)

از مسائل مهم مطرح شده در این بخش از انجیل مسأله "دعا کردن" برای ظهور مصلح آخر الزمان علیه السلام است که فرمود: "پس در حذر باشید و بیدار شده و دعا کنید زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود."

۱- سوره زخرف آیه ۶۶. ۲- المحجة فيما نزل في القائم الحجة ص ۲۰۱

۳- انجیل مرقس باب ۱۳ شماره ۲۶ و انجیل لوقا باب ۱۲ شماره ۴۰ و باب ۲۱

زیارت امام عصر علیه السلام :

«سلام بر شما یا صاحب الزمان ای معدن علوم پیامبران».

آری این مطلب در روایات پیشوایان اسلام ذکر شده که برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام بسیار دعا کنند چنانکه از خود حضرت مهدی صلوات الله علیه نیز نقل شده که فرمود :

«و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج»^(۱)

“ و برای آنکه ظهور و فرج ما هرچه زودتر انجام شود بسیار دعا کنید ”.

آری خداوند وقت ظهور آن حضرت را برای این مخفی نموده است که هر وقت مصلحت بود آنرا جلو انداخته و یا به تأخیر بیندازد و مردم برای آنکه زودتر به صلح جهانی و حکومت عدالت گستر و حیات بخش مصلح آخر الزمان برسند دست به دعا بردارند و از او بخواهند در ظهور آن بزرگوار شتاب فرماید.

پیامبران دیگری در کتاب مقدس نام برده شده اند. از جمله حضرت دانیال نبی، اشعیا نبی، ذکریای نبی، حبقوق نبی و صفیای نبی که سخنان مهمی مشابه موارد فوق پیرامون مصلح آخر الزمان از آنان نقل شده که به برخی از این سخنان در گذشته اشاره کردیم.

«اسامی دوازده امام معصوم خصوصاً منجی آخر الزمان در کتابهای مقدس ادیان»

از آنرو که پیامبران عظیم الشان الهی برای حکومت جهانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام جامعه بشری را آماده می نمودند، اسامی مقدس و مبارک دوازده امام معصوم علیهم السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله خصوصاً حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام و حضرت مهدی آل محمداً و احنافداً در کتابهای قدیمی و مقدس آنان یافت می شود.

۱- احتجاج جلد ۲ ص ۵۴۵ (احتجاج شماره ۳۴۴)

القرآن کریم : «والشمس وضحيها»^{۲۶}
 عن الصادق عليه السلام : «الشمس امير المؤمنين عليه السلام وضحيها قيام القائم عليه السلام»^{۲۷}

من این جدول را از کتاب پرارزش و محققانه «عوامل العلوم» مجلد «على الأئمة الأثني عشر عليهم السلام» نقل می‌کنم. لازم به ذکر است این جدول در آخر کتاب مذکور به عنوان ملحقات ذکر شده که محقق عظیم الشان حضرت آیه الله حاج سید محمد باقر موحد باطحی مدظلها العالی آنرا از کتاب «تذكرة الأئمة» مولی محمد باقر بن محمد تقی لاهیجی از روی یک نسخه خطی این کتاب که در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است، نقل فرموده‌اند.

اسماء الكتاب	علی بن ابی طالب	الحسن بن علی	الحسین بن علی
التورات	بری، ایلیا، تقویث، بماد، شموعل	مادا ایلیا، شما عسحوا، نوفورست، فیدوا	قندوران، وهی بیرختی، قتل، دبیرا
کتاب زند	حجوسان بلیلا	بنک رأی	نیک بخت
الانجیل	الیا، بریا	هاسن	*****
کتاب انگلیون	ذوالعلی	زینست	*****
کتاب هندوان	خدادوست وتوانا	*****	اعظم تارا
انجیل فرنکان	ازماط شنیطا	*****	هوشین
کتاب دبد براهمه	نیطارست	*****	لندکس
التوراة (علی لغة الجبل)	*****	شیر (معربه: شیر)	شیر (معربه: شیر)
	انجیل ارامنه: الی جاماسب نامه: عبد الاحد صحف ابراهیم: اسلام دوست حزبیل الزبور: اری، اریا	اللغة اليونانية: فرس موش	کتاب باننکل : بهتر

قرآن کریم: «قسم به خورشید و قسم به روشنایی و درخشندگی آن»
 امام صادق علیه السلام: «منظور از خورشید امیرالمؤمنین علیه السلام و مقصود از روشنایی نور آن
 قیام حضرت قائم علیه السلام است که جهان را از نور عدالت و علم پر می‌سازد».

اسماءالکتاب	علی بن الحسین	محمد بن علی	جعفر بن محمد
التورات	ابریل، ایثوابما، ائویل، مفسورا	مشطور، یذئیم، آنقور، مسموعا	مشموط، عوشود، شموعا، دوموه
کتاب زند	وخشوزداد	ایزدان	یازندائم
الانجیل	عابد	*****	صادق
کتاب انگلیون	*****	*****	صدیق
کتاب هندوان	حرکه دست	ساحب	*****
انجیل فرنکان	*****	باکرد	*****
کتاب دید براهمه	*****	*****	عالم
التوراة (علی لغة الجبل)	*****	*****	*****
			انجیل ارامنه: دردر

القرآن كريم : «والنهار اذا تجلّى»^{۳۸}
 عن الباقر عليه السلام : «النهار هو القائم عليه منا اهل البيت اذا قام غلبت دولة الباطل»^{۳۹}

اسماء الكتاب	موسى بن جعفر	على بن موسى	محمد بن على
التورات	وذور مر مشود، زومود بوليد بستم، مشبوا	مسر، هذار، هزار، بشير العوى	هداد، يثموا، شمويد، قوم لوم
كتاب زند	سرح شبانان هودار	بنوكيارند	شما
الانجيل	كاظم	راضى	جواد
كتاب انگليون	ملك	برگزیده	صديق
كتاب هندوان	*****	*****	يکيزه
انجيل فرنکان	*****	*****	*****
كتاب ديد براهيمه	*****	خثور	*****
التوراة (على لغة الجبل)	موشى	*****	*****
جاماسب نامه : شايسته			كتاب قوفف : بيرهيزكار كتاب ذوهر : اعظم

قرآن کریم : «قسم به روز آنگاه که جهان را با نور خود روشن می سازد»
 امام باقر علیه السلام : «منظور از روز، قائم ما اهل بیت است که با قیام خویش تاریکی ظلم و ستم را برطرف و جهان را روشن می سازد».

اسماءالکتب	علی بن محمد	الحسن بن علی
التورات	بطود، بطور، نشطور، کودوعان	یوقش، لامذبور، نوفلیس، نوقس
کتاب زند	حق بین	ارمس
الانجیل	میرمارکاره	****
کتاب انگلیون	عزیز	راه نما
کتاب هندوان	عبدالکریم	مروارید
انجیل فرنکان	****	داودی زینت
کتاب دید براهمه	****	****
التوراة	****	****
	کتاب قبالا یهود : عبدالمجید	کتاب بانکل : معظم رأی کتاب ذوهر : فیل

القرآن کریم : «یرید اللہ ان یحق الحق بکلماته و یقطع دابر الکافرین»^{۲۰}
 عن الباقر علیه السلام : «لیحق حق آل محمد علیہم السلام حین یقوم القائم علیه السلام»^{۲۱}

«نام مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در کتب مقدس»

اسماء الكتب	نام مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا فداء
التوراة	دست ماشع، قیدموا، فیثمور، وهومل
الانجيل	مهمیو آخر
انگلیون	برهان الله
هندوان	لندیطارا، مظفر و منصور
انجيل فرنگان	مسیح الزمان
بانتکل	راهنما
شاهگوتی	ایستاده، خداشناس
تورات (به لغت ترکوم)	اوقید هوا
ذوهر یهود	بقیة الله
فرنگان	ماجارالامان فیروز
صحف ابراهیم	حاشر
زبور	مقبق
زمزم	سروش ایزد
کتاب کبران عجم	کی قباد دوم (یعنی: عادل برحق)
کتاب یرزین فارسیان	برویز سیحی
کتاب قروس رومیان	فردوس الاکبر
کتاب جاودان خدا رمجوسی	خسرو
کتاب ابتاع مجوسی	بهرام (و به روایت دیگر: بنده یزدان)
وید	منصور
کتاب دشن براهمه	خجسته، فرخنده
نام آن حضرت نزد فارس	ایزدشناس، ایزد نشان

قرآن کریم: «خداوند می خواهد با کلماتش حکومت حق را در جهان تحقق بخشد و ریشه ظالمین را قطع نماید»
امام باقر علیه السلام: «یعنی خداوند می خواهد بوسیله قائم آل محمد علیه السلام حق آل محمد علیه السلام (حکومت علم و عصمت آنان بر تمام جهان) را تحقق بخشد».

«نتیجه تلاش انبیاء علیهم السلام»

این اتفاق نظر که اکثر موضوعات اساسی پیرامون مصلح آخرالزمان را در برمی گیرد برای چیست؟

چرا پیامبران بزرگ اینقدر بر ظهور مصلح آخرالزمان تاکید دارند؟ در پاسخ باید گفت:

پیامبران الهی بمنزله پدری مهربان برای خانواده بزرگ بشری هستند که مسئولیت نظم و اداره امور منزل به عهده آنهاست. آنان از همان آغاز کوشیدند این منزل بزرگ را تحت یک نظم درآورده و حکومت واحدی را در آن اجرای و سپس همه انسانها را به سعادت دنیا و آخرت برسانند، حکومتی که اجازه کوچکترین ظلم را در تمام نقاط کره زمین به هیچ فردی نمی دهد و هر انسانی به حقوق کامل مادی و معنوی خود می رسد.

متأسفانه آن رشد فکری که باید انسانها از خود نشان می دادند در جهان تحقق نیافت و انبیاء علیهم السلام هم به دستور پروردگار وظیفه نداشتند اجباراً این نظم را بر جامعه بشری اجرای نمایند تا آنکه بشر به رشد فکری برسد.

آنان رنجهای بسیاری را متحمل شدند تا در بشر رشد فکری ایجاد نمایند همانطور که پدر و مادر زحمات فراوانی متحمل می شوند تا فرزند رشد نماید.

حضرت نوح علیه السلام لا اقل نهصد و پنجاه سال مردم را به این نظم دعوت فرمود.
حضرت ابراهیم علیه السلام جانش را فدای دین الهی نمود و خداوند او را از میان آتش نجات داد.

حضرت موسی علیه السلام چه مصائب و بلاها را از قوم فرعون و مردم و بنی اسرائیل

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم :

«الا انه المنتقم من الظالمين، الا انه فاتح الحصون و هادمها»^{۲۱}

تحمل کرد.

و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام نیز چه تهمت‌ها و سخنان ناروا شنید و بالاخره خداوند او را از دست مردم به آسمان بالا برد.

و بالاخره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بالاترین مشقات و زحمات را تحمل کرد و اهل بیت آنحضرت یک به یک بدست مردم نادان به شهادت رسیدند.

البته اینها پنج پیامبر برجسته بودند که یکصد و بیست و سه هزار و نهصد و پنجاه و پنج پیامبر دیگر در طول این چند هزار سال به اضافه جانشینان و یاران خود اهداف آن پنج پیامبر برجسته را تعقیب می نمودند.

آنان به بشر می گفتند آینده زندگی در این منزل یعنی کره زمین از آن پرهیزکاران و صالحان است.

خداوند فرموده تنها تا زمانی مشخص بشر را در پذیرش حکومت حق آزاد می گذارد و از آن زمان به بعد دیگر حکومت عدل الهی تمام کره زمین را فرا خواهد گرفت و حتی لحظه‌ای آغاز حکومت عدل جهانی به تأخیر نخواهد افتاد و تمامی قدرتهای پوشالی خود را تنها خواهند دید چرا که مردم جهان آنانرا نخواهند پذیرفت و با معجزات الهی همه دلها بسوی حق و مصلح آخرالزمان برمی گردد و تمام فرشتگان در خدمت او قرار دارند .

اکنون در اثر زحمت انبیاء و جانشینان آنان که هزاران سال به طول انجامیده بشریت از خردسالی بیرون آمده و به رشد فکری خاصی رسیده و آماده پذیرش صلح جهانی به رهبری مصلح آخرالزمان و موعود ادیان می باشد.

زندگی انسان امروز مثل قافله‌ای را دارد که در تاریکی شب ظلم و ستم به شهری

رسول خدا ﷺ در غدیر خم:

«ای مردم! بدانید که حضرت مهدی عجل الله فرجه انتقام از ظالمین خواهد گرفت و تمامی دژها را فتح کرده و ویران خواهد نمود.»

که همان شهر فضیلت و زندگی در حکومت عدل جهانی است نزدیک می شود. خداوند متعال هم در قرنهای اخیر خصوصاً در زمان ما سرعت حرکت این قافله بسوی رشد فکری را زیاده تر فرموده زیرا درهای علم و دانش را به روی او باز نموده تا اختراعات و اکتشافات دانشمندان جوامع مختلف را به هم نزدیک نماید و انسانها یکدیگر را بهتر درک نموده و لزوم یک نظم و حکومت واحد جهانی را بر خود بیشتر احساس نمایند زیرا آنگاه که در اثر ارتباطات پیشرفته و وسائل سریع السیر انسانها بهم مرتبط شوند زندگی آنها مبدل به یک زندگی خانوادگی گردیده که همه کارهایشان بر یکدیگر اثر می گذارد و ضرورت وجود یک نظم در آن بیش از پیش حس می گردد و چنانچه این خانواده با آن نظم واحد عادلانه اداره نگردد ظلم و فقر و بدبختی مادی و معنوی دامان همه انسانها را خواهد گرفت چنانکه امروز این حقیقت را بعینه مشاهده می کنیم و این یعنی شمارش معکوس خاتمه یافتن حیات و زندگی بشری.

«شعار نظم نوین جهانی»

با کمال خوشبختی اکنون چنان ضرورت وجود یک حکومت واحد در جهان حس می شود که حتی قدرتمندان و استعمارگران نتوانسته اند این حقیقت را انکار نمایند و به آن معترف شده و شعار نظم جهانی و حکومت واحد را سر می دهند تا شاید خود را صاحب آن حکومت قلمداد نمایند و حتی برای تصاحب آن به همه جای دنیا دست اندازی کرده و در امور داخلی کشورها دخالت می نمایند و جز با زبان زور و قدرت نظامی با زبان دیگری قادر به سخن گفتن نیستند، ولی دیگر دیر شده و بشریت در بازار پرتلاطم دنیا جنسی گرانتیمت به نام رشد فکری را خریداری نموده که بابت آن میلیونها کشته و میلیونها معلول و میلیاردها میلیارد خسارت های مالی و هزاران

زیارت آل یاسین : «السلام علیک ایهاالمقدم المأمول»^{۲۳}
سلام بر شما یا صاحب الزمان ای آرزوی همه آرزومندان که چشم براهت دارند».

سال عقب افتادگی معنوی و دوری از تعالیم انبیاء و محرومیت از حکومت عدل الهی را پرداخته است و هیچگاه تن به حکومت واحد جهانی ظالمانه که خودخواهان و شیاطین تصمیم گیرنده آن هستند نمی دهد مگر آنکه قدرتمندان ظالم بمبهای وحشتناک اتمی و غیره را منفجر و تمام انسانها را نابود نمایند و آنگاه بر کره ای خالی از سکنه حکومت نمایند که این فرضیه هم هرگز تحقق نخواهد یافت زیرا خداوند عالم وعده حکومت صالحان به رهبری مصلح آخر الزمان را به جهانیان داده و او در وعده خود تخلف نمی کند.

قسمت چهارم :

افتخار ما

«ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان علیهم آلاف التحية والسلام که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند».

وصیتنامه سیاسی - الهی امام قُدْرَتُهُ

صحیفه امام قُدْرَتُهُ ج ۲۱ ص ۳۹۶

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم :

«الا و ان خاتم الائمة منا القائم المهدي صلوات الله عليه الا انه الظاهر على الدين»^{۲۴}

حضرت امام خمینی قدس سره، در وصیتنامه سیاسی - الهی خویش می فرمایند :

- " ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت

مهدی صاحب زمان علیهم آلف التحية والسلام که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر

امور است، ائمه ما هستند " (۱)

«اتفاق نظر تمامی مسلمانان جهان بر حضرت «ع» علیه السلام»

آخرین فرستاده خدا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در احادیث فراوان که مورد اتفاق تمامی مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت است نام و خصوصیات کامل مصلح آخر الزمان را ذکر فرموده اند که این احادیث در بیش از یکصد و پنجاه کتاب معتبر سنی و شیعه موجود است از جمله صحیح بخاری، ابوداود، ترمذی،

۱- صحیفه نور ج ۲۱ ص ۳۹۶

رسول خدا ﷺ در غدیر خم :
«مردم بدانید که آخرین امام از ما اهل بیت حضرت قائم مهدی که درود و رحمت
خدا بر او باد می باشد که دین حق را بر جهان حاکم خواهد ساخت.»

تاریخ ابن اثیر، مُرُوج الذهب مسعودی و مقدمه ابن خلدون و بسیاری کتب
دیگر. (۱)

ابن خلدون عالم بزرگ جامعه شناسی می گوید :

” در میان مسلمانان در تمام قرون معروف بوده که مردی از خاندان پیامبر ﷺ
با نام مهدی ظهور خواهد کرد و عدل و داد را در دنیا آشکار خواهد
ساخت.“ (۲)

بدون تردید و طبق تحقیقات فراوان احادیث شیعه و سنی در باره حضرت
مهدی علیه السلام بحدی است که می توان صریحاً گفت : در هیچیک از مسائل دینی ما
این اندازه روایت وارد نشده و مسلمانان شیعه و سنی در هیچ مسأله ای از مسائل
اسلامی بعد از توحید و نبوت این اندازه با هم در باره حضرت مهدی علیه السلام اتفاق
نظر ندارند.

تعداد احادیثی که اهل سنت در باره حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده اند : ۶۵۷
عدد و چنانچه احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام یعنی ائمه هدی علیهم السلام
را به آن ضمیمه کنیم این عدد به بیش از «سه هزار روایت» می رسد. (۳) و حدود
۶۰ کتاب از اهل سنت در این باره نگاشته شده است.

قاضی بهلول بهجت افندی مورخ شهیر اهل سنت می نویسد :

۱- مصلح جهانی یا مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت - سید هادی خسروشاهی ص ۶۳.

۲- مصلح جهانی یا مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت - سید هادی خسروشاهی ص ۶۴.

۳- همان مدرک ص ۶۴.

القرآن الکریم «والسما ذات البروج»^{۲۵}
 عن رسول الله ﷺ : «اما السماء انا و اما البروج فالائمة بعدي اولهم علي و آخرهم
 المهدي صلوات الله عليهم اجمعين»^{۲۶}

“ ظهور مهدی قائم آل محمد در میان امت اسلامیہ مسأله متفق علیہ بوده و محتاج تشریح و محاکمه نیست چون حدیث (من مات و لم یعرف امام زمانه فقد مات میتة الجاهلیه) متفق علیہ علمای عامه و خاصه می باشد بنابراین هیچ فردی از افراد اسلام پیدا نمی شود که به وجود صاحب عصر و زمان اقرار نداشته باشد.”^(۱)

شیخ محمد منتصر کتانی رئیس رابطه عالم اسلامی در مکه مکرمه در پاسخ این پرسش که آیا حضرت مهدی موعود منتظر وجود دارد و زمان خروجش چه وقت است و از کجا ظاهر می شود می نویسد :

او محمد، پسر عبدالله حسن، علوی فاطمی است

او مهدی موعودیست که همه انتظارش را می کشند

او از طرف مغرب مکه خروج می کند و مردم با او بین رکن و مقام بیعت می کنند

او دنیا را پر از عدل و داد می کند

حضرت عیسی بعد از او نازل می شود

او آخرین خلیفه (از خلفاء) دوازده گانه پیغمبر اکرم ﷺ است که پیغمبر از وجود آنها در روایات صحیحه در کتب صحاح خبر داده است.

قرآن کریم: «قسم به آسمان که دارای برجها (مناطق مختلف) است».
رسول خدا ﷺ: «منظور از آسمان من هستم و منظور از برجها، ائمه پس از من اند
که اولین آنها علی رضی الله عنه و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام است».

احادیث حضرت مهدی علیه السلام را بیشتر صحابه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند.
شیخ محمد منتصر کتانی پس از تائید احادیث فوق می گوید:
"اعتقاد به خروج حضرت مهدی علیه السلام واجب است و این از عقاید اهل سنت و
جماعت است و منکرش جز جاهل به سنت و بدعت گذار در عقیده کسی
نیست."

شیخ محسن العباد عالم حجاز که مسئول اول دانشگاه اسلامی مدینه بوده در
کتابی با عنوان "الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی علیه السلام" سخن
روشنفکرانی که در میان اهل سنت احادیث حضرت مهدی علیه السلام را مورد خدشه
قرار داده اند، پاسخ قاطعانه ای داده است، او می گوید:

از میان مسائل مربوط به آینده که در آخر الزمان هنگام نزول عیسی بن
مریم علیه السلام از آسمان به وقوع می پیوندد ظهور و قیام مردی از خاندان نبوت از
فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام است که نام وی با نام پیامبر صلی الله علیه و آله یکسان است و
مهدی نامیده می شود که زمامداری مسلمانان را بر عهده می گیرد و عیسی بن
مریم علیه السلام پشت سر او نماز می گزارد این خبر در احادیث متواتر از پیامبر
خدا صلی الله علیه و آله مورد قبول تمام امت واقع گشته و اعتقاد بر حجت آن جز از سوی
افرادی بسیار معدود محرز و قطعی گردیده است.^(۱)

۱ - همان مدرک ص ۱۰۴.

عن امیر المؤمنین علیه السلام :

«المهدی منا یختم الدین بنا کما فتح»^{۲۷}

او اسامی بیست و شش تن از اصحاب بزرگ پیامبر و نام سی و هشت نفر از امامان اهل سنت از جمله : ابوداود، ترمذی، نسائی، احمد، حاکم، بیهقی و ابن سعد و بسیاری دیگر را نام می برد که احادیث حضرت مهدی علیه السلام را نقل نموده اند و سپس به نام عده ای از علماء اهل سنت که احادیث مذکور را متواتر یعنی غیرقابل تردید می دانند تصریح نموده است.

مجله دانشگاه اسلامی مدینه سخنان قائم مقام ریاست دانشگاه اسلامی مدینه شیخ عبدالعزیز ابن باز (که مفتی اعظم کشور عربستان سعودی بود و چندی قبل فوت نمود) را نقل نموده که قسمتی از آن چنین است :

” حق و صواب همان است که شیخ عبدالمحسن اظهار کرد، بنابراین مسأله مهدی آشکار و روشن و احادیث در باره آن فراوان بلکه متواتر و مسلم است. او محمد بن عبدالله العلوی از ذریه حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است.“^(۱) اکنون به فهرست کوتاهی از این احادیث اشاره می کنیم :

۱- تنها ۲۷۱ حدیث اهل سنت و شیعه از آن حضرت نقل نموده اند که فرمود :
 ” جانشینان و امامان بعد از من دوازده نفرند که همگی آنان از قریش می باشند و در بعضی از این روایات فرمود : همه آنها از بنی هاشم اند که بدیهی است بنی هاشم از قریش محسوب می شوند.“^(۲)

۱- لازم به ذکر است که امامان معصوم پس از حضرت امام محمد باقر علیه الصلاة والسلام، بواسطه مادر بزرگوار آن

حضرت که فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد، هم فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام هستند و هم

فرزندان امام حسین علیه السلام.
 ۲- منتخب الاثر - ص ۱۰.

امیر المؤمنین علیه السلام :
حضرت مهدی علیه السلام که جهان را پراز عدل و داد خواهد نمود از ما اهل بیت است او دین الهی را
بوسیله ما بر جهان تار و ز قیامت حاکم خواهد نمود همانطور که شروع دین نیز بوسیله ما بوده است

۲- تعداد ۱۳۳ حدیث گویای این است که نام اولین این دوازده امام، علی علیه السلام است. به عنوان نمونه ینابیع الموده از کتب مشهور اهل سنت نقل نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:
" ای علی تو وصی من هستی...."
آنگاه پس از ذکر مطلبی فرمود:

" تو امام و پدر امامهای یازده گانه ای هستی که همه آنان پاک و از هر خطائی معصوم اند و از آنهاست مهدی که زمین را پراز قسط و عدل می نماید." (۱)
۳- همچنین، ۱۰۷ حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط شیعه و اهل سنت نقل شده که بیانگر آن است امامان بعد از آنحضرت دوازده نفر و نه نفر آنها از فرزندان امام حسین علیه السلام و نهمین آنان حضرت قائم و مهدی علیه السلام است. (۲)

«یک حدیث نمونه»

ینابیع الموده که از معروفترین کتب اهل سنت است از کتاب فرائد السمطین که آن نیز از کتب معروف اهل سنت می باشد در حدیثی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله نام و نام پدر تمامی آن دوازده جانشین و امام پس از خود را برای نعل که بر دین یهود بود بدین ترتیب ذکر می فرمایند:

" وصی من علی بن ابی طالب است و پس از او دو فرزندم حسن و حسین که

۱- منتخب الاثر - ص ۵۶.

۲- احادیث فوق از کتب شیعه و سنی در کتاب پراج منتخب الاثر تألیف حضرت آیه الله صافی گلپایگانی مدظله منعکس گردیده است.

قال رسول الله ﷺ :

«المهدى منا اهل البيت»^{۴۸}

پس از حسین نه امام از فرزندان حسین امامت خواهند نمود.

نعثل گفت : ای محمد آنها را برایم نام ببر.

حضرت فرمود :

” پس از حسین فرزندش علی و پس از علی فرزندش محمد و پس از محمد فرزندش جعفر و پس از جعفر فرزندش موسی و پس از موسی فرزندش علی و پس از علی فرزندش محمد و پس از او فرزندش علی و سپس فرزند علی که حسن نام دارد و پس از حسن فرزندش حضرت حجت مهدی امامان دوازده گانه اند.“^(۱)

۴- تعداد این احادیث که نام ائمه دوازده گانه را به همین ترتیب ذکر نموده اند حداقل پنجاه حدیث می باشد.

آری این خط سبز کشیده شده از آسمان به زمین چشم هر صاحب دلی را جلا می دهد همانطور که نعثل یهودی را در پایان این گفتگو ثناگوی آن دوازده امام خصوصاً امام منتظر و مصلح آخر الزمان نمود.

«معجزه‌ای آشکار»

رسول گرامی اسلام همان پیامبر عرب آخر الزمان که در کتب ادیان گذشته نوید بعثتش داده شده مهدی آخر الزمان و مصلح جهان را چنین زیبا به جهان معرفی فرموده که نام یکایک پدران و نام پدر بزرگوار آن حضرت که حدود دو بیست و

رسول خدا ﷺ :

«حضرت مهدی علیه السلام (منجی عالم بشریت) از ما اهل بیت است.»

پنجاه سال بعد از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنیا می آید را صریحاً بیان فرمود و این معجزه‌ای آشکار و غیرقابل تردید را به جهانیان نمایاند زیرا جهانیان شاهد بودند که چگونه یکایک آن دوازده امام به دنیا آمده و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمد.

«تولد حضرت مهدی علیه السلام به تصریح علماء اهل سنت، در سال ۲۵۵ هجری»

تمامی شیعیان و نیز بسیاری از اهل سنت صریحاً گفته‌اند حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری، در سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمده است. که از باب نمونه به کتاب الیواقیت و الجواهر چاپ مصر ۱۳۰۷ هجری می توان اشاره کرد. بسیاری از علماء و بزرگان اهل سنت در کتابهای خود حضرت مهدی را فرزند امام حسن عسکری دانسته‌اند؛ از قبیل: ابن خلکان در "وفیات الأعیان" و محمد امین سویدی در "سبائك الذهب" و شبراوی در "الاتحاف" و احمد بن یوسف قرمانی در "اخبار الدول" و ابی الفداء در "تاریخ المختصر" و ابوالفلاح حنبلی در "شذرات الذهب" و شبلنجی در "نور الأبصار" و ابن خلدون در تاریخ خود و یافعی در "مرآت الجنان" و ابن الوردی در تاریخ خود و میرخوند در "روضه الصفا" (۱).

و اکنون جهان دارای امامی است زنده، حاضر و منتظر، که همه ادیان وعده ظهورش را داده‌اند و او فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و هم اکنون که سال

۱- به نقل از کتاب "مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت" نوشته حجة الاسلام سید هادی خسروشاهی چاپ مؤسسه اطلاعات سال ۱۳۷۴ شمسی ص ۹۱. در این کتاب صفحات مورد نظر و شاهد بر مطلب فوق از کتابهای مذکور به تفصیل ذکر شده است.

عن الصادق عليه السلام :

«و لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی»^{۲۱}

۱۴۲۱ هجری را می‌گذرانیم ۱۱۶۶ سال از عمر شریف آن حضرت می‌گذرد و خداوند خواسته است آن حضرت را با این قدرت نمایی و اعجاز زنده نگهدارد تا جهانیان نگویند ما امامی نداشتیم، ما نجات دهنده‌ای در بین خود نمی‌دیدیم بلکه این خداوند است که بر بندگانش اتمام حجت نموده و خواهد گفت :

من جانشین آخرین پیامبرم حضرت مهدی عليه السلام را زنده نگه داشتم تا هر روز که شما دست بسوی من دراز کردید و خواستار صلح جهانی و حکومت عدل شدید اجازه قیام به او دهم و جهان را از لوٹ و جود ظالمین پاک گردانم. و اینرا بدانید که من از همان زمان شروع امامت حضرت مهدی عليه السلام دوست داشتم بوسیله او جهان را پر از عدل و داد نمایم ولی سستی و غفلت و عدم رشد فکری مردم که راه را برای ظالمین و ریاست طلبان باز گذاشت موجب تأخیر در اجرای این امر و موجب طولانی شدن غیبت نماینده من و بروز فسادهای جهانی (مانند جنگهای بزرگ جهانی و هزاران فساد دیگر) گردید.

«افتخار ما»

ما مسلمانان به اینکه منجی عالم بشریت از ماست افتخار می‌کنیم، آیا تنها ما در جهان به وجود مقدس آن حضرت معتقدیم که به این مطلب افتخار می‌کنیم؟ معلوم است که ما تنها نیستیم و چنانکه نقل شد ادیان مختلف توحیدی و همه مسلمانان آن حضرت را قبول دارند و این اعتقاد مخصوص ما شیعیان نیست، پس ما به چه چیز مفتخریم؟

امام صادق علیه السلام :

«اگر حضرت مهدی علیه السلام را درک می‌کردم تمام عمر خدمتش می‌نمودم.»

جهانیان باید توجه داشته باشند که درست است همهٔ ادیان و مسلمانان به وجود مقدّس مصلح آخر الزّمان معتقدند ولی هیچکدام مفتخر به حضور آن حضرت در بین خود نیستند.

«امام زمان علیه السلام مانند کعبه است»

مثل آنکه همهٔ مسلمانان، «خانهٔ کعبه» این خانه خدا و قبله گاه خود را قبول داشته و به آن معتقدند ولی تنها مردم شهر مکه می‌توانند به وجود کعبه در شهر خود افتخار کنند و بگویند ما مفتخریم که کعبه مقدّس در شهر ما قرار گرفته است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم مانند کعبه یگانه انسان کاملی است که نظر تمام ادیان را بسوی خود جلب کرده و همهٔ انسانها به گونه‌ای و با نامی او را قبول دارند.

او قبله آرزوهای میلیاردها انسان بوده و هست و همه در انتظار رسیدن به او و دیدار روی مقدّسش هستند.

ولی ما شیعیان مانند همان مردم مکه هستیم که افتخار داریم کعبهٔ آرزوها، یگانه فریادرس انسانها، تنها منجی بشر و عدل گستر جهانی و رساننده هر انسانی به آرزوهای انسانی و مقدّسش، حضرت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است که در میان ماست ولی اختصاص به ما ندارد و امام و رهبر همهٔ بشر است.

ما تنها، افتخار سربازی و خدمتگزاری او را داریم که مانند مردم مکه که خانهٔ کعبه را برای پذیرائی میلیونها مسلمان آماده می‌کنند، ما هم افتخار داریم جهان را با امام و سرورمان، حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا کنیم و بگوئیم: ای آرزومندان صلح و عدالت در جهان، ای انسانهای ستمدیده و

عن رسول الله ﷺ :

«المهدى من ولدى الذى يفتح الله به مشارق الارض و مغاربها»^{٥٠}

مستضعف، ای دانشمندان آگاه و در انتظار که جهان را بیهوده نمی دانید و معتقدید حتماً خداوند بوسیلهٔ مصلح جهانی آنرا از لوث بیهودگی و هرزگی و زشتی نجات خواهد داد.

ای تمامی انسانهای طالب سعادت بیائید و با آن کس که آرزوی دیدنش، آرزوی ظهورش، آرزوی عدالتش، آرزوی درسهای انسان سازش را داشتید آشنا شوید او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء متولد شد و او یازدهمین فرزند حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

که به قدرت پروردگار زنده و هر روز انتظار صدور فرمان پروردگار برای اجرای برنامه خویش را دارد.

و او منتظر است تا جهانیان ضرورت رهبری او را درک نمایند.

و ما نه تنها به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه بلکه به تمامی امامان معصوم خود افتخار می کنیم که کعبه های علم و اخلاق و عدالت و جود و احسان و ارتباط با خالق یکتا می باشند و ما خود را دوستدار آنان می دانیم و افتخار می کنیم که آنانرا به مقام رهبری خلق می شناسیم و افتخار می کنیم که آنانرا معلمین زندگی بشر می دانیم و آخرین آنها را رهبر و پیشوا و مقتدای خود می دانیم.

ما افتخار می کنیم که در دنیا تنها کسانی هستیم که امام زمان علیه السلام را رهبر خود می دانند. رهبری که بزودی تمامی جهانیان خود را تحت رهبری او خواهند دید. این افتخار برای ما به ثبت رسیده است که ما قبل از همه دنیا وجود مقدس رهبر نجات دهنده جهان بشریت را شناخته و برای استقبال از ظهور مقدسش انقلابی

رسول خدا ﷺ :
«حضرت مهدی عجل الله فرجه از فرزندان من است او کسی است که خداوند تمام جهان را
بوسیله او تحت فرمان خود قرار خواهد داد».

شکوهمند برپا نمودیم و عزیزانمان را فدای او و قربانی او کردیم ولی،...

«تنها افتخار کافی نیست»

ولی باید این نکته مهم را متذکر شویم که افتخار نمودن به اینکه منجی جهان از
ماست به تنهایی کافی نیست بلکه باید نام و آنچه مربوط به آن حضرت است را
به جهانیان بشناسانیم.

و اگر باز هم از مثال کعبه استفاده کنیم باید بگوئیم چنانچه مردم شهر مکه به
خانه کعبه افتخار کنند ولی برای حفظ و نگهداری و معرفی آن به جهانیان کاری
انجام ندهند نمی توانند به اینکه کعبه مقدّس در شهر آنهاست افتخار کنند بلکه
زمانی این افتخار معنی دارد که در حفظ و معرفی آن به مردم کشورهای دیگر
کوشش نمایند.

و اکنون ما شیعیان برای این کعبه صلح و عدالت که از هزاران سال پیش پیامبران
الهی مردم را متوجه وجود مقدّسش نموده‌اند چه کرده‌ایم؟
آیا افتخار می‌کنیم او از ماست و پرده‌ای از فراموشی و غفلت بر آن حضرت
کشیده‌ایم و توجهی به ایشان نداریم؟

چه مثال خوبی است مثال کعبه برای حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه (همانگونه که در
روایتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وجود مقدّس علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان
معصوم علیهم السلام را به کعبه تشبیه نموده‌اند).^(۱)

ما این کعبه خوبی و عدالت را قریب هزار و دویست سال است در بین خود

۱- در کتاب راهی بسوی نور روایت مذکور را به نقل از عوالم العلوم مجلد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آورده‌ایم.

قال رسول الله ﷺ : «منا الذي يصلي عيسى بن مريم خلفه»^{هـ}
حضرت مهدی عجل الله فرجه که عیسی بن مریم پشت او نماز می خواند از ما اهل بیت است.

داریم ولی نه خودمان، او را شناخته ایم و نه جهانیان را با او آشنا نموده ایم و اگر فرض کنیم بعضی از مردم شهر مکه خانه کعبه را ندیده باشند ما نیز نسبت به امام عصر ارواحنا فداه چنین هستیم یعنی هزار و دویست سال است او را نام می بریم ولی حتی یک قدم برای رسیدن به او و دیدن او و باور کردن او و حضور او برنداشته ایم و به کار و کسب خود مشغولیم و ظهور او را به آینده ها موکول کرده، خود را از تلاش برای تعجیل فرجش محروم نموده ایم.

قسمت پنجم :

پرچمدار رهایی

«آخرین ذخیره امامت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و یگانہ
دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود
ظنم و ستم استکبار».

صحیفه نوریج ۲۱ ص ۱۰۷

قال الله تعالى في الحديث القدسي :
«... و هذا القائم الذي يحلل حلالى و يحرم حرامى... و هو الذى يشنى قلوب شيعتك
من الظالمين...»^{٥٢}

حضرت امام عليه السلام پیرامون شخصیت حضرت بقیة اللہ ارواحنفاذ می فرمایند :

- " آخرین ذخیره امامت حضرت بقیة اللہ ارواحنفاذ و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ
پرچمدار رهائی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار".^(۱)

«انسان اسیر چیست؟»

انسان اسیر چیست تا از آن رها گردد؟

گاه انسان خودش را اسیر می بیند و آرزو دارد کسی او را از اسارت رهایی دهد.
و گاه در عین اسارت، خود را اسیر نمی داند بلکه دیگران او را اسیر می بینند.

بشر امروز دارای هر دو نوع اسارت است

اما اسارت نوع اول :

مراجعه به اخبار و آمار حوادث اجتماعی و جهانی و منطقه‌ای و توجه به اخبار
رادیو و تلویزیون همه روزه این حقیقت را بما گوشزد می کنند که انسانها اسیر

۱- صحیفه نور ج ۲۱ - ص ۱۰۷ - تاریخ ۶۸/۱/۲

خداوند متعال در حدیث معراج :

«حضرت قائم علیه السلام همان کسی است که قوانین مرا در زمین برپا می‌دارد و دل‌های انسان‌های سعادت‌مند و پیروان تو را از ظالمین شفا و راحتی می‌بخشد.»

دست شیطان یا اسیر دست ظالمین یا اسیر خواسته‌های دل خویشند. آنکه به ناحق انسانی را می‌کشد و اموال او را غارت می‌کند خود معترف است اسیر دست شیطان است.

آنکه مجبور است در برابر ظالمین سکوت کرده و هرچه آنان می‌خواهند انجام دهد و حتی حاضر است کشور و مملکتش را تقدیم بیگانگان نماید اسیر دست ظالمین و پیرو آنان است.

و آنکه برای اجابت خواسته‌های شهوانی و نیروی غضبش خود را به گناهان مختلف آلوده می‌نماید اسیر خواسته‌های دل خویش است.

تمامی این سه دسته عموماً معترفند و خود پذیرفته‌اند که اسیر شیطان یا اسیر ظالمین و یا اسیر خواسته‌های دل خود می‌باشند مانند بیشتر مردم جهان که از اعمال شیطانی و ظالمانه می‌نالند.

آری باید بدانیم صفاتی که در انسان وجود دارد منشاء اعمال و رفتار اوست. کسیکه متکبر است و خودپسندی قلبش را اشغال کرده دائماً متکبرانه با دیگران حرف می‌زند و انتظار دارد همه در مقابل او تعظیم و کرنش کنند، این شخص اسیر صفت تکبر است و صفت تکبر از لشکرهای شیطانی است پس این شخص اسیر سربازان شیطان شده است و ممکن است چنان این صفت او را گرفتار خود کرده باشد که اگر به او بگویند تو تکبر داری، نپذیرد و اعمال خود را توجیه نماید که در اینجا او گرفتار دو زنجیر از زنجیرهای صفت تکبر شده است.

کسیکه خود را از صفت حسادت پاک نکرده و قلبش مملو از حسادت به هم‌ردیفان و مردم است و در اثر این صفت زشت دوست دارد رقیبش سرنگون یا خوار گردد و نعمتی که خدا به او داده از او گرفته شود و.... چنین شخصی اسیر یکی از لشکرهای

القران الکریم: «قال رب انظرني الى يوم يبعثون، قال فانك من المنظرين الی یوم الوقت المعلوم»^{۵۳}
 عن الصادق عليه السلام: «... و لكن الله عزّ و جلّ انظره الى يوم يبعث الله عزّ و جلّ قافنا...»^{۵۴}

شیطان بنام حسادت شده و شیطان توانسته است با سربازان این لشکر او را اسیر خود نماید.

کسیکه خالق مهربانش را نشناخته و تنها لذت جنسی و لذت خوردن را درک می کند و حریمی برای قوانین پروردگار نمیشناسد چنین کسی اسیر لشکر غفلت و ناسپاسی شده است.

و آنکس که در برابر چشمانش به حیوان یا انسانی ظلم می شود و او هیچ اهمیتی نمی دهد گرفتار لشکر "قساوت" شده و همینطور سایر صفات رذیله...

باید بدانیم شیطان برای به زنجیر کشیدن انسانها و اسیر نمودن آنها و سپس استفاده از نیروهایشان در راه خواسته های خود از هفتاد و پنج لشکر که نام یکایک این لشگرها در روایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ذکر شده بهره می برد که نام چند لشکر را در اینجا ذکر کردیم، نام برخی دیگر از آنها چنین است.

لشکر شرارت، لشگر نپذیرفتن حق، لشگر ناامیدی و یأس، لشگر ظلم، لشگر طمع به مال دیگران، لشگر نادانی، لشگر عجله یا شتابزدگی، لشگر پرحرفی، لشگر خلاف وعده عمل کردن یا پیمان شکنی، لشگر دروغگوئی، لشگر اصرار برگناه و لشگر سخت گیری و عدم ملایمت و...

توجه به این نکته لازم است که شیطان این صفات زشت را در میان مردم پخش کرده و بواسطه آنها قلوب مردم را تسخیر می نماید.

هرکس قلبش را به روی صفات شیطانی یا نفسانی باز نماید به مقداری که باز نموده یک یا چندین سرباز از یک یا چند لشکر شیطان به خانه قلب و مرکز فرماندهی وجود او یعنی روحش وارد و آنها را به تصرف خود در می آورند و آنگاه انسان می بیند اسیر آنان شده است.

قرآن کریم: «شیطان گفت خدایا تا روز قیامت به من مهلت ده، خداوند فرمود: به تو تا زمانی مشخص بیشتر مهلت نمی‌دهم».

امام صادق علیه السلام: «خداوند عزّ و جلّ به او تا روز ظهور حضرت قائم علیه السلام بیشتر مهلت نداد».

مثلاً صفت زشت سخت دلی (یا سربازان این لشکر شیطانی) به او می‌گویند در برابر این صحنه رقت بار که دل هر انسانی را به درد می‌آورد بی تفاوت باش مانند بسیاری از شکنجه‌گرها که پس از مدتی، لشکر قساوت و سخت دلی تمام قلب آنرا تسخیر و هیچگونه رقت قلبی از خود نشان نمی‌دهند و صحنه‌های وحشتناکی از شکنجه و آزار انسانها را به نمایش می‌گذارند و چهره انسانیّت را لکه‌دار و ترس و وحشت را در یک کشور و حتی در مناطق بزرگی از جهان حکمفرما می‌نمایند.

اکنون با این توضیحات بخوبی می‌توان به اسارت انسانها در دست شیطان پی برد. شیطان قسم یاد کرده که مردم را از صراط مستقیم منحرف و آنان را اسیر خود نماید.

«انسانها تا چه زمانی اسیر شیطان هستند؟»

شیطان که خود اسیر صفت تکبر گردید، حاضر نشد بندگی پروردگار و اطاعت او را بپذیرد و در حقیقت او اسیر خوارسته دل خود در برتری جوئی و ریاست بر دیگران بود.

خداوند متعال هم به او فرمود تا وقت مشخصی که هیچکس جز خودم آنرا نمی‌داند تو می‌توانی فعالیت تبلیغاتی (وسوسه در قلوب) بنمائی ولی بمجرد آنکه آن وقت مشخص فرا رسید، تو (به اصطلاح ما) بازداشت هستی و دیگر اجازه فعالیت نداری.

در روایات ما ذکر شده که آن وقت مشخص روز ظهور و قیام جهانی منجی آخرالزمان حضرت مهدی ارواحفداء است که به نمایندگی از طرف پروردگار به فعالیت شیطان و شیطان سیرتان پایان می‌دهد و شیطان نمی‌تواند کسی را اسیر خود نماید.

البته فکر نکنید روز ظهور آن حضرت در زمانهای بسیار دور در آینده است، نه هرگز

القرآن الکریم : «و آخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب»^{۵۵}.

عن الصادق علیه السلام : «فی الدنیا بفتح القائم علیه السلام»^{۵۶}.

چنین نیست روز ظهور آن حضرت حتی در انجیل مقدس نیز بطور نامعلوم ذکر شده که هیچکس نمی داند چه وقت انجام خواهد شد و پسر انسان (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) کی ظهور خواهد کرد.

«استراق سمع شیاطین»

در روایات ما آمده است (و ما مشروح این بحث را در کتاب "راهی بسوی نور" آورده ایم) که شیاطین دائماً از جو کره زمین بالا می رفتند تا از زمان ظهور مصلح آخر الزمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه شوند زیرا نمی دانستند آن حضرت چه زمانی قیام خواهد نمود.

آنان می خواستند با عبور از جو کره زمین و جاسوسی و استراق سمع خبرهای مربوط به حکومت ائمه اطهار علیهم السلام و اخبار ظهور امام زمان علیه السلام که به ملائکه ابلاغ می شود را شنود نمایند و قبل از ملائکه (به خیال خام خود) به زمین برگشته و اقدامات خنثی کننده را انجام دهند که با تولد پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله از این کار منع شدند و دیگر نتوانستند استراق سمع نمایند.

پس از آن شیاطین نمی دانستند چرا از جاسوسی آنان جلوگیری می شود ولی بعد از آغاز بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرن اول هجری تقریباً روشن شد که برنامه اینست که خداوند بوسیله امامان از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی علی ابن ابیطالب علیه السلام و یازده جانشین معصوم او خصوصاً امام دوازدهم (یعنی همان نجات دهنده بشر) کار شیاطین و ظالمین را یکسره نموده، به بساط ظلم و بی عدالتی در جهان پایان دهد و این همان روز مشخصی بود که شیطان از فرا رسیدن آن می ترسید و لشگرهای خود از شیاطین را برای استراق سمع به آسمان می فرستاد تا از خبرهای روز مشخص و روز

قرآن کریم: «تجارت دیگری را به شما راهنمایی می‌کنم که آنرا دوست دارید و آن یاری از جانب خدا و پیروزی است که بزودی نصیبتان می‌شود».

امام صادق علیه السلام: «منظور پیروزی دین الهی بوسیله حضرت قائم علیه السلام در دنیا است».

حمله پروردگار به تباهی و فساد آگاه گردند.

شیطان از دوازده جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار هراس داشت زیرا آنان را برپاکننده حکومت عدل پروردگار در کره زمین می‌دید و همینطور هم بود، امامان معصوم و وظیفه داشتند اگر یاور داشته باشند حکومت را در دست گرفته و مردم را بوسیله حکومت و نظام اسلامی خویش تربیت و برای ورود به حکومت اصلی و جهانی امام دوازدهم یعنی «منجی آخر الزمان» آماده نمایند.

از اینرو شیطان تمام نیروهای خود را بسیج نمود تا از افتادن حکومت به دست ائمه اطهار علیهم السلام جلوگیری نماید و در این راه از هفتاد و پنج لشکر جهل یعنی صفات رذیله کمک گرفت.

با تبلیغ و تلاش شیاطین و کار کردن روی قلوب مردم و زینت دادن صفات غیرانسانی و ناسپاسی و حیوانیت در نظر آنان اکثریت قریب به اتفاق مردم اسیر لشکرهای شیطان شدند.

با اسارت مردم کار شیطان آسان شد و توانست براحتی حکومت را از دست اهل بیت عصمت علیهم السلام خارج و آنرا خانه نشین نماید و حتی کار را به جایی بکشاند که آنان به فجع ترین شکل به شهادت برسند و مانند حادثه کربلا به وجود آید.

«نزدیک شدن به روز تولد منجی آخر الزمان و پایان اسارت انسان»

مردم همچنان در اسارت بسر می‌بردند و زمان به سرعت سپری می‌شد تا آنکه زمان تولد امام دوازدهم حضرت مهدی ارواحنا فدا فرارسید.

شیطان و پیروان او از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام پی برده بودند که امام دوازدهم همان منجی آخر الزمان و همان «پسرانسان» نام برده شده در انجیل و

دعاء الندبة :

«این صاحب یوم الفتح و ناشر رایة الهدی».^{۵۷}

همان کسی است که دنیا را پراز عدل و داد می‌کند. لذا با کمک ظالمین و سستی عجیب مردم در یاری نرساندن به خاندان عصمت علیهم‌السلام، فشار و حمله خود به خانه وحی و جانشینان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یعنی امام حسن عسکری علیه‌السلام را تشدید نمودند. نتیجه همان چیزی شد که شیاطین می‌خواستند زیرا مردم اسیر لشکرهای پنهانی شیطان خصوصاً لشگر سستی نمودن در یاری حق شده بودند و لذا امام زمان علیه‌السلام آن منجی عالم بشریت با آنکه آماده بود قیام خویش را آغاز نماید، خود را مانند اجداد مظلومش بی یار و یاور دید، و فقط دو راه پیش روی داشت.

یا می‌بایست بماند و شهید شود.

یا زندگی غائبانه‌ای را که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خبر داده بود آغاز نماید. و اینجا همان نقطه حساس و همان لحظه عوض شدن ریل حرکت جامعه بشری بود.

«نجات انسانها به تأخیر افتاد»

اگر مردم آن حضرت را یاری می‌کردند حادثه تلخ زندگی مخفیانه و به اصطلاح غائبانه برای منجی عالم بشریت پیش نمی‌آمد. آری منجی عالم بشریت از هزار سال پیش می‌خواست برنامه حکومت عدل جهانی را در سطح کره زمین اجرای نماید. او برای این کار متولد شده و آماده بود ولی خود مردم سعادت و عدالت و زندگی سرشار از سعادت بهشتی‌گونه در حکومت آن حضرت را نخواستند. اکنون مدت اسارت ما انسانها در دست لشگرهای شیطان طولانی شده و فجایع جدیدی چهره زندگی بشری را بسیار زشت نموده و پیکره‌اش را بیهوش و بیحال بر

دعای ندبه :

«کجاست آن صاحب روز پیروزی حق بر باطل و بازکننده پرچم هدایت الهی؟»

(پرچمی که اگر باز شود جهانرا برای آن حضرت فتح می نماید).

زمین انداخته است.

آنچه گفتیم برای آن بود که بدانیم همه نابسامانیهای زندگی بشر از کجاست.

این صفت رذیله تکبر است که رئیس جمهور مملکتی را وادار می کند به مردم ظلم نماید و یا به کشورهای دیگر تجاوز نماید.

این صفت رذیله قساوت قلب است که در مقابل قربانی شدن هزاران انسان خم به ابرو نمی آورد و بلکه از آن لذت می برد.

این صفت رذیله دوری از خداست که باعث غرق شدن در شهوات و فحشاء و فساد می شود و زندگی را جز لذتهای جنسی و مادی نمی بیند.

این صفت رذیله حسادت است که برای ساقط کردن همنوع به هر عمل خشونت آمیز و هلاکت بار دست می زند.

و خلاصه، قلوب بسیاری از انسانها را صفات رذیله هفتاد و پنجگانه ای که لشگرهای شیطان هستند اشغال نموده و در نتیجه شیطان هم اکنون بر کره خاکی حکومت می کند و اهداف او تحقق یافته است.

«باید قیام کرد»

باید قیام کرد و خود و دیگران را از اسارت لشگرهای شیطان رهانید.

باید به جنگ لشگر فراموشی از حضرت مهدی ارواحنا فداه رفت و با حرکت و انقلابی فرهنگی آنرا محور نمود چرا که این لشگر حتی ما شیعیان را هم سالهاست اسیر خود کرده و از امام زمانمان غافل و به زندگی ظاهری دنیا مشغول کرده است.

اگر برای رهائی از اسارت لشگرهای شیطانی خود را از لشگر غفلت و ناآشنائی با پیشوای برحق الهی حضرت صاحب الزمان رهانیده و باب گفتگو با دانشمندان

دعاء الندبة : «این هادم ابنیة الشکر والنفاق؟»^{۵۸}
 «کجاست آن منهدم کننده بناهای شرک و نفاق؟»

مختلف را جهت آشنائی با امام زمان علیه السلام باز می نمودیم، چه بسا سالهای بسیاری از زمان غیبت آن حضرت را خداوند به مردم جهان می بخشید (همانطور که مدت طولانی زندانی بودن یک زندانی را با عفو عمومی کاهش می دهند) و شاید هم اکنون از زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه الصلاة والسلام دهها و صدها سال سپری شده بود.

چرا مجامع بین المللی نباید باب گفتگو و آشنائی با نجات دهنده خود توسط علماء اسلام را باز نمایند و با افکار باز این مسأله مهم بین المللی را بررسی نمایند زیرا منجی عالم بشریت متعلق به همه مردم جهان است نه ما شیعیان و همه ادیان نوید ظهورش را داده اند. آیا جهان طالب صلح و عدالت نباید با رهبر صلح و عدالت آشنا شود؟ و شرایط و اسباب ظهور او را فراهم نماید؟

زیرا زمان آن فرا رسیده که بزرگ پرچمدار رهائی انسان قیام خویش را آغاز نماید.
 زمان آن فرا رسیده که زنجیرهای اسارت را از دست و پایمان باز نماید.
 زمان آن فرا رسیده که به یاری دین حق بشتابیم.
 زمان آن فرا رسیده که دست از جنگ و خونریزی و فساد و انحراف از راه خدا و آلودگی به گناه برداریم.

و اینک خطاب به آن پرچمدار رهائی انسان از اسارت شیطان می گوئیم :
 ای منجی بزرگ،
 ای سرور جهان،

ای پسر انسان و ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله،

نگاه مرحمتی به ما خستگان و مریضهای بیهوش نموده، و از خداوند بزرگ که قلبت را دریای محبت به بندگان خود قرار داده بخواه ما را از خواب غفلت بیدار نماید و با تو، ای گمشده دلها آشنایمان نماید. آمین

قسمت ششم :

طیب بشر

«یکی می خواهد که بیاید احیاء کند این افکار را. و من امیدوارم که انشاءالله حضرت بقیةالله زودتر تشریف بیاورند و این طیب واقعی بشر با آن دم مسیحائی خود اصلاح کند اینها را».

صحیفه نوج ۱۷ ص ۴۹

دعائندبة :

«این طامس آثار الزیغ و الالهواء»^{۵۹}

حضرت امام قزوینی در باره اینکه حضرت مهدی ارواحسنافداه طیب واقعی بشر هستند می فرمایند :

- " ... واقعاً دنیا الآن یک مرضی دارد، مرض مزمنی دارد که خوب شدنش به ایمن چیزها نمی تواند باشد، دنیا علیل است. سران همه کشورها، الا انگشت شمار، نمی توانم بگویم این یکی دوتا، سه تا. سران همه اینها مردم را مسموم کرده اند و افکار ملت های خودشان را مسموم کرده اند و علیل کرده اند ملت های خودشان را، آنقدر تحقیر کرده اند از این ملت ها، آنقدر اینها را در فشار اقتصادی قرار داده اند و آنقدر این بیچاره ها زحمت کشیدند و زحمت های شان را دیگران به غارت بردند که علیل شدند، افکارشان از بین رفته است، یکی می خواهد که بیاید احیا کند این افکار را و من امیدوارم که انشاءالله حضرت بقیةالله زودتر تشریف بیاورند و این طیب واقعی بشر، با آن دم مسیحائی

دعای ندبه :

« کجاست آن یگانه طیبب بشر که آثار همه امراض و هواهای نفسانی و افکار منحرف را از بین برده و درمان می نماید.»

خود اصلاح کند اینها را^(۱).

امام خمینی علیه السلام در این کلام مبارک به دو مسأله اساسی اشاره فرموده اند : یکی مریض بودن جامعه بشری و نیاز آنان به طیبب و دوم، معرفی طیبب برای بشر. مریض بودن انسانها نیز به دو شکل است یکی آنکه مریض هستند و می دانند مریض اند و دوم آنکه مریض هستند ولی نمی دانند مریض اند.

آنانکه می دانند مریض اند نیز به دو گونه می باشند بعضی به معالجه خود اهمیت می دهند ولی عده ای مرض برایشان عادی شده و به فکر معالجه خود نیستند که اینها «علیل» نام دارند یعنی فکرشان از لزوم معالجه و درک آن علیل و ناتوان شده است. امراض موجود در جامعه بشری نیز فراوان است که به امراض جسمی و امراض روحی و فکری تقسیم می شوند که محور اصلی بحث کلام امام رضوان الله تعالی علیه در اینجا و نیز بحث کنونی بر امراض روحی و فکری قرار گرفته و اشاره ای نیز به امراض جسمی خواهیم داشت ان شاء الله.

برای رسیدن به نتیجه اصلی باید حلقه های متعددی از یک زنجیره چند حلقه ای را به ترتیب دنبال کنیم تا به عمق بحث واقف گردیم.

«حلقه اول : «سلامتی از جانب خداوند است»

یکی از نامهای خداوند متعال، «سلام» است.^(۲) سلام یعنی بدون نقص و عیب. این کلمه بر همه موجودات زنده و غیرزنده گفته می شود مثلاً می گوئیم این ماشین

۱- صحیفه نوریج ۱۷ - ص ۴۹ - تاریخ ۶۱/۷/۱۱

۲- قرآن کریم سوره حشر آیه ۲۳ - ... هو الملك القدوس السلام المؤمن المیهن...

القران الکریم : «إعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها»^{۶۰}
 عن ابی ابراهیم علیه السلام : «لیس یحییها بالقطر، و لکن یربعث الله عز و جل رجلاً
 فیحیون العدل»^{۶۱}.

سالم است و معیوب نیست، این سنگ، سنگ سالمی است، این حیوان سالم است، این انسان سالم است و مریض نیست و ...
 خداوند سلام است یعنی از هر عیب و نقصی مبرا و منزّه است و (علاوه بر آن) کسی است که سلامتی و خوبی و دوری از بلا و مرض و ناراحتیها را برای مخلوقات به وجود می آورد و از هر جهت سلامتی را به آنان عنایت می فرماید.
 آری خداوند به عالم سلامتی می دهد.
 به کھکشانها سلامتی می دهد و آنها در نظم پیچیده خود از هرگونه عیب و نقص سالم بوده و به هم برخورد نمی کنند.
 به منظومه شمسی سلامتی می دهد و آنها را در حرکت و نظم خاصی قرار داده که اگر ذره ای در آن اختلال بوجود آید سلامتی موجودات از بین خواهد رفت فی المثل اگر کره زمین از اندازه ای که در حال حاضر با خورشید دارد بیشتر فاصله گیرد سرما و یخ تمام موجودات آنرا از بین خواهد برد و اگر به خورشید نزدیکتر شود گرما آنرا به کره ای خشک و سوزان و بدون موجود زنده تبدیل خواهد نمود.
 خداوند عظیم به کره زمین و موجودات آن سلامتی می دهد و آنرا از میلیونها نوع خطر و بلا در هر لحظه و در هر ثانیه حفظ می نماید که در شمارش این همه لطف و عنایت اگر تمامی انسانهای گذشته و آینده و تمامی ملائکه جمع شوند و تمام عمر دنیا را بخواهند در شمارش نعمتها و سلامتیها بسر برند قطره ای از اقیانوس لطف و عنایت و محبت پروردگار را نمی توانند محاسبه نمایند.
 خداوند مهربان به کوچکترین ذرات موجودات زنده (که تاکنون بشر به آن دست یافته) یعنی اتم و سلول سلامتی عنایت می فرماید ساختمان اتم به قدری کوچک است که اگر دو بیست میلیون اتم را در یک خط پشت سرهم ردیف نمایند تقریباً به

قرآن کریم: «بدانید خداوند زمین را پس از مرگش زنده خواهد نمود».

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام: «منظور زنده شدن بابران نیست بلکه خداوند مردانی (باران قائم علیه السلام) را برمی انگیزد که عدالت رازنده کنند» (زیرا با ایمال شدن عدالت همه صفات انسانی می میرد).

اندازه طول یک بند انگشت دست خواهد شد یعنی دویست میلیون اتم در یک خط تقریباً $2/5$ سانتی متر پشت سرهم صف کشیده اند و در دل هر اتم فضائی وسیع مانند فضای منظومه شمسی وجود دارد که در هر یک از اتمها الکترونها در مدارهایی چون مدار کره زمین به دور هسته اتم با سرعت سرسام آوری در حال چرخش اند که اگر نظم آن مختل شود سلامتی موجودات از بین خواهد رفت و نمونه آن ایجاد اخلاص از سوی ما انسانها در نظم اتم است که بمب اتمی نام دارد و در چند لحظه سلامتی میلیونها نفر را از آنان می گیرد و می میراند.

اکنون آیا نباید هر لحظه خدا را شکر کنیم که در هر ثانیه و در هر میلیونیم ثانیه حرکت اتم را کنترل و سلامتی ما را حفظ می نماید تا میلیاردها میلیارد اتم که مجموعه ای بنام کره زمین را تشکیل می دهند سالم به مقصد برسند؟

بنابراین خداوند متعال بطور بی نهایت در هر لحظه سلامتی را به مخلوقات خود عنایت می فرماید و او سلام است.

حلقه دوم: «علم اساس سلامتی»

همه می دانیم با دانش است که هرچیز ناسالم به سلامتی می رسد. یک پزشک تا علم پزشکی نیاموزد یا تجربه پزشکی نداشته باشد نمی تواند بیمارش را به سلامتی برساند.

یک مهندس تا علم مربوط به ساختمان سازی را نداشته باشد نمی تواند پل یا ساختمانی سالم و بدون نقص بسازد.

و یک پادشاه یا رئیس جمهور تا دانش لازم مرتبط با اداره صحیح اجتماع را نیاموزد نمی تواند کشورش را از خطرهای مختلف، سالم نگه دارد و همینطور سایر اقشار و

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :

«فیحیی الله بالمهدی السنن الّتی قد امیتت و سر بعدله وبرکتہ قلوب المؤمنین»^{۶۲}

طبقات مختلف اجتماع.

بنابراین علم اساس سلامتی را تشکیل می‌دهد و منبع اصلی آن خداوند متعال است که "علم بی‌نهایت" است و به لطف و عنایت خویش بسان بارانی علم را بر سینه نمایندگان خود یعنی انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام که جانشینان انبیاء هستند فرو می‌ریزد آنان نیز این علوم را توسط علماء و تربیت یافتگان مکتب خود که حقیقتاً بدانچه معتقدند عمل می‌نمایند به مردم می‌رسانند.

پس ثابت شد که چون خداوند علم بی‌نهایت را داراست و علم اساس خوبی و سلامتی و سعادت است، آنرا در اختیار نمایندگان خویش قرار می‌دهد و لذا ارواح مطهر پیامبران و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام مرکز علم و مرکز سلامتی (پاکی و دوری از خطا) می‌باشند.

«هوی نفس آفت سلامتی است»

ممکن است بگوئید چگونه این علوم تنها در سینه پیامبران و جانشینان آنان جای دارد در حالیکه بسیاری از دانشمندان با زحمات خود به علوم مختلف پی برده‌اند؟ پاسخ می‌دهیم :

زیرا انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام نمایندگان پروردگار و رهبران جامعه بشری هستند و خداوند آنرا ظرف‌های ذخیره علم خویش قرار داده و چنانکه مثل زده شد مانند منبع اصلی ذخیره آب بالای یک شهر چند میلیونی هستند که از این منبع آب علم به تمام دانشمندان و مردم سرازیر می‌شود.

طبیعی است که این منبع نباید سوراخ و شکاف داشته و آبهای آن از طریق شکافها به هدر رود و ضایع شود، لذا انبیاء و امامان علیهم السلام معصوم هستند یعنی مانند آن منبع

امیرالمؤمنین علیه السلام :

«خداوند بوسیله حضرت مهدی علیه السلام راه و روش حق که بواسطه هواهای نفسانی پایمال شده است رازنده خواهد نمود و بواسطه عدالت و برکت آن حضرت دل‌های مؤمنین شاد می‌گردد».

هیچ شکافی و هیچ نقطه ضعفی ندارند تا خواسته‌های دل بشری و یا وسوسه شیطان در آنان اثر کند و علوم الهی ضایع شود و سلامتی موجودات به خطر افتد، مگر نمی‌بینیم وقتی یک دانشمند تسلیم شهوات نفسانی خویش یا وسوسه شیطان می‌گردد همان دانش قیمتی خود را در جهت رسیدن به مقاصد پلید شیطانی یا نفسانی بکار می‌گیرد، گاهی دانش او چنان به ضرر مردم تمام می‌شود که مردم بمباران شده بسیاری از شهرهای آسیب دیده جنگ‌های مختلف منجمله شهرهایی که بمباران شیمیایی یا اتمی شدند آرزو می‌کنند ای کاش این دانش در دست بشری که تابع شیطان و هوای نفس خویش است نمی‌افتاد تا چنین فجایعی بیافریند.

بنابراین خداوند علوم خویش را باید در اختیار کسانی قرار دهد که از خطا معصوم بوده و از آن برای صلح و عدالت و سعادت جامعه استفاده نمایند.

«علوم صحیح دانشمندان بشری از سوی خداوند به آنان داده می‌شود»

علاوه بر این مطلب باید بگوئیم :

اولاً : چنین نیست که دانشمندان به علوم و حقایق زیادی دست یافته باشند بلکه بسیاری از دانسته‌های آنان فرضیه‌ها و احتمالاتی است که خود آنها می‌گویند شاید در آینده خلاف آن ثابت شود.

و ثانیاً : مقدار دانسته‌های آنان در برابر علوم و حقایقی که انبیاء خصوصاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام می‌دانند چون قطره‌ای در برابر دریا نمی‌باشد و از آن هم کمتر است. زیرا انبیاء و امامان معصوم به علوم بی‌نهایت الهی متصل‌اند و دانشمندان گاهی از دریای علوم بی‌نهایت آنان قطره‌ای دریافت می‌نمایند و دلیل این مطلب هم آن است که انبیاء و جانشینان آنان بلندگو و زبان علم بی‌نهایت پروردگارانند

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :

«يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى...»^{۶۲}

ولی دانشمندان بشر در حد توان بشری خود که بسیار محدود است چیزی را کشف می‌کنند که همان کشفیات آنان اگر مطابق با واقع باشد از منبع علوم بی‌نهایت الهی و علوم وحی به مغز آنان راه یافته گرچه خود آنها اینرا ندانند.

اضافه بر این می‌گوئیم : آیا آن دانشمندان این علم را خود دانسته‌اند یا در اثر زحماتشان خداوند حقیقت را به قلبشان فهمانده است؟

اگر خداوند متعال فکر آنان را به حقیقت یک مطلب باز نمی‌نمود چنانچه هزار سال هم زحمت می‌کشیدند به نتیجه نمی‌رسیدند. بنابراین خداوند این دانش را به فکر دانشمندان منتقل نموده است تا زندگی بشر به رشد و شکوفایی دست یابد.

ولی آیا می‌دانید اگر انسانها هزار برابر امروز پیشرفت نمایند، چنانچه روحشان مریض باشد وحشت و ترس نیز هزار برابر بیش از امروز رشد خواهد نمود. زیرا بعضی انسانها پیشرفت حاصله را در خدمت قدرت و ریاست و رسیدن به خواسته‌های خود خواهند گرفت و بر دیگران ظلم خواهند نمود.

آری قدرت‌طلبان و ظالمین جهان به مرض تکبر، خودخواهی، ریاست‌طلبی، تحقیر مردم و ... مبتلا هستند.

داشتن علم و پیشرفت ظاهری تنها به ریاست و ثروت و قدرت آنان کمک خواهد نمود و هر روز این استعمار و استحمار (مردم را به بردگی کشیدن و آنانرا بی‌درک دانستن) با شکل جدیدتری و بصورت زیبا و فریبنده‌ای روانه بازار افکار می‌شود.

اما انبیاء و جانشینان آنان و امروز حضرت بقیة الله ارواحنفاذیه که آخرین جانشین آنان است سلامتی روحی را به ما ارزانی می‌دارند و قادرند چنان روح و قلب انسانها را دارای سلامتی نمایند که اگر جنایتکارترین فرد انسانها تحت معالجه آنان قرارگیرد، از او انسانی مهربان، دلسوز، خدمتگزار به مردم و اهل توجه به خوبیه‌ها و نزدیک

امیرالمؤمنین علیه السلام :
«حضرت مهدی علیه السلام هواهای نفسانی را معالجه و بسوی حق هدایت می‌کند در حالیکه پیش از آن به عکس بوده و مردم راه حق را با خواسته‌های نفسانی خود تطبیق می‌دادند.»

شدن به خدا بسازند.

چرا چنین است؟

زیرا همانطور که سلامتی جسمی انسان با علم طب به دست می‌آید، سلامتی روح او نیز با علوم انبیاء علیهم السلام که اطباء بشرند به دست می‌آید.

اکنون نتیجه می‌گیریم که :

خداوند متعال منبع اصلی ریزش سلامتی به عالم خلقت است و علم را به عنوان ماده اولیه سلامتی به ترتیب خاصی جهت ایجاد سلامتی عنایت می‌فرماید.

ترتیب مخصوص این ریزش ابتداء روح مطهر پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و پیامبران بزرگوار و ائمه هدی علیهم السلام و سپس عالمان وارسته و تربیت شده آنان (نه آنانکه خود را شبیه عالمان کرده‌اند) و سپس دل‌های مردم است.

«سرابی در کویر»

چه آرامش بخش است آنگاه که انسان توسط عالم ربّانی که نور انبیاء را به قلب منتقل می‌کند آبهای علم و معرفت را در منزل خویش (قلبش) دریافت و از آن برای زندگی انسانی بهره‌برداری نماید.

آیا می‌دانید هم‌اکنون چند نفر مشترک این سازمان آب الهی هستند و آب زلال علم و معرفت را دریافت می‌دارند؟

در این زمان آنان اندکند زیرا بیشتر مردم دنیا را می‌بینیم که دچار بی‌آبی و در کویر خشک جهل و نابسامانی گرفتار شده‌اند.

دل‌هایشان از نور معرفت خدا و پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله خالی شده است.

اعمالشان مانند سرابی در کویر است که هرکسی از دور آنها را ببیند فکر می‌کند اینها

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :

«...و يعطف الرأى على القرآن، اذا عطفوا القرآن على الرأى».^{۶۴}

دارای آبی هستند (بعضی مردم پیشرفت در علم و تکنولوژی و آراسته شدن ظواهر زندگی و رفاه مادی را همه چیز می دانند و تمام عمر خود را به دنبال آن در جستجو هستند) ولی وقتی تشنه‌ای از تشنگان علم و حقیقت و انسانیت به سوی آنان حرکت می کند و به آنان می رسد از آب معرفت و حقیقت چیزی نمی یابد مثل کسانی که به دنبال افکار گوناگون در جهان می روند ولی وقتی مانند آنان می شوند یا اعمالشان را مورد مطالعه قرار می دهند می بینند اینها از آب حیات زندگی بهره‌ای ندارند و آنگاه است که دل بسوی خداوند کشیده می شود و از او طلب آب می کند.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید : **والذین كفروا اعمالهم كسراب بقيعة يحسبه الظمآن ماء** "حتی اذا جاءه لم یجدہ شیئاً."^(۱)

یعنی : آنانکه کافر شدند و آیات الهی را نادیده گرفتند اعمالشان مانند سرابی است در کویر که تشنه لب آنرا آب می پندارد ولی وقتی به سوی آن رفته و به آن می رسد چیزی نمی یابد.

آری! دنیای امروز ما سرابی است که آب زندگی انسانی در آن یافت نمی شود و جهانیان پس از رسیدن به تمام آنچه از رفاه و مادیات در نظر داشته‌اند تازه متوجه می شوند که آب حیات را باید از انبیاء بگیرند و اینها سراب است.

دلیل سراب بودن افکار انسانها آن است که انسان را به نتیجه مطلوب نمی رساند و قرن‌هاست جوامع بشری خصوصاً قرن اخیر به دنبال سراپهای گوناگون مدعیان دفاع از حقوق بشر، صلح، عدالت، علم، سعادت و خوشبختی دویده‌اند ولی وقتی به آن رسیده‌اند هیچ آبی نمی یابند و می بینند انسان‌ها تا خود را به منبع بی نهایت علم الهی

امیرالمؤمنین علیه السلام :
«حضرت مهدی علیه السلام طیب آسمانی و یگانه‌ای است که نظرات شخصی مردم را به حقیقت قرآن برمی‌گرداند در حالیکه پیش از آن به عکس بوده و مردم قرآن را با نظرات شخصی خود مطابقت می‌دادند.»

(از طریق انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام) متصل نمایند آبی بدست نخواهند آورد.

«مدرسه علم»

البته این سخن بدان معنی نیست که ما علم و دانش بشر و پیشرفتهای بسیار خوب آنرا نفی می‌کنیم، نه هرگز چنین نیست، ما می‌خواهیم بگوئیم بعضی از انسانها نباید مانند دانش آموزی دبستانی باشند که وقتی حروف الفباء را به او می‌آموزند خود را از استاد دانشگاه نیز بالاتر می‌داند.

توضیح آنکه :

خداوند متعال برای آنکه قافله زندگی بشر را در مسیر علم قرار داده و آنرا از بیابانهای جهل و انحراف دور نماید، دریچه‌ای از علوم مادی که زندگی بشری را متحول نموده به روی او گشوده است و این دریچه مانند همان الفباء کلاس اول ابتدایی است تا جامعه بشری به ارزش علم پی برده و خواستار ظهور منجی بزرگ خویش گردد.

منجی بزرگی که انبیاء عظام علیهم السلام نوید ظهورش را داده و ظهور او را ظهور علم حقیقی برای بشر دانسته‌اند. بنابراین ما از پیشرفتهای علمی امروز جامعه بشری بسیار خشنود هستیم ولی سروصدای جاهلانی که می‌خواهند این پیشرفتها را نتیجه بی‌دینی و بی‌غیرتی و بی... بی...های دیگر بدانند نفی می‌کنیم.

«حیله شیطان»

نقشه شیطان آن است که پیشرفت علوم دانش روز را مانعی برای رشد فکری مردم عصر حاضر قرار دهد تا با دیدن آثار بسیار مثبت اختراعات و اکتشافات شیفته «منجی بزرگ عالم بشریت» نگردند چرا که آن منجی یگانه همان سدّ پر عظمتی است

عن الباقر عليه السلام : في معنى الآية الشريفة «اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها»
«يحييها الله عزوجل بالقائم عليه السلام بعد موتها وكفر اهلها والكافر ميت»^{٦٥}

که «آب علم» را در پشت خود ذخیره نموده و چون در عصر حاضر جامعه بشری را آماده پذیرش بخشهائی از علوم مادی دید، دریچه‌ای بسیار کوچک از علوم بی‌کران خود را به دستور خداوند و بطور غیرمستقیم به روی آنان باز فرمود تا همگان بدانند: علم، همه نابسامانیها را از میان می‌برد.
علم، صفات غیرانسانی را محو می‌نماید.
علم، چون نور، تاریکی جهل را می‌زداید و اثری از ظلم و ترس که از آثار جهل است باقی نمی‌گذارد.

«سوء استفاده کنندگان از علم»

با آنکه باز شدن دریچه‌های از علوم صحیح در بخش مادی زندگی بشر جهت آماده‌سازی جهان برای ظهور منجی آخرالزمان می‌باشد ولی عده‌ای از انسانهایی که دارای امراض روحی و صفات رذیله و پیرو هواهای نفسانی هستند می‌خواهند از پیشرفتهای مادی زندگی بشر سوءاستفاده کرده و بهتر و سریع‌تر به اهداف نفسانی خود نائل گردند.

عده‌ای نیز از شناخت روح و حقیقت آن غافل بوده، بین این دو فرق نمی‌گذارند. آنان نمی‌دانند غذای روح انسان با غذای جسم او از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنان توجه نداند که علوم مادی، غذای جسم و زندگی مادی است و علوم معنوی (حقایق و معارفی که از سوی انبیاء عليهم السلام و جانشینان آنان خصوصاً دوازده امام معصوم عليهم السلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بشر اعطا شده)، غذای روح انسان است و بین روح انسان و جسم او تفاوتی همچون تفاوت یک راننده با ماشین او وجود دارد.

امام باقر علیه السلام در توضیح ایه شریفه : « بدانید خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند. »
یعنی بوسیله حضرت قائم علیه السلام زمین را زنده می کند چرا که پیش از قیام آن حضرت،
جامعه بشری بواسطه کفر و ناسپاسی به خداوند مرده و از حقیقت تهی شده است.

« تفاوت ماشین با راننده »

ما می گوئیم پیشرفتهای علوم مادی تنها این ماشین را آباد می کند ولی خود راننده (روح انسان) غذای دیگری می خواهد.

این راننده به غذای معرفت خداوند، معرفت پیامبران و صفات نیک آنان، آراسته شدن به صفات پسندیده و باورهای قلبی آرامش بخش و اعمال نیک و بازگشت بسوی خداوند و انحراف نداشتن از راه پیامبران نیازمند است.

اینهاست که غذای راننده است و او را از مرض و ضعف و مرگ نجات می دهد و اگر خدای نکرده شیطان کوشید این حقیقت را از ما بگیرد یا با نادانی در امور معنوی این حقیقت را باور نکردیم دقیقاً مانند راننده ای خواهیم شد که تمام پولهایش را صرف تعمیر و نگهداری ماشین و آراستن آن می کند و هیچ به غذای خود توجه ندارد و فکر می کند وقتی ماشین را پر از بنزین کرد، راننده هم سیر می شود که این مثل، مثل کسانیست که فکر می کنند اگر رفاه مادی داشتند دیگر نیازی به دریافت حقایق ایمان از انبیاء و جانشینان آنان یعنی ائمه هدی علیهم السلام ندارند.

عاقبت کار این راننده هم، ضعف، بیهوشی و مرگ است که متأسفانه بسیاری از ما انسانها دچار آن شده ایم و فقط شکل انسانها را داریم و از صفات هفتاد و پنجگانه انسانی و الهی که انبیاء و جانشینان آنان و انسانهای کامل دارا هستند بی بهره ایم.

« راننده ای که مُرده بود »

یادم می آید روزی شنیدم در یکی از خیابانها که رانندگان در ترافیک توقف کرده بودند پس از شروع حرکت ماشینها، رانندگان ملاحظه نمودند یک ماشین حرکت نمی کند و هرچه رانندگان دیگر برایش بوق می زنند او تکان نمی خورد، پس از مدتی

عن الباقر عليه السلام :

«إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد، فجمع به عقولهم و أكمل به احلامهم»^{۶۶}.

به سراغ او رفتند تا ببینند چرا برای نمی افتد آیا خوابش برده یا می خواهد مردم را اذیت کند؟ که دیدند متأسفانه راننده مذکور پشت فرمان ماشین از دنیا رفته است. آری! عده‌ای در زندگی دنیا ظاهراً همه چیز دارند و مانند همان راننده شکل راننده را بخود گرفته‌اند ولی روحشان مرده است، قیافه‌ای به شکل انسان دارند ولی مرده‌ای متحرک‌اند که مردم باید از آنان دوری نمایند زیرا بوی بد و تعفن مردگی آنان (نداشتن صفات انسانی) شامه انسانهای دیگر را می آزارد.

از حضرت رسول اکرم صلى الله عليه وآله روایت شده است که فرمود :

«بزودی مردمی در آخر الزمان می آیند که صورتهائی چون صورتهای انسان دارند

ولی دلهایشان دلهای شیاطین است»^(۱).

آنان سدّ راه مردم در رفتن بسوی مقام انسانیت می باشند که باید رانندگان بیدار و زنده مانند ماجرای فوق برای چنین افرادی بوق بزنند تا راه باز شود و اگر دیدند مرده است او را از سر راه خود بردارند، لذا مردم باید افرادی را که دارای صفات ضدانسانی هستند از سر راه خود بردارند یا اگر قدرت اینکار را ندارند راهشان را از آنان جدا نمایند.

حلقه سوم : «بیکر بیمار»

چنانکه مشاهده می کنیم در خلقت آسمانها و زمین هیچ نقصی دیده نمی شود و به تعبیر قرآن کریم :

«او خدائی است که هفت آسمان طبقه بندی شده را آفرید، تو در آفریده

۱- بحار الأنوار ج ۲۲ ص ۴۵۳ ح ۱۱.

امام باقر علیه السلام :

«هنگامیکه قائم ما قیام فرماید دستش را بر سر مردم قرار می دهد (آنان را با حقایق آشنا می نماید) و بدینوسیله عقلها و فهمای آنان را کامل می نماید».

پروردگار مهربان نقصی نمی بینی، پس مجدداً چشم بینداز بین آیا در آن سستی و ضعفی می بینی؟ پس از آن برای بار سوم چشم بیفکن و در خلقت دقت نما بین آیا هیچ نقصی در آن دیده می شود که در اینجا چشم تو با احساس حقارت و اعتراف به عظمت بدون گرفتن هیچ نقصی بسویت باز می گردد»^(۱).

در دو بحث قبل (حلقه اول و دوم) گفتیم: پروردگار متعال منبع ریزش علم و سلامتی به مخلوقات خویش است و ترتیب ریزش علم (که سلامتی میوه درخت علم است) اینست که ابتدا بر ارواح انبیاء و جانشینان آنان و ملائکه و پس از آن بر آنانکه علم را دریافت و به آن عمل می نمایند فرو می ریزد و لذا می بینیم هر جا که انسان به علم حقیقی (نه فرضیه) عمل می کند، سلامتی، نتیجه و محصول آن است، مثلاً وقتی می داند سیگار مضر است و به این علم و دانایی ترتیب اثر می دهد و سیگار را کنار می گذارد، نتیجه این علم بوجود آمدن سلامتی برای جسم او است.

این قانون الهی در همه جای عالم خلقت جریان دارد.

کهنکشانهای عظیم که از برخورد و انفجار در امان هستند براساس علم بی نهایت پروردگار از این سلامتی برخوردارند.

ذرات اتم و سلولهای موجودات زنده هم که ساختمانی عظیم و پیچیده و سالم دارند در اثر علم الهی و اجرای این علم سلامتی نصیبشان می شود و ملائکه الهی مأمورین اجرای این علوم، بر موجودات زنده هستند.

۱- سوره ملک آیات ۳ و ۴

عن الامام الرضا عليه السلام :

«فاذا خرج اشرفت الارض بنوره ووضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم أحد احداً»^{۶۷}.

ملائکه الهی درسهای توحید را چنان دقیق تعلیم گرفته و بر ذره ذره این عالم اجرا می کنند که شما اگر میلیونها بار با چشمهای دقیق الکترونیکی و مانند آن به خلقت پروردگارتان بنگرید هیچ نقصی و هیچ اختلافی در آن نمی بینید و با گوش دل می شنوید که همه ذرات عالم خلقت، یک صدا نوای بکتاپرستی و توحید را سر داده و خداوند بزرگ را ستایش می کنند و می گویند : خداوند از هر نقصی منزّه است. اکنون بیائید شما را به گوشه ای از خلقت ببریم که موجوداتی دیگر در آن نقص و زشتی ایجاد کرده اند.

نام این محل کره زمین و خانه زندگی موجوداتی به نام " انسان " است. این موجود که روی دو پا راه می رود تصرفات عجیبی در خلقت پروردگار می کند. از کهکشانهای عظیم تا ذرات اتم همه و همه از سلامتی اعطاء شده که در هر لحظه بر آنان اجرای و از آن محافظت می شود، بهره مندند.

حتی حیوانات که ما انسانها آنها را بی شعور می دانیم از سلامتی و نظم عجیب بدون هیچ نقصی بهره مند می باشند.

ولی چگونه است که در بالاترین موجودات (که ما انسانها خود را بالاترین می دانیم) بدترین نقصها و ضعفها و نابسامانیها از ظلم و جنایت و قتل و رشوه خواری و فساد اخلاقی و دوری از خدا و جنگهای وسیع و... وجود دارد آیا اینها نقص نیست؟

هزاران سال است که جامعه بشری از این دردها می نالد و خود می داند که مقصر و مسبب این اوضاع دخالتهای بیجای افراد بشر در خلقت پروردگار است.

آیا اگر ما انسانها لااقل مثل حیوانات (از بعد اطاعت دستورات الهی) مطیع پروردگارمان بودیم و دستی در برهم زدن نظم جهان نمی بردیم زندگی سرشار از صلح و صفا داشتیم؟

امام رضا علیه السلام :

«وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور فرماید زمین از نورش روشن و ترازوی عدالت بین مردم قرار داده می شود و هیچ کس نمی تواند کوچکترین ظلمی به دیگری روا دارد».

با این وضعیّت ما از حیوانات برتر نیستیم مثل آنان می خوریم و می خوابیم و تولید مثل می کنیم و باید اعتراف کنیم که آنها بسیار از ما پیشرفته ترند زیرا نه مشکلات اجتماعی، نه امراض صعب العلاج، نه بیمارستان، نه دندانپزشک، نه گناه و معصیت و نه جنگهای خانمانسوز هیچکدام را ندارند و اگرگاهی فسادی در زندگی آنان دیده شود همه می دانند از سوی ما انسانها به آنها تحمیل شده است.

حیوانات شعور ندارند و مشکلات ما را هم ندارند و گناه کردن هم برایشان معنی ندارد و خداوند هم روزی آنها را (ولو کرمی در دل خاک) می رساند ولی ما انسانها شعور داریم و گناه و دوری از پروردگار نیز به فراوانی و مثل دانه های باران در بین ما یافت می شود و همیشه در رنج و عذاب وجدان دست و پا می زنیم و زندگی برایمان بی معنی است.

«دعوت از متفکرین»

اکنون از متفکرین و دانشمندان جهان دعوت می کنیم با کمک یکدیگر این مسأله مهم را بررسی کنند و ببینند چرا همه جای عالم باید با پیچیده ترین نظم استوار و سلامتی صددرصد، در آنها برقرار باشد ولی زندگی ما انسانها از همه آنها عقب افتاده تر و بی نظم تر و پرفسادتر و حسرت بارتر است؟

دنیای امروز خصوصاً در آستانه «گفتگوی تمدنها» و پس از آن تا رسیدن به صلح و عدالت جهانی باید این مسأله مهم را بررسی و راههای رفع این نابسامانیها را بیابد. آیا وقت آن فرا نرسیده که محافل بین المللی، که همه افکار بشری را تجربه کرده اند و همه مدعی صلح و عدالت بوده ولی در عمل کاری از پیش نبرده و یا ناتوان بوده و یا به خلاف آن عمل کرده اند، پیشنهاد ارائه شده از سوی خالق جهان و پروردگار مهربان

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :

«و لو قد قام قائمنا... لذهبت الشحاء من قلوب العباد»^{۶۸}

را برای رسیدن به صلح و عدالت جهانی بررسی و درباره وجود مقدس منجی آخرالزمان که زنده و حاضر در میان ما بسر می برد گفتگو و تبادل نظر نمایند؟ ما انسانها بدان دلیل دچار فساد شده ایم که طبق راهنماییهای خداوند مهربان عمل نمی کنیم و می گوئیم ما آزاد هستیم هر طور خواستیم زندگی کنیم و نتیجه آن در طول هزاران سال خصوصاً قرنهای اخیر آن شده که می بینیم جز انحطاط در مسائل انسانی چیزی دستگیرمان نشده، مگر مواردی که بعضی از جوامع انسانی یا بعضی از انسانها طبق دستورات عقل و انبیاء عمل کرده اند که آنها مستثنی می باشند. اکنون وقت آن رسیده، که به دعوت پروردگارمان پاسخ مثبت دهیم. او به ما می گوید بیائید شما را از بیماریها نجات دهم. او می گوید علم حقیقی هرچیزی نزد من است زیرا من آفریننده همه چیز هستم پس بی جهت از من فرار نکنید و خود را در بیابانهای جهل نیغکنید و سرگردان و سرگشته نشوید.

بیائید! تا این پیکره بیمار (جامعه بشری) را به دست طبیب خودم، درمان کنم.

«غده های سرطانی جامعه بشری»

میلیاردها سلول این پیکره (یعنی یکایک انسانها که هریک چون سلولی در این پیکره اند) در اثر وجود غده های مرگبار دچار مرض و ضعف شده اند. غده های مرگبار، سیاستها و افکار شیطانی عده ای از انسان نماهاست که بر میلیاردها انسان چنگ افکنده و آنان را اسیر خود نموده و حتی افکارشان را مریض و بیمار و به فرموده امام خمینی ره علیل و ناتوان نموده اند. دیگر زمان بیهوشی این پیکره بسر رسیده و باید آنرا به هوش آورد.

امیرالمؤمنین علیه السلام :

«با قیام قائم ما دیگر کینه‌ای در دل‌های مردم باقی نمی‌ماند.»

زمان ناتوانی افکار مردم جهان بسر رسیده و آنان باید از مرضهای فکری تحمیل شده از سوی پیروان شیطان رهائی یابند.

بی‌توجهی انسان به خالق خویش و کم‌اهمیت دانستن این حقیقت یکی از بزرگترین مرضهای تحمیل شده از سوی شیطان بر ما انسانهاست که آثار مخربی بر جامعه بزرگ بشری گذاشته است که از جمله این آثار دوری مردم جهان از معنویات و پوچی و بی‌هدفی در زندگی و اوج گرفتن شهوت پرستی و ریاست‌طلبی و نزاعهای سیاسی و جنگهای تحمیلی ناشی از آن و عدم تحمل یکدیگر و ... می‌باشد.

چرا این پیکره (جامعه بشری) که باید مظهر سلامتی کامل و عاری از هرگونه پلیدی و مرض روحی و صفات غیرانسانی باشد در دمه ابعاد مریض و در هزاران نوع فساد دست و پا می‌زند؟

«فقط انسانها مریض اند»

آیا می‌دانید اینکه اتمها و تمامی ذرات عالم خلقت و حتی حیوانات از فساد و بی‌نظمی سالم هستند و ما انسانها از این سلامتی محروم شده‌ایم چه دلیلی دارد؟
دلیلش آن است که خداوند مهربان در آنها به علم و قدرت خود نظم را پیاده فرموده است ولی در عالم انسانیت، از ما انسانها خواسته است با اختیار و شعور خود علم و پاکی و حقیقت را بپذیریم که متأسفانه ما انسانها هنوز نپذیرفته‌ایم که باید به علم حقیقی عمل کنیم، علمی که از منبع زلال و سرچشمه فیض بی‌نهایت پروردگار در قلب پیامبران و بخصوص پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم آن حضرت ریزش کرده و چون سدّی پر از آب، آماده است تا دل‌های خشکیده ما را چون میلیونها هکتار زمین خشک سیراب و از مرگ روحی، نجات بخشد.

قال رسول الله ﷺ :

«ابشركم بالمهدى... يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الارض، يقسم المال صحاحاً»^{٦٩}

«سلام دادن و آرزوی سلامتی»

یکی از معانی سلام، آن است که سلام کننده سلامتی را برای طرف مقابل خود آرزو می نماید و این از دستورات مهم اسلام است که به پیروان خود دستور می دهد و از آنان می خواهد در روبرو شدن با یکدیگر قبل از هر سخنی سلام بگویند و آنرا با صدای آشکار به گوش طرف مقابل خود برسانند و بدین وسیله پیام آور صلح و دوستی برای یکدیگر بوده و کینه ها را از دل بزدایند.

مطلب قابل توجه در میان ما مسلمانان خصوصاً شیعیان آن است که وقتی به روح بزرگ و مطهر پیامبرگرامی اسلام ﷺ و حضرت علی بن ابی طالب عليه السلام و سایر ائمه هدی عليهم السلام خصوصاً امام زنده و حاضر در بین خود توجه می نمائیم؛ به آنان سلام می گوئیم.

انسان به هرکس سلام می دهد بدین معنی است که برای او آرزوی سلامتی می نماید و این آرزو برای افراد معمولی ممکن است یک آرزوی معمولی و درخواست سلامتی جسمی برای طرف مقابل باشد ولی سلام دادن به پیشوایان معصوم خصوصاً یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحنا فداه می تواند به این معنی باشد که خداوند جامعه انسانی را برای شما سالم نماید.

سلام ما بر آن حضرت بدین معنی است که ای حضرت مهدی، ای رهبر صلح و عدالت، ای بیان کننده اراده پروردگار، ای از هر خطائی معصوم، سلام من بر تو، من آرزو دارم که انسانها تو را درک کنند و تو را بشناسند تا مانند طبیعی مهربان، هرگونه ناسلامتی و نابسامانی و فساد را با علمی که خداوند به تو عنایت فرموده از میان برداری و همه مرضهای موجود و فسادها و بدبختی های مادی و معنوی را ریشه کن

رسول خدا ﷺ :

«بشارت می‌دهم به شما حضرت مهدی عجل الله فرجه را... آن کسی که تمام ساکنین آسمان و زمین از او راضی خواهند بود او ثروت و اموال را بطور صحیح بین همه مردم تقسیم خواهد نمود».

نمائی .

من آرزو دارم تو بیائی و سلامتی روحی به من و همه افراد بشر عنایت فرمائی.

«سلام بر تو ای منجی»

سلام بر تو ای منجی عالم بشریت.

سلام بر تو ای رهبر آسمانی که در لباس بشر در آمده و مانند یکی از آنان زندگی می‌کنی و با آنان غذا می‌خوری و در بازارهایشان راه می‌روی درحالیکه رهبری الهی هستی و برای اینکه ما با تو انس بگیریم و از تو فرار نکنیم، چنین خودمانی در بین ما حضور داری و نزدیک هزار و دویست سال است منتظر ما هستی.

سلام بر تو ای طیب مهربان! که جانشین پیامبران الهی خصوصاً حضرت عیسی بن مریم علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستی و همانطور که آنان با نفس خود مرده را زنده و کور را بینا و مریض غیرقابل علاج را درمان می نمودند، بیا و ما را درمان کن و محبت خود را به ما بچشان و از پیکره رنجور ما غده‌های سرطانی مرگبار را که جز به ریاست و پول و قدرت و شهوترانی نامشروع خود به هیچ چیز دیگر نمی اندیشند و با انداختن ریشه‌های مخوف خود بر جان و مال ما به حیات خود ادامه می دهند، اینها را از پیکره جامعه بشری جدا کن و به زیاله دانی جهنم بین کن.

سلام بر تو، زیرا من آرزو دارم خداوند دل‌های مردم را با محبت تو آشنا و سپس خودشان در اثر محبت ای محبوب دلها تسلیم تو شوند و برای تو سلام و سلامتی باشند.

ای محبوب من کاری کن که دنیا تو را بشناسد و بداند تو طیب واقعی بشر هستی نه آنانکه جهان را با شبکه‌های تبلیغاتی خود چنان زیر پوشش گرفته و خود را سرپرست

عن الامام العسكري عليه السلام :

«...به يدفع البلاء عن اهل الارض، و به ينزل الغيث، و به يخرج بركات الارض».^{۷۰}

دنیا معرفی می‌کنند که مثل اینست که خداوند جز آنرا نیافریده و همه مردم جهان باید با عناوین فریبنده و دروغین آنان جان و مال و هرچه دارند را در اختیار آنان گذارند و اگر چنین نکنند سلاحهای مرگبار خود را به آنان نشان داده و آنرا ساکت می‌نمایند.

ای خورشید سلامتی و علم، این ابرهای تیره را کنار بزن و ما یخ‌زدگان قطب ناامیدی و گناه را با حرارت خود، جانی تازه مرحمت فرما.

سلام بر تو ای معلم کلاس انسانها که جوّ مدرسه بزرگ (کره زمین) را برایت ناسالم کرده و برای آنکه دانش‌آموزانت (انسانها) را به بیگاری و استفاده نامشروع بکشانند تو را خونریز و خشن و ترسناک معرفی کردند و گفتند حضرت مهدی عليه السلام می‌آید و خونریزیها به راه می‌اندازد و هرگنجهکاری را از بین می‌برد و چه کسی است که در این دنیا خود را گنجهکار نداند و مخاطب این جمله واقع نشود.

حتی ما شیعیان که خود را پیرو تو می‌دانیم نیز فریب سخن دشمن را خورده و خود را مخاطب این جمله قرار دادیم و آرزوی ظهورت را از سر بیرون کرده و گفتیم ای کاش تو زمانی بیایی که ما خود را اصلاح کرده باشیم و بدینوسیله تو را از میان ما بیرون رانند و تو در خانه خود و در میان شیعیان نیز غریب هستی.

ای معلم انسانیت سلام بر تو، سلامی که موجب شود خداوند متعال افکار و اذهان مردم را برای پذیرش رهبری تو سالم نماید تا در فضائی سالم و به دور از هیاهوی مخالفین علم و انسانیت، درسهای انسان ساز را به جهانیان عنایت فرمائی.

ای گم‌شده من بیا و برای جهانیان سخنرانی کن تا با شنیدن کلام نورانی ات تاریکی جهل و شیطنت از افکار زدوده گردد که از جناب شما نقل شده که لحظاتی پس از تولد همانطور که حضرت عیسی بن مریم عليه السلام در گهواره سخن گفت تو نیز به نشانه معجزه

امام عسکری علیه السلام :

«خداوند بوسیله حضرت مهدی علیه السلام همه بلاها را از مردم زمین دفع نموده و بخاطر آن حضرت باران را فرستاده و برکات زمین را خارج خواهد ساخت.»

آشکارا، فرمودی :

” الحمد لله رب العالمین وصلى الله على محمد و آله، زعمت

الظلمة ان حجة الله داخضة لو اذن لنا في الكلام لزال الشك “ (۱)

یعنی :

” سپاس می گویم پروردگار جهانیان را و بر حضرت محمد و آل او درود و رحمت مخصوص الهی را خواستارم، ظالمین گمان کرده اند که حجت خدا و نماینده پروردگار از بین رفتنی است در حالیکه اگر خداوند به ما اجازه سخن گفتن دهد تردیدی در اذهان مردم باقی نخواهد ماند (و به حقایق ما پی خواهند برد) “.

آری، سلام بر او که جهان بزودی تسلیم لطف و محبت و شخصیت منحصر بفردش می شود.

او نه با شمشیر که با علم و محبت دلهای مردم را مجذوب و شیفته خود می کند و شمشیرش تنها برای بریدن چند غده سرطانی است که برای از بین بردن آنها نیازی به سلاحهای مخرب و آزاردهنده کنونی بشر نیست بلکه شمشیر برای از بین بردن آنان کافی است تا میلیاردها انسان، از شر ظلم و ستم آنان راحت شوند. سلام بر آن طیبیب بشر که دلها را به نور پروردگار روشن می کند.

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۴۳۰ (باب ۴۲ ح ۵) : حدثنا محمد بن... عن السیاری قال حدثتني نسیم و ماریه قالتا : انه لما سقط

صاحب الزمان علیه السلام من بطن امه جائيا علی رکبته، رافعا سبابة الى السماء، ثم عطس فقال : الحمد لله رب العالمین...

عن رسول الله ﷺ :
 «المهدى رجل من ولدى... يملأ الارض عدلا كما ملئت جورا، يرضى بخلافته اهل
 السماء و اهل الارض و الطير في الهواء»^{۷۱}

و سلام بر آن محبوب پروردگار که خونریزی و فساد را از صحنه گیتی محو می نماید و صلح و عدالت را بر آن حاکم می نماید و همه مردم را با خود به بهشت می برد و در دنیا نیز آنانرا به ثروت مادی و معنوی می رساند و تمدن حقیقی عالم انسانیت را ایجاد می نماید و جامعه ای سالم که خالی از هر دغلبازی و شیطنت است بوجود می آورد.

حلقه چهارم: «امراض بشر»

آخرین بحث در این مقوله آن است که اشاره ای به امراض جامعه بشری داشته باشیم و بدانیم طبیب واقعی بشر چه امراضی را درمان می نماید. این امراض همان ریشه های علیل و ناتوان بودن ما انسانهاست. اگر این امراض را بشناسیم و وجود آنها در روح خود و اجتماعمان لمس نمائیم، بی درنگ از «طبیب واقعی بشر» درخواست کمک خواهیم نمود. در ابتداء باید بدانیم هرگونه ناپسامانی و فساد و زشتی و آنچه نباید باشد مانند دزدی، خیانت، دروغگوئی، طمع، فریبکاری، حرام خواری، رشوه، فقر، مرض، قتل، فحش و جسارت و... برخواسته از یکی از صفات رذیله در روح آدمی است. کسیکه حسود است در اثر حسادت ممکن است در باره کسیکه به او حسادت می کند سخنان ناروا بگوید، به او تهمت بزند او را نزد مردم خوار نماید و حتی تا کشتن او جلو رود. پس بسیاری از اعمال پلید و زشت در جهان در اثر مرض حسادت است.

کسیکه متکبر و خودخواه است دائماً خود را برتر از دیگران دانسته و در صدد است همه چیز و همه کس را برای خود بخواهد و اگر دارای قدرت و ثروت و اسلحه باشد همه را زیر پای خود قرار دهد و اگر کسی مقاومت کرد به او آسیب برساند تا آنجا که

رسول اکرم ﷺ :
«حضرت مهدی علیه السلام مردی است از فرزندان من... او زمین را سرشار از عدالت می نماید چنانچه (در اثر غیبتش) سرشار از ظلم شده بود، همه اهل آسمان و زمین حتی پرندگان نیز به حکومت او بر زمین راضی خواهند بود.»

بخاطر ریاست و خودخواهی و تکبر خود حاضر است میلیونها نفر را نابود نماید چنانکه در جنگهای جهانی و جنگهای مختلف تاکنون دهها میلیون نفر کشته شده اند. اینها فقط دو نمونه از هفتادوپنج صفت رذیله و پلید شیطانی و حیوانی است که تنها همین دو مورد بسیاری از مفاسد فردی و اجتماعی را ببار می آورد. حال اگر هفتادوسه مرض روحی دیگر را به آن ضمیمه کنیم چه فاجعه ای رخ می دهد؟ فاجعه ای چون انفجار بمبهای اتمی و هزاران فساد دیگر که همه روزه شاهد آن هستیم.

این صفات رذیله، مرضهای روح انسان می باشد. اینها انسانرا از دایره انسانیّت خارج و از او حیوانی خطرناک می سازد. اینها صفاتی است که از محبت و وابستگی انسان به زندگی کوتاه دنیا و جاودانه دانستن آن و فراموشی از عالم آخرت و فروختن زندگی بهشتی به پول و مقام و لذائذ زودگذر دنیا و بی توجهی به دعوت انبیاء علیهم السلام، در قلب انسان بوجود می آید. این صفات و تنها یکی از آنها (و بلکه مقدار اندکی از یکی از آنها) کافی است انسانرا مریض نماید.

همانطور که در امراض جسمی، از میان صدها نوع مرض، تنها یکی از آنها کافی است انسانرا بستری نماید.

«همه مریض هستیم»

مطلبی که برای هیچکس قابل انکار نیست آن است که فرد و اجتماع امروز جامعه بشری به صفات رذیله بسیاری مبتلا می باشند که فهرست این صفات را در پایان همین عنوان یعنی چند صفحه بعد تقدیمتان خواهیم نمود.

عن رسول الله ﷺ :
 «تتعم امتی فی زمن المهدی نعمة لم يتنعموا مثلها قط يرسل الله السماء عليهم مدراراً
 ولا تدع الارض شيئاً من نباتها الا اخرجته»^{۷۲}

همه افراد بشر از این بیماریهای روحی که حتی بیماریهای جسمی و تخریب محیط زیست از آنها بوجود می آید، در رنج و عذابند.

اکنون اندیشمندان و مدافعین حقیقی حقوق بشر در جهان (نه آنانکه با زدن ماسک حقوق بشر چهره خونخوار خود را در پشت آن پنهان نموده اند) آیا نباید طبیعی که این امراض را درمان کند، بیابند؟

آنها می دانند هر انسان غیر معصومی ممکن است از این صفات ولو مختصری داشته باشد و فاجعه ببار آورد پس نمی توان از افراد معمولی بشر این طبیب را یافت.

باید این طبیب معصوم از خطا باشد یعنی از طرف خداوند و بوسیله پیامبران الهی معرفی شده باشد که در باره منجی آخر الزمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه چنین کاری انجام شده است.

این مطلب حکم عقل است.

عقل به ما می گوید: حتی اگر بشر صدها برابر امروز پیشرفتهای علمی و صنعتی و غیره نماید؛ خطر سقوط و نابودی اش صدها برابر بیشتر خواهد شد مگر خطر نابودی جامعه بشری در پانصد سال قبل را می شود با زمان کنونی مقایسه کرد.

پانصد سال قبل اگر جنگی جهانی اتفاق می افتاد نهایتاً چند صد هزار کشته برجای می گذاشت و با پیروزی یک کشور طرف مقابل تسلیم می شد.

پانصد سال قبل، بشر مثل امروز پیشرفته نبود.

اما امروز که صدها برابر آنروز پیشرفت (ظاهری) کرده است آیا خطر سقوط و نابودی مادی و معنوی اش به نسبت پیشرفتش بالاتر نرفته است؟

خواهید گفت چرا، امروز به موازات پیشرفت جامعه بشری خطر سلاحهای هسته ای و کشتار جمعی تمامی کره زمین را تهدید می کند.

رسول اکرم ﷺ :
«أمت من در زمان حضرت مهدی علیه السلام چنان غرق نعمت می شوند که هرگز چنین نبوده.
آسمان پی در پی بر آنان نعمتها را فرو ریخته و هیچ روئیدنی باقی نمی ماند مگر آنکه
زمین آنها بیرون می دهد.»

«مگر آنکه»

مگر آنکه امراض روحی بشر درمان شود.

اگر امراض روحی بشر به وسیله طبیب حقیقی و معصوم از خطا درمان شود و دیگر تندخو، متکبر، ریاست طلب، دوستدار مقام دنیا، بی محبت به مردم، خدانشناس، خودخواه، مغرور و سایر صفات هفتاد و پنج گانه را نداشته باشد آنگاه اگر هزاران تن بمب اتمی خطرناکتر را نیز در اختیار داشته باشد هیچ گناه و خطایی از او سر نمی زند.

حلقه پنجم: «هفتاد و پنج مرض»

قول داده بودیم در پایان این بحث هفتاد و پنج صفت پلید یا مرض روحی را برای کامل شدن مطلب تقدیمتان نمائیم که اکنون وقت آن فرا رسیده و ما شما را به تأمل و دقت در این امراض دعوت می کنیم که البته در کنار هر مرضی، سلامتی روح یا صفت پسندیده ضد آن مرض ذکر شده است.

امید است که جامعه بشری که طالب سعادت خویش است برای درمان این امراض از اجتماعات انسانی اقدام نموده و در وهله اول در نشستهای بین المللی و منطقه ای طبیب معالج این امراض (یعنی منجی آخر الزمان علیه السلام) را بشناسد و از او برای شروع درمان دعوت بعمل آورد.

یادآوری این نکته ضروری است که ذکر اسامی این امراض روحی بیشتر به جهت آگاه شدن از وجود این امراض خطرناک در میان بشر است ولی معالجه آن در بعد اجتماعی و جهانی تنها با ظهور منجی عالم بشریت ممکن است و در بعد فردی با مراجعه به علماء ربانی میسر است.

به امید آنروز.

عن رسول الله ﷺ :

«ان الله فتح هذا الدين بعليّ و اذا قتل فسد الدين و لا يصلحه الا المهدي»^{۷۳}.

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالى عليه، در کتاب شریف بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۱۱-۱۰۹ در روایتی از امام صادق علیه الصلاة والسلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

عقل و لشگریانش و نیز جهل و سپاهش را بشناسید که به راه راست هدایت می شوید.

(در این روایت امام صادق علیه السلام عقل را اولین مخلوق پروردگار و او را دارای هفتاد و پنج لشگر که همان صفات پسندیده اند معرفی می فرماید و جهل را ضد عقل و آنرا نیز دارای هفتاد و پنج لشگر که همان صفات پلید می باشند دانسته و می فرماید):

۱- نیکی و عمل شایسته وزیر عقل،

و بدی و عمل ناشایست وزیر جهل است.

آنگاه آن حضرت بقیه صفات را چنین برشمردند:

رسول اکرم ﷺ :

«خداوند بوسیله علی علیه السلام این دین را پیروز نمود و آنگاه که علی علیه السلام کشته شود دین فاسد خواهد شد و جز حضرت مهدی علیه السلام کسی دیگر قادر به اصلاح آن نمی باشد».

ردیف	صفت حمیده که روح را سالم می نماید	صفت رذیله که روح را مریض می نماید
۲	ایمان به پروردگار (الایمان)	کفر به خداوند (الکفر)
۳	تصدیق نمودن حقیقت و سخن انبیاء (التصدیق)	انکار نمودن حقایق و تکذیب سخن انبیاء (الجحود)
۴	امیدواری به رحمت خداوند (الرجاء)	ناامیدی از رحمت خداوند (الفنوط)
۵	عدالت نمودن (العدل)	ستم کردن (الجور)
۶	راضی بودن به خواست پروردگار (الرضا)	ناخشنود بودن از آنچه خدا خواسته است (السخط)
۷	تشکر و قدردانی (الشکر)	نادیده گرفتن و ناسپاسی (الکفران)
۸	چشم پوشی از آنچه دیگران دارند (الیأس)	چشم داشت و طمع به آنچه مردم دارند (الطمع)
۹	توکل به خداوند و تنها به او امید داشتن (التوکل)	حریص بودن (تکیه به غیر خدا نمودن) (الحرص)
۱۰	مهربانی قلبی (الرأفة)	فرب دادن (العرة)
۱۱	مهربان بودن (الرحمة)	غضبناک بودن (الغضب)
۱۲	دانش اندوختن (العلم)	نادان بودن (الجهل)
۱۳	فهم و درک داشتن (الفهم)	حماقت و نفهم بودن (الحمق)
۱۴	عفت و پاکدامنی (العفة)	پرده دری (التهتك)
۱۵	وابستگی به دنیا نداشتن (الزهد)	وابستگی به دنیا و تمایل به آن (الرغبة)
۱۶	نرمی و مدارا نمودن (الرفق)	خشونت و سخت گرفتن (الخرق)
۱۷	ترس آمیخته با محبت از خداوند (الرهبة)	بی باکی و جرأت بر خدا نمودن (الجرأة)
۱۸	تواضع و فروتنی (التواضع)	تکبر و گردنکشی (التکبر)
۱۹	آرامی (التودئه)	شتابزدگی (التسرع)
۲۰	خویشتر داری و زود اقدام نکردن (الحلم)	نابخردی و سفاقت (السفه)
۲۱	خاموشی و سخن بیجا نگفتن (الصمت)	پرگویی و بیهوده حرف زدن (الهذر)

قال الصادق عليه السلام :
 «إذا قام القائم حكم بالعدل، و ارتفع في أيامه الجور، امنت به السبل و اخرجت الارض
 بركاتها و رد كل حق الى أهله» ۷۳

ردیف	صفت حمیده که روح را سالم می نماید	صفت رذیله که روح را مریض می نماید
۲۲	گردن نهادن به حق (الاستسلام)	گردنکشی و زیر بار حق نرفتن (الاستکبار)
۲۳	تسلیم حق بودن (التسلیم)	زورگوئی (التجبر)
۲۴	عفو نمودن (العفو)	کینه توزی (الحقد)
۲۵	رفیق القلب بودن (الرفقة)	سنگ دلی (التسوة)
۲۶	یقین به دین حق (الیقین)	تردید و شک نمودن (الشک)
۲۷	تحمل داشتن و صبور بودن (الصبر)	عدم تحمل و کم صبری نمودن (الجزع)
۲۸	بخشش و گذشت از دیگران (الصفح)	انتقام جوئی (الانتقام)
۲۹	بی نیازی جستن از دیگران (الغنی)	اظهار نیازمندی (الفقر)
۳۰	با فکر بودن یا یاد آور بودن (التفکر، التذکر)	بی فکری و بخاطر سپردن (السهو)
۳۱	اهمیت دادن و حفظ نمودن (الحفظ)	فراموش نمودن و بی اهمیتی (النسیان)
۳۲	خوش قلبی و عطف (التعطف)	نامهربانی و قطع رابطه (القطیعة)
۳۳	قانع بودن (القنوع)	حرص و ورزیدن (الحرص)
۳۴	برادر مؤمن را از ثروت خویش بهره مند نمودن	ندادن چیزی به دیگران (المنع)
۳۵	دوستی و محبت (مودة)	دشمنی نمودن (عداوة)
۳۶	وفاداری (الوفاء)	پیمان شکنی و خیانت (الغدر)
۳۷	اطاعت خداوند (الطاعة)	نافرمانی از دستورات خداوند (المعصية)
۳۸	فروتنی (الخشوع)	گردنکشی (التطاول)
۳۹	سالم نگه داشتن خود (السلامة)	گرفتار نمودن خود (البلاء)
۴۰	دوستی در راه خدا (الحب)	دشمنی با خدا و اولیاءش (البغض)
۴۱	راستگوئی (الصدق)	دروغگوئی (الكذب)

امام صادق علیه السلام :
 «حضرت قائم علیه السلام وقتی قیام فرماید تنها به عدالت حکم فرموده و در زمان او هیچ ستمی وجود نخواهد داشت تمام راهها بوسیله او ایمن و تمامی برکات زمین خارج و هر حقی به صاحبش خواهد رسید.»

ردیف	صفت حمیده که روح راسالم می نماید	صفت رذیله که روح را مریض می نماید
۴۲	حق و حقیقت جوئی (الحق)	باطل را پسندیدن (الباطل)
۴۳	امانت داری (الامانة)	خیانت در امانت (الخیانة)
۴۴	اعمال را خالص انجام دادن (الاخلاص)	غیر خدا را در نظر گرفتن (الشوب، الشرك)
۴۵	هوشیاری و تیزفهمی (الشهامة)	بی شعوری و نافهم بودن (البلادة)
۴۶	درک عمیق داشتن (الفهم)	کم درکی و فهم عمیق نداشتن (الغباوة)
۴۷	شناختن حقیقت و اعتراف به آن (المعرفة)	انکار حقیقت و روی گرداندن از آن (الانکار)
۴۸	خوش رفتاری و پرده پوشی با دیگران (المدارة)	پرده دری و بر ملا نمودن راز دیگران (المکاشفه)
۴۹	پشت سر دیگران حفظ آبرو نمودن (سلامة الغیب)	در غیاب دیگران مکروه خدعه نمودن (المماکرة)
۵۰	کتمان اسرار (الکتمان)	افشاء اسرار (الافشاء)
۵۱	نماز را اهمیت دادن (الصلاة)	بی توجهی و سبک شمردن نماز (الاضاعة)
۵۲	روزه داری (الصوم)	خوردن روزه (الافطار)
۵۳	جهاد در راه خدا (الجهاد)	شانه خالی نمودن از جهاد (النکول)
۵۴	حج بجا آوردن و اداء پیمان الهی (الحج)	نرفتن به حج و نقص پیمان پروردگار (نبذالميثاق)
۵۵	حفظ زبان (صون الحديث)	سخن چینی (النمیمة)
۵۶	نیکی به پدر و مادر (بر الوالدین)	حق والدین را ضایع نمودن (العقوق)
۵۷	با حقیقت بودن و برای خدا کار کردن (الحقیقة)	ریاکاری نمودن (الریاء)
۵۸	خوبیها و امور پسندیده (المعروف)	بدیها و امور ناپسند (المنکر)
۵۹	پوشیدن حجاب و محافظت از بدن نامحرم (الستر)	بد حجابی خود را در معرض دید نامحرم قرار دادن (التبرج)
۶۰	حفظ اسرار و عقاید (التقیة)	افشاء و بر ملا نمودن عقاید و اسرار (الاذاعة)
۶۱	انصاف داشتن (الانصاف)	تعصب و طرفداری بیجا از غیر حق (الحمیة)

قال الباقر عليه السلام :

«إذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع»^{۷۵}

ردیف	صفت حمیده که روح را سالم می نماید	صفت ردیله که روح را مریض می نماید
۶۲	خدمتگزاری به ائمه هدی علیهم السلام (المهنة)	خروج برائمه علیهم السلام وعدم اطاعت از آنان (البغی)
۶۳	پاکیزگی و نظافت (النظافة)	چرکین بودن و عدم مراعات نظافت (القدر)
۶۴	با حیا بودن (الحیاء)	برده حیا را کنار گذاشتن (الخلع)
۶۵	در صراط مستقیم بودن (القصد)	انحراف از صراط مستقیم داشتن (العدوان)
۶۶	کارها را براحتی انجام دادن (الراحة)	در کارها خود را به رنج انداختن (التعب)
۶۷	آسان گرفتن (السهولة)	ناهموار نمودن امور (الصعوبة)
۶۸	با برکت بودن (البركة)	بی برکتی (المحق)
۶۹	امور را به سلامت انجام دادن (العافية)	کارها را بیج دادن و ایجاد گرفتاری (البلاء)
۷۰	محکم و پایدار نمودن امور زندگی (القوام)	از هم پاشیدگی امور (المکاثرة)
۷۱	طبق حکمت و مصلحت عمل نمودن (الحکمه)	مطابق خواسته های دل حرکت کردن (النهوی)
۷۲	سنگینی و وقار (الوقار)	سبک بودن (الخفة)
۷۳	خوبی و سعادت را برگزیدن (السعادة)	محروریت در اثر گناه و بدی (الشفاء)
۷۴	بازگشت نمودن بسوی خدا (التوبة)	اصرار بر گناه و انحراف (الاصرار)
۷۵	پشیمانی و طلب بخشش از خداوند (الاستغفار)	مغرور بودن و خود را گنهکار ندانستن (الاغترار)
۷۶	اهمیت دادن به امور (المحافظة)	سستی نمودن در امور (التهاون)
۷۷	دعا و درخواست عاجزانه از پروردگار (الدعاء)	روی گردانیدن از دعا (الاستنکاف)
۷۸	بانشاط بودن (النشاط)	کسالت و بیحالی (الکسل)
۷۹	خوشحال بودن و امیدواری (الفرح)	غمگینی و ناامیدی (الحزن)
۸۰	بادیگران الفت داشتن و نزدیک شدن (الالفة)	جدائی از مردم و دوری از آنان (الفرقة)
۸۱	دست دهنده داشتن و بخشش نمودن (السخاء)	بخیل بودن (البخل)

امام باقر علیه السلام :

«هنگامی که قائم ما قیام فرماید اثری از راهزنی و دزدی (بناحق چیزی را از کسی گرفتن) دیده نمی شود».

تذکر : ((توضیحی در باره افزون شدن تعداد این صفات بر عدد ۷۵ خواهد آمد))
سپس امام صادق علیه السلام فرمود : این صفات (لشگرهای عقل) بطور کامل یا در انبیاء یا جانشین آنان یا مؤمنی که خداوند قلب او را برای ایمان آزمایش نموده باشد جمع می شود و اما سایر مؤمنین و پیروان ما بعضی از این صفات را دارا هستند تا آنکه خود را به تمامی آنها آراسته نمایند و از لشگرهای جهل دوری نمایند که اگر چنین باشد در بالاترین درجه با انبیاء و جانشینان انبیاء علیهم السلام هم نشین خواهد بود.

(یعنی مؤمنی که قلبش برای ایمان آزمایش شده مانند فارغ التحصیل مدرسه انسانیت و صفات کمالیه است ولی مؤمنین دیگر در کلاسهای پائین تر بعضی از این صفات را دارا هستند تا خود را به آخرین کلاس برسانند و تمامی این صفات را دارا گردند.)

سپس امام علیه السلام فرمود : انسان آنگاه به رستگاری می رسد که از عقل و لشگریان عقل بهره مند گردد و از جهل و لشگریانش به دور باشد. خداوند ما و شما را به اطاعت و آنچه خشنود است موفق فرماید. (پایان روایت)

لازم به تذکر است که امام علیه السلام تعداد این صفات را در آغاز ۷۵ صفت ذکر نمودند ولی در مجموع ۸۱ صفت در روایت ذکر شده است که علامه مجلسی رحمته الله علیه این اضافی را در اثر توضیح بعضی از این صفات با کلمات مشابه از سوی امام صادق علیه السلام و یا در اثر نسخه برداری از روایت توسط نویسندگان دانسته اند.

دعاء الندبة :

«این قاطع حبال الكذب والافتراء»^{۷۶}

«تکافی به انسان»

حال که همه دانستیم چه امراض مهلکی روح انسانرا تهدید می کند به سخن پروردگار گوش فرا می دهیم که در سوره الشمس و الشمس می فرماید :

بسم الله الرحمن الرحيم

والشمس وضحيها*

والقمر اذا تليها*

والنهار اذا جليها*

والليل اذا يغشيها*

والسما و ما بنيها*

والارض و ما طحيها*

و نفس و ما سويها*

دعای ندبه :

«کجاست آن قطع‌کننده ریسمانهای دروغ و تهمت (که با تبلیغات مسموم خود قرنهایست بشر را در اسارت خود گرفته و باطل را حق جلوه داده‌اند)».

فاله‌مها فجورها و تقویها*

قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها*

کذبت ثمود بطغویها*....

یعنی :

به خورشید و روشنائی اش قسم،

به ماه که به دنبال خورشید روان است قسم،

به روز روشن که عالم را فرا می‌گیرد قسم،

به شب که همه جا را با تاریکی خود می‌پوشاند قسم،

به آسمان و کسی که آنرا بنا نهاده قسم،

به زمین و آنکه آنرا گسترانده قسم،

به روح آدمی و آنکه آنرا بی‌کم و کاست خلق فرموده و خوبیها و بدیها را به او الهام

فرموده قسم،

(به همه اینها قسم که انسان بیهوده خلق نشده) و حقیقتاً تنها کسانی که روح خود

را از صفات رذیله پاکسازی نمایند به رستگاری و سعادت رسیده و کسانی که آنرا به

الدعاء الندبة : «این حاصد فروع الغی والشقاق»^{۷۷}
«کجاست آن نابود کننده شاخه‌های گمراهی و جدائی و صفات پلید ضد انسانی»

این امراض مبتلا نمایند زیانکار شده‌اند. آیا عاقبت قوم ثمود را نمی‌بینند که بخاطر
(یکی از امراض روحی یعنی) طغیان هوای نفس و رها نمودن خواسته‌های دل و
کنترل نمودن آن سخن خداوند را تکذیب نمودند. (و خداوند آنرا مجازات
سختی نمود...)

قسمت هفتم :

انسان کامل

«عصر هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی سلام الله علیه باشد یعنی یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم و ائمه هدی و در عصر ما حضرت مهدی سلام الله علیه است.»

صحیفه نوری ج ۱۲ ص ۱۷۰

عن الباقر عليه السلام :

«لو بقيت الارض يوماً بلا امام منّا لساخت باهلها».^{۷۸}

حضرت امام خمینی قدس سره در باره حضرت ولی عصر عليه السلام به عنوان انسان کامل چنین می فرمایند :

- " والعصر * ان الانسان لفي خسر * عصر هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی سلام الله عليه باشد یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم و ائمه هدی و در عصر ما حضرت مهدی سلام الله عليه است، قسم به عصاره موجودات، عصر، فشرده موجودات، اینکه فشرده همه عوالم است، یک نسخه ای است نسخه تمام عالم، تمام عالم در این موجود، در این انسان کامل عصاره است... در همین سخنرانی امام راحل فرموده اند :

"...اسلام نیامده است که جنگ بکند، اسلام نیامده است که کشورگیری بکند، نیامده است که فتح بکند، اسلام و سایر ادیان حقه آمده اند که مردم را از این خسران بیرون کنند و وارد کنند در این حصار ایمان و مع الاسف موفق نشدند کوشش خودشان را کردند و موفق نشدند الا مقرداری."

امام باقر علیه السلام :

«کره زمین بواسطه وجود انسان کامل و امام معصومی از ما خاندان پابرجاست، اگر او یک روز در زمین نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می برد».

این مقدار از کمال هم که در انسان‌ها در عالم هست به تبع انبیاست، اگر انبیاء نیامده بودند شاید همه مردم الا نادری همه‌شان مثل حیوانات جنگل و بدتر از او به جان هم می افتادند حالا هم می بینید که آنهایی که به این حصار ایمان نزدیکترند از این جنایات دورترند^(۱).

یکی از حلقه‌های زنجیره بحث ما در این کتاب، بحث پیرامون شخصیت انسان کامل است.

جهان بشریت بخاطر آنکه این انسان کامل را نمی‌شناسد و در میان خود نمی‌بیند دچار مشکل شده است. مانند کلاسی که وقتی معلم در آن دیده نمی‌شود بهم ریخته و شلوغ شده و هرکسی برای خود چیزی می‌گوید و کاری می‌کند و نظم واحدی ندارد.

ما باید بدانیم که آن رهبر نجات بخش چه شخصیتی دارد و چه خصوصیتی باید داشته باشد و باید بدانیم هرکسی نمی‌تواند جایگزین او باشد.

او انسان معصوم از خطا و متکی به نیروهای غیب و آگاه از همه امور است و او دست خداوند بر سر بشریت و تربیت‌کننده آنها و رساننده آنان بمقام شامخ انسانیت می‌باشد.

با این توجه، بحث "انسان کامل" را پی می‌گیریم.

القرآن الکریم : «کأنها کوکب دُرّی»
 عن امیر المؤمنین علیه السلام : «والکوکب الدُرّی القائم المنتظر علیه السلام»^{۷۹}

آیا ما "انسان" را می‌شناسیم؟

شاید اگر بدون تفکر به این سؤال پاسخ دهیم فوراً بگوئیم: انسان موجودی دوپا، باشعور، دارای فکر، قادر بر سخن گفتن و ... است.

ولی کمی تأمل در جواب و تفکری عمیق به ما می‌گوید: اینها صفات و مشخصه‌های اصلی انسان نیست، اینها خصوصیات ظاهری او و بدن و جسم اوست. آیا شما در پاسخ به این سؤال که راننده این ماشین کیست؟ پاسخ می‌دهید: او کسی است که دارای چهارچرخ و شماره فلان و مدل فلان است؟

سؤال کننده خواهد گفت: من از راننده می‌پرسم، اینها که می‌گوئی مربوط به ماشین اوست.

آری بدن ما ماشین و وسیله سواری ما انسانهاست.

خداوند در چهارماهگی روح انسانرا چون راننده‌ای بر ماشینی بنام بدن در رحم مادر سوار می‌کند و در موقع مرگ نیز او را از این ماشین پیاده کرده ماشین را در توقفگاه (پارکینگ) قبر می‌گذارد و راننده را که روح انسان است به جایی که باید برود راهنمایی می‌نماید.

ولی ما که تاکنون در بدن خود بوده و از این ماشین پیاده نشده‌ایم بین روح و جسم چندان فرقی نمی‌گذاریم.

مایلید کمی این راننده (روح) را بشناسیم؟

او موجودی است که گاهی می‌خوابد و گاهی بیدار می‌شود.

خواب او "غفلت" اوست مثلاً هنگامی که غرق توجه به زندگی مادی است و از توجه به خدا غافل است این غفلت را خواب روح می‌نامند و اگر متوجه آنچه باید باشد گردد مثلاً توجه به زندگی پس از مرگ داشته و برای آن برنامه‌ریزی کند این روح

قرآن کریم : «او چون ستاره‌ای فروزان و درخشنده است».
امام علی علیه السلام : «آن ستاره درخشان و فروزنده حضرت قائم منتظر علیه السلام است».

خواب نیست و حالت توجّه او همان بیداری اوست.

«خصوصیات روح»

همانطور که جسم انسان خصوصياتی دارد که با آن شناخته می‌شود مثلاً سفید پوست یا سیاه پوست است یا چهره خاصی دارد، همچنین روح یعنی خود انسان نیز خصوصياتی دارد که این خصوصيات همان صفات انسان نام دارد مثل آنکه مهربان است یا تندخو، بخشنده است یا سخت‌گیر، هوشیار است یا کندفهم، حسود است یا خیرخواه و همینطور...

یادتان هست در بخش قبلی جدولی حاوی یکصد و پنجاه صفت که هفتاد و پنج عدد آن، صفت حمیده و انسانی و هفتاد و پنج عدد صفت رذیله و غیر انسانی بود تقدیمتان نمودیم؟

اگر این راننده را می‌خواهید بشناسید باید ببینید از آن صفات هفتاد و پنجگانه چند عدد در او دیده می‌شود.

اینکار خیلی ساده است مثلاً وقتی کسی از شما می‌پرسد فلانی چطور آدمی است می‌خواهم با او ازدواج کنم می‌گوئید او آدم دانشمندی است، با فکر است، اهل بذل و بخشش است، مهربان است و...

و اگر به عکس این صفات باشد می‌گوئید نه مصلحت نیست با او ازدواج کنی او آدم حسودی است، ترسو است، بی فکر است و...

پس دیدید که خیلی ساده انسانها را می‌شناسید.

حال از شما می‌پرسم : اگر کسی پاهایش قطع شده باشد برای شما مهم تر است، یا آدم بی اراده‌ای باشد؟

عن الباقر عليه السلام :

«ان العلم بكتاب الله عز وجل و سنة نبيه صلى الله عليه وآله ينبت في قلب مهدينا كما ينبت
الزرع على احسن نباته»^{۸۰}

حسود باشد بهتر است یا نابینا؟

کم پول و بی بضاعت باشد بهتر است یا کج خلق و بداخلاق؟

پاسخ شما در همه موارد روشن است، می‌گوئید معلوم است انسان پا نداشته باشد بهتر است از آنکه بی اراده باشد. زیرا انسان بی اراده، انسان نیست. شخصیت ندارد، دلیل خواست دیگران است و می‌گوئید انسان نابینا بهتر از انسان حسود است زیرا نابینا تنها چشم ندارد و به انسانیتش لطمه نمی‌خورد ولی حسود اگر صدها چشم هم داشته باشد تمام چشمهایش به دنبال ساقط کردن دیگران و حسادت به آنهاست، حسود انسان درستی نیست و...

با ذکر همین دو نمونه نتیجه می‌گیریم که انسان را باید به صفاتش شناخت نه به رنگ پوست و ملیت و نژاد و پول و مقام و زیبایی یا زشتی بدنی و به فرموده قرآن کریم:

”یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل

لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر“^(۱)

یعنی :

”ای جهانیان ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و در دسته‌های گوناگون و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ولی بدانید که (میزان برتری شما بر یکدیگر اینها نیست بلکه) گرمی‌ترین شما نزد خداوند کسی است که قوانین الهی (که برای رسیدن انسان به مقام انسانیت به بشر ارایه شده) را بیشتر رعایت نماید و خداوند

امام باقر علیه السلام :
«آگاهی به حقایق بی انتهای علم الهی براساس کتاب پروردگار و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته در قلب مهدی ما می‌روید همانگونه که زراعت و گیاه در بهترین شرایط نمو می‌کند».

دانا و باخبر است (که چه کسی بیشتر اهل رعایت این دستورات است) ."

«میهمانان زندگی»

زندگی انسانی در حقیقت یک سالن پذیرائی از میهمانانی به نام انسان است. میهمانان اصلی دعوت شده بر سر سفره " زندگی " انسانهای کامل هستند. خداوند کسانی را که هیچ صفت رذیله‌ای ندارند به این میهمانی یعنی " زندگی انسانی " دعوت کرده است.

این میهمانی موقتی نیست بلکه جاودانه است، شروعش از دنیا است و پایانی ندارد و در عالم پس از مرگ و بهشت بی‌نهایت ادامه خواهد داشت. اصلاً از اسم این سفره زیبا که " زندگی " نامیده شده پیداست که تنها " زندگان " به آن دعوت شده‌اند نه " مردگان " .

آنان که صفات نیک را در خود جمع و از صفات غیرانسانی خود را پاکسازی نموده‌اند زندگان و انسانها هستند که نامشان در ردیف دعوت شدگان پروردگار ثبت شده ولی کسانی که آلوده به صفات غیرانسانی هستند باید پشت درب منتظر بمانند همانطور که وقتی یک میهمان دعوت شده به مجلس میهمانی بر روی لباسش نجاست بدبوئی وجود داشته باشد خودش خجالت می‌کشد با این وضع بر سر سفره‌ای که افراد با شخصیت و محترم و پاکیزه نشسته‌اند حاضر شود و اگر متوجه نباشد نگهبان به او تذکر می‌دهد که قبل از ورود لباس خود را پاک و خوشبو نماید. آری خداوند این عالم را برای انسانهای حقیقی آفریده و اگر به بقیه، از این سفره چیزی می‌رسد بخاطر آن انسانهای واقعی است.

لذا در درجه اول انبیاء و جانشینان آنان و سپس آنانکه نفس خود را از صفات رذیله

القرآن الکریم: «والنهار اذا تجلی»^{۸۱}
 عن الصادق علیه السلام: «و هو القائم علیه السلام اذا قام»^{۸۲}

پاک نمایند را بر سر این سفره دعوت فرموده و عالم را بخاطر آنان آفریده است همانطور که صاحب منزل سفره را بخاطر میهمانان دعوت شده پهن می کند. و در هر زمانی یک نفر از انبیاء یا جانشینان آنان در کره زمین زندگی می کند تا این سفره برچیده نگردد و اگر یک نفر از آنان در میان اجتماع بشر نباشد، حیات در کره زمین پایان می یابد و دیگر دلیلی برای پهن کردن این سفره گسترده که بعضی در آن به خداوند توهین کنند و اعمال غیرانسانی انجام دهند وجود ندارد.

از اینرو در روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام مکرر گوشزد شده است که "کره زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند و اگر حجّت و نماینده پروردگار در آن نباشد حیات از آن برچیده می شود".^(۱)

و اکنون که دیگر آخرالزمان است و خداوند فرستادن پیامبران را با رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاتمه داده است جانشینان آن حضرت پس از آن بزرگوار در میان مردم بسر برده اند که یازده تن از آنان توسط ظالمین به شهادت رسیده اند و اکنون دوازدهمین آنان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که مقام رهبری حکومت عدل الهی در آخرالزمان به او واگذار شده در بین ما بسر می برد و اگر آن حضرت در میان ما نباشد طبق قانون عقل و قانون الهی نباید حیاتی در کره زمین وجود داشته باشد.^(۲) بخاطر آن وجود مقدّس است که ما انسانها مورد لطف و محبت پروردگار قرار گرفته ایم زیرا آن حضرت می خواهند در این میهمانی الهی ما را هم شرکت دهند و بهمین جهت منتظرند تا ما اعلام آمادگی کنیم و حاضر شویم لباسهایمان را از

۱- بحارالانوار ج ۲۳/۲۹ عن الرضا علیه السلام: لو خلت الارض طرفه عين من حجة لساخت باهلها.

۲- بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبت الارض والسماء (دعای عدیله - مفاتیح الجنان).

قرآن کریم: «قسم به روز هنگامیکه جهانرا روشن می‌سازد»
امام صادق علیه السلام: «منظور از روز، حضرت قائم علیه السلام است که با قیام جهانی اش دنیا را
پر از نور هدایت و عدالت می‌نماید».

نجاستهای بدبو که همان صفات رذیله و گناهان مختلف است پاکسازی نمائیم.
دقت کنید، نمی‌گوییم تا ما لباسهایمان را از نجاست صفات رذیله پاک نکرده‌ایم در
این میهمانی راه نمی‌یابیم، نه اینقدر سخت نیست.
می‌گوییم باید حاضر باشیم شرایط این میهمانی بزرگ یعنی شرایط حکومت واحد
جهانی به رهبری منجی آخرالزمان را بپذیریم.
مثلاً نگهبان جلوی درب این میهمانی می‌گوید برای شرکت در میهمانی باید به
حمام رفته و پاکیزه شوید.

اگر ما انسانها قول صادقانه به حجت خدا بدهیم که از او پشتیبانی می‌کنیم و به
حمام توبه رفته و خود را از نجاست "گناه" پاک می‌کنیم آن حضرت هم درب حمام
توبه را که ظهور مقدسش است باز کرده و قیام جهانی خود را آغاز و همه افراد بشر را
لایق نشستن بر سر سفره زندگی انسانی و استفاده از علوم انبیاء علیهم السلام خواهد نمود.
لذا وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه الصلاة والسلام در پیامی به شیعیان که از میان
سایر مردم دنیا خود را مدعی پیروی از آن حضرت می‌دانند می‌فرماید:

"اگر شیعیان ما که خداوند آنانرا به اطاعت از خود موفق فرماید به پیمانی که با ما
دارند یکپارچه و یکدل وفا نمایند هرگز از میمنت دیدار ما محروم نخواهند شد و
به سرعت توفیق مشاهده ما را خواهند یافت..." (۱)

آری، عموماً، مردم دنیا حتی ما شیعیان هنوز اعلام آمادگی حقیقی برای ورود به
میهمانی "زندگی انسانی" را ننموده و متأسفانه در گرداب زندگی حیوانی و شیطانی به

۱- کلمة الامام المهدي ص ۱۵۱ عن الاحتجاج ۲/۲۶۰ شماره ۳۶۰

قال رسول الله ﷺ :

«المهدي من ولدي اسمه اسمي وكنيته كنيتي أشبه الناس بي خلقاً وخلقاً»^{۸۳}

دور خود می چرخیم و در زندانی که خودمان با میله‌های آهنین تکبر و غرور و ... ایجاد کرده‌ایم زندگی حیوانی تکراری و مشقت‌باری را با تحمل میلیونها فقیر و گرسنه و میلیاردها گناه و دوری از خدا می‌گذرانیم.

امروز انسان کاملی که شایسته رهبری هدایت جامعه بشری است، وجود مقدس منجی آخرالزمان حضرت صاحب‌الزمان و موعود حضرت عیسی و موسی عليه السلام و پیامبران الهی است که افتخار زندگی زیر سایه آن حضرت را خداوند نصیبمان فرموده است.

او که از هر قید و زنجیر و بیعت و گردن نهادن به فرمان غیر خداوند آزاد است آمده تا ما را از پشت میله‌های زندان هوای نفس و صفات رذیله نجات دهد.

«انسان کامل محبوبترین کس نزد هر انسانی است»

انسان کامل حامل علوم انبیاء و میراث آنها برای جامعه بشری است که بدون او زندگی پوچ است.

انسان کامل با داشتن نور و قدرت نامرئی جاذبه محبت خود چنان دلها را بسوی خود مجذوب می‌کند که حتی انسانهای غیرمعتقد به دین نیز او را می‌خواهند و او را دوست می‌دارند زیرا هیچ انسانی نیست که علم و پاکی را دوست نداشته باشد ولو انسانی غیرمذهبی باشد.

بنابراین هر انسانی دوستدار علم و پاکی است و اگر کسی را که عالمترین انسان و پاکترین انسان است بیابد، او را از هر کس بیشتر دوست می‌دارد و خود را تسلیم خواست او می‌کند.

عیبی که در جهان امروز وجود دارد این است که آن عالمترین و پاکترین انسان را

رسول خدا ﷺ :

«حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان من، هم نام و هم کنیه من، و شبیه ترین کس به من از جهت اخلاق و خلقتش می باشد.»

نمی شناسد و اگر ما پیروان و شیعیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بتوانیم به درستی و صداقت، جهان را با آن حضرت آشنا کنیم زیربنای تمدن حقیقی انسانیت و خانه و شهر اصلی تمدن انسانی را بنا نهاده ایم و بشریت به شهر انسانیت یا زندگی به رهبری منجی آخرالزمان دست خواهد یافت.^(۱)

آری انسان کامل با جاذبه محبتی خود چنان یکایک انسانها را بمانند کره زمین که مجذوب خورشید است به حول محور خود جذب می کند و در مدار خود قرار می دهد که گویی انسان راه دیگری جز راه محبت به آن حضرت و نزدیک شدن به آن محبوب ماه پیکر را در پیش روی ندارد، آنانکه به محبت آن بزرگوار مبتلا شده اند اینرا خوب می فهمند و آنانکه مبتلا نشده اند به حکم عقل باید اینرا بفهمند چرا که گفتیم قلب انسان دوستدار پاکترین و عالمترین فرد است.

«خسارتهای ناشی از فقدان انسان کامل»

انسان کامل با رهبری خود مانع ضرر و خسارت مردم می شود همانطور که عقل هر فردی مانع ضرر و خسارت او در معاملات و تجارت و... می شود.
انسان کامل نمی گذارد مردم با هم درگیری و اختلاف داشته باشند.
انسان کامل نمی گذارد کسی به دیگری ظلم کند و جلوی ظالم را می گیرد.
انسان کامل نمی گذارد کسی گرسنه و فقیر بماند و ثروتهای بی کران الهی را بین همه مردم تقسیم کرده و همه در رفاه قرار می گیرند.

۱- این مطلب از همان نامه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه به شیخ مفید رحمته الله که در صفحات قبل به آن اشاره کردیم بدست می آید که آن حضرت می فرمایند: اگر به پیمان با ما عمل نمایند به سرعت و با عجله به دیدار و مشاهده ما نائل خواهند شد.

عن رسول الله ﷺ :

«المهدى طاووس اهل الجنة»^{۸۴}

انسان کامل جلوی انحرافات فکری و اخلاقی و اعتقادی را می‌گیرد و همه انسانها در صراط مستقیم و راه راست قرار می‌گیرند.

«انسان کامل عقل مجسم در میان بشر است»

انسان کامل وجودش در میان جامعه به منزله عقل در بدن است. عقل نگهدارنده انسان از خطا و لغزش و ضرر است.

فرق بین انسان کامل و عقل حقیقی یک چیز است عقل حجت خداوند از درون انسان است ولی انسان کامل نماینده خداوند از بیرون می‌باشد.^(۱) دلیل آنها روشن است زیرا عقل انسانرا از خطر و ضرر آگاه و او را نصیحت می‌کند و باز می‌دارد و به منافع و خوبیها راهنمایی می‌کند.

بنابراین انبیاء و جانشینان آنان و امروز تنها بازمانده جانشینان انبیاء حضرت مهدی صاحب الزمان ارواحنا فداه است که علوم همه انبیاء را به همراه دارد و جامعه بشری را از خطر و ضرر باز داشته و به سوی خوبیها و منفعت هدایت می‌نماید.

آیا می‌توانید تصور کنید که خدای نکرده یک روز از خواب برخیزیم و عقل نداشته باشیم و به اصطلاح دیوانه شده باشیم؟

در آن موقع دیگران متوجه بی‌عقلی ما می‌شوند و خودمان متوجه نمی‌شویم و شاید خودمان فکر کنیم خیلی هم عاقل هستیم اگر می‌گوئید نه، بروید از دیوانه‌ای بپرسید تو عقل داری؟ آیا تو دیوانه نیستی؟ ببینید چه پاسخی دریافت می‌کنید. امروز باید بنشینیم و بحال خود گریه کنیم.

۱- ان الله على الناس حجتين حجة ظاهرة وحجة باطنة... روایت هشام/بحار الأنوار/كتاب العقل/ج ۱ ص ۱۳۷.

رسول خدا ﷺ :
«حضرت مهدی ﷺ طاووس اهل بهشت است». (کامل ترین انسان و پر جلوه ترین شخصیت
در اظهار صفات الهی است).

زیرا، دشمنان چنان ضربه فکری و اخلاقی و اعتقادی به ما زده اند که عقل خود را از دست داده و آن را گم کرده ایم.

آری، عقل بیرونی، انسان کامل، آن عقال و بازدارنده حقیقی از جهل را از یازده قرن پیش، و پدران مظلومش را که از سوی پیامبر اکرم ﷺ به عنوان انسان کامل و حاملین علوم وحی معرفی شده بودند از بشریت گرفتند.

و لذا قرآن کریم می فرماید : ای رسول ما به مردم این حقیقت را بگو که اگر روزی سر از خواب برداشتید و دیدید آب گوارائی که به شما داده بودیم از دستتان رفته و فروکش کرده، پس چه کسی برایتان آب گوارا خواهد آورد؟^(۱)

معلوم است همانطور که خاندان عصمت علیهم السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده اند منظور از آب وجود مقدس امام زمان ﷺ است که علوم بیکرانش آب حیاتبخش زندگی انسانهاست.

مگر نمی بینیم که دشمنان انسانیت و آنانکه منبع صفات زشت و تکبر و غرورند به عکس آب، وجودشان مایه خشکی و قحطی و ویرانی و جنگ و بی خانمانی و تخریب محیط زیست است پس امام معصوم که وجودش سراسر علم و حقیقت و صفات الهی است همان آب حیاتبخش است.
همان عقل بیرونی و حجت الهی است.

۱- قل أرايتم ان اصبح ماؤکم غوراً فن ياتيکم بماء معين. سوره ملک آیه آخر

عن رسول الله ﷺ :

«المهدى من سادة اهل الجنة»^{۸۵}

«اعمال جنون آمیز»

آیا می‌دانید جامعه بشری با از دست دادن موقتی این عقل تبدیل به جامعه‌ای جنون‌آمیز شده است؟

آیا ارتکاب صدها میلیون گناه و مخالفت با خداوند مهربان نشانه عقل است یا جنون؟

مگر کشتن صدها هزار نفر با بمب اتمی دیوانگی نیست؟

مگر براه انداختن جنگ‌های اول و دوم جهانی و هزاران جنگ سخت و ویرانگر و برجای گذاشتن دهها میلیون کشته دیوانگی نیست؟

مگر وجود میلیون‌ها گرسنه آفریقایی و آسیایی و... بیانگر دیوانگی عده‌ای که موجب گرسنگی آنها شده‌اند نیست؟

مگر خشونت و قتل و دزدی و آدم ربائی دیوانگی نیست؟

مگر حسادت و کینه و صدها عمل غیرانسانی ضد اخلاقی دیوانگی نیست؟
و مگر امروزه جامعه بشری که به هزاران نابسامانی مادی و اخلاقی و سیاسی و... دست به گریبان است، دچار دیوانگی نشده است؟

چرا که اینها اعمال یک عاقل نیست.

ولی آیا خودمان عموماً می‌فهمیم چنین بلایی بر سرمان آمده؟

باید بگوئیم: نه بسیاری از افراد بشر از وقتی که عقل یعنی انسان کامل، یعنی ائمه اطهار علیهم‌السلام را از آنان گرفتند متوجه نشدند که عقل بیرونی و حجت خدا را از دست داده‌اند و فکر می‌کردند جامعه انسانی و درستی دارند.

امروز هم ما چنین فکر می‌کنیم و متوجه نشده‌ایم که عقل حقیقی (موقتاً) از دستمان

رسول خدا ﷺ :

«حضرت مهدی علیه السلام از سروران اهل بهشت است.»

رفته و رفتارمان رفتار انسانی و عاقلانه‌ای نیست.

پس واجب است هم واجب عقلی، هم واجب شرعی، هم واجب سیاسی و اجتماعی که همه انسانها بپا خیزند و به خسارتی که شیطان به آنها وارد کرده و آنها را از عقل و حجت خدا حضرت بقیة الله ارواحنا فداه جدا نموده، توجه و آنرا جبران نمایند. خسارتی که حتی متوجه نشده‌اند عقل را از دست داده‌اند و رفتارشان انسانی نیست.

آری باید عقلمان را بکار انداخته و از حجت پروردگار برای رهبری و نظم دادن به جهان آشفته دعوت کنیم نه آنکه مثل بعضی از قدرتهای موجود جهانی با آنکه می‌دانیم شایستگی نداریم و خداوند ما را نماینده خود قرار نداده و معصوم از خطا نمی‌باشیم و... مدعی رهبری جهان و نظم واحد جهانی شویم.

«بزرگترین بلاء و مصیبت»

اکنون با توجه به این حقیقت عمیق درمی‌یابیم همانطور که وقتی عقل در بدن نیست شخص دیوانه دائماً به خود ضرر می‌زند، جامعه بشری نیز که دارای رهبر معصوم از جانب خداوند یا عقل و حجت بیرونی نیست و او را کنار گذاشته دائماً به خود ضرر می‌زند و به سوی نابودی جلو می‌رود و گرفتار بزرگترین بلا یعنی بی‌عقلی شده است.

ممکن است بگوئید وقتی همه مردم در رفاه باشند چه بلا و مصیبتی وجود دارد؟ پاسخ می‌دهیم: مصیبت اصلی همین جا است زیرا انسان امروز بدان جهت سرگشته است که هدف از خلقت خویش را گم کرده و بدنبال این هدف سرگردان است.

عن الامام الصادق عليه السلام :

«اذا قام قائم آل محمد عليه السلام حكم بحكم داوود و سليمان لا يسأل بيته»^{۸۶}

مگر انسان پیشرفته و در رفاه کامل مادی دنیای غرب نیست که در اثر نیافتن این هدف یعنی هدف از خلقت جهان آفرینش و خلقت خود و اینکه بالاخره در دنیا چه کاره است و آیا برای همین خوردن و خوابیدن و شهوترانی خلق شده است، وجدانش او را عذاب می‌دهد و به او می‌گوید آیا برای همین‌ها خود را اسیر کرده‌ای و خود را برای این لذائد موقتی در زندانی از پول و ثروت و وسائل پیشرفته قرار داده و از آن خود را خارج نمی‌کنی که ببینی واقعاً برای چه چیز آفریده شده‌ای؟ اگر هدف از خلقت انسان فقط رفاه کامل مادی بود که تمامی حیوانات در زندگی حیوانی خود از ما مرفه‌ترند.

قبول ندارید؟ حیوانات از لحاظ شهوت، از لحاظ نیروی جسمی، از لحاظ عدم آلودگی به امراض مختلف ناشی از گناهان جنسی و غیرجنسی و از هر لحاظ دیگری مشکلات همان جوامع مرفه و غرق در نعمت را ندارند.

سرطان، سکته و دهها مرض دیگر که ثروتمندان هم از آن بهره‌مندند در حیوانات وجود ندارد (مگر حیواناتی که در اثر معاشرت با ما انسانها گرفتار امراض ما شده باشند که گاهی چنین است) و الاً چون حیوانات را خداوند مهربان و دانا هدایت می‌کند و آنها نمی‌توانند چیزهایی که برایشان ضرر دارد مصرف کنند ناراحتی در زندگی حیوانی خود ندارند، بیمارستان ندارند، دندانپزشک ندارند، کلانتری و ارتش و توپ و تانک و اسلحه کمری و غیره ندارند و در آرامش کامل زندگی می‌کنند.

پس انسانهایی که رفاه کامل مادی و پیشرفت ظاهری را زندگی خوب می‌دانند، درست فکر نمی‌کنند، و چنین فکری شایسته یک انسان به عنوان اشرف مخلوقات نیست.

مصیبت اصلی آن است که انسان همه چیز را برای این بدن بخواند و طبق مثالی که

امام صادق علیه السلام :

«هنگامیکه قائم آل محمد علیه السلام قیام فرماید نیازی به سؤال و تفحص ندارد بلکه مانند حضرت داوود و سلیمان به علم داده شده از سوی خداوند حکم می فرماید».

زدم مثل راننده‌ای می شود که هرچه ثروت و درآمد دارد صرف ماشین نموده و خود را از غذا محروم نماید غذایی که تنها و تنها در دست پیامبران الهی و جانشینان آنان است.

مصیبت اصلی که ریشه فقر و گرسنگی و جنگ و فساد و... است همین سرگردانی و بی‌ایمانی انسانهاست و این مطلب مورد تصدیق کارشناسان مسائل اجتماعی و تخلفات بزهکاران می باشد.

انسان وقتی هدف ندارد و نمی داند برای چه چیز خلق شده کارهایش هم بی هدف و سرگشته است و ناگاه بلا و مصیبت‌های ظاهری مثل جنگ و غیره را بوجود می آورد. و اگر خدای نکرده هدفش رسیدن به شهوات جنسی و شهوات خوردنی و شهوات ریاست و قدرت و ثروت باشد که این یعنی انفجار، انفجاری خطرناکتر از هزاران بمب اتم زیرا بمب اتم شهر یا کشوری را نابود می کند و روح کشته شدگان چه بسا در اثر مظلوم واقع شدن مورد لطف الهی قرار گرفته به بهشت برود ولی انسانی که در رفاه کامل مادی بوده و هدفش رسیدن به شهوات مختلف و خواسته‌های دل باشد دیگر انسان نیست حیوان هم نیست او فقط شعله‌ای از جهنم سوزان است که در دنیا افتاده است و دیگران را با ایجاد اختلاف، خدعه، ظلم و کشتار و شکنجه و ایجاد محرومیت و استثمار می سوزاند و خود را از نام انسان محروم می نماید.

آری انسان‌نماهای غرق در رفاه مادی که هدفشان تنها رسیدن به لذت بیشتر است نه فقط دیگران را می سوزانند بلکه خود نیز می سوزند ولی نمی فهمند.

تازه اگر فرض کنیم انسان در رفاه مادی باشد (البته رفاه مادی خوب است و در زمان ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه رفاه مادی به تمامی افراد بشر داده می شود) ولی نداند که باید برای رسیدن به مقام انسانیت در کلاس انبیاء درس بخواند حیوانی در لباس

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :

«یاکمیل ما من علم الا و انا افتحه و ما من سر الا و القائم علیه السلام یختمه»^{۸۷}

انسان بیش نیست بلکه حیوانات خواهند گفت ما از او بالاتریم زیرا عقل و شعور او را نداشتیم و حیوان بودیم ولی او عقل و شعور و وسیله پرواز به سوی کمال را داشت و مثل ما تنها به خوردن و خوابیدن و شهوترانی مشغول بود، کدامیک برتریم؟ لذا در زمان ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء (که از خداوند می خواهیم هرچه زودتر آنرا عنایت فرماید) رفاه مادی مقدمه رفاه معنوی است.

ولی متأسفانه اکثر صاحبان ثروت و قدرت و ریاست و سیاست در جهان به عکس این فکر می کنند، آنان رفاه مادی را برای رفاه مادی بیشتر می خواهند یعنی پولدار شوند که به لذتهای بیشتری برسند و سپس قدرت یابند که به ثروت و شهوت بیشتری دست یابند و سپس قدرت یابند که ریاست بر جهان یا کشور یا شهری داشته باشند و لذا می بینیم که دنیا پر از آشوب است زیرا عده ای اندک می خواهند با زیرسلطه قرار دادن مردم جهان رفاه بیشتر حیوانی برای خود ایجاد نموده و نفس پرطمع خود را سیر کنند که هیچگاه هم سیر نمی شوند. همچنانکه از امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام روایت شده است که فرمود :

«منهومان لا یشبعان طالب علم و طالب دنیا»

یعنی : دو گرسنه اند که هرگز سیر نمی شوند یکی کسی که در جستجوی علم و طالب آن است و دیگری کسیکه در جستجوی دنیا و طالب آن است.^(۱)

اینجاست که خداوند مهربان از همان چهارده قرن قبل برای همه نسلهای بشری (از چهارده قرن پیش تا بحال و از این به بعد) لوحی زیبا، نورانی، کوتاه و ره گشا و خوانا و

۱- بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۸۳ ح ۸۳

امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل فرمود :
«ای کمیل هیچ علمی نیست مگر آنکه من گشاینده آن هستم و هیچ رازی نیست مگر آنکه حضرت قائم علیه السلام پرده بردارنده از آن می باشد».

غیرمبهم نصب فرموده است که :

والعصر * ان الانسان لفي خسر * الاالذین آمنوا و
عملوا الصالحات * و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر *
قسم به عصر ظهور و رهبری انسان کامل کسه
جامعه بشری بدون پذیرفتن رهبری او جز زیان
چیزی بدست نمی آورد مگر آنکه او را بشناسد
و راهنمائیهایش را از جان و دل پذیرفته و به آن
عمل نماید و دیگران را به این مهم توصیه و برای
رسیدن به آن، به تلاش و صبر سفارش نماید.

نام این لوح زیبا، سوره العصر است.

اگر ما انسانها در این بیابان تاریک زندگی پوچ مادی که مانند گردوئی بدون مغز هرچه آنرا می شکافیم جز یک تکرار و پوچی خسته کننده چیزی در آن نمی یابیم به این لوح توجه نموده و حقیقت آنرا دریابیم، راه رهایی از این کویر خشک را می یابیم. آیا تابحال در بیابانی گم شده اید یا داستان گم شده ای در بیابان را خوانده اید؟ انسان در بیابانی کویری که عاقبتش به مرگ می انجامد به چه چیزی نیاز مبرم و حیاتی دارد؟

عن رسول الله ﷺ :

«المهدى رجل من ولدى وجهه كالكوكب الدرى»^{۸۸}

آیا به لباس زیبا، موی شانه کرده، عطر خوش بوی گران قیمت یا بازی و سرگرمی و... بیشتر نیاز دارد یا به یک راهنما و یک نجات دهنده که به سرعت از راه برسد و او را از خطر مرگ برهاند و تابلوئی که او را به جاده و شاهراه هدایت نماید؟ آن تابلو همین سوره زیبا و کوتاه و پرمغز است که بر درد اصلی و ریشه همه ناراحتیها و سرگشتگیها دست گذاشته و به انسان می گوید دلیل همه ناراحتیهای تو و همه انسانها تنها و تنها نداشتن راهنما است.

آری قسم به "عصر"، عصر ظهور امام زمان علیه السلام^(۱)، عصر طلایی زندگی، عصر تولد بشریت، عصر رهائی او از زندان شیطان و هواهای نفسانی. قسم به روز ظهور حجة بن الحسن علیه السلام که انسانها در زیان بسر می برند. زیرا اگر آنروز را ما ببینیم، زندگی کنونی خود را جز زیان چیزی نخواهیم یافت. جامعه آنروز یعنی جامعه ای سرشار از اخلاق و انسانیت. جامعه دوری از صفات رذیله و ظلم و تعدی. جامعه دوری از فقر و محرومیت و گرسنگی و مریضی و اسارت و گرفتاری مالی و اخلاقی.

زندگی آنروز یعنی زندگی عاقلانه و به دور از رفتار غیرانسانی. و زندگی امروز یعنی زندگی در جنگلی از اعمال غیرانسانی فردی و عمومی. زندگی آنروز یعنی آسایش مادی برای همه افراد بشر. و زندگی امروز یعنی آسایش مادی برای اقلیت مردم جهان و محرومیت اکثریت مردم دنیا.

۱- تفسیر البرهان ج ۴ ص ۵۰۴ تفسیر سوره والعصر

رسول خدا ﷺ :
«حضرت مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است، صورتش چون ستاره‌ای درخشان
(از زیبایی و معنویت) می‌درخشد.»

زندگی آن روز یعنی اتصال فکر بشر به دریای علوم انبیاء و علوم الهی توسط انسان کامل حضرت بقیة الله ارواحنا فدا.

و زندگی امروز یعنی سرگشتگی افکار بشر در بیابانهای جهل و خیالات خود و نیافتن قطره‌ای از آب حیاتبخش آن دریا.

آیا اگر آن زندگی را ببینیم، خود را اکنون در زیان نمی‌دانیم؟

«والعصر ان الانسان لفي خسر»

به عصر شکوفائی عقل بشر قسم که اکنون انسانها در زیانند زیرا عقل آنها، عقل بیرونی و حجت پروردگار را از آنان گرفته‌اند و شیاطین رهبری خود را بر جهانیان تحمیل نموده و آنها را به کارهای غیرانسانی و غیرعاقلانه وادار می‌کنند.

«مگر آنکه»

خداوند مهربان در ادامه می‌فرماید :

* الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر *

مگر کسانی که سخن پیامبر اکرم ﷺ خصوصاً در باره عصر ظهور و شناخت منجی عالم بشریت و انسان کامل را پذیرفته و به آن ایمان آورده‌اند و به عقل خود مراجعه کرده و لزوم وجود حجت خدا در جامعه بشری را تصدیق نموده و با اعتقادی راسخ آنرا پذیرفته‌اند.

«انتظار خداوند»

اگر دنیا به حکم ضروری عقل توجه کند، امام زمان ارواحنا فدا را خواهد شناخت.
می‌دانید چرا؟

عن الباقر عليه السلام :

«لو ان الامام رفع من الارض ساعة لساخت باهله كما يموج البحر بأهله»^{۸۹}.

زیرا وقتی خداوند یک انسان را می آفریند آیا به او عقل داده است یا نه؟
خواهید گفت: بلی خداوند به هر انسانی عقل داده و تمامی شش میلیارد نفر انسان
(جز چند نفر انگشت شمار که به مرضی خاص مبتلا شده اند و دیوانه خوانده
می شوند) دارای عقل می باشند.

می پرسیم: آیا اگر عقل به هیچکس نمی داد و از آنان انتظار شعور و کارهای انسانی
یک عاقل را داشت آیا انتظار درستی بود؟

خواهید گفت: نه خداوند حکیم و دانا چنین انتظاری از موجودی که عقل ندارد
نخواهد داشت مانند حیوانات که عقل ندارند و خداوند هم انتظاری از آنان ندارد.
بنابراین اگر خداوند از ما انسانها خواسته است کارهای عاقلانه کنیم لابد به ما عقل
که سبب انجام کارهای عاقلانه می شود را داده تا کار عاقلانه انجام دهیم.

لذا باید بگوئیم خداوند به یک فرد و یک کودک که از مادر متولد می شود عقل
می دهد تا در آینده کارهایش را طبق راهنمایی عقل انجام دهد و خطا نکند و راه
بهشت را بیابد پس چگونه ممکن است برای جامعه بین المللی رهبر و انسانی کامل
که به منزله عقل در بدن یک انسان باشد قرار ندهد تا همه اختلاف نظرها را کنار
گذاشته و به سخن او تن دهند؟

اضافه بر این: اگر بگوئیم خداوند به جامعه بشری رهبری معصوم عنایت فرموده و
در عین حال از آنها خواسته خود را اصلاح کنند و کارهای عاقلانه انجام دهند و
همزیستی مسالمت آمیز، عدالت، پاکیزگی اخلاقی و محبت به هم نوع و... داشته
باشند آیا این درست است؟

آیا این به زیر سؤال بردن عظمت و قدرت و حکیم بودن پروردگار نیست؟
آیا نظم دادن به کهکشانهای عظیم چندین میلیارد سال نوری سخت تر از نظم دادن

امام باقر علیه السلام :
«اگر ساعتی امام علیه السلام در زمین نباشد زمین اهلش را فرو برد همانگونه که امواج دریا انسان را در کام خود فرو می برد».

به جامعه انسانهاست؟^(۱)

می خواهیم بگویم آیا خداوند رهبری زنده و انسانی کامل که تحقق بخش دعوت پیامبران و اجراکننده دستورات الهی در کره زمین باشد در میان ما قرار نداده است؟ اگر بگوئیم قرار نداده است که نتیجه همان می شود که خداوند به بشر در عقل هدایتگر، خورشید روشنائی بخش و امام و پیشوای معصومی که مانند عقل در بدن، نگهدارنده جامعه بشری باشد و آنرا چون خلبانی توانا به سرمنزل مقصود برساند نداده است.

بنابراین می بینید که عقل شما و عقل همه ما می گوید او زنده است، او حاضر است، او در میان ماست.

«کسانیکه او را دیده اند»

اگر شما خوانندگان محترم با چشم عقل خود به وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف معتقد شدید، ولی بسیاری از شیعیان علاوه بر چشم عقل با چشم سر آن حضرت را دیده و به خدمتش مشرف شده اند.

صدها نفر به این فیض عظمی رسیده اند.

از چهره منورش خوشه ها چیده و از علوم بی پایانش بهره ها برده اند.

او به قدری خود را به ما نمایانده است که کسی نمی تواند بگوید امام زمانی در کار نیست.

۱- لَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَكْبَرَ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. سوره فاطر آیه ۵۷.

یعنی: یقیناً خلقت آسمانها و زمین بسیار مهمتر از خلقت مردم است ولیکن اکثر مردم به این حقیقت آگاه نیستند.

دعاء الندبة:

«این الانجم الزاهرة این اعلام الدین و قواعد العلم»^{۹۰}

او در میان ما است.

او با ما است.

هزاران نفر او را صدا زده و به او استغاثه نموده و پاسخ گرفته‌اند.

او نماینده خدا در زمین است.

آیا می‌شود زمین خدا بدون نماینده او باشد و انسانها بحال خود رها شده و

بی‌راهنما باشند؟

تشرفات به محضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداه به قدری زیاد است که سخن هر

تکذیب‌کننده‌ای را باطل می‌نماید.

ما در بخش «او در بین ما است» به تفصیل در این باره سخن خواهیم گفت.

«راه خروج از این خسارت»

خداوند متعال در این سوره کوچک یا همان تابلوی نصب شده در بیابان سرگردانی عصر غیبت راه حلّ خروج از خسارت عظیم محرومیت از عقل (هدایت‌های انسان کامل) را برایمان چنین ترسیم نموده است:

- ۱- به آن حضرت ایمان بیاوریم و حضور او را باور کنیم و اعمالمان را براساس حضور و سرپرستی او بر خود شکل دهیم. (الَّذِينَ آمَنُوا)
- ۲- اعمالمان را شایسته کنیم و بدانیم جز با عمل شایسته زمینه ظهور آن حضرت فراهم نمی‌شود. (منتظران مصلح خود باید صالح باشند) (و عملوا الصالحات)
- ۳- این حرکت را نه فردی بلکه اجتماعی انجام دهیم و یکدیگر را به سوی امام زمان عجله الله و صبر و پایداری در راه رسیدن به او دعوت کنیم. (وتواصوا بالحق و تواصوا بالصبر)

دعای ندبه :

«چه شده که ستارگان درخشان آسمان زندگی و آن پرچمهای هدایت دین و آن ستونهای علم حقیقی از جامعه بشری رخت بسته و آخرین آنان امروز در خفاء زندگی می‌کند؟»

«بهره خصوصی»

جمله «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» اشاره به مطلب مهمی دارد و آن اینکه آیا ممکن است در زمان غیبت امام زمان علیه السلام در صورتیکه جامعه حرکتی بسوی آن حضرت نداشت (که خدا این بلا را از سر جامعه ما و دیگر جوامع بر طرف نماید) یک فرد بطور شخصی و انفرادی از امتیازات معنوی که به مردم زمان ظهور داده می‌شود (دقت کنید از امتیازات معنوی و کمالات روحی) بهره‌مند شود؟

اگر جامعه امام زمان علیه السلام را نخواست آیا فرد هم باید محروم شود؟

پاسخ آن است که نه چنین نیست راه رسیدن به امتیازات روحی و معنوی زمان ظهور برای همه باز است و بخاطر اجتماع فرد محروم نمی‌شود. و خلاصه پاسخ به این پرسش همین آیه شریفه از سوره العصر است که با "الذین آمنوا..." چنین افرادی را استثناء نموده و راه را برای آنان باز می‌داند.

بنابراین کسانی که در عصر خسران و زیان شدید و فساد (مانند زمان حاضر) بسر می‌برند می‌توانند مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که کافران او را با منجنیق در میان شعله‌های عظیم آتش انداختند و آتش بر او سرد شد، باشند و خود را با ایمان به وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و عمل صالح در میان آتش عظیم فساد

دعاء الندبة : «این بقیة الله التي لا تخلوا من العترة الهادية»^{۱۱}
«کجاست آن انسان کامل و باقیمانده الهی از خاندان هدایت که هرگز زمین از وجود او
خالی نیست؟»

ماهواره‌ها و شبکه‌های وسیع ارتباطی که دائماً آتش سوزان شهوات جنسی و غیره را
شعله‌ور می‌نمایند، سالم و با ایمان نگه دارند و انسان کاملی در حدّ خود شوند.
امید است که همه افراد بسوی آن حضرت حرکت کنند و خود را به نور آن حضرت
برسانند.

” به امید آنروز ”

لازم به تذکر است که ما در کتاب ” راهی بسوی نور ” بطور
مشروح این سؤال را پاسخ داده و در بخشهای دیگر این کتاب نیز
مطالبی را در این باره مطرح نموده‌ایم.

قسمت هشتم :

وعده‌تیمی

«و من امیدوارم که انشاءالله برسد روزی که آن وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند... این مطلب وعده خدا است و تخلف ندارد... ممکن است در یک برهه کمی وسایل فراهم بشود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان».

صحیفه نوری ۱۹ ص ۱۵۴

عن رسول الله ﷺ :

«لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لبعث الله فيه رجلاً اسمه اسمي و خلقه خلقي»^{۱۲}

حضرت امام قزوینی در باره حتمی بودن وعده الهی در باره ظهور امام زمان ارواحنفاده می فرمایند :

- " و من امیدوارم که انشاءالله برسد روزی که آن وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. این مطلب وعده خداست و تخلف ندارد، منتها آیا ما درک کنیم یا نکنیم، آن به دست خداست ممکن است در یک برهه کمی وسایل فراهم بشود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. (۱)

«وعده مسلم»

وعده ظهور حضرت بقیةالله ارواحنفاده یا «منجی آخر الزمان» وعده ای است مسلم که همه ادیان الهی آنرا پذیرفته اند چرا که خداوند در فطرت هر انسانی این مطلب را قرار داده که کره زمین از آن خداست و خداوند آنرا در اختیار بندگان شایسته و صالح خود

۱- صحیفه نوری ۱۹ - ص ۱۵۴ - تاریخ ۶۴/۲/۱۶ (سخنرانی به مناسبت نیمه شعبان)

رسول خدا ﷺ :
«اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد خداوند در همان روز (منظور یک روز واقعی نیست بلکه حتمیت این وعده مورد نظر است) مردی هم نام و هم اخلاق من را برخواهد انگیزخت تا جهان را پر از عدل و داد فرماید.»

قرار می دهد.

اثبات حتمی بودن این وعده الهی مسیر زندگی مردم را تغییر خواهد داد زیرا بسیاری از ناامیدی ها و افسردگی های جامعه بشری و احساس پوچی و بیهودگی در میان بسیاری از مردم جهان ناشی از مطرح نشدن مسأله ظهور منجی عالم بشریت و پایان ظلم و ستم و پوچی بوسیله آن حضرت است.

در جائیکه رسانه های جهانی با پخش یک خبر ناامید کننده از یک دانشمند که مثلاً احتمال می دهد فلان سنگ عظیم آسمانی یا ستاره ای دنباله دار با زمین برخورد نماید، سرمای یأس و ناامیدی را در اذهان جهانیان ایجاد می نمایند و یا بالعکس با نظر دانشمندی دیگر که خبری امیدوار کننده از آینده را به صورت "احتمالی" مطرح می کند مردم جهان خوشحال و امیدوار می شوند، آیا گفتگو از امیدوار کننده ترین حادثه ای که هر روز ممکن است انجام شود یعنی ظهور منجی آخرالزمان و نجات جامعه بشری و تحقق همه آرزوهای بشر، موجی از توجه وی در میان آنان ایجاد نمی کند و عنایات پروردگار را بسویشان سرازیر نمی نماید و زمینه ظهور حضرتش را کامل نمی نماید؟

اعتقاد به حتمی بودن ظهور آن حضرت نشانه ایمان مااست و تردید در این امر نشانه تاریکی روح و بی اعتقادی مااست.

زیرا اگر به حکیم بودن خداوند اعتقاد داشته باشیم باید معتقد به ظهور منجی آخرالزمان یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم والا خدا را غیر حکیم و غیر عادل تصور کرده ایم و معتقد شده ایم که او جهانی را خلق، و به حال خود رها نموده است که چنین مطلبی را اتمهای موجود در تمامی اشیاء عالم تکذیب کرده و هریک با صدای بلند فریاد می زنند خداوند حکیم است و عالم را بیهوده خلق

عن الصادق عليه السلام :

«لكلّ اناس دولة يرقبونها و دولتنا في آخر الزمان تظهر»^{۱۲}

نفرموده، خدائی که ساختمان یک اتم را چون یک منظومه شمسی دقیق و منظم آفریده چگونه ممکن است عالم انسانها که اشرف مخلوقاتند و همه منظومه شمسی بخاطر آنان آفریده شده را بدون یک رهبر معصوم و نجات دهنده که آنانرا از شرّ شیطان و جهل برهاند و به زندگی سعادت‌مندانه برساند، قرار دهد چنین چیزی محال است. و چنانکه انبیاء الهی خصوصاً خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله اعلام فرموده‌اند: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بزودی می آید و جهان را پراز عدل و داده می نماید.

«ریشه یابی»

اگر بخواهیم حتمی بودن ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را قدری ریشه یابی کنیم باید دو مطلب را بررسی کنیم که ارتباط مستقیمی با ظهور آن حضرت دارند به طوری که اگر هر یک از این دو امر تحقق یابد ظهور آن حضرت انجام می شود.

اول: اگر جامعه بشری رشد فکری از خود نشان دهد و از خداوند تقاضای ظهور امام عصر ارواحنا فداه را همانطور که برای رفع تشنگی خود لیوان آبی را جستجو می کند، بنماید این وعده حتمی انجام خواهد شد.

دوم: چنانچه مردم از خود رشد فکری نشان نداده و مسأله ظهور منجی در میان آنان به فراموشی سپرده شده (مانند زمان حاضر) و جز فساد چیزی در آن یافت نشود و خلقت الهی زیر سؤال رود چون خداوند جهان را بیهوده نیافریده دیگر منتظر مردم نمی نشیند و به ناگهان دستور ظهور منجی را صادر و آن حضرت وارد عمل شده و جهان را به کمک نیروهای ملائکه و مؤمنین با استقامت و پرمحبت به آن حضرت،

امام صادق علیه السلام :

«هر جمعیتی دولتی دارند که انتظارش را می‌کشند و دولت ما اهل بیت در آخرالزمان آشکار می‌گردد». (پس از آنکه همه جمعیتها بفهمند جز ما اهل بیت وحی هیچکس قادر به اصلاح جهان نیست).

نجات می‌دهد همانگونه که یک مأمور آتش‌نشان وقتی ببیند افرادی که در محاصره آتش قرار گرفته‌اند او را صدا نمی‌زنند و نزدیک است شعله‌های آتش همه آنان را خاکستر نماید، بناگاه خود وارد عمل شده و ایشان را نجات می‌دهد.

توضیح آنکه :

خداوند متعال به جهت آنکه انسان را، انسان آفریده و به او شعور و اختیار داده و بوسیله پیامبران راه راست را برای آنان روشن نموده، از انسانها انتظار دارد با پذیرش سخن انبیاء رشد فکری خود را نشان دهند و نشان دهند که با اختیار خود حق را پذیرفته و کسی آنانرا مجبور ننموده است بنابراین در برهه‌ای از زمان خداوند انسانها را پس از کامل شدن دعوت انبیاء آزاد گذاشته تا با تشخیص خود حق را بپذیرند و این پذیرش موجب تحقق وعدۀ پروردگار و استقرار حکومت عدل در سراسر جهان می‌شود.

اگر مردم چند هزار سال قبل حق را می‌پذیرفتند و حکومت عدل در جهان مستقر می‌شد مانند این بود که بر سر کلاس اول دبستان وحی و توحید نشست‌اند و همه درس می‌خوانند و با ادامه یافتن حکومت عدل توسط انبیاء بعدی به کلاسهای بالاتر یعنی دوم و سوم راه می‌یافتند و در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کلاس پنجم این مدرسه می‌رسیدند و پس از آن حضرت کلاسهای بعدی را تا رسیدن به دانشگاه بزرگ انسانیت یعنی زندگی زمان ظهور امام زمان علیه السلام ادامه می‌دادند و این دانشگاه از همان دوازده قرن قبل کار خود را با ظرفیت پذیرش ده‌ه‌میلیون انسان از جمعیت دوازده قرن قبل کره زمین آغاز می‌کرد، ولی حال که چنین نشد و مردم حق را نپذیرفتند و پیوسته معلمین خود یعنی انبیاء و جانشینان آنانرا طرد نموده و به شهادت رساندند، این مدرسه اصلاً کار خود را آغاز نکرده و هنوز هم که انسانها در عصر تمدن و

عن الرضا عليه السلام عن آبائه عن رسول الله صلى الله عليه وآله :
 «لا تذهب الدنيا حتى يقوم رجل من ولد الحسين عليه السلام يملأها عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».

پیشرفت مادی زندگی می‌کنند این مدرسه گشایش نیافته است و با ظهور حضرت بقیة الله ارواحانفداه گشایش خواهد یافت و انسانها تازه بر سر کلاس اول این دبستان (که می‌بایست زمان حضرت آدم در آن بنشینند) خواهند نشست. و اگر چنین نشود یعنی مردم رشد فکری از خود نشان نداده و نزدیک باشد که کره زمین را صد درصد فاسد نمایند در چنین وضعیتی خداوند بطور ناگهانی اقدام نموده و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود.

«انسان و جنّ برای فساد و شیطنت خلق نشده‌اند»

این وعده مسلم خداوند است که زمین برای بندگان شایسته خدا است و در لحظه مقرر بدون دقیقه‌ای تأخیر این کار انجام می‌شود و آنانکه نفهمیده‌اند خلقت انسان برای چیست و فکر می‌کنند قتل و خونریزی و فساد و شیطنت جزو برنامه زندگی انسانهاست، خواهند فهمید که چنین نیست. انسانهاست، خواهند فهمید که چنین نیست که خداوند شیطنت را دوست داشته باشد و حتی به قول بعضی (که اشتباه فکر می‌کنند) شیطان باید باشد والا انسان به کمال نمی‌رسد نه هرگز، هرگز شیطان وسیله رسیدن انسان به کمال نیست بلکه ضد آن است و مانع بزرگی بر سر راه انسانهاست و تاکنون میلیونها میلیون انسان را جهنمی و اکثر مردم دنیا را از راه حق منحرف نموده است و اگر شیطان نباشد راه رسیدن به مقام انسانیت برای مردم هموارتر خواهد شد زیرا خداوند همان شیطان و پیروانش و حتی ابلیس بزرگ را هم برای بهشت و مقام بندگی خلق فرموده زیرا صریحاً می‌فرماید :

” من جنّ و انس را جز برای آنکه به مقام معرفت و اطاعت از حق و به کمال

امام رضا علیه السلام از پدران گرامش از رسول خدا صلی الله علیه و آله :
«بطور حتم و یقین مردی از فرزندان حسین علیه السلام قیام خواهد فرمود تا دنیا را پر از عدالت
فرماید چنانکه پیش از آن پر از ظلم شده است».

برسند، خلق نکردم" (۱).

و شیطان نیز از جنّ است و خلق شده است تا مثل انسان به مقام بندگی برسد زیرا
خداوند متعال در سوره کهف فرموده است :

" آنگاه که به ملائکه دستور سجده به آدم را دادیم همه ملائکه سجده کردند به جز
ابلیس که (البته او از ملائکه نبود زیرا ملائکه نافرمان نیستند بلکه) او از گروه جن
بود که (جنّ مانند انسان اختیار داشته و می تواند هم اطاعت کند و هم نافرمانی و
لذا ابلیس بهمین دلیل) از فرمان الهی سرپیچی نمود (و ملائکه فهمیدند که او
باطنی پلید دارد و از ملائکه نیست و تنها خود را در صفوف ملائکه جا زده است)
پس ای بنی آدم شما چگونه او و فرزندانش (شیاطین) را دوست صمیمی خود قرار
می دهید و مرا رها می کنید با آنکه (من دشمن شما نیستم و) آنها دشمن شما هستند
(این جای بسی تعجب است و شما به خود ظلم می کنید) و کسی که شیطان را
بجای خدا دوست خود بگیرد از ظالمین بوده و این تبدیل ناشایسته و بسیار بدی
است" (۲).

(توضیحات داخل پرانتز خلاصه ای از روایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام
است).

۱- و ما خلقت الجن و الأنس إلا ليعبدون. سوره ذاریات آیه ۵۶.

۲- سوره کهف آیه ۵۰ - " و اذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم فسجدوا إلا ابلیس کان من الجنّ ففسق عن امر ربّه افتخذونه و
ذریته اولیاء من دونی و هم لکم عدو بئس للظالمین بدلاً "

عن الباقر عليه السلام :
 «من المحتوم الذي لا تبديل له عند الله قيام قائمنا فن شكّ فيما أقول لقي الله و هو
 به كافر و له جاهل»^{۹۵}

آری تنها فرقی که بین شیطان و جنّ وجود دارد همان فرقی است که بین انسان خوب و انسان بد وجود دارد.

توضیح آنکه جن مانند انسان دارای اختیار و معرفت است و قدرت انعکاس مسائل علمی و رسیدن به کمال را دارد (فقط بدن او از آتش نامرئی و بدن ما از خاک آفریده شده است).

لذا جنّ نیز مانند انسان ممکن است از آزادی خود سوء استفاده کرده و به دنبال خواسته‌های دل خود برود که در اینصورت نامش شیطان می‌شود مانند آنکه انسانهای بد و شرور را خبیث، پلید، جنایتکار و ... نام می‌نهیم.

این نکته را برای آن گفتیم که بعضی فکر نکنند خداوند می‌خواست از اوّل موجودی شرور بنام شیطان بیافریند، نه هرگز چنین نیست بلکه خداوند می‌خواست جنّ و انس هر دو مانند دو نوع از موجودات و جانداران هر یک در مسیر تکاملی خود به پیش رفته و به مقام سعادت برسند.

منتهی از میان جنّ و انس، عده‌ای راه بد، راه بی‌توجهی به خداوند و راه متابعت از خواسته‌های دل را پیش گرفته و برای رسیدن به آنچه دل‌هایشان از روی جهل از آنها تقاضا می‌کرد تلاش کرده و سرمایه و نیروهای عظیمی را که خداوند به آنها داده بود تا به مقام خلیفة‌اللهی و جانشینی خدا بر زمین برسند صرف مخالفت با خدا و انبیاء و راه حق و در حقیقت صرف مخالفت و ضدیت با خود نموده و آتش جهنّم و پلیدی و رجس را برای خود خریداری نمودند.

«دانشجویانی که شهریه هنگفت گرفتند...»

جنّ و انس مانند دانشجویانی بودند که دولت الهی به همه آنان مبالغ هنگفتی پول و

امام باقر علیه السلام :
«از امور حتمیه‌ای که نزد خداوند تغییری در آن راه نداشته و وعدۀ حتمی الهی است قیام قائم ما می‌باشد. کسی که در این مطلب شک داشته و با اینحالت از دنیا برود شخصی کافر و منکر خدا از دنیا رفته است.»

امکانات عظیم رفاهی و تحصیلی داده بود تا در دانشگاه درس بخوانند و فارغ‌التحصیل شده و تا ابد زندگی راحتی داشته باشند.

ولی عده‌ای از میان جنّ که پیشگام آنان ابلیس بزرگ بود و عده‌ای از انسانها که از ابلیس بزرگ و پیروانش راه انحراف را آموختند بجای استفاده از این مبلغ هنگفت تمامی آنها برای مخالفت و ضدیت با این دانشگاه بزرگ انسان سازی و شکستن شیشه‌ها و تخریب ساختمانهای مجهز آن (فسادی که انسان و شیطان در اجتماع و طبیعت ایجاد می‌کنند) مصرف نمودند و نیز این پول را صرف دشمنی و ضدیت با مدیریت دانشگاه و اساتید آن (که انبیاء و خاندان عصمت و طهارتند) و کشتن آنان و جذب انسانها و جنّ بسوی اهداف خود و انحراف از راه حق نمودند.

تا جائیکه بعضی از افراد بشر فکر می‌کنند جز رسیدن به شهوت جنسی بیشتر و متنوع‌تر و ریاست بر مردم و کشورهای جهان و جذب پول و سرمایه از تمام جهان به سوی خود و ترویج فساد اخلاقی و مالی و... کار دیگری ندارند.

آنان درس و دانشگاه و معلمین و اهداف آنها به تمسخر گرفته و سخنان نامربوط دربارهٔ آنان در رسانه‌های وسیع جهانی پخش نموده و حتی می‌گویند این مبالغ عظیم که در اختیار ماست برای آن است که آزادانه بگردیم و هرطور خواستیم زندگی کنیم و درس و دانشگاه و این حرفها قدیمی شده... .

شما را به خدا قسم آیا اینها گریه ندارد؟

آیا نباید دانشجویان یعنی انسانها برای چنین وضعی که چند نفر از جنّ و انس (شیطان و پیروانش) بر همهٔ مردم دنیا تحمیل نموده (که البته مردم هم مقصرند که انبیاء و جانشینان آنها را تنها گذاشته‌اند) بنشینند و بر محرومیت خود اشک بریزند؟ آری، از روزی که سنگ اول در مخالفت با پروردگار را ابلیس ملعون به سوی خداوند

عن الباقر عليه السلام :

«... فقال عزّ و جلّ : بذلك القائم انتقم منهم»^{۱۶}.

پرتاب کرد همه فهمیدند که می شود بر طبق صفات زشت غیر انسانی مانند تکبر و حسد و غیره اعمالی انجام داد که نشان دهنده شخصیت دروغین و فریبکارانه باشد و بدون آنکه انسان زحمتی بکشد می تواند با پرده های تزویر و ریا و زشتی و نیرنگ خود را در مقام انسانهای کامل جا بزند.

چرا باید اینهمه زحمت بکشیم و درس بخوانیم (در صدد به دست آوردن صفات انسانی باشیم) و دائماً خواسته های دلمان را که بازی و آزادی کامل است محدود نمائیم.

«مهلت فعالیت شیطان رو به پایان است»

در همان صحنه درگیری بین خدا و شیطان (در هنگام خلقت حضرت آدم عليه السلام) خداوند متعال باید یکی از این دو کار را انجام می داد.

۱- یا اجازه هیچگونه فعالیتی به شیطان ندهد و از همان ابتداء جنّ (که شیطان از جنّ بود) و انسان را به آنچه می خواهد مجبور نماید، که در این صورت دیگر انسان، انسان نیست و مانند یکی از حیوانات مجبور است به راهی که از پیش تعیین شده برود و میدانی برای نشان دادن ارزش و شخصیت انسانی خود نخواهد داشت و جنّ نیز همینطور و این با اصل هدف پروردگار از خلقت انسان و جنّ منافات داشت.

۲- و یا اجازه فعالیت محدود به جنّ و انسان بدهد تا با اختیار خود خوبی و بدی را انتخاب نمایند که واضح است خداوند این برنامه را اجرا فرمود و لذا با درخواست شیطان که اجازه فعالیت خواسته بود موافقت فرمود و در این اجازه فعالیت او را از دو جهت محدود نمود :

امام باقر علیه السلام :
«خداوند عزوجلّ به ملائکه (آنگاه که درخواست عذاب برای فاتلین سیدالشهداء علیهم السلام نمودند) فرمود: بوسیله حضرت قائم علیه السلام از آنان انتقام می گیرم.»

اوّل : از جهت زمان

دوّم : از جهت چگونگی

توضیح آنکه : خداوند شیطان را (که پیش قدم در انتخاب بدی و زشتی شده بود) از جهت زمان فعالیت محدود نمود و به او فرمود :

” تو تا روز مشخصی مهلت فعالیت داری “^(۱)

خواهید پرسید : آن روز مشخص چه روزی است؟

پاسخ می دهیم : آن روز، روز آغاز حکومت واحد جهانی به رهبری منجی آخرالزمان است که پس از آن شیطان زمینه ای برای فریب مردم نخواهد داشت و برای همیشه از صحنه زندگی انسان و جن کنار خواهد رفت؛ زیرا هیچ کسی، دیگر سخنان فریبکارانه او را نمی پذیرد.

«مردم با داشتن رشد فکری، دیگر سخن شیطان را نمی پذیرند»

می پرسید : چگونه؟

پاسخ می دهیم : زیرا مصلح جهان حضرت مهدی ارواحنافداه بسان خورشید، علوم و حقایق را با طلوع و ظهور خود آشکار خواهد ساخت و مردم جهان مانند کسی که از شب تاریک به روز روشن منتقل می شود، از تاریکی جهل و صفات رذیله و ندیدن حقایق که انبیاء بیان می کردند خارج و به روز روشن علم و صفات پسندیده و حقایق سخن انبیاء، وارد خواهند شد لذا دلیلی ندارد سخن شیطان را بپذیرند.

ممکن است بپرسید : آیا مثالی برای بیان این حقیقت وجود دارد که مردم این چنین

۱- انک من المنظرین الی یوم الوقت معلوم. (سورۀ حجر آیه ۳۸)

روایات و مدارک سخن فوق را در کتاب راهی بسوی نور آورده ایم.

عن رسول الله ﷺ :

«... يخرج رجل من اهل بيتي يقال له المهدي، فان ادركته فاتبعه وكن من المهتدين»^{۱۷}.

شوند؟

می گوئیم: آری، مانند آنکه یک کودک دوساله، بخاطر نادانی و خردسالی شیشه سم را برداشته و می خورد ولی آنگاه که به سن ده سالگی رسید و با کوشش پدر و مادر از خطر سم آگاه شد دیگر دلیلی ندارد فریب دشمن را بخورد، همان دشمنی که در سن دوسالگی آمده و به او گفته بود این شیشه (سم) را بنوش که بسیار شیرین است. باز ممکن است پرسید: یعنی پس از ظهور امام زمان علیه السلام دیگر هیچ انسانی بد نخواهد شد؟ پس اینکه می گویند شخصی امام زمان علیه السلام را شهید می کند چه می شود؟

پاسخ می دهیم: پس از ظهور آن حضرت عموم انسانها خوب خواهند شد و مانند همان کودک در مثال فوق به رشد و آگاهی خواهند رسید و این بدان معنی نیست که خداوند همه انسانها را به خوبی مجبور می نماید آیا هم اکنون که شما شیشه سم را نمی نوشید، کسی شما را به ننوشیدن سم مجبور کرده است؟

از آنروز (به بعد تا قیامت) عموم انسانها با آگاهی و انتخاب (به جهت آنکه رشد یافته اند) از پلیدی و زشتی پرهیز خواهند نمود و این منافاتی با آن ندارد که تعداد انگشت شماری از انسانها به بدی خود ادامه دهند و نخواهند حق را بپذیرند که آنها هم قدرت ایجاد فساد را نخواهند داشت زیرا از طرفی حکومت قدرتمند الهی اجازه چنین کاری به آنان نمی دهد و از طرفی خود مردم در مقابل آنان خواهند ایستاد.

«چرا خداوند به ابلیس مهلت داد؟»

ممکن است پرسید: اگر چنین است، چرا خداوند از همان آغاز، حکومت واحد جهانی حق را در جهان تحقق نبخشید تا انسانها به سعادت برسند و به ابلیس مهلت

رسول خدا ﷺ :
«مردی از اهل بیتم که مهدی نام دارد طبق وعدۀ حتمی الهی خروج خواهد نمود اگر او را درک کردی پیرو او باش تا از هدایت یافتگان باشی.»

داد تا روز مشخصی که همان روز ظهور منجی آخرالزمان است فعالیت تبلیغاتی نماید؟

پاسخ می دهیم : خداوند دوست داشت از همان آغاز تمام مردم حکومت حق را بپذیرند و حتی برنامه آنها هم تنظیم و اعلام فرموده بود، ولی مردم آنها نپذیرفتند و خداوند هم نمی خواست مردم را به پذیرش حق مجبور نماید.

لازم به تذکر است که خداوند متعال تا زمان مشخصی که برای هیچکس معلوم نیست مردم را در پذیرش حکومت واحد جهانی آزاد گذاشته است و به مجرد رسیدن آن " وعدۀ حتمی " و زمان مشخص کار خود را انجام خواهد داد و در عین حال با دادن آگاهی و رشد به جهانیان کاری خواهد کرد که مردم جهان با اختیار خود حق را بپذیرند نه آنکه به پذیرش خوبی مجبور باشند و البته هم اکنون هم مردم جهان چنین هستند و با حق و حقیقت مخالفتی ندارند فقط باید آگاهی لازم در مورد حکومت منجی آخرالزمان به آنان داده شود و این وظیفه گویندگان و نویسندگان و دانشمندان است که مردم جهان را با حکومت حق و رهبر آن، حضرت بقیة اللہ ارواحسنا فداء آشنا نمایند.

«چگونگی فعالیت شیطان»

و اما محدودیت نوع دوم که خداوند شیطان را از جهت چگونگی فعالیت محدود نمود آن است که شیطان فقط می تواند در قلب انسان "وسوسه" کند.

شیطان به جز وسوسه هیچ کار دیگری نمی تواند انجام دهد و نمی تواند انسان را به کار زشت مجبور نماید او فقط مجاز است بلندگوی تبلیغاتی خود (یعنی وسوسه کردن) را برداشته و مردم را به بدی و زشتی و خدعه و فریب دعوت نماید.

قال رسول الله ﷺ :

«لو لم يبق من الدهر إلا يوم لبعث الله فيه رجلاً من عترتي يملاها عدلاً كما ملئت جوراً».^{۱۸}

«شیطان مانند فرستنده رادیوئی عمل می کند»

و اگر مثالی بخواهید شاید "رادیو" بهترین مثال برای بیان این مطلب باشد. وسوسه های شیطان مانند فرستنده های رادیویی با وسعت پوشش تمامی کره زمین است و قلبهای ما انسانها و مغزهایمان بمانند یک گیرنده رادیویی با قدرت دریافت دو نوع صدا است.

۱- صدای شیطان

۲- صدای پروردگار

همانطور که شنونده رادیو مجبور به عمل کردن طبق آنچه می شنود نیست ما انسانها هم مجبور به آنچه در فکرمان می آید (از صدای حق یا صدای شیطان) نیستیم و اختیار عمل طبق راهنمایی پروردگار یا وسوسه شیطان با خود ما است. بنابراین شیطان مانند گویندگان فرستنده های رادیویی فقط می تواند سخن خود را به انسان برساند ولی قدرت اجبار کردن ندارد و اگر کسی بگوید شیطان مرا فریب داد به او می گویند شیطان تو را وسوسه کرد ولی تو مجبور نبودی، تو خودت تمایل به سخن شیطان داشتی که پیروی او را کردی.

«شیطان می گوید: مرا لعنت نکنید...»

در قرآن کریم آمده است :

" آنگاه که قیامت فرا رسید و همه چیز تمام شد، شیطان به آنانکه او را پیروی کردند می گوید: خداوند وعده حق به شما داد و به آن وفا کرد ولی من شما را فریتم و وعده دروغین به شما دادم، ولی چنانکه می دانید من نمی توانستم شما را به آنچه

رسول خدا ﷺ :
«حتی اگر یک روز هم به پایان جهان مانده باشد خداوند در آن روز مردی از خاندانم را
برخواهد انگیخت تا آنرا پر از عدالت نماید همانطور که از ستم پر شده است».
(منظور حتمی بودن وعدۀ الهی است).

می خواستم مجبور نمایم و تنها شما را تحت پوشش تبلیغاتی خود قرار دادم و شما
نیز چون میل به آنچه من گفتم داشتید خواسته هایم را اجابت نمودید پس اکنون مرا
لعنت و ملامت نکنید بلکه خود را ملامت و سرزنش نمائید من اکنون نمی توانم به
فریاد شما برسم و شما هم نمی توانید به فریاد من برسید، من در همان دنیا
می دانستم که کار شما درست نیست زیرا مرا (در اطاعت و فرمانبری) در کنار خدا
گذاشته و همانگونه که باید از خدا اطاعت کرد از من اطاعت می کردید (و این ظلم
بزرگی بود زیرا اگر انسان کسی را شریک خدا قرار دهد در حقیقت علم را رها کرده
و به جهل روی آورده و لذا ظلم بزرگی مرتکب شده است و بدانید) سزای ظالمین
چشیدن عذاب دردناک است" (۱).

حال شما بنگرید در دنیایی که دو نوع سخن و راه، یکی حق و دیگری باطل وجود
دارد و هر دو راه از سوی صاحبان آن یعنی راه خدا از سوی پیامبران و جانشینان و
پیروان آنان و راه شیطان از سوی شیاطین و پیروانشان تبلیغ و مردم به آن دعوت
می شوند، اگر انسان با اختیار خود یکی را برگزید چه مانعی بر سر راه او وجود دارد.
اگر راه حق را انتخاب کند از سوی خداوند مورد لطف و عنایت و کمک قرار می گیرد
تا آنرا به پایان برساند و سعادت مند گردد و اگر راه باطل (تنها خواسته های دل را

۱- سوره ابراهیم طیبه آیه ۲۲ - "وقال الشیطان لما قضی الامر ان الله وعدکم وعدالحق و وعدتکم فاخلفتکم و ما کان لی
علیکم من سلطان الا ان دعوتکم فاستجبتم لی فلا تلو منونی و لو سوا انفسکم ما انا بمصرخکم و ما انتم بمصرخی انی کفرت
بما اشرکتون من قبل ان الضالمین لهم عذاب الیم".

قال رسول الله ﷺ :

«يُخْرِجُنِي مَنِّي عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَنِ وَ تَظَاهِرِ مِنَ الْفِتَنِ الْمَهْدِيِّ يَلْتَهُمَا عَدْلًا كَمَا مَلَّتْ ظُلْمًا»^{۱۱}.

پسندیدن و سخن شیطان را گوش کردن) را انتخاب نمود از سوی شیطان و خواسته‌های دل خود و مردم باطل‌پسند مورد حمایت قرار می‌گیرد تا به پایان راه که جهنم است برسد و شقی و بدبخت گردد.

می‌خواهم بگویم : با این محدودیت بسیار بالا که خداوند برای شیطان قائل شده هیچ انسانی نزد پروردگار عذر ندارد که بگوید شیطان مرا فریب داد و این مقدار که خداوند شیطان و انسان را آزاد گذاشته، برای آن است که انسان و جنّ نباید مجبور باشند و در حدّ تبلیغات و دعوت به راه حق یا باطل آزاد هستند.

بنابراین انسانها بطور اجتماعی اگر یکپارچه تصمیم بگیرند و یا به شکل انفرادی، می‌توانند به راحتی سخن شیطان را کنار بگذارند و تنها سخن پروردگار یعنی آنچه یقین دارند مورد رضایت اوست را انجام دهند تا شیطان بطور کلی خانه‌نشین شود.

«یک سؤال»

سؤالی که در اینجا باقی می‌ماند این است اگر خداوند جنّ را در انتخاب حق و باطل آزاد گذاشته، نباید این آزادی در زمان قبل از حکومت واحد جهانی مثل زمان حاضر (که هنوز ظهور امام زمان علیه السلام انجام نشده) با آزادی پس از استقرار حکومت واحد و ظهور منجی عالم تفاوتی داشته باشد، در صورتیکه همه می‌دانیم قبل از ظهور، شیطان جامعه بشری را تحت نفوذ خود دارد ولی پس از ظهور دیگر چنین نیست، چه پاسخی به این سؤال می‌توان داد؟

پاسخ ما آن است که درست است انسان و جنّ در انتخاب حق یا باطل آزادند و این آزادی تا قیامت ادامه دارد و تفاوتی هم بین زمان قبل از حکومت واحد با پس از آن در کار نیست ولی آنچه که بین این دو زمان فرق می‌گذارد خود مردم هستند.

رسول خدا ﷺ :
«در زمانی که فتنه‌ها آشکار شده و زمان، زمان جداگانۀ ای (از زمان انبیاء و پیگانۀ با دین) است حضرت مهدی علیه السلام که فرزند من است خروج کرده و تمام زمین را پر از عدالت و سعادت خواهد نمود همانگونه که پیش از آن پر از ظلم شده است.»

یعنی مردم قبل از ظهور، به دلیل عدم رشد فکری خود، به طور جدی خواستار تحقق وعدۀ الهی نبوده و در برابر تمایلات نفسانی و شیطانی عکس‌العملی نشان نمی‌دادند و به همین جهت نامشان مردم قبل از ظهور شد.

و همین مردم هستند که روزی از خواب غفلت بیدار شده و می‌فهمند به دست خود چه بر سر خود آورده و چگونه از راهنمائیهای انبیاء علیهم السلام غفلت نمودند تا زشت‌سیرتان بر آنان مسلط شده و بر سر راه حکومت عدل الهی موانع سنگینی ایجاد کردند، به سرعت حرکت خویش را در راه جبران گذشته آغاز خواهند نمود و نامشان مردم پس از ظهور خواهد شد.

آنان پس از این بیداری، رو به سوی منجی آخرالزمان آورده و او را به عنوان رهبر خویش می‌پذیرند و پس از آن دیگر به شیطان یا انسانهای شیطان سیرت اجازه فعالیت و شیطنت نخواهند داد.

«حمام توبه»

در حقیقت مردم قبل از ظهور با مردم پس از آن، تفاوتشان در شخص حمام نرفته و شخص حمام نرفته و پاکیزه است.

مردم قبل از ظهور به سفارش انبیاء علیهم السلام عمل نکرده و به حمام توبه و بازگشت بسوی خدا و پذیرش حکومت عدل الهی نرفته و چرکهای گناه و رذائل اخلاقی آنانرا فرا گرفته و مبتلا به امراض مختلف شده‌اند (مرض حسادت، تکبر، زورگوئی، جنگ، کشتار، بی‌ایمانی، فرو رفتن در شهوات و همه چیز را در مادیات خلاصه کردن و...). طبیعی است که وقتی بدن چرک و متعفن باشد میکروبها در آن زیاد می‌شوند که این میکروبها مثل پذیرش وسوسه‌های شیطان و سست شدن اعتقادات صحیح و ارتکاب

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :

«لا تذهب الدنيا حتى يقوم على امتي رجل من ولد الحسين، يلاء الارض عدلاً كما ملئت ظلماً»^{۱۰۰}

اعمال ناپسند ما است.

زمان ظهور منجی آخر الزمان ارواحانفاده زمانی است که انسان به حمام رفته و از همه پلیدی‌ها شستشو می‌شود. حال یا خداوند به سرعت اینکار را انجام داده و مردم را به رفتن حمام وادار می‌کند همانطور که پدر یا مادر مهربان بچه بازیگوش را گرفته و به اجبار او را حمام می‌نمایند و یا خود انسانها با رشد فکری خویش و با راهنمایی پدران عالم انسانیت یعنی انبیاء و جانشینان آنان گوش بحرف کرده و خواستار رفتن به حمام می‌شوند که سفارشات فراوان ائمه هدی علیهم السلام همین است که مردم خواستار حکومت حق و ظهور منجی آخر الزمان (که مثل همان حمام الهی است) شوند.

بنابراین شیطان که موفق به گمراه نمودن مردم و تسلط بر آنان تا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام می‌شود، بخاطر سستی و ضعف خود مردم است که شیطان را به خود راه می‌دهند و پس از ظهور که از این خواب غفلت بیدار می‌شوند دیگر بطور طبیعی شیطان را بخود راه نمی‌دهند در نتیجه میکربهای شیطانی جایی برای لانه کردن در زندگی آنها ندارد و بدین خاطر شیطان نمی‌تواند بر جامعه پس از ظهور مسلط شود و البته همه اینها به کمک پروردگار و معجزات منجی آخر الزمان ارواحانفاده محقق می‌شود و خداوند متعال مردم را در این میدان تنها نمی‌گذارد و از آسمان و زمین برکات و کمکهای غیبی بر آنان فرو می‌ریزد و مردم به لطف الهی دلگرم شده و حتی تعجب می‌کنند که چگونه قبل از ظهور امام زمان ارواحانفاده شیطان توانسته بود در زندگی آنان غبار غفلت برافشاند.

«گرفتن شماره تلفن»

خداوند در این چند هزار سال به بشر آزادی داد تا بفهمند با عدم اطلاع از حقایق و

امیرالمؤمنین علیه السلام :

«بطور حتم مردی از فرزندان حسین علیه السلام قیام خواهد فرمود که تمام زمین را پر از عدالت می نماید چنانکه پیش از آن پر از ظلم شده باشد».

نداشتن رمز ورود به بهشت، انسان نمی تواند راه به جایی برد و در یافتن معنی زندگی صحیح سرگردان و آواره خواهد شد مانند کسیکه شماره تلفن منزل دوستش را می خواهد ولی بجای آنکه شماره تلفن را از دوستش بپرسد، بگوید : من احتیاجی به پرسیدن شماره از دوستم ندارم و خودم آزاد هستم هر شماره ای که خواستم و به فکرم رسید بگیرم. این شخص یا خیلی نفهم است و یا ظاهر سازی کرده و درحقیقت شماره منزل دوستش را نمی خواهد بگیرد و با او صحبت کند لذا چنین می گوید.

حال اگر این شماره تلفن هفت رقمی باشد بنظر شما آیا او می تواند شماره مورد نظر را با حدس و گمان خود پیدا کند؟

خواهید گفت : هرگز نمی تواند زیرا براساس محاسبات مسلم علم ریاضی احتمال این که بتواند شماره مورد نظر را بگیرد صفر و محال است.

اکنون جامعه بشری از بس شماره های دلخواه خود را گرفته، خسته شده و می رود که رسماً اعلان کند خدایا من اشتباه کردم، توبه کردم مرا ببخش، من شیطان و هواهای نفسانی خودم را دوست خود گرفته و شماره های آنها را می گرفتم و حالا پس از چند هزار سال خسته و درمانده شده و به زندگی انسانی دست نیافتم و در بیابان پوچ زندگی مادی سرگشته و حیران گشته و راه به جایی نمی برم.

«خداوند عالم نیز براساس صراط مستقیم حرکت می کند»

فکر می کردم چون آزاد هستم دیگر هر طور خواستم می توانم عمل کنم در صورتیکه پیامبران الهی این را اعلام نموده اند که بزرگترین کسی که آزاد است و هیچکس نمی تواند از اعمال او بازخواست نماید و او می تواند همه را بازخواست کند، خداوند بزرگ است.

قال رسول الله ﷺ :

«لو لم يبق من الدهر الا يوم لبعث الله رجلاً من اهل بيتي يملوها عدلاً كما ملئت جوراً»^{۱۱}

با آنکه خداوند آزادِ آزاد و دارای قدرت بی نهایت است در عین حال به همه اعلام فرموده است که تنها براساس حکمت و مصلحت حرکت می کند و حتی توسط آخرین پیامبرش حضرت محمد بن عبدالله ﷺ اعلام فرموده است که :

“ ان ربي على صراط مستقيم ”

یعنی اینرا بدان که حتی پروردگار عالم نیز براساس صراط مستقیم و راه درست و مصلحت حرکت می کند.

و اکنون که به انسانها و جن آزادی داده، آیا این آزادی باید به معنی خروج از راه راست باشد؟

آیا انسان با سوء استفاده از این آزادی حتی از خداوند هم باید جلو بزند؟ چرا که خداوند می فرماید : من براساس صراط مستقیم حرکت می کنم ولی ما که بنده و مخلوق ضعیف او هستیم و از خود چیزی نداریم از او بالاتریم که راه راست را رها کرده هرطور دلمان می خواهد عمل می کنیم؟

«عمل به جهل می کنیم»

در حقیقت ما انسانها چون کودکی هستیم؛ که رموز زندگی را نمی داند و حاضر نیستیم این رموز را از والدین حقیقی که انبیاء و امامان معصوم هستند فراگیریم و می خواهیم به آنچه نمی دانیم صددرصد مطابق با علم و حقیقت است، عمل نمائیم. آیا ما انسانها که مدعی پیروی از “علم” هستیم، با دور شدن از راه انبیاء ﷺ به کدام طرف می رویم؟

مگر انبیاء و دستگاه وحی منبع “علم” نیستند؟

مگر “علم” نزد پروردگار نیست و تنها او نیست که از همه چیز آگاه است؟

رسول خدا ﷺ :
«اگر از روزگار جز یک روز باقی نمانده باشد (چنان طولانی خواهد شد که) در همان روز خداوند کره زمین را بوسیله مردی از اهل بیت سرشار از عدالت خواهد نمود چنانکه پیش از آن پُر از ظلم شده باشد».

مگر معترف نیستیم که علم نور و روشنایی می دهد و زندگی زیر سایه علم بوجود می آید؟

پس چرا از علم و منبع آن که خدا و نمایندگان او و امروز باقیمانده تمامی انبیاء علیهم السلام منجی آخرالزمان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، دوری می کنیم؟ و شماره های دلخواه خود را برای رسیدن به صلح و عدالت جهانی می گیریم؟ در جائیکه رسیدن به منزل یک دوست نیازمند دانستن آدرس و شماره تلفن اوست؛ آیا رسیدن به منزل سعادت و صلح و عدالت در سطح جهان نیازمند دانستن آدرس و شماره مخصوص به آن، نیست؟

اینجاست که می فهمیم، شیطان چگونه ما را فریب داده و به مانند کودکی خردسال که دشمن به او می گوید اگر می خواهی به منزل دوست پدرت برسی همین طوری در خیابانهای این شهر چند میلیونی حرکت کن و از زنگ درب هر خانه ای که خوشتر آمد، درب همان منزل را بزن به منزل دوست پدرت خواهی رسید.

آیا این سخن جز دشمنی با آن طفل ضعیف و خردسال چیز دیگری است که می خواهد با سرگردان کردن او و خسته نمودنش او را از رسیدن به منزل دوست پدر ناامید کند و به هر جا که خود می خواهد او را ببرد؟

مگر ما انسانها در این چند هزار سال خصوصاً پس از شروع اسلام تاکنون چنین نبوده ایم؟

مگر دائماً به تشخیص دور از علم و حقیقت خود عمل ننموده ایم؟ و آدرس و شماره تلفن منزل دوست که رسیدن به زندگی انسانی است یعنی همان راهنمائیهای پیامبران الهی را کنار نگذاشته ایم؟ و اکنون خسته و مانده با خود می گوئیم و شیطان نیز بما این را می گوید که ما نمی توانیم به سعادت برسیم، امروز دیگر دین قدیمی شده و

القرآن الکریم :

«و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»^۱.

و... و خلاصه مانند همان طفل خسته و سرگردان به آنچه شیطان در لباس فریبکارانه و صلح جویانه می گوید تن می دهیم.

«جهل پیشرفته»

این اندیشه بعضی از جنّ و بعضی از انسانها بود که موجب شد فکر خود را بر انسانها تحمیل نمایند و هزاران سال قافله بشری را از تمدن حقیقی منحرف نمایند که امروزه این انحراف و سرگردانی بصورت صنعتی و تکنولوژی درآمدی یعنی اگر بشر دیروز در اثر دوری از راه انبیاء علیهم السلام مانند یک مسافر پیاده در بیابانهای جهل و هوای نفس گم شده بود، امروزه با آنکه خداوند دانش وسیعی در پیشرفت و تکنولوژی و تسخیر فضا و... به او عنایت فرموده تا از این سرگستگی رهایی یابد ولی متأسفانه این ماشین پیشرفته علم و تکنولوژی را در ادامه همان سرگستگی دیروز خود که پیاده‌رو بیابانهای جهل بود بکار گرفته و مثلاً با ماشین تندرو در کویری مرگبار بنام دوری از خدا در حرکت است. که اگر به تابلوهای راهنمای الهی که بزرگترین آن توجه به شخصیت منجی جهان و موعود ادیان و زندگی در حکومت و ظهور اوست و او همان پرچم و تابلوی نصب شده الهی است^(۱) توجه ننماید و اگر دنیا امام زمان خود را نشناسد بدیهی است پس از مدتی سرگردانی خسته و وامانده و بنزینش تمام شده و به بن بست خواهد رسید و به مرگ تن خواهد داد که ترس جامعه بشری از خطر انفجارات هسته‌ای و جنگهای جهانی در همین راستا می باشد.

۱- السلام علیک ایها العلم المنصوب - سلام بر شما یا صاحب الزمان ای نشانه و پرچم نصب شده از سوی

پروردگار. (زیارت آل یاسین مفاتیح الجنان)

قرآن کریم :

«ارادۀ حتمیہ ما بر آن قرار گرفته است کہ بر (خاندان عصمت و طہارت علیہم السلام) کہ حقیقتاً
مظلوم واقع شدند متّ نہیم و آنرا پیشوا و صاحبان زمین قرار دہیم».

«صبری زیبا پیشہ کن»

بنابراین چون خداوند حکیم و عادل است و انسانها را برای رسیدن به بہشت خلق فرمودہ و وعدۀ حکومت حق بہ رہبری مصلح آخر الزمان حتمی بودہ و توسط پیامبران بہ بشر اعلام شدہ است و لذا ہمہ ادیان منتظر چنین روزی هستند.

بر ہمین اساس (حکمت پروردگار و عدالتش) این وعدہ در اسرع وقت انجام خواهد شد و طول کشیدن زمان خانہ نشینی نمایندہ پروردگار حضرت ولی عصر علیہ السلام بخاطر ممانعت مردم بودہ نہ خواست خداوند.

لذا در قرآن کریم طبق آنچه خاندان عصمت علیہم السلام تفسیر فرمودہ اند آمدہ است :
«ای رسول ما (حال کہ افکار مردم پذیرش حق را ندارد و خواستہ ما و خواستہ تو کہ اجرای حق و عدالت در تمام جہان است با مانع برخورد نمودہ و ما ہم بالاجبار نمی خواہیم آنرا وادار بہ اینکار نمائیم) پس صبری زیبا بسنما (تا روز ظهور فرزند عزیزت حضرت مہدی علیہ السلام کہ منجی انسانہاست فرا رسد و خواستہ تو و تمامی پیامبران بزرگ چون حضرت موسی و عیسی علیہم السلام را تحقق بخشد) کہ آنروز را دشمنان (از ترس و واہمہ ای کہ دارند) بسیار دور پنداشتہ ولی ما آنرا نزدیک می بینیم (زیرا اول کسی کہ خواستار پایان ظلم و فساد می باشد ما هستیم و لحظہ ای آنرا نمی پسندیم).^(۱)

۱- فاصبر صبراً جمیلاً * انہم بیرونہ بعیداً و نراہ قریباً * سورہ معارج آیات ۵ و ۶ - خلاصہ سخنان خاندان عصمت و طہارت علیہم السلام ذیل آیات فوق و آیات قبل از آن و دعاء عہد اللہم رب النور العظیم.

دعاء الندبة :

«و وعدته ان تظهر دينه على الدين كله و لو كره المشركون و ذلك بعد ان بوئته مبعوء
صدق من اهله»^{۱۰۳}

«سدّ جهل را بشکنیم»

توجه به مثال زیر معنی وعده حتمی پروردگار در ظهور منجی آخرالزمان را روشن تر می کند. اگر خوب توجه نمائیم خواهیم شنید که خداوند با زبان حال به ما چنین می فرماید :

این آب حیات زندگی ساز (حکومت عدل به رهبری منجی آخرالزمان) را ما برای شما فرستادیم تا از هزار و دو بیست سال پیش زمینهای شما را سیراب و سرسبز نماید. ولی این شما بوده و هستید که دیواره ای از جهل و فرو رفتن در مادیات بمانند سدی محکم در مقابل آن ایجاد کرده اید. طبیعی است که ما دائماً از پشت سد فشار می آوریم و دوست داریم هر چه سریعتر این سدّ شکسته و دیواره جهل و غفلت شما فرو ریزد و آب حیات علم ما، دشتهای تشنه دل انسانها را سیراب نماید ولی شما با ایجاد این سد، دیواره محکمی در مقابل ما ایجاد کرده اید و موجب تأخیر در ظهور فرزند عزیز پیغمبر ما و امید همه پیامبران، حضرت مهدی علیه الصلاة والسلام شده اید. شما این سدّ را بشکنید تا ببینید با ظهور آن حضرت آب علم و معرفت با چه سرعتی به دلهای تشنه خواهد رسید و البته ناامید نباشید و نگوئید این سدّ خیلی محکم است و بشریت به این زودی دست از جهل و خودکامگی برنخواهد داشت، نه فشار ما از پشت دیواره سد چنان است که هر لحظه ممکن است آنرا خرد کرده و به سوی دشت سرازیر شود.

پس امیدوار باشید و هر صبح و عصر منتظر شکسته شدن این سدّ باشید که دیگر دیواره آن پوسیده و چندان مقاومتی ندارد. زیرا جهل و باطل از بین رفتنی است و حق و حقیقت زنده و پابرجا است.

دعای ندبه :

«خدایا تو وعده فرمودی که دینت را بر تمامی جهان حاکم سازی گرچه مشرکان را خوش نیاید و اراده فرمودی که این وعده بوسیله امامان معصوم از اهل بیت پیامبرت تحقق یابد».

خداوند متعال می فرماید :

«و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا».^(۱)

یعنی : به مردم بگو : حق آمد و باطل از بین رفت (با ظهور پیامبر آخرالزمان و برنامه او برای برقراری عدل در جهان توسط فرزند عزیزش حضرت مهدی علیه السلام) زیرا قانون الهی اینست که باطل از بین رفتنی است و دوامی ندارد.

۱- قرآن کریم - سوره اسراء آیه ۸۱.

قسمت نهم :

سپتگزاران بشر

«همان طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حسب واقع حاکم بر
جميع موجودات است، حضرت مهدی علیه السلام همان طور
حاکم بر جميع موجودات است.»

صحیفه نوری ج ۲۰ ص ۸۳

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام :

«اماتعملون ان الارض لا تخلو من حجة اما ظاهراً واما مغموراً»^{۱۰۴}

امام خمینی در باره این مطلب که انبیاء و ائمه هدی عليهم السلام و خصوصاً حضرت ولی عصر عليه السلام سیاست گزاران زندگی بشرند می فرمایند :

- " همان طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حسب واقع حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی عليه السلام همان طور حاکم بر جمیع موجودات است، آن خاتم رسل است و این خاتم ولایت، آن خاتم ولایت کلی بالاصاله است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است " (۱)

- " سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آنجائی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست، این در روایات ما برای نبی اکرم با لفظ سیاست ثابت شده است و در دعای در زیارت جامعه ظاهراً هست که ساسة العباد هم هست. در آن روایت هم هست که پیغمبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را

۱- صحیفه نوری ج ۲۰ ص ۸۳

از مولایمان صاحب‌الزمان علیه السلام :
آیا به این حقیقت پی نبرده‌اید که محال است خداوند کره زمین را بدون نماینده‌ای از طرف خود خالی گذارد؟

متکفل باشد " (۱).

«چه کسی باید سیاست بشر را در دست داشته باشد»

سیاست چیست؟

چه کسی باید سیاست بشر را در دست داشته باشد؟

حداکثر محدوده سیاست کجاست؟

پاسخ همه این سوالات از تعریف سیاست معلوم می‌شود.

سیاست یعنی برنامه‌ریزی و اداره کردن امور در جهت رشد و رسیدن به صلاح (۲).

وقتی معنای سیاست " برنامه‌ریزی و اداره امور در جهت رشد و صلاح مردم "

باشد، تمام زندگی فردی و اجتماعی انسان را شامل می‌شود. زیرا انسان هم باید برای

امور شخصی خویش برنامه‌ریزی و سیاست داشته باشد و هم برای امور اجتماعی از

خانواده گرفته تا کشور و حتی جهان.

لذا برای همه اینها لفظ سیاست استعمال شده است مانند این احادیث که از

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام نقل شده است :

" من لم یسس نفسه اضعها " : کسیکه نفس خود را تحت سیاست (برنامه‌ریزی

۱- صحیفه نوریج ۱۳ - ص ۲۱۷.

۲- " ساس زید سیاسة " : امر وقام بامرہ، " کان بنواسرائیل تسوسہم انبیاءہم " : ای تتولی امرہم کالأمراء والولایة بالرعیة

من السیاسة و هوالقیام علی الشی بما یصلحہ... کل ذلک من سست الرعیة سیسة : امرتها ونہیتها (مجمع البحرین مادة

سوس).

عن رسول الله ﷺ :
 «قال لي يا علي اذا تم من ولدك أحد عشر اماماً فالحادي عشر منهم المهدي من اهل بيتي»^{١٥}

مشخص و هدف‌گیری شده بسوی پاکی و رشد) قرار ندهد آنرا ضایع نموده است.^(۱)

”سوسوا انفسكم بالورع“: نفس خود را با هدف حفظ از زشتیها و گناهان و پرهیز از خواسته‌های نفسانی سیاست‌گذاری نمائید.^(۲)

”الملك سياسة“: پادشاهی یعنی سیاست‌گذاری (صحیح و برنامه‌ریزی مناسب برای امور مردم).^(۳)

”حق علی الملك ان يسوس نفسه قبل جنده“: پادشاه یا فرمانده قبل از آنکه برای لشگریانش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نماید، باید نفس خود را (برای رسیدن به پاکی و صلاح) تحت برنامه قرار دهد.^(۴)

”ملاك السياسة العدل“: عدالت محور سیاست است.^(۵)
 و در حدیثی که از رسول اکرم ﷺ نقل شده و امام راحل قَدْ بَيَّنَّ در سخنان این عنوان به آن اشاره فرموده‌اند آمده است:

”ثم فَوَّضَ الى النبي ﷺ امر الدين والامة ليسوس عباده“^(۲) یعنی: خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام ﷺ تمام امور دین و امور امت را وا گذاشت تا آن حضرت بندگان خدا را طبق برنامه‌ریزی صحیح بسوی صلاح و راه راست خدا هدایت نماید.

۲- حدیث در مجمع‌البحرین ذکر شده است.

۱- (۵-۱) معجم غررالحکم ماده سوس

رسول خدا ﷺ :

«ای علی هنگامیکه یازده نفر از فرزندان تو امام و پیشوای مردم شدند بدان که یازدهمین آنان همان حضرت مهدی منجی آخرالزمان است که از اهل بیت من می‌باشد».

«پاسخ به سه سؤال»

اکنون باید به سؤالات زیر پاسخ دهیم :

۱- سیاستهای صحیحی که انسان باید در زندگی فردی یا اجتماعی خود بکار برد کدام است؟

۲- دین و سیاست چه ارتباطی با هم دارند؟

۳- سیاست‌گزاران بشر چه کسانی باید باشند؟

کوشش می‌کنیم بطور فشرده و روان سؤالات فوق را با عناوین "سیاستهای صحیح" و "دین و سیاست" و "سیاست‌گزاران بشر" بررسی و پاسخ دهیم.

«سیاستهای صحیح»

«سیاستهای صحیح» ترجمه «قانون صحیح» می‌باشد.

«قانون و سیاست» صحیح اگر از فکر بشری تهیه و تنظیم گردد خواه ناخواه به اندازه اطلاعاتی است که بشر از نفع و ضرر خود و تاریخ داراست و طبعاً بسیار محدود و از آینده قطع می‌باشد چرا که بشر هیچگونه اطلاعی از آینده ندارد.

ولی قانون و سیاست ارائه شده از سوی خالق بشر براساس اطلاعات نامحدود خدای بزرگ می‌باشد که همه حقایق را می‌داند و همه نفع و ضرر انسان به دست اوست و از آینده بطور نامحدود مطلع است.

مقایسه بین این دو هم، روشن و واضح است، علم بشر و علم پروردگار یعنی محدود و نامحدود که مثال محسوس و قابل درک برای ما مثال قطره در برابر اقیانوسهای بی‌نهایت می‌باشد.

مثال محسوس تر ولی نارسا مثل طفل شیرخواره و پدر شصت ساله آگاه و باتجربه و

قال رسول الله ﷺ :

«يا حسين انت الامام و اخ الامام و ابن الامام تسعة من ولدك امناء معصومين
والتاسع مهديهم»^{۱۰۶}

عاقل است.

یعنی قانون و سیاستی که بشر برای زندگی ارائه می دهد مانند قانون و سیاستی است که طفل شیرخواره برای زندگی خود و خانواده می دهد و قانون و سیاستی که خداوند به انسان عنایت می فرماید مانند قانونی است که پدر شصت ساله آگاه و باتجربه و عاقل برای اداره خانواده به اعضاء آن ارائه می نماید.

متأسفانه ما انسانها مانند آن طفل دو ساله فقط به خواسته های دل خود توجه نموده و سیاستهای سعادت بخش پدر مهربان و عاقل (یعنی انبیاء علیهم السلام) را نپذیرفته ایم. آری انسان باید با خود بگوید: قدرت و علم نامحدود است، خداوندی که خالق من است، خداوندی که در ذره اتم عالمی پیچیده و شگفت انگیز ایجاد فرموده، خداوندی که میلیاردها کهکشان را با نظم حیرت آوری حرکت می دهد و در آنها بی نهایت مخلوقات عجیب خلق فرموده که اصلاً ما از آنها خبر نداریم، خداوندی که سرانگشت میلیاردها میلیارد انسان گذشته و حال و آینده را حتی در دو مورد یکسان خلق نکرده است و...

آری خداوندی که از توصیف ما برتر است او بهتر می داند چه قانونی برای ما سعادت بخش است و چه کسی برای در دست گرفتن سیاست و رهبری جامعه بشری مناسب است و قانون پروردگار نهایت درجه محکمی و درستی را داراست و این سیاستمداران بین المللی بوده اند که در پنهان و آشکار کوشیدند برای اجرای مقاصد خویش و کنار زدن انبیاء و جانشینان آنان سخن از قدیمی بودن قوانین قرآن نموده و بشریت را قرنهای عقب بیندازند.

رسول خدا ﷺ :

«ای حسین تو پیشوای حقیقی مردم هستی، پدر و برادر و نه فرزند تو همه پیشوایان و سیاست‌گزاران جامعه هستند که نه‌مین آنان هدایت‌کننده جهانیان است.»

«دین و سیاست»

سؤال دوم این بود که دین و سیاست چه ارتباطی با هم دارند؟ پاسخ ما براساس مطالب قبلی روشن است زیرا " دین " همان قانون و سیاستی است که خداوند برای زندگی بشر ارائه فرموده که با کمی تأمل می‌فهمیم دین یعنی سیاست خداوندی برای زندگی بشر.

مگر سیاستمداران که کلمه سیاست را در انحصار خود گرفته‌اند کارشان ارائه روش زندگی اجتماعی به مردم نیست که به سیاستهای داخلی و خارجی تقسیم می‌شود؟ مگر باید‌ها و نباید‌ها را در سیاستهای داخلی و خارجی کشور به جهت رسیدن به مقاصد مورد نظرشان به کمک قدرتی که در دست دارند، اجراء نمی‌نمایند؟

سیاستمداران می‌گویند این سیاستها روش ما برای اداره اجتماع است.

خداوند هم می‌گوید دین، روش من برای اداره اجتماع و حتی اداره افراد در حیطه زندگی شخصی آنهاست.

پس می‌بینید که دین مجموعه روشهای ارائه شده از سوی خداوند و باید‌ها و نباید‌ها و سیاستهای مقدس و بدون خطا می‌باشد و می‌توان آنرا مساوی با سیاست دانست، یعنی دین عین سیاست و سیاست عین دین و به فرمایش شهید بزرگوار مرحوم مدرس رحمه‌الله‌علیه " دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ما است " .

سوالاتی در اینجا برای بعضی از مردم جهان مطرح می‌شود که مگر دین از سیاست جدا نیست؟ دین برای متدینین و سیاست برای مسئولین کشورها و به اصطلاح مال سیاستمداران است.

عن الصادق او الباقر عليهما السلام :
 «لا يكون العبد مؤمناً حتى يعرف الله جلّ جلاله ورسوله صلى الله عليه وآله و الأئمة عليهم السلام كلهم و
 امام زمانه و يردّ اليه و يسلم له»^{۱۰۷}

مطلب فوق ناشی از روشن نبودن کلمه دین و سیاست و ارتباط این دو با یکدیگر است که ارتباط آنها را با هم ذکر نمودیم ولی با کمال تأسف قدرتمندانی که نمی خواستند اراده پروردگار در زندگی بشر و روشهای ارائه شده از سوی او در جهان حاکم شود علاوه بر آنکه تحریف ادیان الهی را جزء برنامه خود قرار داده تا دین را مستی خرافه جلوه دهند، کوشش نموده‌اند دین را یک برنامه شخصی و سیاست را یک برنامه اجتماعی دانسته و بدینوسیله آن دو را از هم جدا نمایند.

ظالمین چون خواسته‌اند روش زندگی مردم با فکر آنان بچرخد و منابع انسانی و ثروت و قدرت در دستشان باشد و بر جان و مال مردم ریاست کرده به شهوات باطل خود برسند این فکر را القاء نمودند و چنان با سیاستهای شیطانی خود آنها در میان مردم جا انداختند که مردم از سیاست چیزی جز فریب و خدعه و نیرنگ نفهمیده و خواه ناخواه از صحنه سیاست و اداره اجتماع کنار روند و سیاست را به حقه‌بازان و فریبکاران واگذارند.

در همین رابطه حضرت امام خمینی قدس سره داستانی کوتاه در سخنان خویش که قسمتی از آنها در آغاز بحث ذکر نمودیم بیان فرموده‌اند که باهم آنها می خوانیم.

- "... یک قصه هم من خودم دارم. وقتی که ما در حبس بودیم و بنا بود که حالا دیگر

از حبس^(۱) بیرون بیاییم و برویم قیطریه و در حصر^(۲) باشیم آن رئیس امنیت آن

وقت در آنجا حاضر بود که ما بنا بود از آن مجلس برویم، ما را بردند پیش او، او

۱- حبس : زندان.

۲- حصر : در محل یا منزل تحت نظر مأمورین بودن.

امام باقر یا امام صادق علیه السلام :
«هیچ انسانی نمی‌تواند ایمان واقعی داشته باشد مگر آنکه خداوند عزوجل و رسول خدا صلی الله علیه و آله و همه ائمه علیهم السلام و امام زمانش را بشناسد و تحت فرمان آن حضرت قرار گیرد».

ضمن صحبت‌هایش گفت که آقا سیاست عبارت از دروغ‌گویی است، عبارت از خدعه است، عبارت از فریب است، عبارت از پدرسوختگی است، اینرا بگذارید برای ما.

من به او گفتم: این سیاست مال شماست....^(۱)

آری سیاستمداران ظالم و استعمارگر همیشه کوشیده‌اند با خدعه و فریب اداره زندگی مردم را در دست گیرند و نام آنها سیاست بگذارند تا مردم از لفظ "سیاست" متنفر باشند که متأسفانه این تنفر و تلخی در ذائقه عموم مردم جهان وجود دارد. بر همین اساس زمان پاسخ به سؤال سوم فرا رسیده است که:

«سیاست‌گزاران زندگی بشر»

چه کسانی هستند؟

باید بگوئیم سیاست‌گزار حقیقی زندگی بشر خداوند متعال است.

او خالق است و ما مخلوق.

او عالم است و ما جاهل.

او قوی است و ما ضعیف.

او مهربان و بخشنده است و ما مورد محبت و بخشش او.

او بردبار و رئوف است و ما عجول.

و تمام اینها خصوصیات یک سیاست‌گزار به معنی صحیح می‌باشد.

۱- صحیفه نور ج ۱۳ - ص ۲۱۷ - مورخ ۵۹/۱۰/۳

عن الحسين بن علي عليه السلام :
 «منا اثنا عشر مهدياً أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و آخرهم التاسع من ولدي، و هو الامام القائم بالحق يحيى به الله الارض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الذين كله و لو كره المشركون»^{۱۰۸}

آری خداوند باید سیاست‌گزار زندگی انسان باشد.
 مگر سیاست‌گزاری او در زندگی دیگر موجودات را نمی‌بینیم.
 مگر شاهد نیستیم که سیاست او در زندگی جانداران چه غوغا و عجائبی برپا کرده و انگشت حیرت به دهان انسان می‌گذارد و انسان سر به سجده گذاشته و در برابر عظمت او سر فرود می‌آورد؟
 این سیاست الهی در زندگی مورچه‌ها، زنبور عسل، و همه حیوانات و پرندگان است که به خوبی در آنها اجراء شده و اجتماع آنان از فساد و تباهی به دور است.
 این سیاست و روش اداره نمودن پروردگار در اتمها و سلولها و منظومه شمسی و کهکشانهای بی‌شمار است که "عجز و ناتوانی و اظهار خضوع و بندگی" از سوی ما پاسخ ناقابلی است که به اینهمه عظمت می‌توانیم بدهیم آنهم پاسخی در حد خودمان نه قدرت و عظمت او.

«همانند مغز در بدن»

خداوند در سیاست‌گزاری برای زندگی بشر، همانند نظام یک بدن عمل کرده بدین صورت که نمایندگان خود یعنی پیامبران و در نبود آنان جانشینان پیامبران (که همه آنان معصوم از خطا می‌باشند) را به مانند عقل و مغز در بدن قرار داده تا آنان تمامی امور بدن یعنی جامعه بشری را اداره و سیاست‌گزاری نمایند. لذا در روایت آمده است که :

امام حسین علیه السلام :
«دوازده هدایت کننده الهی برای جهان بشریت از ما اهل بیت است اولین آنها
علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنها نهمین فرزند من (حضرت مهدی ارواحنا فدا) است که
قیام کننده به حق و احیاء کننده جهان بشریت است.»

”سیاست‌گزاران زندگی بنی اسرائیل پیامبرانشان بودند.“^(۱)

و چنانکه در سخنان امام خمینی قدس سره ملاحظه فرمودید این مقام برای حضرت
نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام قرار داده شده است.

پس حالا که خدای مهربان و آن قدرت نامحدود لطفی نموده و بر ما منت گذاشته و
سیاستمداری به تمام معنی و انسانی کامل و نماینده‌ای که دارای تمام صفات شایسته
الهی است یعنی پیامبران الهی و آخرین پیامبر و جانشینان او خصوصاً آخرین و
دوازدهمین جانشین او که نجات دهنده عالم بشریت است، به سوی ما فرستاده،
برماست که لطف او را پذیرا شده و این سیاستمدار آسمانی و معصوم از خطا را رهبر
خود قرار دهیم همانطور که ادیان مختلف جهان ظهور او را بشارت داده‌اند که می‌آید
و با سیاست الهی اش جهان را پر از عدل و داد می‌نماید و باید بدانیم آمدن او به
خواست ما بستگی دارد، هرگاه مردم او را بخواهند، می‌آید.

خداوند سیاست و قانون صحیح زندگی کردن را به دست پیامبران و جانشینان آنان
داده همانطور که پدر و مادر مهربان را سیاست‌گزار زندگی طفل شیرخواره قرار داده
است و البته فکر نکنید من می‌خواهم بگویم بشر طفل شیرخواره است نه من می‌گویم
فکر و سیاست بشر در مقایسه با قوانین الهی و علم نامحدود پروردگار چنین مثالی
دارد نه آنکه ما، انسانها را چیزی به حساب نیاوریم که این نسبت ناروایی است.

برای سیاست‌گزاران زندگی بشر سه شرط مهم و اساسی می‌توان از عقل و شرع بیان
کرد.

۱- ”کان بنو اسرائیل تسوسهم انبیاءهم“ (مجمع البحرین ماده سوس)

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم:

«الآن لله ناصر دين الله عز وجل الا انه الغراف من بحر عميق»^{۱۹}

«شرایط سیاست‌گزاران زندگی بشر»

اول: "عصمت از خطا"

سیاست‌گزار اصلی که در رأس رهبریت جهان بشریت قرار می‌گیرد باید معصوم از خطا باشد زیرا اگر معصوم (که پیامبر یا جانشین رسمی و به اصطلاح وصی پیامبر است) نباشد، مجموعه قوانین و سیاستهای ارائه شده از سوی پروردگار ضامن اجرایی خود را از دست خواهد داد. به این دلیل که افراد زیادی در صدد احراز این مقام برآمده و همه مدعی اجرای قوانین الهی خواهند بود و از میزان خطای آنان هم کسی اطلاع ندارد و فقط در میدان عمل روشن می‌شود او چقدر خود را از خطا حفظ می‌کند، در نتیجه افراد بشر در هر زمان چند نفری را به عنوان رئیس جمهور و رئیس جامعه خود، مورد آزمایش قرار خواهند داد و عرصه زندگی انسانها تبدیل به آزمایشگاهی خواهد شد که رهبران آن خود را در این آزمایشگاه نشان دهند که آیا لیاقت رهبری بشر را دارند یا نه؟

مثلاً اگر برای این آزمایش چند سالی در نظر بگیریم هر فرد مدعی رهبری، چندین سال حکومت خواهد کرد و با روشن شدن اینکه او غیر معصوم و جایزالخطاست نوبت به دیگری می‌رسد و از اول زندگی بشر تا آخر آن این برنامه تکرار و هیچگاه بشر روی سعادت و خوشی را نخواهد دید چنانکه این شیوه را ما انسانها انتخاب کرده، و به عنوان آزادی در انتخاب، هر کسی را که خواستیم رهبر خود قرار داده و پس از مدتی که حکومت او را دیده‌ایم، فهمیده‌ایم که او شایسته این مقام نیست که با این روش هرگز به نتیجه نخواهیم رسید و البته بسیاری از این رهبران و شاید همه آنان با زور و شمشیر و سلاح مرگبار خود را بر جامعه بشری تحمیل نموده‌اند.

رسول خدا ﷺ در غدیر خم :
«ای مردم بدانید حضرت مهدی علیه السلام یگانه یاور دین الهی است او از دریائی بسیار عمیق
علم را برمی‌گیرد.» (و بهمه چیز آگاه است).

بنابراین تنها راه آن است که خداوند متعال توسط پیامبرش این کار را انجام داده و برای هر زمانی تا قیامت یک رهبر معصوم معرفی نماید که بمنزله قلب و مغز برای پیکره بشریت باشد و عصمت آنانرا خود تضمین نماید تا از همان روز اول خاطر بشر آسوده شده و با آرامش فکری تعالیم آن رهبر معصوم را الگو و اسوه زندگی قرار داده و به کمالات روحی برسند.

دوم: "علم به همه چیز"

شرط دوم سیاست‌گزار زندگی بشر، علم او به همه چیز است. همانطور که یک پدر یا مادر عاقل و با تجربه، از همه نیازهای زندگی طفل شیرخوار تا زمان بزرگ شدن او آگاه است و می‌تواند با این محدوده وسیع از اطلاعات سیاستهای روزانه طفل شیرخوار را تنظیم نماید، در محدوده وسیع زندگی بشر نیز رهبر معرفی شده از سوی پروردگار دارای اطلاعات گسترده از گذشته و آینده زندگی بشر است همانطور که درباره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام داریم که خداوند آنانرا از آنچه بوده و آنچه هست و آنچه خواهد بود مطلع فرموده است.^(۱) بدیهی است که رهبر بی اطلاع از امور جهان هستی و نظم آفرینش و بی اطلاع از امور آشکار و پنهان مردم و خدمات و خیانتهای آنان هرگز نخواهد توانست کاری از پیش برد و با پنهان کاری بعضی از مسئولین دولت خود، همه چیز را از دست خواهد داد و حداقل این است که حکومتش به عنوان یک حکومت عدل و عاری از هرگونه ظلم

۱- و اودعته علم ما کان و ما یکون الی انتضاء خلقک - دعای ندبه و آیات و روایات بسیار دیگر مانند و کل شی احصیناه فی امام مبین که به علی بن ابی طالب و ائمه اطهار علیهم السلام تفسیر شده است یعنی علم به همه چیز را در امام مبین قرار دادیم.

دعاء الندبة :

«این السبب المتصل بين الارض والسماء»^{۱۱۰}

معرفی نخواهد شد و مردم پشتوانه خود را که حکومت عدل الهی است از دست خواهند داد و هر روز نگران خیانت پنهانی یک یا چند نفر از مسئولین یا غیر آنان خواهند بود که تمام اینها با این شرط یعنی آگاهی رهبر از همه چیز برطرف خواهد شد و بر همین اساس ما معتقدیم به جز حکومتی که در رأس آن رهبر معصوم و دانای به همه چیز قرار داشته باشد، هیچ حکومت دیگری نخواهد توانست جایگزین آن حکومت گردد. ولو رهبران آن اشخاص خوب و پاکی باشند.

پس شرط دوم آن است که رهبر حکومت عدل جهانی علمش متصل به علم پروردگار و از همه چیز باخبر باشد تا سیاستهای او با در نظر گرفتن تمام مصالح زندگی انسانها و با اطلاع از همه کارهای مردم و کارمندان دولت خویش حتی امور پنهانی آنان باشد که سر سوزنی بی عدالتی و خدعه و نیرنگ و خیانت پنهانی صورت نگیرد و بخاطر وجود همین شرط در منجی آخر الزمان حضرت حجة بن الحسن ارواحنا فداه است که حکومت آن حضرت تمامی جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

چنین رهبری (معصوم و دانا به همه چیز) باید در هر زمانی زنده و حاضر در میان بشر باشد تا یک لحظه جامعه بشری بدون این رهبر که به مانند قلب در بدن است، نماند همانطور که بدن حتی یک لحظه نمی تواند بدون قلب زنده بماند.

شاید بگوئید این شرط که خود بخود معلوم است، ما هم می گوئیم چنین است ولی می پرسیم چرا جامعه بین المللی حداقل دوازده قرن (از زمان تولد منجی عالم بشریت تا کنون) این شرط را فراموش نموده و عملاً وجود چنین رهبری را به رسمیت نشناخته است؟

اگر او زنده و حاضر است (که عقل و شرع آنرا می گویند) پس چرا رهبری انسانها در دست او نیست و هرکس توانسته و بهر مقدار قدرت داشته جای او را اشغال نموده و

دعای ندبه :

«چه مصیبتی بر بشر وارد شده که آن انسان کاملی که واسطه بین خدا و خلق و راه ارتباطی بین مردم و خداست، رهبر جامعه بشری نیست و بشر او را گم کرده است؟»

بر مردم حکومت کرده است.

و اگر او زنده و حاضر نیست، این یعنی بیهودگی و پوچی خلقت، یعنی نقص در کار خداوند، یعنی وا گذاشتن بشر به حال خود، یعنی ارزش دادن به زمان جاهلیت و برای آنان پیامبر و امام معصوم قرار دادن با آنکه جمعیت بشر در آن موقع چند صد میلیون بیشتر نبود و بی تفاوتی و بها ندادن به حداقل شش میلیارد جمعیت امروز جهان که از پیشرفت بالایی بهره‌مند شده‌اند و یعنی...

آری، دهها نقص بر پروردگار که هیچ عاقلی اینرا نمی‌پذیرد از این سخن لازم می‌آید و لازم می‌آید زندگی حیوانات از زندگی انسانها باارزستر باشد چرا که حیوانات از رهبریت و نظم خاص اعمال شده از سوی خداوند بهره‌مند می‌باشند ولی انسانها که بالاتر از آنها هستند از این لطف محروم می‌باشند.

بنابراین ما در بحثی مشابه با مباحث قبل به یک نتیجه می‌رسیم و آن ضرورت وجود یک سیاست‌گزار معصوم و دانا بهمه چیز و زنده و حاضر در میان بشر است که ما انسانها هنوز او را نشناخته و حتی در مجامع جهانی و نیز در کشورهایمان سخنی از او به میان نیاورده و او را رسماً به فراموشی سپرده‌ایم و به سخن شیطان فریفته شده‌ایم که منجی آخرالزمان در آخرالزمان می‌آید و هنوز وقت ظهور او نیست در حالیکه مکرر این نکته عقلی را گوشزد کرده‌ایم که هرگاه ما انسانها ظهور منجی را بخواهیم و در این خواسته یکپارچه باشیم و تا آخر او را همراهی نموده و قصد پشت کردن به او نداشته باشیم، او می‌آید.

«مدت بسیاری از شروع آخرالزمان می‌گذرد»

باید این مطلب را در باره آخرالزمان بدانیم که پیامبر اسلام پیامبر آخرالزمان است و

دعاء الندبة :

«این باب الله الذي منه يؤتى»^{۱۱۱}

آخر الزمان حداقل از چهارده قرن قبل شروع شده و اصولاً معنی آخرین پیامبر خدا بودن این است که در آخر الزمان مبعوث شود تا حجت بر مردم تمام شده و قوانین الهی در حد کامل به بشر عرضه شود.

شیطان دوازده و بلکه چهارده قرن است انسانها را فریب داده و به آنان القاء نموده که خودتان آزاد هستید، چرا باید رهبران از پیش تعیین شده پیامبر اسلام بر شما حکومت کنند، شما خودتان انتخاب کنید شما مگر شخصیت ندارید و...

این سخن تنها برای کنار زدن خاندان عصمت یعنی آنهایی که سه شرط اساسی حکومت عدل جهانی را دارا بودند گفته شد زیرا شیطان می خواست برای رسیدن به خواسته هایش آنها را از این مقام کنار زده و با روی کار آوردن اشخاصی که می توان سیاستهای شیطانی را به وسیله آنان بر جهان اجرا نمود، به اهداف شوم خود برسد و حکومت عدل جهانی پروردگار را به تأخیر بیندازد.

شیطان با زبان حال و با عمل خود به منجی آخر الزمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید : اگر انسانها عاقل بودند دنبال سیاستهای پنهان و آشکار من براه نمی افتادند و شما را که سیاست گزار تعیین شده از سوی خداوند برای آنان هستی رها نمی نمودند. آنان چنان شیفته مقام و ریاست و ثروتی که من برایشان زیبا و شیرین جلوه می دهم هستند که تا اسم خدا و دین و حکومت و عدل تو به میان می آید به عناوین مختلف که من به آنها وسوسه می کنم از تو و راه تو روی گردان شده و از اسم دین و حکومت دینی فراری هستند.

آری دنیای ما در اثر تسلط وسوسه های شیطان بر افکار مردم از دایره سیاست گذاری حقیقی و آسمانی خارج و در دایره سیاستهای شیطانی و سیاستهای اختراعی انسانهایی که تشنه قدرت و ریاست و... هستند وارد شده که خروج از این دایره پلید

دعای ندبه :

«کجاست آن انسان کاملی که در ب خداوند است که تنها از این درب می‌توان با خدا رابطه برقرار کرد چرا بشر با خدای خویش بیگانه شده و این درب را بسته نگاه داشته است؟».

مستلزم تحولی در افکار جهانی و تبلیغات وسیع و بین‌المللی از سوی معتقدین به منجی عالم بشریت و تشکیل نشستهای رسمی بین‌المللی دانشمندان جهان در باره آن بزرگوار می‌باشد.

براساس سه شرط فوق است که خداوند متعال عاقل‌ترین و عالم‌ترین و کامل‌ترین انسان را که حجّت و نمایندۀ اوست به عنوان سیاست‌گزار زندگی بشر تعیین فرموده و لذا ما خطاب به امام عصر ارواح‌نافداه و پدران گرامی‌اش در زیارت جامعه کبیره عرض می‌نمائیم: "السلام علیکم یا اهل بیت النبوة... و ساسة العباد" یعنی سلام بر شما ای خاندان نبوت... و ای سیاست‌گزاران مردم جهان.

امید آنکه جهانیان، سیاست‌گزار حقیقی زندگی خود یعنی منجی عالم بشریت را بشناسند و قدری خود را از پوشش تبلیغاتی گسترده‌ای که بر آنان تحمیل شده تا امام و حجّت خدا را نشناسند خارج شوند و او را برای رهبری خود انتخاب نمایند. انتخابی از اعماق وجود، انتخابی از قلب و انتخابی برای رهایی از شیطان و دامهای نفس اماره و انتخابی برای رهایی از هر پلیدی و زشتی و شروع یک زندگی انسانی.

«یک سؤال»

یک پرسش در اینجا باقی می‌ماند و آن اینکه: آیا زمانی که آن سیاست‌گزار معصوم به دلائلی زندگی غائبانه را برگزیده (مانند زمان حاضر که امام عصر ارواح‌نافداه بطور ناشناس در میان مردم جهان بسر می‌برند) چه کسانی باید سیاست‌گزاران زندگی مردم از طرف آن حضرت باشند تا آن حضرت ظهور فرماید؟ که ما به حول و قوه الهی پاسخ به این پرسش را در بحث حکومت در عصر غیبت خواهیم داد.

قسمت دهم :

مظلومیت و مهوریت

«خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی، و مفسرین حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند... از صحنه خارج کردند، و بر حکومت عدل الهی - که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست - خط بطلان کشیدند...»

وصیتنامه سیاسی - الهی امام علیه السلام

صحیفه امام علیه السلام ج ۲۱ ص ۳۹۵ - ۳۹۴

عن الامام الجواد عليه السلام :

«... لم سمى القائم؟ قال لانه يقوم بعد موت ذكره»^{۱۱۲}.

امام خمینی قدس سره در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش، به مظلومیت قرآن و عترت و امام عصر ارواحنفاه چنین اشاره دارند :

- "مناسب دیدم اشاره‌ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم.

شاید جمله "لن یفترقا حتی یردا علی الحوض" اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در "حوض" وارد شوند...".

"... و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم صلی الله علیه و آله گذشته، بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است. و ذکر این نکته لازم است که حدیث "ثقلین" متواتر بین جمیع مسلمین است و در کتب اهل سنت از "صحاح شش گانه" تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور متواتر نقل شده است و این حدیث

امام جواد علیه السلام :

«از امام جواد علیه السلام سؤال شد: چرا حضرت مهدی علیه السلام راقائم (قیام‌کننده) گویند؟ فرمود: زیرا پس از به فراموشی سپرده شدن و از خاطره‌ها محو شدن یاد و نامش پیاپی می‌خیزد.»

شریف حجّت قاطع است بر جمیع بشر به ویژه مسلمانان مذاهب مختلف. و باید همه مسلمانان که حجّت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد، برای علمای مذاهب نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله.

مسائل اسف‌انگیزی که باید برای آن خون‌گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی علیه السلام شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضدقرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند و ندای "انی تارک فیکم الثقلان" در گوششان بود، با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض، بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است، از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای این کتاب مقدّس بوده و هست، خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه‌گذاری کردند تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است. و هرچه این بنیان کج به جلو آمد، کجیها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری از

عن زرارة عن الصادق عليه السلام :

«للغلام غيبة قبل قيامه قلت ولم؟ قال: يخاف على نفسه الذبح»^{۱۱۴}

مقام شامخ احدیت به کشف تامّ محمدی صلی الله علیه و آله تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند و این ولیده علم الاسماء را از شرّ شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را بدست اولیاء الله، معصومین علیهم صلوات الأولین و الآخرین، بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومتهای جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و مع الاسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی الله علیه و آله و قرآن و سنت مشحون آن است سخن می‌گفت، گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست^(۱).

۱- صحیفه امام - ج ۲۱ ص ۳۹۴ - ۳۹۵.

زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«برای فرزندان (حضرت مهدی علیه السلام) غیبتی قبل از قیامش خواهد بود. گفتم: چرا؟ فرمود برای آنکه کشته نشود». (و جهان از وجود منجی محروم و خلقت بیپرده نگردد).

سخنان حضرت امام قده در این بخش سخنانی بسیار مهم و در حقیقت ریشه‌یابی دردهای جامعه بشری و بیان سرچشمه مصائب زندگی بشر است. چند نکته از این سخنان باید مورد توجه قرار گیرد.

۱- متن حدیث ثقلین

۲- اتحاد قرآن و عترت

۳- باپیام قرآن و عترت چه کردند

اینک موارد فوق را بطور فشرده بررسی و تحلیل می‌نمائیم.

«حدیث ثقلین»

چنانکه در سخنان حضرت امام خمینی قده ملاحظه فرمودید این حدیث مورد اتفاق بین تمام علماء شیعه و سنی است و این حدیث حجت قاطع بر همه مسلمین بلکه بر تمامی بشر است. ما برای آنکه بطور مستند این اتفاق نظر را نقل کنیم شما را به جزوه بسیار گرانبهائی که از سوی "دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه قاهره" به چاپ رسیده ارجاع می‌دهیم، برای سهولت امر متن حدیث را از آن جزوه برای شما نقل می‌کنیم. این کتاب کوچک و مختصر را "مرحوم آیه‌الله حاج شیخ قوام‌الدین قمری و شنوی" که از شاگردان مرحوم آیه‌الله مرعشی نجفی قده بوده‌اند، در سال ۱۳۷۰ هجری قمری تألیف فرموده و برای دارالتقرب قاهره ارسال نموده‌اند که دارالتقرب قاهره آنرا به مجله "رسالة الإسلام" ارسال نموده و سپس خود اقدام به نشر آن می‌نماید که تصویر صفحه دوم و سوم این کتاب را برایتان می‌آوریم:

القرآن الكريم : « حتى اذا استيئس الرسل و ظنوا انهم قد كذبوا جائهم نصرنا» ١١٥
 عن امير المؤمنين عليه السلام : « و ذلك عند قيام قائمنا المهدي عليه السلام » ١١٦

بیتنا و تاریخ

الحمد لله رب العالمين ، حمد النفاكرين ، والصلوة والسلام على سيد المرسلين ، محمد النبي الأمين ، وعلى آله الطيبين الطاهرين وصحبه الهداة المهتدين ، ومن تبعهم باحسان إلى يوم الدين .

أما بعد : فهذه رسالة موجزة في تحقيق . حيايت الثقلين
 ألها العلامة الفاضل الشيخ محمد قوام الدين القمي الرشتري

وهي على وجازتها قد استوعبت جميع روایات هذا الحديث وأسانيده
 وسلك فيها مؤلفها سبيل الحكمة والاعتدال ، وأعرض عن مقام النجاة
 والجدال ، واستدل على ما قال بأدلة يرتضيها كل من الشيعة والسنة ،
 ذات أسانيد - كما ذكر في آخر البحث - ، منجزة منجزة موصولة بواسطة
 أحد مشايخه الأعلام - أدام الله تعالى ظله - الرازي عن علماء الاسلام بقرتهم
 المتضمنة من الامامية والحنفية والشافعية والمالكية والحنابلة والزيدية ،

وه دارالتقريب ، حين تشر هذه الرسالة المهداة إليها ، إنما تشر ما لا يتجلى
 فيها من اتفاق بين هاتين الطائفتين العظيمتين من المؤمنين في أصول التبريح ،
 فإن السنة المظهره من أثبت الممد التي يفتي عليها أهل الاسلام جميعاً ، ووثق صحة
 الرواية عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من أي طريق ، كان على
 المؤمنين أن يتقبلوها راضين . وأن يترزوا على حكم الله فيها عتلتين .

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا
 في أنفسهم حرجاً مما قضيت ويقلبوا ثلجها .
 رجب الفروسة ١٣٧٤ هـ (مارس ١٩٥٥ م) - دارالتقريب

رقم القيد ٦٨٤ / ١٥٠١

دار التبريد

بيننا و تاريخ
 حذرة صاحب الفقهية الشيخ قوام الدين الرشتري
 ١٣ من مارس سنة ١٩٥٢

لعمري

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته أما بعد فإن ما لعمري به
 من تحقيق دقيق حول ما ورد في الاحاديث المشتهرة بعموس حد يسسه
 الظالمين المبارك ، مستمنوه في رسالة اهديتوها الى دارالتقريب
 صل بشكر ودقة تعدل على النجوة من المنار ما في الدين ولعمري
 ما في تتبعها من تعجب من وجه شديد

ان هذه الرسالة للبحث في الترحيب والاعتدال ما يلقى بها وارسلت الي
 صلحة (رسالة الاسلام) لتتبع بها فيما اذا تطرق التفسير الي
 هذا الموضع بالذات او في اية فقرة ممكنة اخرى

ومن ان تتحرك على حد يتكلم الطلبة اللبسة عند راكم هذه
 السجون الروائية المتعددة
 والسلام عليكم ورحمة الله

السكوية السلم السلام
 لجماعة التبريد بين الناصب الاسلاميه



قرآن کریم: «آنگاه که فرستادگان ما از پیشرفت کار مایوس شده و گمان کردند که تکذیب شده‌اند یاری ما بسوی آنان آمد».
امیرالمؤمنین علیه السلام: «این در هنگامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام است» (که خداوند پیامبران دین خود را بوسیله آن حضرت یاری می‌کند).

مرحوم آیه‌الله وشنوی پس از ذکر فهرست کتب علماء اهل سنت که این حدیث از آنها نقل شده^(۱) در صفحه ۹ متن حدیث را طبق روایات متعدد آن به اتفاق شیعه و سنی ذکر نموده‌اند که تصاویر صفحات ۹ الی ۱۲ آن را عیناً تقدیمتان می‌نمائیم.

۱- بعضی از کتب اهل سنت که این حدیث را نقل کرده‌اند را براساس آنچه مرحوم آیه‌الله وشنوی ذکر کرده‌اند در اینجا می‌آوریم:

- ۱- صحیح مسلم جلد ۷ صفحه ۱۲۲
- ۲- سنن ترمذی جلد ۲ صفحه ۳۰۷
- ۳- سنن الدارمی جلد ۲ صفحه ۴۳۲
- ۴- مسند احمد بن حنبل جلد ۳ صفحه ۱۴ و ۱۷ و صفحه ۲۶ و ۵۹ و جلد ۴ صفحه ۳۶۶ و ۳۷۱ و جلد ۵ صفحه ۱۸۲ و ۱۸۹
- ۵- خصائص نسائی صفحه ۳۰
- ۶- مستدرک الحاکم جلد ۳ صفحه ۱۰۹ و ۱۴۸ و ۵۳۳
- ۷- کفاية الطالب باب اول صفحه ۱۱
- ۸- الحلیه ابی نعیم جلد اول صفحه ۳۵۵
- ۹- عقد الفرید جلد ۲ صفحه ۳۶۴ و صفحه ۱۵۸
- ۱۰- ذخائر العقبی صفحه ۱۶
- ۱۱- فصول المهمه صفحه ۲۴
- ۱۲- منتخب کنز العمال فی هامش المسند الامام احمد بن الحنبل ص ۹۶ و ۱۰۱
- ۱۳- الکشف و البیان للثعلبی فی تفسیر آیه الاعتصام
- ۱۴- النهایه لابن اثیر الجوزی فی الجزء الاول

القرآن الكريم:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^{١١٧}.

عن الباقر عليه السلام: «في القائم عليه السلام و أصحابه».

نص الحديث

• أيها الناس إنما أنا بشرٌ أوشكُ ، أو يُوشِكُ ، أو إني لأظنُّ ، أن أدعى فاجِباً ، أو أن يأتيني ، أو يأتى رسولُ ربِّي ، فاجِباً ، أو فاجِبُهُ ، أو كأتى قد دُعيتُ فأجبتُ ، وإني ، أو أنا تاركٌ ، أو تركتُ ، أو قد تركتُ ، أو خلّفتُ ، أو مُخلفٌ فيكم ، الثَّقَلَيْنِ ، أو ثَقَلَيْنِ ، أو أمرينِ ، أو الثَّقَلَيْنِ خَلِيفَتَيْنِ ، أو اثنتينِ ، أو ما إن تمسكتم به ، أو ما إن أخذتم به ، أو ما إن اعتصمتم به ، لن تضلوا بعدي ، أو لن تضلوا أبداً ، أو لن تضلوا ، إن اتبتموهما ، أو وإنكم لن تضلوا بعدهما ، وهما كتابُ الله ، وأهلُ بيتي عترتي ، أحدهما انقلُ من الآخر ، أو كتابُ الله ، جبلٌ ممدود ، أو كتابُ الله فيه الهدى والنور ، أو الصدقُ ، أو كتابُ ربِّي وعترتي أهلُ بيتي ، أو وعترتي وهم أهلُ بيتي ، أو وعترتي أهلُ بيتي وقرآبي ، أو أهلُ بيتي ، أو نسبي ؛ وإنهما لن يفترقا ، أو لن يفترقا ، أو أن لا يفترقا ، أو إنهما لقرينان لن يفترقا ، حتّى يردا على الحوضِ ، فانظروا ، أو فاتقوا الله ، وانظروا كيف تخلفوني ، أو تحفظوني فيهما ، أو فانظروا كيف تلحقوا بي فيهما ، أو بهم ، أو بما ، أو ماذا ، أو ما تخلفوني فيهما ، أو إن اللطيفَ الخبيرَ أخبرني ، أو نبأني ، أو أنبأني ، أنهما لن يفترقا حتّى يلتقيا ، سألتُ ذلكَ ربِّي فأعطاني ، فلا تسبقوهم فتهلكوا ،

قرآن کریم : «به آنانکه مظلوم واقع شده‌اند اجازه داده شده است که قیام کنند و خداوند قادر است که آنانرا یاری کند»
 امام باقر علیه السلام : «منظور حضرت ولی عصر علیه السلام و اصحاب آن حضرت است که مورد ظلم قرار گرفته‌اند»

وَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَكْبَرُ مِنْكُمْ ، أَوْ فَاسْتَمْسِكُوا بِهِمَا وَلَا تَنْضَلُوا ؛
 أَوْ لَاتَّهَمَا لَنْ يَنْقُضِيَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ ، أَوْ سَأَلْتُهُمَا رَنِي فَوَعَدَنِي
 أَنْ يُورِدَهُمَا عَلَى الْخَوْضِ ، أَوْ سَأَلْتَهُ ذَلِكَ لَهُمَا وَالْخَوْضُ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ
 بُصْرَى إِلَى صَنْعَاءَ ، فِيهِ مِنَ الْآيَةِ عِدَّةُ الْكِرَاكِبِ ، أَوْ إِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ
 عَهْدَ إِلَى أَنَّهُمَا لَنْ يَنْفَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ كَهَاتَيْنِ ، وَأَشَارَ
 بِالسَّبَابِغِ ، أَوْ إِنِّي فَرَطُكُمْ ، وَإِنَّكُمْ تَبِي ، وَتَوْشِكُونَ أَنْ تَرِدُوا
 عَلَى الْخَوْضِ ، وَأَسْأَلُكُمْ ، أَوْ مِثْلُكُمْ ، حِينَ تَلْقَوْنِي عَنْ ثِقَلِي ، أَوْ إِنِّي
 سَأَلْتُكُمْ حِينَ تَرِدُونَ عَلَى عَنِ الثَّقَلَيْنِ : كَيْفَ خَلَفْتُمُونِي فِيهِمَا ؛ أَوْ وَإِنَّ
 اللَّهَ سَأَلَنِي وَمَسْأَلُكُمْ فَاذًا أَتُمْ قَائِلُونَ ، أَوْ إِنِّي لَكُمْ فَرَطٌ ، وَإِسْمُكُمْ
 وَتَرِدُونَ عَلَى الْخَوْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ ، قِيلَ ، أَوْ قُلْنَا ،
 أَوْ قَالُوا ، وَمَا الثَّقَلَانِ ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : كِتَابُ اللَّهِ طَرَفُهُ
 يَدِ اللَّهِ ، وَطَرَفُهُ بِأَيْدِيكُمْ ، أَوْ قَالَ ، الْأَكْبَرُ ، أَوْ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ ،
 أَوْ الْأَكْبَرُ مِنْهُمَا . أَوْ أَوْلَاهُمَا ، أَوْ أَحَدُهُمَا ، كِتَابُ اللَّهِ ، وَالْأَصْغَرُ ،
 أَوْ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ ، أَوْ وَالْآخِرُ عِزَّتِي فَمَنْ اسْتَقْبَلَ قَلْبِي ، وَأَجَابَ
 دَعْوَتِي ، فَلَيْسَتْهُ صِرَ بِهِمَا خَيْرًا ، أَوْ أَوْصِيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَعِزَّتِي ،
 أَوْ حَبِّبُكُمْ كِتَابُ اللَّهِ وَعِزَّتِي ، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخِرِ ، أَوْ قَالَ إِنِّي
 سَأَلْتُكُمْ عَنِ اثْنَيْنِ : عَنِ الْقُرْآنِ وَعَنْ عِزَّتِي ، أَوْ إِنَّ اللَّهَ سَأَلْتُكُمْ كَيْفَ
 خَلَفْتُمُونِي فِي كِتَابِهِ وَأَهْلِ بَيْتِي ، أَوْ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِ
 لَنْ تَضِلُّوا ، أَوْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي : أَمْرَيْنِ أَحَدُهُمَا

القرآن الكريم : «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليتيه سلطاناً»^{١١٨}
 عن الصادق عليه السلام : «ذلك قائم آل محمد يخرج فيقتل بدم الحسين عليه السلام»^{١١٩}

أكبر من الآخر ، سببُ موصلٍ من السماء إلى الأرضِ ، أو إني تاركٌ
 فيكم الثقلينِ خَلاني : كتابُ الله وعِترتي ، أو قد تركتُ فيكم ما لم تَضِلُّوا
 بعده ، أو إني تركتُ فيكم الثقلينِ ، الثقلَ الأكبرَ والثقلَ الأصغرَ ، وأما
 الثقلُ الأكبرُ فييدُ الله طرفَهُ والطرفُ الآخرُ بأيديكم ، وهو كتابُ الله ،
 إن تمسكتم به لن تَضِلُّوا ولن تَذَلُّوا أبداً ، أو فاستمكوا به فلا تَضِلُّوا ،
 ولا تبدلوا ، أو فتمسكوا به لن تُزَلُّوا ولن تَضِلُّوا ، وأما الثقلُ الأصغرُ
 فعترتي أهلُ بيتي ، أو أَلَا وعِترتي ، أو أذكركم الله في أهل بيتي ، قالها
 مرَّةً ، أو مرَّتين ، أو ثلاثَ مراتٍ ، أو إنَّ الله عزَّ وجلَّ أوحى
 إليَّ أني مقبوض ، أقولُ لكم قولاً إن عملتُم به نجوتُم ، وإن
 تركتُموه هلكتُم ، إنَّ أهل بيتي وعِترتي هم خاصتي وخاصتي ، وإنكم
 مسؤلون عن الثقلينِ : كتابِ الله وعِترتي ، إن تمسكتم بهما لن تَضِلُّوا ،
 أو إنكم لن تَضِلُّوا إن اتبعتُم واستمسكتم بهما ، أو إني تاركٌ فيكم
 كتابَ الله وعِترتي أهل بيتي ، فهما خَليفتان بعدي ، أحدهما أكبرُ من
 الآخرِ ، أو إني تاركٌ فيكم الثقلينِ : كلامُ الله وعِترتي ، ألا فتمسكوا
 بهما ، فإنهما خَبْلان لا يَنْقَطِعان إلى يومِ القِيامة . وقال (١)

«أياها الناس ، يُوشِكُ أن أقبضَ قبضاً سريعاً فينطلقَ بي وقد
 قدمتُ إليكم القولَ معذرةً إليكم ، ألا إني مُخلفٌ فيكم كتابَ رَبِّي
 عزَّ وجلَّ وعِترتي أهل بيتي ، ثم أخذ يد علي فقال هذا علي مع القرآن ،
 والقرآن مع علي لا يفترقان حتى يردا على الحوض ، فاستأجرتُ ما خلفتُ فيهما .»

قرآن کریم: «کسی که مظلومانه کشته شده باشد برای ولی او قدرتی قرار می‌دهیم تا انتقام او را بگیرد».
امام صادق علیه السلام: «منظور حضرت قائم آل محمد علیه السلام است که به خونخواهی امام حسین علیه السلام برخواهد خواست».

«ترجمه حدیث»

لازم به ذکر است به دلیل آنکه این حدیث شریف با جملات مختلف ولی مترادف و هم معنی و شاید در موارد متعدد از سوی آن حضرت بیان شده است و راویان حدیث شریف خواسته‌اند تمامی نقلها را منعکس نمایند قسمتی از جملات آن تکرار جملات قبل بنظر می‌رسد که ما هم به همان دلیل یعنی حفظ تمام جملات حدیث در موارد متعدد، ترجمه جملات مکرر آن را حذف نمی‌کنیم.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای مردم، من هم بشری هستم که نزدیک است از میان شما بروم و نزدیک است فرستاده پروردگارم بسوی من آید و من دعوت او را اجابت کنم.

و من در میان شما دو چیز گرانبها و دو محور اساسی و جانشین باقی می‌گذارم که اگر به آن تمسک جوئید و بوسیله آن خود را از خطا حفظ و از آن دو پیروی نمائید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد.

آن دو، یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت و خاندان مخصوص من می‌باشند که یکی از دیگری سنگین‌تر است.

کتاب خدا ریسمانی متصل از سوی خداست که در آن هدایت و نور و راستی است و عترتم، خاندانم هستند که این دو هرگز از هم جدا نشده و با یکدیگر قرین و متحد خواهند بود تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

القرآن الکریم :

«أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ» ۱۲۰

پس بنگرید و خدا را در نظر داشته باشید که چگونه پس از من با آندو رفتار می‌کنید و چگونه حرمت مرا در باره آن دو رعایت می‌کنید و چگونه در قیامت درباره آن دو با من روبرو خواهید شد.

خداوند پر لطف و محبت که از همه چیز آگاه است به من خبر داده است که ایندو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا مرا ملاقات نمایند که من از خدا چنین خواستم و او بمن عنایت فرمود که چنین باشد.

بنابراین از آنان پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و به آنان چیزی نیاموزید که آنان از شما داناترند.

آری! خدای لطیف و خبیر با من چنین قرار گذاشته است که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند همانطور که این دو انگشتم از هم جدا نمی‌شوند و آماده باشید که در کنار حوض (قیامت) از شما در باره آنان خواهم پرسید که با آنان پس از من چگونه رفتار کردید پس نیک بنگرید که چه خواهید کرد و چه پاسخی برای من آماده خواهید نمود."

به آن حضرت عرض شد که این دو امر مهم و گرانبها و محور زندگی چه چیز هستند؟

آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند :

" یکی کتاب خدا که یک طرفش به دست خدا و طرف دیگرش در دست شماست.

قرآن کریم: «آیا چه کسی است که دعای مضطر را اجابت کند و ناراحتی را از او بردارد؟»
از خاندان عصمت علیهم السلام روایت شده است که: «منظور حضرت قائم علیه السلام است
که در مسجد الحرام نماز خوانده و از خدا می خواهد فرجش را برساند».

کتاب خدا محور و امر مهمتر و گرانبها تر است.

و دیگری عترت من است که ثقل اصغر است.

پس هر کسی که مسلمان است و بسوی کعبه نماز می خواند و سخنم را پذیرا شده

است باید در باره این دو سفارش به نیکی رفتار کند.

من شما را به کتاب خدا و عترتم سفارش و وصیت می کنم.

کتاب خدا و عترت من برای شما از همه چیز کفایت می کند که یکی از دیگری

بزرگتر است.

من از این دو از شما سؤال خواهم کرد، از قرآن و عترتم.

خداوند از شما خواهد پرسید چگونه در کتاب او و اهل بیت من پس از من رفتار

کردید.

من در میان شما چیزی بجا می گذارم که مادامی که به آن متمسک باشید پس از من

هرگز گمراه نخواهید شد که دو امر هستند یکی از دیگری بالاتر و همان راه اتصال

بین آسمان و زمین (قرآن) است مبادا آنها را تغییر دهید که هرگز لغزش پیدا نخواهید

کرد و گمراه نخواهید شد.

و اما امر کوچکتر و محور دوم عترت و اهل بیتم هستند.

مبادا حکم و سفارش پروردگار در باره عترتم را فراموش کنید.

آن حضرت این سخن را یک یا دو یا سه مرتبه تکرار فرمود.

عن مولانا المهدي عليه السلام :
«... و قد قال النبي ﷺ المستحل من عترتي ما حرم الله ملعون على لسان
كل نبي مجاب»^{۱۲۱}

خداوند به من وحی فرموده است که از میان شما رحلت خواهم نمود. به شما سفارشی می‌کنم که اگر به آن عمل کنید نجات می‌یابید و اگر آنرا عمل ننمائید هلاک می‌شوید.

بدانید که اهل بیت و خاندانم همان نزدیکان مخصوص و عزیزانم هستند و شما در باره این دو ثقل گرانها سؤال خواهید شد.

کتاب خدا و عترتم که اگر به هر دو با هم متمسک شوید هرگز گمراه نخواهید شد. این دو ریسمانی هستند که از خدا به خلق متصل‌اند که تا روز قیامت قطع نخواهند شد.

مردم من به زودی و سریع از میان شما خواهم رفت و من سخن خویش را به عنوان اتمام حجت بیان کردم تا عذری نداشته باشید من در میان شما کتاب پروردگار عزیز و جلیل و عترتم را باقی خواهم گذاشت."

آنگاه دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

"این علی با قرآن و قرآن همیشه با اوست و هیچگاه از هم جدا نخواهند شد تا در کنار حوض با من ملاقات نمایند."

این بود متن حدیث با روایات متعدد آن که ترجمه آنها را ذکر کردیم و حتی ابن حجر^(۱) در کتاب صواعق محرقه گفته است: هیچ مانعی ندارد که پیامبر اکرم ﷺ در

۱- از مهمترین علماء اهل سنت و پایدارترین آنان بر این مذهب می‌باشد.

امام زمان ارواحنفاذ: «پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هرکس از خاندانم چیزی را کسبه که خداوند بر دیگران حرام فرموده حلال بداند بر زبان من و هر پیامبری ملعون و از رحمت خدا به دور است».

موارد متعددی (مانند غدیر خم، عرفه، مدینه) این سخن را تکرار نموده تا مقام قرآن و عترت طاهره را بزرگ شمرده باشد.^(۱)

بعضی از نکات مهم که آیه الله و شنوی رحمته در این جزوه بر شمرده اند اینهاست:

۱- "طرقی (راهپائی) که این حدیث را نقل کرده اند به شصت یا بیشتر از آن می رسد".

«گفتار ابن حجر در صواعق پیرامون ثقلین»

۲- ابن حجر در صواعق گفته است:

"رسول خدا ﷺ قرآن و عترت خود - عترت، اهل و فرزندان و نزدیکترین خویشاوندان می باشند - را ثقلین نامیده است بدان جهت که «ثقل» هر چیز گرانبها و نفیس و از بلا و اتلاف دور نگه داشته شده را می گویند و این دو - کتاب خدا و عترت - چنین هستند زیرا:

هر یک از آن دو معدن علوم دینی و اسرار و احکام شرعیه هستند

و لذا آن حضرت تأکید فراوان نموده که مردم از آنها پیروی کرده و از آنان علوم را فراگیرند و فرموده است:

حمد خدائی را که حکمت را در ما اهل بیت قرار داد.

ابن حجر گفته است: و این را روایت قبل تایید می کند که فرمود "به آنان چیزی

۱- نقل از کتاب مرحوم آیه الله قوام الدین و شنوی ص ۱۳

عن مولانا المهدی رحمته :

«... فن ظلمنا حقنا كان في جملة الظالمين لنا»^{۱۱۱}

نیاموزید که آنان از شما داناترند ."

و بدینوسیله آنان (اهل بیت) از بقیه علماء متمایز می شوند زیرا خداوند از آنان پلیدی را برداشته و تطهیرشان نموده و از هر گونه ناپاکی به کرامات روشن و امتیازات فراوان مشرف و گرامی داشته است.

سپس ابن حجر می گوید: "سزاوارترین کسیکه باید از اهل بیت به او متمسک شد پیشوا و دانشمند عالم آنان علی بن ابی طالب کرم الله وجهه می باشد چرا که گفتیم علمش فراوان و فهمش دقیق بوده است و لذا ابوبکر گفته: علی عترت رسول الله صلی الله علیه و آله است که آن حضرت مردم را سفارش بسیار به تمسک و پیروی از آنان نمود و هم چنین آن حضرت به آنچه در عید غدیر خم فرمود، علی علیه السلام را مخصوص نمود و نیز به این مطلب او را مخصوص نمود که فرمود: از آنان (عترت) پیشی نگیرید که هلاک می شوید و از آنان عقب نمانید که باز هلاک می شوید و به آنان چیزی نیاموزید که آنان از شما عالم ترند.

ابن حجر گوید: این جمله "به آنان چیزی نیاموزید زیرا از شما عالم ترند" دلیل بر آن است که از میان اهل بیت آنانکه مراتب علمی و وظائف دینی را بیش از دیگر افراد اهل بیت احراز کرده اند شایسته تر و مقدم بر دیگر اهل بیت اند.

ابن حجر در شعری که ترجمه آن چنین است گفته: ای آل بیت پیامبر قلب من هیچگاه در اثر ناملایمات از شما جدا نمی شود و گفته است: ... انسان باید تأمل کند

امام زمان ارواحنافداه :

«آنکس که به حق ما ظلم کند در ردیف ظالمین به ما قرار می‌گیرد.»

که وقتی آن حضرت عترت و اهل بیت را با قرآن قرین و همراه همیشگی قرار داده بدان جهت بوده که پیروی و تمسک به هر دو انسان را از گمراهی بازداشته و به کمالات می‌رساند.

مرحوم آیه‌الله و شنوی رحمه‌الله‌علیه در این جزوه از قول مرحوم صاحب "عبارات" که از مشهورترین و مهمترین کتابهای علماء شیعه پیرامون ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است اسامی دهها تن از اصحاب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سپس علماء بزرگ اهل سنت در قرنهای دوم تا سیزدهم را برمی‌شمرد که از صد نفر می‌گذرد.

«یگانگی قرآن و عترت»

با توجه به مثالی ساده حقیقت بسیار مهم یگانگی قرآن و عترت را از بُعد عمیق علمی آن بررسی می‌کنیم.

آیا تاکنون به لامپ و نور آن توجه نموده‌اید؟

آیا دیده‌اید که چگونه شیشه لامپ محفظه و پایگاهی برای پخش نور است؟
حتماً تجربه نموده‌اید که نور و انرژی موجود در سیم برق اگر از طریق لامپ ظاهر نگردد بدون آنکه دیده شود در سیم برق خواهد ماند و نوری منتشر نخواهد شد.
مثل قرآن و عترت چنین است: قرآن کلام پروردگار است^(۱) و کلام پروردگار نور و

۱- ما برای خوانندگان غیرمسلمان و یا آنانکه می‌خواهند بدانند قرآن چگونه کلام پروردگار است بطور کوتاه و فشرده عرض می‌کنیم:

قرآن معجزه‌ای زنده از سوی پروردگار تا روز قیامت است تا رسالت پیامبرگرامی اسلام را ثابت نماید چراکه خداوند هر پیامبری یا جانشین معصوم پیامبر مانند حضرت علی و بازده فرزند معصومش علیه‌السلام را با مهر طاب‌الله‌علیه

عن امیر المؤمنین علیه السلام :

«صاحب هذا الامر الشريد الطريد الفريد الوحيد»^{۱۱۳}

تایید و رسمی خود که معجزه است تأیید فرموده تا کسی در اینکه آنان نماینده حجت پروردگارانند شک نکند و نگوید خداوند راهنمایی برای ما نفرستاده و ما گمراه شدیم.

معجزه بودن قرآن به عنوان آخرین کلام الهی نیز بسیار روشن است زیرا :

الف : معجزه است، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جانی زندگی می کرد که هیچ کس سواد خواندن و نوشتن نداشت. و هیچ کس به او چیزی تعلیم نداده بود و در نزدیکی مکه هم شهر نزدیکی برای فراگیری درس نبود و دشمنان آن حضرت نیز به همه اینها معترف بودند و در عین حال همه مشاهده نمودند که این شخص درس نخوانده و معلم ندیده علاوه بر آنکه قادر است به هفتاد زبان بخواند و بنویسد ولی مهمتر آنکه کتابی عظیم با بیش از شش هزار آیه آورده که تا امروز که چهار ده قرن از آن زمان می گذرد همگان را در برابر حقایق علمی خویش عاجز نموده است.

ب : معجزه است زیرا اگر بر فرض پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگترین دانشمند جهان و نزد صدها معلم و استاد درس خوانده بود ولی آوردن چنین کتابی از افکار بشری نه در آن زمان و نه در زمانهای آینده از سوی هیچ دانشمندی ممکن نبوده و نیست، پس اگر فرضاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درس هم خوانده بود چنین کتابی نمی توانست بیاورد و عظمت آیات قرآن و اینکه هم اکنون تمام دانشمندان از آوردن مثل این قرآن عاجزند گویای این مطلب است.

ج : معجزه است زیرا هم اکنون و بلکه از چهارده قرن قبل تا بحال احدی نتوانسته و نمی تواند حتی یک سوره مثل قرآن بیاورد.

د : معجزه است زیرا از خبرهای آینده بطوری که همه شاهد صدق و تحقق یافتن آن بودند سخن گفت مثل جنگ ایران و روم.

هـ : معجزه است زیرا هیچکس ادعا نکرده این قرآن از من است نه انسانها، نه جن، نه ملائکه، نه حیوانات، نه جمادات، و حتی خود پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هم آنرا از جانب خود نمی داند و خلاصه آنکه : احدی در عالم هستی قرآن را از جانب خود معرفی نکرده مگر خداوند عالم و این خود صدای رسائی است بر

امیرالمؤمنین علیه السلام :

«حضرت ولی عصر علیه السلام که صاحب حکومت جهانی حق است چنان مظلوم است که پیوسته در غربت بسر برده و تنهای تنها زندگی می کند». (ناظهور فرماید).

علم حقیقی است که باید توسط یک انسان معصوم از خطا منتشر گردد چرا که اگر علوم مورد نیاز بشر (که به عهده خداوند است) در دست انسان غیر معصوم قرار گیرد، علم داده شده مورد سوء استفاده انسان غیر معصوم قرار گرفته یا استفاده اشتباه از آن خواهد نمود. همانطور که جامعه بشری این حقیقت را امروز به عینه مشاهده می کند انسانها چگونه از علم و قدرت اتم و بسیاری قدرتهای کشف شده علمی دیگر سوء استفاده می نمایند بنابراین علم این سلاح قدرتمند سعادت و ثروت باید در دست انسان معصوم باشد تا مورد سوء استفاده انسانها قرار نگیرد و این مقدار از علوم داده شده به انسان امروز از سوی خداوند برای فهم این حقیقت است که انسان غیر معصوم از علم سوء استفاده، یا به اشتباه از آن استفاده نموده و حیات کره زمین را به مخاطره خواهد افکند.

علاوه بر این آنچه جامعه و فرد را سعادت مند می نماید، حقایق و علوم معنوی و بیان راههای هدایت است که یقیناً باید توسط یک انسان معصوم از خطا انتشار یابد چرا که مردم انسان خطاکار را الگوی کامل برای خود قرار نخواهند داد.

آنکه قرآن فقط از جانب خداست .

و : معجزه است زیرا اگر از جانب غیر خدا بود اختلافات زیادی در آن مشاهده می شد.

ز : معجزه است زیرا اگر از جانب غیر خدا بود، خداوند چون هدایت کننده مخلوقات خویش است آنرا تکذیب می نمود همانطور که یک رئیس جمهور قدرتمند که هیچکس نتواند مقابل او بایستد وقتی ببیند در روزنامه ای سخنی را به دروغ به او نسبت داده اند فوراً آنرا تکذیب می کند تا مردم به اشتباه نیفتند.

ح : و معجزه است زیرا بقدری حقایق علمی در آن نهفته است که خود مطالب آن گویای آن است که فقط از جانب خدا نازل شده و هیچ کس از مخلوقات و انسانها نمی تواند چنین چیزی بگوید و هیچ سخن خلاف عقل در آن یافت نمی شود.

دعاء الندبة :

«و لما قضى نجه و قتله اشق الاشقياء من الأولين و الآخرين يتبع اشق الأولين لم يمتثل
امر رسول الله ﷺ في الهادين بعد الهادين» ۱۲۴

«قانون مجری می خواهد»

و علاوه بر همه اینها آن انسان کامل و معصوم باید در کنار قرآن باشد زیرا قرآن قانون اساسی زندگی بشر تا قیامت است و قانون اساسی بدون مجری، ضامن اجرایی ندارد و هیچکس به آن تن نخواهد داد و هرکس به تفسیری که خود از آن می نماید، عمل خواهد نمود پس باید یک مجری معصوم از خطا و عالم به همه چیز در کنار قانون وحی باشد تا هم حافظ این قانون اساسی و هم مجری آن باشد.

بر همین اساس پیامبر گرامی اسلام ﷺ (طبق حکم عقل و قرآن) سفارش اکید به عدم جدائی این دو از هم نموده اند زیرا هر یک بدون دیگری بی فایده و بی اثر خواهد گشت. همانگونه که برق موجود در سیم بدون لامپ قادر به نورافشانی نیست و لامپ نیز بدون نیروی برق نوری از خود منتشر نخواهد کرد.

«ریشه تمام نابسامانها»

حدیث ثقلین تمام دردهای جامعه بشری، از گمراهی و انحراف عقیده تا قتل و جنایت و جنگهای وحشتناک و گرسنگی و فقر و مرض و همه نابسامانیهای بشر را ناشی از کنار گذاشته شدن قرآن و عترت و جدا نمودن این دو از هم از سوی انسانها می داند.

آری شیطان دید اگر نور قرآن که از زبان و عمل عترت منتشر می شود به جامعه بشری برسد دیگر کسی در دام او نخواهد افتاد و نمی توان اموال و آبرو و انسانیت را دزدید و از بین برد پس باید این نور پخش نشود که خداوند متعال هم به این حقیقت چنین اشاره فرموده است که :

دعای ندبه :
«آنگاه که علی علیه السلام از دار دنیا رحلت فرمود و به دست شقی ترین افراد بشر که از او شقی تر در تاریخ یافت نمی شد و او پیرو پیشوایان شقاوت و بدی بود، فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امامان معصوم علیهم السلام که باید خلافت در دست آنان باشد اجراء نگشت». (و جهان از نور وجود آنان محروم گشت).

”یریدون لیطفوا نورالله بافواهم والله متم نوره ولو کره الکافرون.“^(۱) آنان می خواهند نور خدا را با زبانهایشان (تبلیغات فریبنده و سوء) خاموش سازند در حالیکه درک نمی کنند که خداوند در صدد پخش و انتشار کامل نور خود است گرچه کافران را بد آید.

«نتیجه آنکه»

عقل هر انسانی این حقیقت را مورد تصدیق قرار می دهد که سخن پروردگار باید در هر زمانی تا روز قیامت توسط یک انسان کامل (که عصمت و علم بی پایان او به حقایق از سوی خداوند تایید شده باشد) حفظ و تفسیر گردد و الا افراد مختلف کلام پروردگار را به نظر خود تفسیر نموده و خدا و دین خدا را همان نظریات خود می دانند و نتیجه آن همین شده که می بینیم هفتاد و چند فرقه در امت اسلام بوجود آمد زیرا قرآن و امام (عترت) را از هم جدا کردند و قرائتهای مختلفی از اسلام به دنیا ارائه شد که صد درصد با هم متضاد بود و هرکس اسلام را به نفع خود تفسیر کرد که در این میان نور حقیقی اسلام تنها از لامپ درخشان و پرنور اهل بیت عصمت علیهم السلام پخش و دلهای مردم را روشن نموده و می نماید.

بنابراین اگر قرآن و عترت از لحاظ محتوی با هم یکی و مفسر یکدیگر نباشند، جامعه بشری راه هدایت را گم کرده و بی نور خواهد ماند.

دعاء الندبة:

«و الأُمَّة مُصْرَةٌ عَلَى مَقْتِهِ، بِمَجْتَمَعَةِ عَلَى قَطِيعَةِ رَحْمِهِ وَأَقْصَاءِ وَلَدِهِ» ۱۲۵

پیام قرآن و عترت: «ایجاد حکومت جهانی»

جامعه بشری برای رسیدن به سعادت باید مانند دانش آموزی باشد که کتاب خدا را کتاب درسی (دروس انسانیت و زندگی صحیح) قرار داده و آنرا از معلم مهربان و دلسوز و معصوم از خطا فراگیرد و البته این فراگیری باید در محیطی آرام باشد توضیح این مطلب آن است که بگوئیم:

کتاب درسی همان قرآن و کلام پروردگار است که حقایق تورات و انجیل و زبور و کتابهای آسمانی را در بردارد و در حقیقت جامع تعالیم همه انبیاء است که تمامی آنها از سوی پروردگار بسوی بشر فرستاده شدند و با آمدن پیامبر اسلام ﷺ خداوند خواست تمام کتب آسمانی در یک کتاب جمع شده و بشریت یک زبان بین المللی داشته باشند و همه یک کتاب درسی داشته و گروه گروه نشوند تا مبادا با هم اختلاف نموده و به سعادت یکدیگر لطمه بزنند.

معلم نیز همان عترت یا خاندان پیامبر اکرم ﷺ است که پس از پیامبر اکرم ﷺ باید درسهای انسانیت و حقیقت و پیشرفت مادی و معنوی را به بشر بیاموزند، معلمین بشر عبارتند از:

۱- حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مسلمانان او را به عنوان مفسر قرآن و یک انسان معصوم می شناسند.

۲- حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام داماد پیامبر و پدر یازده امام پس از خود.

۳ و ۴- امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام که فرزندان علی و فاطمه زهرا علیهما السلام و معصوم بودند.

۵- ۱۴- نه امام معصوم که پس از حضرت امام حسین علیه السلام به ترتیب آمدند به

دعای ندبه :

«خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام چنان مورد بی‌مهری مردم واقع شدند که امت پیامبر
اصرار داشتند آنان را از میان بردارند و نسل آنان را نابود نمایند».
(تا هواهای نفسانی خود را بر بشر حاکم نمایند).

نامهای علی بن الحسین (امام سجّاد علیه السلام)، محمد بن علی (امام باقر علیه السلام)،
جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام)، موسی بن جعفر (امام کاظم علیه السلام)، علی بن موسی
(امام رضا علیه السلام) محمد بن علی (امام جواد علیه السلام)، علی بن محمد (امام هادی علیه السلام)
حسن بن علی (امام عسکری علیه السلام)، و حجة بن الحسن القائم المهدی (امام زمان
ما علیه السلام یا منجی آخر الزمان و مصلح کل جهان).

«اما مدرسه و کلاسهای آن»

مدرسه محلی است که معلم و دانش‌آموزان در آن استقرار یافته و با نظم مشخصی
به تدریس و تحصیل می‌پردازند.

باید به این حقیقت اعتراف کنیم و مجامع بین‌المللی اکنون به بحث پیرامون این
نکته و مصیبت تلخ پردازند که مدرسه‌ای که در آن حقایق وحی و سخنان پروردگار به
عنوان قوانین سعادتبخش در زندگی مادی و معنوی تدریس شود، تنها یک حکومت
واحد جهانی توحیدی است که از آن محروم هستیم.

جهان تنها با یک حکومت واحد می‌تواند به مدرسه‌ای تبدیل شود که معلمین
انسانیت در آن به تدریس پردازند چنانکه دانشمندان غیرمسلمان نیز به این حقیقت
اعتراف نموده‌اند.

البته درب و دیوار و ساختمان این مدرسه موجود است (کره زمین با همه
امکاناتش) ولی چه فایده که شیطان، مردم (یعنی دانش‌آموزانی که باید در این مدرسه
درس بخوانند) را از کلاسها فراری داده و آنانرا به بازیهای بیهوده کشانده و حتی
عده‌ای را به مخالفت با معلمین مدرسه خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و کتاب
درسی آن (قرآن کریم) وادار نموده است.

دعاء الندبة :

«فعلى الاطائب من اهل بيت محمد و على صلى الله عليها و آلهما فليبك الباكون»^{۱۲۶}

شیطان به هزاران نفر شخصیت کاذب داده و آنانرا تشویق به ایجاد حکومت‌های کوچک و بزرگ نموده تا این مدرسه در نظم واحدی قرار نگیرد و یک حکومت و نظام عادلانه در آن ایجاد نشود که اگر چنین شود (حکومت واحد الهی تحقق یابد) عمر شیطان تمام است زیرا دانش آموزان همه بر سر کلاس حاضر شده و دیگر به سوی شیطان نخواهند رفت و در نتیجه کار و کاسبی شیطان کساد شده و مهلتش تمام خواهد شد.

شیطان مردم جهان را به گروه‌های بسیار زیادی تقسیم و هریک را مخالف دیگری نموده، تا از این تفرقه طبق سیاست استعماری "تفرقه بینداز و حکومت کن" بهره ببرد و بر قلوب میلیاردها نفر حکومت شیطانی نموده و حرف خود را به کرسی بنشانند که خدایا من همه فرزندان آدم را گمراه نمودم.

و لذا پیام قرآن (کتاب درسی) و عترت (معلمین مهربان) این است که ابتداء باید مدرسه‌ای بنام حکومت عدل جهانی تحقق یابد تا ما در آن به تدریس پردازیم چنانکه انبیاء گذشته نیز بر این مطلب تأکید داشته‌اند.

انبیاء گذشته به ظهور رئیس حکومت واحد جهانی یعنی حضرت مهدی موعود علیه السلام بشارت و از حتمی بودن ایجاد چنین حکومتی خبر دادند زیرا اگر بنا بود این حکومت تحقق نیابد خداوند انسانها را خلق نمی فرمود. آیا معنی دارد دولت از دانش آموزان ثبت نام بعمل آورد ولی کلاس و مدرسه و کتاب درسی و معلم برایشان آماده ننماید؟ این محال است و لذا ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام وعده حتمی خداوند به بشریت است.

دعای ندبه :
«گریه کنندگان باید بر (سرچشمه اصلی مصیبت‌های جامعه بشری یعنی) از دست رفتن امامان معصوم از خاندان حضرت محمد و علی که رحمت‌های بی‌پایان الهی بر آنان باد، بگریند». (اگر جهانیان از این دوازده امام علیهم‌السلام محروم نمی‌شدند از هزار سال پیش جهان سرشار از صلح و صفا و عدالت می‌گردید).

«شروع به کار مدرسه وحی»

انبیاء گذشته بعثت پیامبر اسلام را آغاز بازگشائی و زمینه‌سازی این مدرسه یا حکومت واحد جهانی دانسته که از میان این پیامبران بالاخص حضرت عیسی بن مریم علیه‌السلام با نشانه‌های روشن و معجزات گوناگون مردم جهان را آماده پذیرش اسلام نمود و به ظهور یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود علیه‌السلام به عنوان پسر انسان خبر داد.

در حقیقت مجموع پیامبران به مانند مجموعه معلمین و اساتید تعیین شده از سوی دولت در مدرسه و دانشگاه هستند که همّت همه آنها رساندن دانش‌آموزان از اول دبستان به دانشگاه و فارغ‌التحصیل شدن آنهاست.

چنانکه اشاره شد همه انبیاء تلاش خود را در جهت ارتقاء رشد فکری بشر متمرکز نمودند تا هر یک بشریت را جلو برده و به دانشگاه اصلی که همان حکومت واحد جهانی است برسانند.

تا آنکه وقت بازگشائی این دانشگاه عظیم فرا رسید.
اسلام عزیز آمد تا مردم را آماده ورود به این دانشگاه نماید.

«بوستان پر از گل»

اگر جامعه بشری را به بوستانی با ظرفیت میلیاردی درخت و گل (انسانها) تشبیه کنیم، خاندان عصمت علیهم‌السلام وظیفه داشتند کاری کنند که هرچه زودتر این نهالها به درخت پرمیوه تبدیل شوند.

هر انسانی درختی باشد با هفتاد و پنج نوع میوه شیرین.
میوه محبت، خوش روئی، پاکیزگی، نیکوکاری، گذشت از دیگران، انس با خداوند،

القران الکریم :
 «وَلَمَّا نَسَرَ بَعْدَ ظَلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»^{۱۳۷}
 عن ابی جعفر علیه السلام : «ذَلِكَ الْقَائِمُ علیه السلام ، إِذَا قَامَ أَنْتَصَرَ مِنْ بَنِي أُمِّيهِ وَ مِنَ الْمَكْذِبِينَ وَ النَّصَابِ».

درک حقایق معنوی و ... که این میوه‌های هفتادوپنجمگانه (صفات حمیده انسانی) را در بحث طبیب بشر در جدولی جداگانه ذکر نمودیم. روشن است این صفات شایسته، میوه‌های حقیقی زندگی انسان می‌باشند. کفایت یک صفت از هفتادوپنج صفت مذکور در وجود انسان تحقق یابد تا طراوت و شادابی به زندگی ببخشد. مثلاً اگر انسان بکوشد تحت تربیت انبیاء صفت " محبت به خلق " را در خود بوجود آورد چه باغها و بوستانها و چه شهرها و روستاها و چه خانه‌هایی را آباد و پرتراوت و چه دلپائی را خوشحال خواهد نمود. پیام قرآن و عترت آن بود که این بوستان با ظرفیت کاملش به ثمر بنشیند. حکومت واحد جهانی تحقق یابد تا آب معرفت و علم به میلیاردها نهال آن برسد و هیچ درختی (هیچ انسانی) بدون آب زلال معرفت که از منبع علم الهی و توسط خاندان عصمت علیهم السلام جاری شده است باقی نماند. ولی افسوس که این نهالها (انسانها) بدان جهت که اختیار داشتند و خداوند به آنها فرصت انتخاب داده بود که یا سبزی و طراوت را انتخاب کنند و یا خشکی و هیزم جهنم شدن را، در زمانی که فرصت انتخاب داشتند خشکی و هیزم جهنم بودن را بنا به وسوسه شیطان و خواسته‌های دل خود انتخاب نمودند.^(۱) یا اگر انتخاب نکردند در

۱- چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: (سوره دهر آیه ۳)

" ما راه راست را به انسان نشان دادیم. این انسان است که یا از ما قدردانی کرده و راه راست را برمی‌گزیند و یا

لطف ما را نادیده گرفته خود را به انحراف و تباهی می‌افکند."

و نیز می‌فرماید: (سوره بقره آیه ۲۳ و ۲۴) ﴿

قرآن کریم: «کسیکه برای باز پس‌گیری حقش پس از آن که ظلم به او شده باشد قیام کند هیچ اشکالی متوجه او نیست».
امام باقر علیه السلام: «منظور حضرت قائم علیه السلام است که وقتی قیام فرماید از دشمنان خدا و خاندان عصمت علیهم السلام انتقام خواهد گرفت».

مقابل شیطان و پیروانش که مانع از ورود آب به نهالستان شدند سکوت کردند. (در مقابل بسته شدن درب علم خاندان عصمت علیهم السلام سکوت کردند تا جائیکه بهترین انسان حضرت سیدالشهداء علیه السلام به شهادت رسید و این خاندان آواره و شهید و مسموم شدند).

پیام قرآن و عترت سرسبزی و طراوت این بوستان است.

«یک حقیقت ناگفته در مظلومیت خاندان عصمت علیهم السلام»

یکی از حقایق ناگفته آن است که مظلومیت خاندان عصمت علیهم السلام از آن رو باید مورد توجه قرار گیرد که آنان نتوانستند در مدرسه انسان سازی یعنی کره زمین، دروس انسانیت را تدریس و افراد بشر را به تربیت الهی تربیت نمایند، لذا مظلوم هستند همانطور که وقتی یک معلم دلسوز و مهربان بر سر کلاس حاضر می‌شود و به مجرد ورود به کلاس او را از آنجا بیرون کرده، به او جسارت و توهین می‌نمایند و نمی‌گذارند تدریس خود را انجام دهد به او ظلم شده است.

در اینجا ممکن است مظلوم واقع شدن این معلم را از دو بعد مورد توجه قرار دهیم. یکی آنکه به او توهین و جسارت شد.

دوم آنکه او نتوانست وظیفه اصلی خود را انجام دهد و دانش آموزان را درس داده

«چنانچه در قرآنی که بر بنده خود (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کرده‌ایم شک دارید، پس یک سوره مانند قرآن بیاورید (به شرط آنکه از خدا و کلام او استفاده نکنید و بگوئید یک سوره آورده‌ایم بلکه) از غیر خدا بر کار خود شاهد بیاورید اگر راست می‌گوئید، و لذا چون هرگز نخواهید توانست چنین کاری کنید (چون قرآن معجزه ماست) پس در قرآن شک نکنید و تسلیم حق شوید و از آنشی که هیزمش مردم بی‌ایمان و کافر و نیز سنگهای جهنمی است بپرهیزید این آتش (جهنم) برای کافران که حق را نمی‌پذیرند آماده شده است.»

عن الصادق عليه السلام :

«صاحب هذا الامر تعمي ولادته علي (هذا) الخلق لثلا يكون لاحد في عنقه بيعة اذا خرج»^{۱۲۸}

و با سواد نماید زیرا حقّ او آن بود که در مقام تدریس قرار گیرد و تمام دانش آموزان ساکت و دقیق به او توجه و از علمش استفاده نمایند. که انشاءالله تعالی پس از ظهور منجی بشر حضرت صاحب الزمان عليه السلام و آرام شدن کلاس همه علوم حقیقی توسط آن حضرت و خاندان عصمت عليهم السلام به سوی بشر سرازیر و جهان تا روز قیامت سرشار از صلح و صفا و عدالت و امنیت و صفات خوب انسانی خواهد گردید.

«کلاس را آرام کنیم»

اکنون برماست که بطور اجتماعی بپاخیزیم و خواستار حکومت جهانی منجی عالم بشریت شویم و این خواسته را با آرام نمودن کلاس درس زندگی خود که تلاش برای گفتگو از حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه در مجامع بین المللی و اصلاح اخلاق و اعمال خویشتن است به انجام رسانیم.

بنابراین اولین کاری که همه دولت‌ها و ملت‌ها باید انجام دهند این است که برای آرام شدن کلاس (تحقق حکومت واحد جهانی به رهبری حضرت بقیة الله ارواحنا فداه) قدم بردارند و هرچه بیشتر از آن حضرت و ظهور مقدّسش سخن بمیان آورند که بدون آرامش کلاس، درس برقرار نخواهد شد.

«سیاست بازان با پیام قرآن و عترت چه کردند»

کاری که سیاست بازان و فریبکاران کردند آن بود که مردم جهان را از تعالیم خاندان عصمت و طهارت عليهم السلام که تعالیم همه انبیاست محروم نمودند.

آنان معتقدند مردم باید از سواد معنوی و تعالیم انبیاء بی بهره باشند تا در اثر دوری از حقیقت پذیرای سیاست‌های شیطانی آنان شوند. مگر نمی بینیم اشخاص محروم از

امام صادق علیه السلام :
«صاحب حکومت جهانی حق (حضرت ولی عصر علیه السلام) ولادتش بر مردم مخفی خواهد بود تا کسی نتواند بر او تسلط یابد و او آزاد و رها از اطاعت هر حاکمی است تا بتواند قیام جهانی خود را انجام دهد».

سواد ظاهری مدرسه‌ای چقدر در معرض فریبکاری شیطان سیرتان هستند، اگر انسان از سواد حقیقی مدرسه انبیاء محروم باشد حقیقتاً شیطان او را چنان خام کرده و گول می‌زند که در این دنیا متوجه آن نمی‌شود، بلکه در صحرای قیامت می‌فهمد چه ضرر عظیمی نموده و باید عذاب الهی را بچشد همانطور که شخص بی‌سواد را دزدان و کلاه‌برداران چنان فریب می‌دهند که اصلاً متوجه نمی‌شود.

سیاست‌بازان چنان مردم را از مدرسه انسانیت و از معلمین عزیز و از کتاب درسی آن دور نمودند که تا امروز چهارده قرن است کسی (جز عده‌ای بسیار اندک) بر سر کلاس حاضر نشده و از مدرسه و درس فراری می‌باشند.

آنان چنان جنایت نمودند که مردم درس مدرسه خاندان عصمت علیهم السلام را عقب‌افتادگی تصور کنند.

آنان چنان از سادگی و زودباوری انسانها سوء استفاده نمودند که حکومت خدا بر جامعه بشری را خلاف آزادی و دموکراسی معرفی و حکومت خود بر انسانها را عین آزادی قلمداد نمودند.

آیا حکومت خدا که خالق بشر است حکومت عادلانه و حقیقی و انسان ساز است یا حکومت خواسته‌های دل عده‌ای ریاست طلب و خودخواه بر مردم؟

نمی‌دانم چقدر ما انسانها فریب شیطان را خورده‌ایم که هنوز می‌ترسیم بگوئیم حکومت خدا و حکومت نماینده خدا یعنی حضرت صاحب الزمان علیه السلام باید در جهان تحقق یابد و حتی از اسم حکومت و عنوان نمودن آن در باره آن حضرت پرهیز می‌کنیم تا مبادا کسی بگوید این خلاف آزادی است.

جامعه بشری به کجا می‌رود؟

مگر حکومت خدا بر انسان جز تحقق آزادی و رهایی از اسارت شیطان و

عن رسول الله ﷺ :

«انّ الايمان بدأ غريباً، و سيعودُ غريباً» ۱۲۹

خواسته‌های دل چیز دیگری است؟

مگر حکومت خدا جز حکومت علم چیز دیگری است، خدائی که بی‌نهایت به انسان مهربان و عالم را برای او خلق فرموده است؟

آیا اگر انسان حکومت خدا بر خود و اجتماع بشری را بپذیرد سزاوار است یا حکومت خواسته‌های دل را؟

حالا می‌بینید چگونه شیطان سیرتان از چهارده قرن قبل تا کنون پیوسته قلوب مردم را به سوی دیگری گردانده و غافل از حقیقت نموده‌اند.

اگر ما انسانها کمی به همین مثال توجه کنیم و فکر کنیم چگونه سیاست‌بازان مردم را از مدرسه حقیقی دور نموده و آنانرا به وسط بیابانهای جهل و صفات زشت و غیرانسانی برده و در آنجا به آنان گفته‌اند ناراحت نباشید ما همین جا برایتان کلاس درس تشکیل می‌دهیم و چه فرقی می‌کند علی عليه السلام این کلاس را اداره کند یا مثلاً فرعون یا فلان پادشاه ظالم و... مثل آنکه بگوئید: نور و تاریکی و خوبی و بدی چه فرقی با هم دارند.

آیا اینها گریه و ناله ندارد؟

بر همین اساس است که ما شیعیان روزهای جمعه که به نام نامی منجی عالم بشریت است ناله سر می‌دهیم و در فراق معلم عزیز عالم انسانیت حضرت حجة بن الحسن العسکری ارواحنا فداه اشک می‌ریزیم.

آری ما اشک می‌ریزیم که چرا جامعه بشری از حجت خدا و عقل کل و رهبر عدالت و انسانیت محروم مانده و شیطان چنان مطالب انحرافی را به خورد آنان داده که حکومت حق را نپذیرند و حتی برایشان سؤال باشد که آیا مدرسه وحی و تعالیم انبیاء می‌تواند جامعه بشری را اداره نماید؟

رسول خدا ﷺ :
«ایمان به خدا و دین حق با غربت و مظلومیت شروع و بزودی در غربت و مظلومیت
فرو خواهد رفت.»

شیطان در بیابان جهل و زشتی مردم را تحت تأثیر سخنان (وسوسه‌های) خود قرار داده و می‌گوید :

“اصلاً مگر دین می‌تواند در مقابل علم چیزی بگوید” در حالیکه دین همان علوم وحی و انبیاء است که علم حقیقی غیر از آن چیز دیگری نیست زیرا آنچه خدا می‌گوید علم حقیقی است و آنچه بشر می‌گوید چه بسا خلاف علم و تنها فرضیه است که تازه اگر علم باشد از سوی خداوند به فکر بشر عنایت گردیده تا راه را پیدا کند.

ما با قاطعیت می‌گوئیم که اگر بشر امروز هزاران و بلکه صدها هزار بار از پیشرفت و علم امروز که قرن اتم و دستیابی به فضاست جلوتر برود و به نهایت درجه علم و دانش برسد، تازه به دروازه شهر علم می‌رسد یعنی جائیکه دیگر تمامی فرضیه‌ها و احتمالات فکری بشر به علم قطعی و صددرصد مبدل شود.

آنجا محل تلاقی بشر با علم حقیقی است.

اکنون می‌پرسیم : آیا علم حقیقی در اختیار کیست؟

آیا خداوند عالم، علم بی‌نهایت را در اختیار ندارد؟

آیا آن خدای مهربان نیست که در عصر حاضر، ترشح کوچکی چون شب‌نم از علوم بی‌نهایت را به جامعه بشری اعطاء فرموده تا به این حقیقت سرنوشت‌ساز اعتراف نمایند که :

علم قدرت می‌آورد (مانند کشف اتم و دست‌یابی به قدرت آن) و قدرت اگر در

دست انسان خطاکار قرار گیرد در یک لحظه و در اثر یک لغزش کوچک حیات بشر

را مورد تهدید قرار می‌دهد پس باید قدرت علم تنها در اختیار انسانی معصوم از

عن رسول الله ﷺ :

«لا يخرج المهدي حتى يكفر بالله جهرة»^{۱۳۰}

خطا که نماینده پروردگار در زمین و جانشین پیامبران باشد قرار داشته باشد تا از آن به نفع صلح و عدالت و سعادت مادی و معنوی بشر بهره گیرد. اگر بشر صدها هزار برابر امروز پیشرفت نماید که شاید صدها هزار سال طول بکشد تازه به نقطه‌ای خواهد رسید که خداوند متعال چهارده قرن پیش به او ارائه داد که بیا تو را در شهر علم پیامبر خودم قرار دهم و آنجا که رسول خدا ﷺ به اتفاق شیعه و سنی فرمود: «انا مدينة العلم و علی بابها»^(۱) یعنی: «من شهر علم و حکم مردم علی باب آن است».

از درب این شهر وارد شو تا از هر چه بخواهی (از آسمان و فضا، از اتم و سلول، از کهکشانها، از بهشت و جهنم و از هر چه بخواهی، از گذشته و آینده و...) آگاه شوی و قدرت یابی.

ولی شیطان که می‌ترسید مردم با داخل شدن در این شهر دیگر سخنان او را باور نکنند تمامی کوشش خود را بکارگرفت تا مردم اصلاً وارد این شهر نشوند. شهر علم، نماینده و رسول خدا حضرت محمد مصطفی ﷺ بود که خداوند او را سخنگوی علم خویش قرار داده بود و دروازه این شهر علی بن ابیطالب و یازده فرزند معصومش^(۲) بودند که خوشبختانه یازدهمین فرزند آن حضرت، حضرت مهدی صاحب الزمان ارواحنا فداه در میان ما حضور دارد و دشمنان علم و حقیقت نتوانستند او

۱- احقاق الحق ج ۵ ص ۴۶۹ - ۵۰۱. این حدیث به الفاظ (انامدينةالحکمة و علی بابها در جلد ۵ ص ۵۰۲) و (انامدينةالفرقة و علی بابها در جلد ۵ ص ۵۰۵) و (انامدينةالجنة و علی بابها، من شهر بهشت ام و علی درب آن است در جلد ۵ ص ۵۰۴ و جلد ۱۶ ص ۳۰۱) از شیعه و سنی روایت شده است.

۲- قال رسول الله ﷺ : انا مدينة العلم و علی بابها. (احقاق الحق)

رسول خدا ﷺ :
«هنگامه خروج حضرت مهدی علیه السلام جهان چنان از راه خدا دور شده است که آشکارا
خدا را انکار می کنند».

را به شهادت برسانند.

آری شیطان قرنهایست که مردم را فریفته خود نموده و آنانرا از حکومت واحد
جهانی به رهبری حضرت بقیة الله ارواحانفداء دور نموده است.
اگر شیطان اینها را نگوید که دیگر شیطان نیست، این ما هستیم که باید هوشیار بوده
و زودباوری را کنار بگذاریم و هر سخنی را که از هر رادیو و تلویزیون و مجله و
است. این مینتشر می شود درست و حقیقی ندانیم بلکه با عقل صحیح آنرا بسنجیم تا
نمائی انبیاء و عقل سلیم بود پذیرفته و اگر مخالف آنان و یا مشکوک
(تأکید می کنیم مشکوک) بود نپذیریم. (زیرا شیطان از طریق سخنان مشکوک و غیر
یقینی نفوذ می نماید).

مگر چنین نیست که مردم در خرید و فروش و معاملات روزانه خود، از پولهای
باطل شده و یا مشکوک که معلوم نیست معتبر است یا نه استفاده نمی کنند و فقط
پولهای معتبر و ارزشمند را قبول می کنند؟! چرا؟ زیرا پول برایشان مهم است و نسبت
به آن بیدارند و اهمیت آنرا درک می کنند، اگر نسبت به سعادت خود نیز بیدار بودند
سخنان مشکوک را به قلب خود راه نمی دادند و آنرا زیر بنای اعمال شخصی و
اجتماعی خود قرار نمی دادند و شیطان بر آنها مسلط نمی شد.

شیطان چنان افکار انسانها را سرقت نموده که قرآن کریم یعنی همان کتاب درسی
مدرسه انسانیت را یا بطور کلی کنار گذاشته و به آن معتقد نباشند و یا اگر به آن اعتقاد
سطحی دارند تنها در گورستانها و در تشریفات عروسی و ... مورد استفاده قرار دهند
و جز صدای تلاوت خوش چیزی از قرآن در بین نباشد و اگر تفسیر می شود کوشش
شود سخنان ناب خاندان عصمت علیهم السلام یا مطرح نشود و یا در حاشیه قرار گیرد.

سیاست باز اصلی یعنی ابلیس و پیروان او در آن زمان متحد شده و نگذاشتند نور

عن رسول الله ﷺ :

«سأقي على امتي زمان لا يبقى من القرآن إلا اسمه»^{۱۳۱}

وحی از طریق این خاندان دل‌های مردم را روشن کند. آنان برنامه پروردگار برای ایجاد حکومت واحد جهانی را به خیال خود برهم زدند که البته تا مدتی موفق بودند. ولی این مدت برای آن بود که دنیا بفهمد شیطنت و هوای نفس چه قدر انسانرا بدبخت و بیچاره و سردرگم می‌کند همانطور که کودک خردسال نافرمان را پدر کمی بحال خود رها می‌کند تا دستش به بخاری خورده و بسوزد و دیگر اصرار بر دست زدن به بخاری ننماید. و امروز دیگر بشر دستش همانند آن کودک سوخته است، سوخته به بمب اتم، سوخته به جنگهای بین‌المللی، سوخته به فساد، فقر، فحشاء، گناه و هزاران بلای دیگر و لذا گریه می‌کند و ندای عدالت‌خواهی و صلح جوئی سر می‌دهد.

«مظلومیت امام زمان علیه السلام»

اکنون قدری در باره مظلومیت امام زمان، آن شخصیت یگانه‌ای که مظلومیت او مساوی با محرومیت همه جامعه بشری از امتیازات زندگی است، سخنی داشته باشیم که ما یک نمونه از آنرا که تبلیغات شیطان علیه آن حضرت است را بررسی می‌نمائیم.

شیطان القاء نموده که ظهور امام زمان علیه السلام مربوط به «زمانهای آینده» است و این زمانهای آینده یعنی هیچ وقت.

زیرا «زمانهای آینده» برای نیمه قرن سوم هجری که تولد امام عصر ارواحنا فداه در آن بود یعنی قرن پنجم (به عنوان مثال) و در قرن پنجم مجدداً شیطان القاء می‌نمود که ظهور امام زمان علیه السلام مربوط به قرنهای آینده و دور است یعنی شاید ظهور در قرن مثلاً هفتم و هشتم واقع شود و شما مردم در آنوقت زنده نیستید پس برنامه‌ریزی شما برای

رسول خدا ﷺ :

«بزودی زمانی برای امت من فرا خواهد رسید که از قرآن جز نوشته آن چیزی باقی نخواهد ماند.» (در اثر دوری از قوانین آن، جامعه بشری دچار از هم گسیختگی و فساد می شود).

ظهور بی فایده است.

در قرن هفتم یا هشتم نیز مجدداً همین مطلب را القاء می نمود که ظهور امام زمان علیه السلام مربوط به «قرنهای آینده و دور» (مثلاً قرن دهم و یازدهم) است شما به زندگی خود مشغول و مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود را برطرف کنید اکنون وقت این حرفها نیست.

در زمان حاضر نیز که همان قرنهای آینده چند قرن قبل است، باز به مردم وسوسه می کند و می گوید امام زمان علیه السلام مال قرنهای آینده است.

و این تزویر شیطان برای فراموش نمودن امام زمان علیه السلام و حکومت آن حضرت است تا مدرسه انسان سازی شکل نگیرد.

و اگر بخواهیم سیاستهای امروز شیطان و پیروان او را علیه امام زمان علیه السلام شمارش نماییم باید کتابی مستقل تألیف شود که خوشبختانه بخشی مهم از این کار را در کتاب "راهی بسوی نور" انجام داده و سیاستهای شیطان را بازگو و گوشه ای از مظلومیت امام عصر علیه السلام را بررسی نموده ام ولی می توانم در یک جمله بطور خلاصه بگویم که شیطان بسیاری یا تمامی ماهواره ها و شبکه های تلویزیونی جهان و کشورهای مختلف حتی ممالک مسلمان را چنان تحت نفوذ سخنان و القائات پنهانی و مرموزانه خود قرار داده که از شاخه این درخت پلید شیطنت، چیزی جز میوه تلخ و زهرآگین فراموشی از امام زمان علیه السلام به سمع و نظر بینندگان نمی رسد. تا جائیکه حتی ما شیعیان آن حضرت نیز فریب تبلیغات منفی او را خورده و با همه امکانات وسیعی که در دست داریم قدم مؤثری جهت معرفی آن حضرت در سطح جهان بر نمی داریم.

ما هم باور کرده ایم هنوز خیلی مانده امام زمان علیه السلام ظهور بفرماید، مردم جهان آماده نیستند و ... که باید در اینجا زار زار بر غربت و مظلومیت امام زمان علیه السلام

عن الامام الحسين عليه السلام :

«صاحب الامر الطريد الشريد الموثور بأبيه»^{۱۳۲}

گریست که حتی شیعیان آن حضرت نیز او را از زمان و زندگی خود خارج و به کارهای خود مشغولند، مثل اینکه امام زمانشان در بین آنان حاضر نیست.

به طوری که اگر به عده‌ای که مشغول فعالیت‌های جناحی و گروهی خود هستند گفته شود چرا امام زمانشان را فراموش نموده و به امور سلیقه‌ای و جناحی خود می‌پردازید، مانند اینکه امام زمانی در کار نیست و هنوز خیلی مانده ظهور نماید، ممکن است بعضی از آنان (که از خواب غفلت بیدار نشده‌اند) در پاسخ بگویند مثل اینکه شما در باغ نیستید و مسائل روز را درک نمی‌کنید و...

ولی آیا امام زمان عليه السلام مسأله روز نیست، آیا همین اختلافات فکری ما انسانها و درگیریهای جناحی، سیاسی و منطقه‌ای و جهانی مربوط به فقدان رهبری آن حضرت در جامعه بشری نیست.

آیا اگر ما شیعیان یکدل و یکپارچه (مانند ماههای قبل از پیروزی انقلاب) همه ظهور حضرت ولی عصر عليه السلام را می‌خواستیم آیا باز هم از آن حضرت محروم می‌شدیم؟ در حالیکه خود آن حضرت فرمودند: اگر چنین یکدل و یکپارچه ما را بخواهید هرگز از دیدار ما محروم نخواهید شد.

ای کاش سیاستمداران مسلمان کشورهای اسلامی (آنانکه بیدار نیستند) از خواب غفلت و فراموشی از عزیز پروردگار حضرت حجة بن الحسن ارواحنا فداه بیدار شده و به این حقیقت پی می‌بردند که:

سیاست یعنی اداره اجتماع براساس رهنمودهای رهبر انسانیت و معلم بشریت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه.

سیاست یعنی نزدیک نمودن افکار مردم به امام زمان عليه السلام که سیاست‌گزار حقیقی زندگی بشر و اصلاح‌کننده دنیا و آخرت آنان است.

امام حسین علیه السلام :
«منجی آخر الزمان که صاحب حکومت حق است مظلومانه و در غربت در میان مردم زندگی می کند تا پاسخ ظلم و ستمی که بر رهبران جامعه بشری (امامان معصوم علیهم السلام) و مردم جهان شده، را بدهد و دنیا را پر از عدل و داد نماید».

سیاست یعنی هدایت روزنامه ها و مجلات و تلویزیون و افکار عمومی بسوی صلح جهانی که به دست منجی عالم بشریت اجرای خواهد شد و راههای تحقق و نزدیک شدن به آن را بررسی نمودن و امکانات مالی و فرهنگی و تبلیغاتی وسیع را در این جهت بسیج نمودن.

ای کاش سیاستمداران مسلمان به این حقیقت پی می بردند که در جهان امروز دو نوع سیاست کلی وجود دارد که فقط یکی از آنها در اجتماع بشری اعمال می شود.

۱- سیاست شیطانی و سیاست رسیدن به خواسته های نفسانی.

۲- سیاست رحمانی و رسیدن به خواسته های انسانی و روزهای سعادت در حکومت جهانی منجی عالم بشریت.

آری در دنیا هرچه سیاست اعمال می شود (بجز موارد اندک) به سوی سیاست نوع اول هدایت شده و از سیاست نوع دوم خبری نیست.

و اینجاست که باید برای این مصیبت خون گریه کرد چرا که امام بشر، حجت خدا و مظلوم دین و قرآن بمانند جدّ غریبش سید الشهداء علیه السلام چنان بار مصیبت را بر دوش می کشد و انحراف بشر از راه انسانیت و راه خدا او را می آزارد که گریه با اشک جوابگوی مصیبت های او نیست بلکه باید برای آن عزیز خون گریه کرد تا کمی باورمان بیاید بلا چقدر بزرگ است.

چرا خون؟

زیرا گریه با اشک آنقدر که گریه خونین پیام دارد، پیام آور نیست.

و بهمین جهت مولایمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه طبق آنچه در زیارت ناحیه مقدسه آمده فرموده اند : یا ابا عبد الله بر مصائب هر صبح و عصر گریه می کنم و

دعاء الندبة : «عزیز علیّ ان ابکیک و یخذلک الوری»^{۱۳۳}
 «آقا جان بر من سخت است برای تو گریه کنم و شاهد بی توجهی و فراموشی مردم
 از وجود مقدست باشم».

می نالم و بجای اشک بر تو خون می گریم.^(۱)

می دانید چرا؟

زیرا اگر مصیبت سیدالشهداء بوجود نمی آمد و قبل از آن اگر مصیبت آتش زدن در
 خانه فاطمه زهرا علیها السلام اتفاق نمی افتاد و مصائب بعدی بر دوازده امام معصوم تحمیل
 نمی شد این مدرسه انسان سازی با تربیتهای الهی دوازده امام و معلم معصوم خود
 چنان انسانها را تربیت می کرد که هیچ خونی ریخته نمی شد.

آیا کسی که بر مصیبت قتل مظلومانه فرزند یا پدر یا مادرش اشک می ریزد گریه او
 گریه خونین نام ندارد؟

پس همه خونهای ریخته شده به ناحق و اشکهای برخواسته از آن در طول تاریخ و
 در همه دنیا و خون بناحق ریخته شده مسلمانان یا غیرمسلمانان به سرچشمه مصیبت
 و فاجعه یعنی بستن درب خانه وحی و مصیبت سیدالشهداء علیه السلام که اوج مصیبت
 است برمی گردد.

سیاست بازان چنین کردند تا سیاستمداران اصلی زندگی بشر یعنی خاندان عصمت
 و طهارت علیهم السلام را کنار بزنند و به اسم سیاست اداره همه امور را در دست گیرند.
 امید است سیاستمداران مسلمان خصوصاً شیعه حرکت به سوی حکومت جهانی
 حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را محور کار خود قرار دهند تا هم خدمتی حقیقی به خلق
 نموده و هم مورد لطف خاص منجی عالم بشریت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه
 قرار گیرند.

۱- فلان دنک صباحاً و مساءً و لا بکین لک بدل الدموع دما - بحار الأنوار ج ۱/۱۰۱/۳۲۰

قسمت یازدهم :

بزرگترین عید بشر

«عید مولود حضرت صاحب ارواحنا له الفداء بزرگترین عید برای مسلمین است و بزرگترین عید برای بشر است نه برای مسلمین».

صحیفه نوریج ۱۲ ص ۲۰۸

عن الباقر عليه السلام :
«إذا قام القائم عليه السلام باي سيرة يسير في الناس؟ فقال يهدم ما قبله كما صنع رسول الله صلى الله عليه وآله
و يستأنف الإسلام جديدا».^{۱۳۴}

حضرت امام خمینی قدس سره بزرگترین عید بشریت را روز ظهور منجی آخرالزمان دانسته
و می فرمایند :

- " عید سعید پانزده شعبان را به همه مسلمان و به همه ملت ایران تبریک عرض
می کنم، ماه شعبان ماه بزرگی است که در آن، در سوم آن، بزرگ مجاهد عالم
بشریت متولد شد و در پانزده آن، حضرت مهدی موعود ارواحنا له الفداء پا به عرصه
وجود گذاشت و قضیه غیبت حضرت صاحب قضیه مهمی است که به ما
مسائلی می فهماند، منجمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا
عدالت به معنای واقعی اجرا بشود در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی
موعود، سلام الله علیه، که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر،
هریک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که

امام باقر علیه السلام :
«حضرت قائم علیه السلام تمامی انحرافات و نابسامانیهای فکری، اخلاقی و سنتی و... را
منهدم و اسلام ناب را تجدید حیات خواهد نمود.»

اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند^(۱) حتی رسول
ختمی صلی الله علیه و آله، که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و
برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا و آن
کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد.
نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین
برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت...

... اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو
معنایی، ما از آن می فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو
معنایی نبوده است و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند کسی بعد از
انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر
مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می رفتند، دیگر در بشر
کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکنند، نمی توانسته و این یک

۱- در عنوان "مجری قانون" خواهد آمد که مقصود حضرت امام خمینی ره از این سخن آن است که حضرت
ولی عصر ارواحنا فداه مجری قانونی هستند که انبیا برای بشر آوردند و آن حضرت هرگز قانون دیگری غیر از
آنچه انبیا فرمودند نخواهند آورد.

عن رسول الله ﷺ :

«من احيا ليلة العيد، و ليلة النصف من شعبان لم يميت قلبه يوم تموت القلوب»^{۱۳۵}

موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی.

و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب ارواحنا له الفداء بزرگترین عید برای مسلمین است و بزرگترین عید برای بشر است نه برای مسلمین.

اگر عید ولادت حضرت رسول ﷺ بزرگترین عید است برای مسلمین، از باب اینکه موفق به توسعه آن چیزهایی که می خواست توسعه بدهد نشد، چون حضرت صاحب سلام الله علیه این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهی، باید ما بگوئیم که عید شعبان، عید تولد حضرت مهدی سلام الله علیه بزرگترین عید است برای تمام بشر - تمام بشر را - وقتی که ایشان ظهور کنند ان شاء الله (خداوند تعجیل کند در ظهور او) تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجی ها را راست می کند. " يملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً".

همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی " يملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً " الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست

رسول خدا ﷺ :
«کسیکه شب عید (فطر) و شب نیمه شعبان را زنده بدارد (بخراب نرود و عبادت نماید) قلب او نمی میرد آنروز که قلبها می میرند».

حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند در اخلاقها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می کند انحرافش معلوم است و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند " یملاً الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً ".
از این جهت این عید، عید تمام بشر است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است این عید، عید تمام بشر است، تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد، انشاءالله و ظلم و جور را از تمام روی زمین برمی دارند به همان معنای مطلقش،

از این جهت این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول ﷺ که بزرگترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگتر است.^(۱)

۱- صحیفه نوریج ۱۲ - ص ۲۰۸-۲۰۷ - تاریخ ۵۹/۴/۷ (بمناسبت نیمه شعبان) بقیه سخنان حضرت امام علیه السلام در

این سخنرانی که مطالب بسیار مهمی است در بخشهای آتی با عناوین مستقل خواهد آمد.

القران الکریم : «و ذکرهم بأیام اللّٰه» ۱۳۶
عن الباقر علیّه السلام : «ایام اللّٰه عزوجلّ ثلاثه : یوم یقوم القائم علیّه السلام و یوم الکره و یوم
القیامه» ۱۳۷

«او به موقع آمد»

تولد منجی آخرالزمان حضرت مهدی ارواحنا فداه در سحرگاه روز جمعه سال ۲۵۵ هجری قمری یعنی ۱۱۶۶ سال پیش (تا سال ۱۴۲۱ هجری قمری که این نوشتار تقدیم می‌گردد) اتفاق افتاد.

موعود ادیان به دنیا آمد.

آمد تا باطل را محو و نابود نماید.

آمد تا مدرسه انسان سازی را بگشاید.

آمد تا انسانها را از اسارت هفتاد و پنج لشکر شیطان رهایی بخشد.

آمد تا حکومت عدل جهانی پروردگار را تحقق بخشد.

او به موقع آمد آری او به موقع آمد.

او در زمانی که باید کار حکومت واحد جهانی آغاز می‌شد آمد.

اگر سستی مردم و ظلم ظالمین، مانع شروع کار آن حضرت نمی‌شد، امروز حدود یازده قرن از ظهور آن بزرگوار گذشته و جهان بشریت از بُعد مادی هزاران برابر امروز که قرن دست‌یابی به فضاها و دوردست و پیشرفتهای عظیم است پیشرفت نموده و پیشرفتهای امروز ما در برابر پیشرفتهای حکومت آن حضرت تقریباً به حد صفر یا یکی دو درصد هم نمی‌رسید.

«چرا بزرگترین عید...»

برای آنکه بدانیم چرا نیمه شعبان بزرگترین عید بشر است باید به مثال زیر که در آن حقایق نهفته است توجه و سپس نتیجه‌گیری نمائیم.

همانگونه که جنین در عالم رحم مدت نه ماه توقف و سپس متولد می‌شود جامعه

قرآن کریم: «روزهای خدا را برای مردم یادآوری کن».
امام باقر علیه السلام: «روزهای خدا سه روز است یکی روز قیام حضرت قائم علیه السلام و دوم روز بازگشت امامان معصوم به دنیا (پس از ظهور امام زمان علیه السلام) و سوم روز قیامت».

بشری نیز در دوران قبل از ظهور امام زمان علیه الصلاة والسلام چنین است و با ظهور آن حضرت به عالم انسانیت و عدالت و محبت متولد خواهد شد.

قبل از ظهور آن حضرت، مردم از رهبری انسان کامل محروم و مانند جنینی در عالم رحم حالات زیر را دارند:

۱- جنین در تاریکی بسر می برد و همینطور مردم قبل از ظهور بطور عموم (بخلاف موارد استثناء) در فضائی محروم از نور و هدایت الهی بسر می برند و لذا از نظر خاندان عصمت علیهم السلام آیه شریفه " و اشرقنا الارض بنور ربها " یعنی " و آنگاه که زمین با نور پروردگارش روشن شد ". چنانکه در زیارت جامعه کبیره آمده است " و اشرفنا الارض بنورکم ... " (یعنی و آنگاه که زمین با نور علم و سخنان شما خاندان عصمت علیهم السلام روشن و از زندگی حیوانی بیرون آمد) به روز ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه تفسیر شده است یعنی با ظهور آن حضرت کره زمین پر از نور و هدایت می شود همانطور که پس از اتمام شب و با طلوع خورشید دنیا پر از روشنایی می شود مانند طفل متولد شده ای که از تاریکی مطلق به نور و روشنایی راه می یابد.

۲- جنین در فضائی بسیار محدود اسیر و زندانی است، هم چنین مردم قبل از ظهور در فضای آلوده به صفات رذیله و لشگرهای هفتاد و پنجگانه شیطان اسیر و زندانی هستند که اینها را به چشم خود می بینیم.

به عنوان مثال شاهد هستیم چگونه حسادت عده ای را آزار می دهد که حتی به کشته شدن دیگران راضی می شوند و چگونه فقر و فلاکت میلیونها نفر را آزار می دهد که هیچ حرکتی نمی توانند داشته باشند و چگونه امراض صعب العلاج بشر را مضمحل و نابود می کند و چگونه هشتاد درصد مردم جهان فقیر و از جهات

القران الکریم : «و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً»^{۱۳۸}
 عن الباقر علیه السلام : «اذا قام القائم علیه السلام ذهب دولة الباطل»^{۱۳۹}

مختلف مادی و سیاسی و فرهنگی اسیر ثروت‌تمندان و قدرتمندان و سیاست‌بازان عالم شده و قدرت حرکت و توسعه از آنها سلب گردیده است. به مجرد ظهور حضرت بقیة الله ارواح‌نفاذ و استقرار حکومت آن حضرت در سطح جهان که حدود هفت الی ده سال طول می‌کشد تمامی این محدودیتها مبدل به فضای باز فعالیت و توسعه مادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و روحی خواهد گردید.

۳- جنین بالاجبار از یک راه تغذیه می‌کند و غذاهای متنوع در دسترس او نیست، همچنین انسان قبل از ظهور از غذاهای گسترده علوم خاندان عصمت علیهم السلام محروم است و وقتی به زمان پس از ظهور متولد شد بمانند جنینی که متولد شده از شیر علم و سپس از غذاهای گوناگون روحی و انسانی و حتی از سفره گسترده غذاهای سالم و لذیذ مادی بهره‌مند خواهد شد، غذاهائی که مضرات مختلف مواد شیمیایی و غیره‌ای که اکنون بشر در صنایع غذایی مخلوط می‌کند را ندارند و عمر انسانها را بسیار طولانی می‌نماید.

۴- جنین از نفس کشیدن بطور مستقیم محروم است، انسان قبل از ظهور هم از تنفس در هوای آزاد که انس گرفتن و رفیق شدن با پروردگار است محروم می‌باشد. در زمان ظهور راه ارتباط با پروردگار به روی انسان باز می‌شود و انسان می‌تواند با خدا انس بگیرد همانطور که شما با همسر یا فرزند یا پدر و مادر یا دوست بسیار صمیمی خود انس گرفته و ساعتها با یکدیگر بدون ذره‌ای خستگی حرف می‌زنید، چرا که "انسان" کلمه‌ای است که از ماده انس (طبق بعضی از تعاریف ماده انسان) گرفته شده و ذاتاً خلق شده است تا با کسانی که شایسته‌اند انس گیرد که مهمترین کسی که شایسته انس گرفتن با انسان است خداوند متعال که خالق اوست می‌باشد،

قرآن کریم : «... بگو حق آمد و باطل از بین رفت که باطل از بین رفتنی است»
امام باقر علیه السلام : «آنگاه که حضرت قائم علیه السلام قیام فرماید دولت باطل بطور کلی و برای همیشه از بین می رود».

سپس انبیاء و خاندان عصمت علیهم السلام و سپس بندگان شایسته و پاک و اولیاء خدا که بهترین لذت انسانهای مهذب و اهل معنی، مجالست با اولیاء خداست که از حقایق مهم جهان هستی سخنانی بسیار شیرین و آرامش بخش و دلپذیر بیان می کنند.

اکنون می توانیم به آسانی دریابیم که چرا نیمه شعبان بزرگترین عید بشر است زیرا در این روز خداوند نجات دهنده انسانها را به آنان مرحمت فرمود. همانطور که بزرگترین عیدی به طفل متولد نشده که مدتی از تولدش تأخیر شده و والدین نگران حال او هستند که نکند تلف شود، آن است که زنده و سالم متولد شود، جامعه بشری نیز باید در یازده قرن پیش متولد به عالم انسانیت می شد و از علوم بی پایان خاندان عصمت علیهم السلام بهره می جست ولی این تولد قرنهاست که به تأخیر افتاده و خطر مرگ روحی و حتی مرگ جسمی انسانها را تهدید می کند.

مرگ روحی یعنی از میان رفتن صفات انسانی در افراد بشر که به نحوی همه مردم جهان را شامل می شود و هر انسانی از نبود صفات اولیاء خدا و انبیاء علیهم السلام در خود رنج می برد و آرزو دارد مانند آنان شود و مرگ جسمی هم، همان مرگ و میرهای ناشی از فقر یا جنگ، مرض و سایر مسائل مهلک که به وفور در زندگی بشر یافت و همه روزه دهها هزار نفر را به دیار مرگ می کشاند تا جائیکه ممکن است با انفجار بمبهای اتمی صدها هزار و بلکه میلیونها نفر نابود شوند.

«امام زمان علیه السلام به دنیا آمد تا در همان زمان حکومت واحد جهانی استقرار یابد»

بنابراین نیمه شعبان که منجی آخرالزمان، موعود ادیان، حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه در آن به دنیا آمده اند، بزرگترین عید برای ما انسانهاست که می توانیم با گرامیداشت آن بطور گسترده به روز نجات و تولد فرد به عالم انسانیت

قال امیرالمؤمنین علیه السلام : «والذی نفسی بیده لا تبقی قریة (أی عند ظهوره) الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله بكرة و عشياً» ۱۴۰

نزدیک و از مرگ روحی و جسمی نجات یابیم، اگر در همان موقع مردم جهان و لااقل مسلمانان و شیعیان قدر این روز و مولود آن را می دانستند و بطور یکپارچه ظهور مقدّسش را در همان موقع می خواستند، خداوند این لطف را از بشر دریغ نمی فرمود و ظهور آن حضرت را انجام می داد و اصولاً تولّد آن حضرت در آن زمان برای رسیدن به همین هدف بود که مردم خود را از آن محروم نمودند و اگر بنا نبود آن بزرگوار در آن موقع ظهور بفرماید دلیلی نداشت که آن حضرت متولّد شود، این تولّد برای آن بود که مردم نگویند خدایا ما نجات دهنده نداشتیم و منجی آخرالزمان در میان ما نبود و گمراه شدیم. (۱)

نکته دیگری که در این فرمایشات، حضرت امام خمینی ره بر آن تأکید داشتند تحقق عدالت در زمان ظهور آن حضرت به معنی عمیق و واقعی خودش در همه مراتب عدالت و انسانیت است که این نکته را ما در عناوین "تنها او می تواند" و "روز ظهور" مورد بررسی بیشتری قرار خواهیم داد.

«تذکری به مسئولین»

تأکید حضرت امام خمینی ره بر اینکه "نیمه شعبان" بزرگترین عید برای بشر (نه فقط مسلمانان) است تذکری روشنگرانه به مسئولین کشورهای اسلامی خصوصاً پایگاه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام یعنی کشور ایران می باشد که ما در بخش

۱- در آیات و روایات به این نکته مهم فکری و اعتقادی اشاره و تأکید شده است که بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام در آن زمان جهل و تیره روزی بشر برای آن بود که مردم آن زمان و زمانهای بعد نگویند خدایا تو هیچ نماینده ای که ما را به راه درست راهنمایی و از انحراف باز دارد، بسوی ما نفرستادی... (سوره مائده آیه ۱۹ و دعای ندبه : و لئلا یقول احد لولا ارسلت...).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام :
«قسم به آنکه جانم در دست اوست در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام هیچ نقطه‌ای در
کره زمین باقی نخواهد ماند مگر آنکه شهادت بسه لاله الا لله و محمداً رسول الله
صبح و شام از آن بگوش می‌رسد».

«تکلیف مسئولین» ان شاء الله مطالب لازم را گوشزد خواهیم کرد، ولی ذکر نکته‌ای که
مربوط به این عنوان یعنی "بزرگترین عید بشر" باشد این است که: اگر "بزرگترین عید
بشر" نیمه شعبان است چرا آنرا به عنوان بزرگترین عید جشن نمی‌گیریم.

اگر نیمه شعبان بزرگترین عید ماست پس چرا در مناسبت‌های دیگر ایام سال در
بعضی از آنها مانند نوروز از دو ماه جلوتر زمینه‌سازی لازم را می‌کنیم ولی برای
نیمه شعبان گاهی فقط یکی دور روز قبل، آنهم بسیار گذرا برنامه‌ای ترتیب می‌دهیم؟
اگر روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های عمومی و وسیع از حداقل یک ماه قبل برای
استقبال از نیمه شعبان و بدرقه آن تا اول ماه رمضان مطلب نوشته یا پخش می‌نمودند
آیا باز هم عصرار و احنافداه اینقدر به فراموشی سپرده می‌شد؟

ما باید به همه مجامع آزادی‌خواه و اندیشمند و مسئولین کشورهای مسلمان و
کشورهای غیرمتعهد و کلیه کسانی که طالب صلح و عدالت در جهان هستند بگوئیم
نیمه شعبان بزرگترین عید برای ما انسانها است که باید زمینه بحث و گفتگو در باره
شناخت منجی عالم بشریت در نشست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و کشوری فراهم
گردد تا در سطح جهانی برای استقبال از ظهور منجی عالم بشریت و پایان شبهای تیره
ظلم و فساد آماده شویم.

«بزرگترین عیدی بازگشت عقل به پیکره است»

آری بزرگترین عیدی به جامعه بشری آن است که عقل کل و راهنمای الهی، آن مغز
متفکر از خانه نشینی و غربت و تنهای تنها زندگی کردن به در آید.

زیرا وقتی جامعه بشری این مغز متفکر و متصل به پروردگار عالم را خانه‌نشین نموده
و او را گم کرده اعمالی که از او دیده می‌شود (مانند کشتارها و جنگها و فقرها و امراض

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصوب»^{۱۴۱}

و انحرافات از راه راست و هزاران بالای عمومی دیگر، اعمالی است غیر عاقلانه.

«اگر کسی از کرات دیگر به کره زمین بیاید و ببیند...»

و اگر مجموعه جوامع انسانی یعنی شش میلیارد نفر (جز عده‌ای اندک) را در یک انسان و یک پیکره خلاصه کنیم چه اعمالی از او خواهیم دید.

آیا اگر کسی از خارج کره زمین به میان جامعه ما آمده و مجموعه اعمال ما انسانها را بنگرد آیا نمی‌گوید اینها چرا چنین‌اند؟ چرا گاهی به شدت با هم جنگ کرده و همدیگر را می‌کشند و بیرحمانه هزاران زن و کودک را از بین می‌برند و گاهی نشسته و دم از حقوق بشر می‌زنند؟

پس نمی‌توان از این واقعیت فرار کرد که جامعه بشری ما جامعه‌ای است پر از تصویرهای متضاد؛ گاهی بیرحم و گاهی دلسوز، گاهی ضد حقوق بشر و گاهی موافق آن، گاهی ثروتمند و گاه فقیری که از شدت گرسنگی در حال مرگ است، گاهی دوست خدا می‌شود و گاهی دشمن او و...

اگر شما چنین فردی با این اعمال متضاد را ببینید در باره‌اش چه قضاوتی خواهید کرد؟

در قضاوت کلی گفته می‌شود :

اجتماع بشر مانند فردی است که عقل خود را گم کرده و اعمال متضاد از او سر می‌زند و با پیشرفتهای دانش بشری این اعمال متضاد در سطح جهانی منعکس می‌شود در صورتیکه در گذشته در سطح شهر یا روستائی منعکس می‌شد.

آری جامعه بشری از نعمت عقل (یعنی رهبری امامی معصوم از طرف پروردگار) محروم است.

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما ای پرچم برافراشته الهی (تا خلق سرگشته و حیران نشود) و ای علم ریخته شده الهی که چون بارانی سراسری و پرآب، آب علم را برای زنده نمودن جهان بر خلق فرو می‌ریزی».

زیرا اگر امام معصوم و حجت خدا بر آنان حکومت می‌کرد عقل اجتماعی بشر در پیکره او دیده شده و اعمال بشر همه یکسان و یکسو بسوی سعادت قرار می‌گرفت و هیچ ظلم و بی‌عدالتی و هیچ فسادی در کره زمین مشاهده نمی‌شد همانطور که از یک انسان عاقل و سالم عمل خلاف عقل سر نمی‌زند.

بنابراین اگر خداوند به جامعه بشری لطفی فرموده و بزرگترین عیدی و عقل کل و رهبر آسمانی و معصوم از خطا را در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به او داده، حقیقتاً بهترین و بزرگترین عیدی را عنایت فرموده که اگر قدر این عیدی را می‌دانستیم و رهبری او را می‌پذیرفتیم مانند این بود که عقل در پیکره بشری آمده و مانع همه این تصویرهای متضاد می‌شد و اجتماع بشر امروز دوازده قرن بطور پیوسته از اقیانوس بی‌پایان علم الهی توسط عقل کل و امام معصوم حضرت بقیةالله ارواحنا فداه استفاده می‌کرد.

قسمت دوازدهم :

راز طول عمر

«اینکه این بزرگوار را طول عمر داد، خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی (اجرای عدالت در جهان) ما از آن می فهمیم که در بشرکسی نبوده است... که این اجرای عدالت را بکند».

صحیفه نور ج ۱۲ ص ۲۰۸ - ۲۰۷

عن ابی عبداللہ رضی اللہ عنہ :

«ان بلغکم عن صاحبکم غیبة فلا تنکروها»^{۱۴۲}

امام خمینی قدس سره در رابطه با طول عمر حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به نکته‌ای ظریف اشاره نموده و می‌فرمایند :

- "قضیه غیبت حضرت صاحب قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند، منجمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود، سلام‌الله‌علیه، که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر.

...اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی، برای یک همچو معنایی، ما از آن می‌فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می‌رفتند، دیگر در بشر

امام حسین علیه السلام : «اگر روزی از غیبت و پنهان زیستی حضرت ولی عصر علیه السلام به شما خبر داده شد آنرا انکار نکنید».

کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند، نمی توانسته و این یک

موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی.^(۱)

اکنون بطور طبیعی زنجیره بحث به "راز طول عمر" منجی عالم بشریت حضرت

مهدی ارواحنا فدا رسیده است که در این بحث چند محور مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- طول عمر یک انسان تا چه حد مجاز است؟

۲- طول عمر برای نماینده پروردگار چه حکمی دارد؟

۳- ساده ترین جواب

۴- راز اصلی طول عمر حضرت ولی عصر ارواحنا فدا چیست؟

و اما بررسی محورهای فوق بطور فشرده :

«جواز طول عمر»

آنچه تاکنون بشر از عمر افراد خویش دیده است حد تقریبی معینی (مثلاً بین ۶۰ الی ۹۰ سال) از عمر انسانهایی است که از دنیا رفته اند و بالاتر از آن تا حدود ۱۲۰ یا قدری بیشتر را کمابیش دیده و لذا در پذیرش عمر انسانها تا حدود ۱۵۰ سال مشکلی ندارد.

ولی سه مسأله در اینجا وجود دارد.

«یکی آنکه» اگر در افراد بشر اشخاصی با عمر سیصد سال دیده شوند باز هم مشکلی نخواهد بود زیرا ۱۵۰ سال طبیعی است پس بالاتر از آنهم مجاز است و قانون خاصی برای محدود نمودن عمر وجود ندارد و وقتی چنین بود بالاتر و بالاتر تا هزار

۱- صحیفه نوریج ۱۲ ص ۲۰۸ و ۲۰۷ سخنرانی حضرت امام علیه السلام به مناسبت نیمه شعبان تاریخ ۵۹/۴/۷

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک ایها الامام المأمون» ۱۴۳

سال بیشتر هم مانعی نخواهد داشت کما اینکه در باره انسانهای چند هزار سال پیش عمر ۴۰۰ الی سه هزار سال نیز در تاریخ نقل شده است و در مورد حضرت نوح علیه السلام تنها ۹۵۰ سال تبلیغ و دعوت مردم بسوی خداوند در قرآن کریم که کلام وحی و کلام پروردگار است مطرح شده که فقط زمان کار و تبلیغ ایشان این مقدار بوده است.

«دوم آنکه» عمر انسان و هر موجود زنده یا غیر زنده دیگری به دست خداست و او به قدرت مطلق خویش هر مقدار عمر بخواهد به هر کس می دهد و این بسیار طبیعی و مطابق عقل و حکمت است زیرا حیات دهنده اوست و نگهدارنده هم او، پس هر قدر که بخواهد عمر به هر کس می تواند عنایت فرماید.

و لذا ما که در باره عمر انسانهای معمولی در برابر دریائی از مجهولات قرار گرفته ایم نمی توانیم اظهار نظر کرده و محدوده آنرا مشخص کنیم چه رسد به یگانه شخصیتی که جهان در انتظار ظهور اوست و مسأله طول عمر برای او یک برنامه است تا اولاً مردم زمانهایی که از راه حق دور بوده و آنرا نپذیرفتند نگویند ما امامی از جانب خدا نداشتیم تا به راه راست هدایت شویم پس او باید دائماً عمرش ادامه داشته باشد و برای هر زمانی آماده باشد و در موقع مناسب قیام خویش را آغاز کند و اگر خداوند درباره مردم دیگر، عمر کمتر از ۱۵۰ سال را در نظر گرفته و استثناء قائل نمی شود (چنین فرض می کنیم) ولی در باره نماینده خویش که می خواهد بوسیله او جهان را پر از عدل و داد کند و باید عمری طولانی داشته باشد این استثناء بسیار عادی خواهد بود.

«سوم آنکه» معمولاً مرگ انسان در اثر علت و حادثه ای است که رخ می دهد و موادی از طبیعت یا ساخته دست انسان در سلولهای بدن اثر گذاشته و موجب مرگ می شوند که اگر کسی بداند کدام غذا و کدام ماده برای بدن مضر بوده و آنرا نخورد

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما ای رهبر یگانه بشر که در حریم امن الهی از همه آسیبها مصون هستی».

طبیعی است که عمرش طولانی گردد و این یکی از قوانین تحقیق شده علم پزشکی است و لذا بسیاری از مرگ و میرها در اثر ندانستن انسان (که نمی داند چه چیز موجب مرگ می شود) به وجود می آید و یا می داند ولی بخاطر هواهای نفسانی آنرا مصرف می کند و در نتیجه موجب مرگ خود می شود. (مانند سیگار)

اکنون باید توجه داشته باشیم که حضرت ولی عصر ارواحنا فدا که خداوند علم همه چیز را در اختیارشان قرار داده و از طرف دیگر معصوم هستند از مرگ مصون و محفوظ بوده و بطور طبیعی مرگ به ایشان و ایشان به مرگ نزدیک نمی شوند. و شاید به همین دلیل است که چهارده معصوم علیهم السلام به دلیل علم و عصمت صددرصدی که دارند هیچکدام با مرگ طبیعی از دنیا نرفته بلکه یا کشته شده یا مسموم گردیده اند و حتی در باره رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است به وسیله سم از دنیا رفته اند و لذا در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آمده است " ما منا الا مسموم او مقتول " یعنی : " هیچیک از ما نیست مگر آنکه کشته شده یا مسموم گردیده است " .

البته جای تردید نیست که هرگاه خداوند متعال بخواهد قادر است بدون هیچ دلیلی از آنچه ما می دانیم به مدت عمر امام یا پیامبر یا هر موجود زنده دیگری پایان دهد چرا که این دنیا نام و حقیقتش با فنا و پایان عجین گشته و تنها در عالم آخرت و بهشت جاویدان است که خداوند مرگ را برای همیشه از انسان برمی دارد.

«طول عمر برای منجی عالم بشریت یک برنامه طبیعی است»

آیا امام و رهبر انسانها، آیا منجی آخرالزمان باید از قاعده عمر طبیعی انسانها مستثنی باشد؟ چرا؟

او امام و رهبر ماست و طبیعی است همانطور که در بسیاری از خصوصیات از ما

عن الصادق عليه السلام :

«ماتنكرون أن يمد الله لصاحب هذا الأمر في العمر كما مدّ لنوح عليه السلام في العمر».^{۱۲۴}

ممتاز شده و باید باشد در این مسأله هم بدون هیچ اشکالی می تواند مستثنی باشد. چرا که او استثنائی است. او نجات دهنده انسانهاست.

او اگر دارای عمر طولانی نباشد بشریت از نعمت وجودش محروم خواهد شد. او به منزله قلب و مغز در پیکره بشریت است که اگر سایر سلولها و اعضاء بدن از کار بیفتند مسأله ای نیست ولی اگر قلب و مغز از کار بیفتند همه پیکره نابود می شود. خداوند متعال برای جامعه بشری قلب و مغزی هدایتگر و معصوم از خطا در هر زمان قرار داده که پیامبر یا جانشین اوست و پس از ختم ارسال پیامبران از سوی خداوند باید جامعه بشری به دست جانشینان پیامبر اداره شود و در هر زمان یکی از آنها (تا روز قیامت) در زمین باشد تا پیکره بشری بدون قلب و مغز نماند. پس او باید باشد تا جهان زنده بماند و عمر طولانی برای او هیچ اشکالی ندارد.

«دنیا زندان مؤمن است»

از اینها که بگذریم فکر نکنید طول عمر برای منجی عالم بشریت یک آرزوست همانطور که ما انسانها آنرا برای خود یک آرزو می دانیم (اگر بدن سالم و سرحال و جوان باشد که آن حضرت با آنکه نزدیک دوازده قرن از عمر شریفشان می گذرد در شکل اشخاصی کمتر از چهل سال دیده می شوند) باید بدانیم دنیا برای مؤمن یعنی کسیکه جهان آخرت را پذیرفته و آنرا باور نموده، زندانی بیش نیست^(۱) زیرا با باور نمودن زندگی پس از مرگ و زندگی همیشگی و خالی از هر غم و اندوه و گرفتاری و

۱- از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: الدنيا سجن المؤمن یعنی زندگی در دنیا (در برابر آخرت) برای مؤمن بمانند زندگی در زندان است.

امام صادق علیه السلام :
«چرا انکار می‌کنید که خداوند عمر حضرت ولی عصر علیه السلام را طولانی فرماید همانطور
که عمر حضرت نوح علیه السلام را طولانی فرمود؟»

مرض و ناراحتی و زندگی بدون مرگ آن جهان، این دنیای کوچک و آمیخته با هزاران درد و رنج برای انسان واقعاً زندانی بیش نیست.

«تمدید مأموریت در جای بد آب و هوا»

آن حضرت که پیشوای همه مومنین هستند و دنیا را حقیقتاً یک زندان می‌بینند، عمر طولانی‌تر برای آن بزرگوار تنها بمانند اضافه شدن مدت مأموریت یک کارمند دولت در بدترین مناطق خشک و بد آب و هوای کشور است که حتی یک روز هم تمایلی به ماندن در آنجا ندارد.

بنابراین طولانی شدن عمر حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به جهت انجام وظیفه‌ای است که بر دوش دارند و آن اینکه باید جهان را پر از عدل و داد نموده و سپس در صورت تمایل از دنیا رحلت فرمایند.

با ذکر مطلب فوق پاسخ به این سؤال که چگونه امام عصر ارواحنا فداه پس از قرن‌ها انتظار تنها ده سال (طبق بعضی از روایات) حکومت می‌نمایند روشن می‌شود، زیرا که قرن‌ها انتظار آن حضرت برای حکومت و عمر طولانی در دنیا نبوده بلکه برای انجام مأموریت از سوی خداوند متعال بوده که بلافاصله پس از انجام مأموریت (مانند همان کارمند مأمور به خدمت در بدترین نقطه آب و هوایی) به خانه خویش (بهشت) بازگشت می‌نمایند.

«یک سؤال باقی مانده است...»

سوالی که باقی مانده این است که پس چگونه شما می‌گوئید حکومت عدل جهانی پس از ظهور منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تا قیامت باقی می‌ماند در حالیکه اکنون گفتید آن حضرت حدود ده سال پس از ظهور بیشتر در دنیا نمی‌مانند؟

عن الصادق عليه السلام :

«إِنَّ وَجَهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ»^{۱۴۵}

پاسخ آن است که ما گفتیم حکومت آن حضرت تا قیامت باقی می ماند نه خود آن حضرت.

آن حضرت آغازگر حکومت جهانی هستند و پس از استقرار آن در سطح جهان مسئولیت رهبری را به امامان معصوم پس از خود می سپارند که اولین آنها حضرت سیدالشهداء امام حسین بن علی علیه السلام (چنانکه در روایات ما ذکر شده) هستند زیرا حضرت سیدالشهداء را خداوند زنده کرده و به دنیا برمی گرداند تا در دولت جاودانه حق درسهای خود را به کلاس بشریت داده و دانش آموزان خود (انسانها) را تربیت نمایند.

«ساده ترین جواب»

بعضی از فضلاء روحانی که در محضر مبارک آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره بودند نقل نموده اند : شخصی از حضرت آیه الله می پرسد برای طولانی بودن عمر امام زمان علیه الصلاة والسلام چه پاسخی مرحمت می فرمائید؟

مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره می فرمایند : " ان الله على كل شيء قدير " یعنی وقتی می دانیم خداوند بر هر کاری قدرت دارد پس عمر طولانی برای حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هیچ مشکلی نخواهد داشت و تنها به اراده پروردگار بستگی دارد او قدرت دارد و می خواهد نماینده اش حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را مثلاً ده هزار سال زنده نگه دارد برای او که خدای قادر مطلق است چه فرقی می کند همانطور که به کره زمین میلیونها سال عمر داده است به ایشان هم عمر طولانی عنایت می فرماید.

آری این مطلب ساده ترین و در عین حال علمی ترین و محکم ترین پاسخ برای مسأله فوق است.

امام صادق علیه السلام :

«علت غیبت حضرت مهدی علیه السلام تنها پس از ظهور آن حضرت برای مردم روشن خواهد شد»

«راز اصلی»

و اما راز اصلی طول عمر حضرت ولی عصر علیه السلام یا به تعبیر امروزی فلسفه آن چیست؟

در پاسخ باید بگوئیم :

اگر بنا بود آن حضرت نیز به سرنوشت اجداد طاهرینش مبتلا گردد (به شهادت برسد) و خداوند مجدداً امامی دیگر را بجای ایشان قرار دهد، چنین کاری بیهودگی و بازیچه خواهد بود.

توضیح آنکه : خداوند طبق برنامه از پیش تعیین شده، دین همیشگی و کامل کننده و تصدیق کننده همه ادیان گذشته که دیگر هیچ چیز ناگفته برای زندگی بشر باقی نگذارد را بنام اسلام به بشریت عنایت فرموده و دوازده امام و جانشین برای پیامبر آخر الزمان قرار داد تا دین کامل را به میدان عمل و زندگی مردم وارد و بر جامعه بشری اجرای نمایند و برنامه این بود که یازده تن از آنان، طی دوالی سه قرن مردم جهان را با تعالیم گسترده خود و با انجام معجزات، آماده شروع حکومت واحد جهانی به رهبری امام دوازدهم نمایند.

حال که مردم قدر آنها را ندانسته و ایشانرا یکی پس از دیگری به شهادت رساندند آیا باید خداوند اجازه دهد دوازدهمین آنان نیز به شهادت برسد و برنامه الهی بازیچه دست مردم گردد؟

نه، هرگز، خداوند اجازه چنین کاری را نخواهد داد و باید یا بطور کلی عذاب بر انسانها نازل فرماید و زندگی را از کره زمین برچیند که اگر می خواست چنین کند از اول بنی آدم را نمی آفرید.

رسول الله ﷺ: «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ فَقِيلَ لَهُ: وَلَمْ يَأْرَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ يَخَافُ الْقَتْلَ»^{۱۴۶}
رسول خدا ﷺ: «به ناچار برای حضرت مهدی علیه السلام غیبتی خواهد بود زیرا اگر غائب نشود کشته می شود.» (و جامعه بشری از وجود منجی محروم خواهد شد).

و یا آنکه بگذارد امام دوازدهم نیز به شهادت برسد و سپس امامی دیگر جای او را بگیرد و همان برنامه شهادت امامان معصوم مجدداً تکرار گردد که اینهم بازیچه و بیهودگی در کار خداوند تلقی شده و خداوند از بیهودگی منزّه است.

سومین راه آن است که جهت تنبیه و تربیت مردم، منجی عالم بشریت را موقتاً (تا هر وقت مردم او را بخواهند یا تا هر لحظه که خداوند صلاح بداند) در میان مردم (بطور ناشناس) حفظ نماید و به او عمر طولانی عنایت فرماید تا:

الف: مردم بدون حجت و رهبر نمانند و امام علیه السلام بین آنان حضور داشته باشند که همین حضور ناشناس فوائد بی شمار به همراه دارد که یکی از آنها این است که بخاطر آن حضرت عذاب برکرة زمین (که همه مردم هلاک شوند) نازل نمی شود.
ب: او زنده و حاضر بین مردم باشد تا هرگاه مردم تصمیم به پذیرش حکومت حق گرفتند و ظهور آن حضرت را خواستار شدند ایشان آماده قیام باشند و این بدان جهت است که مردم نگویند خدایا ما می خواستیم حکومت حق تشکیل شود ولی حجت تو که باید آنرا رهبری نماید در میان ما نبود.

ج: جامعه بشری قدری آزاد باشد تا سوزش هواهای نفسانی و آتش صفات رذیله و شیطانی را حس کند و دریابد که بدون منجی آخرالزمان نمی توان از فساد و ظلم رهایی یافت و دریابد که در تاریکی دوری از تعالیم انبیاء و حجت پروردگار زندگی ممکن نیست همانطور که در شب تاریک بدون نور نمی توان قدم از قدم برداشت.

قسمت سیزدهم :

اودرین ماست

«... ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان علیهم آلاف التحية والسلام که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند.»

وصیتنامه سیاسی الهی امام راحل علیه السلام

صحیفه امام علیه السلام ج ۲۱ ص ۳۹۶

زیارت آل یاسین :

«السلام علیک فی آناء لیلک و اطراف نهارک»^{۱۴۷}

حضرت امام قزوینی در باره این مسأله مهم که منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحنا فدا، هم اکنون در میان جامعه بشری بصورت ناشناس حضور دارند تا خداوند اذن ظهور به ایشان عنایت فرماید می فرمایند :

– “ ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان علیهم آلاف التحية والسلام که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند.^(۱) ”

– “ اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنائی... اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیاء به جوار رحمت حق می رفتند دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند... ”

“ ... و ما باید در این طور روزها و در این طور ایام الله توجه کنیم ”

۱- وصیتنامه سیاسی الهی امام راحل علیه السلام. صحیفه امام علیه السلام ج ۲۱ ص ۳۹۶.

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما ای حجت پروردگار که در بین ما هستی سلام بر شما در همه شبانه روز».

که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت...".

"... تمام دستگাহائی که الآن بکار گرفته شده اند در کشور ما و امیدوارم که در

سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند باید توجه به این معنی داشته باشند که

خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه".^(۱)

- " یک کشور سی و چند میلیونی با اختلاف گروهها با اختلاف آمال و آرزوها با

اختلاف فهم و شعور، آنها همه با هم مجتمع شدند و همه با هم دست به هم

دادند و یک مطلب را خواستند این نیست الا اینکه دست غیبی در کار است

خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان علیه السلام، - من - از آن وقت، یأس در من

هیچ وقت نبوده است".^(۲)

- " با سپاس از خدای تبارک و تعالی که توفیق به ملت داد و ملت را برانگیخت

برای احقاق حق و این نبود جز هدایت خدای تبارک و تعالی و اعانت

ولی امر سلام الله علیه و با اعانت ولی امر و هدایت ذات مقدس حق تعالی...".^(۳)

- " بحمد الله این کشور الآن در تحت عنایت حق تعالی و در تحت حمایت

۱- صحیفه نوج ۱۲ ص ۲۰۷ - مورخ ۵۹/۴/۷ ۲- صحیفه نوج ۶ ص ۳۸ مورخ ۵۸/۱/۲۹

۳- صحیفه نوج ۶ ص ۱۰۱ مورخ ۵۸/۲/۷

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام :

«انا خاتم الأوصياء، و بي يرفع البلاء عن اهلي و شيعتي»^{١٢٨}.

ولیی عصر سلام الله علیه به مقامی رسیده است که می تواند راه خودش را طی کند...»^(۱).

- " خداوندا... دعای خیر حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را شامل حالمان گردان ".^(۲)

- "... نامه اعمال ما به حسب روایات عرضه می شود به امام وقت، امام زمان سلام الله علیه مراقب ما هستند ".^(۳)

- " نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان سلام الله علیه هفته ای دو دفعه (به حسب روایت) ".

" ... نکند که خدای نخواسته از من و شما و سایر دوستان امام زمان سلام الله علیه

یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام الله علیه باشد ".^(۴)

- " دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه های او (خوب ما شیعه او

هستیم) - شیعه او دارد این کار را می کند این ملائکه الله که بردند پیش او، دید،

سرشکسته می شود امام زمان سلام الله علیه... ".^(۵)

۱- صحیفه نوری ۱۷ ص ۱۵۵ مورخ ۶۱/۱۰/۲۶ ۲- صحیفه نوری ۲۰ ص ۶۲ مورخ ۶۵/۱۱/۱۶

۳- صحیفه نوری ۱۸ ص ۱۷-۱۸ مورخ ۶۳/۳/۲۱ ۴- صحیفه نوری ۷ ص ۲۶۷ مورخ ۵۸/۴/۱۲

۵- صحیفه نوری ۸ ص ۱۴ مورخ ۵۸/۴/۱۳

امام صادق علیه السلام :
«حضرت ولی عصر علیه السلام بطور معمولی در میان مردم زمان غیبت زندگی می کنند در بازارهایشان رفت و آمد دارند و در مجالس آنان بطور ناشناس حضور می یابد ولی آنان او را نمی شناسند تا آنکه خداوند به او اجازه اینکار را صادر فرماید».

- " رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیة الله است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست بدست بیاوریم " (۱)

- " از نفس گرم ولی الله اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف می خواهم که از خداوند متعال تقاضا فرماید که همه ما و همه مقامات و تمام ملت شریف را توفیق به عمل به اسلام و قوانین اسلامی عطا فرماید و تعجیل در ظهور بقیة الله روحی فداه نماید " (۲)

- " خداوندا دعای خیر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را شامل حالمان گردان " (۳)

وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد
روز وصلش می رسد ایام هجران می رود (۴)

۱- صحیفه نوریج ۱۴ ص ۹۴ مورخ ۵۹/۱۲/۴

۲- صحیفه نوریج ۱۵ ص ۲۴ مورخ ۶۰/۳/۲۸

۳- صحیفه نوریج ۲۰ ص ۶۲ مورخ ۶۵/۱۱/۱۶

۴- دیوان اشعار امام علیه السلام شعر «روز وصل» صفحه ۱۱۱.

عن الامام الصادق عليه السلام :
«صاحب هذا الامر يتردد بينهم و يمشي في اسواقهم و يطأ فرشهم و لا يعرفونه حتى
يأذن الله له ان يعرفهم نفسه...»^{۱۴۹}

«اهمیت حضور»

او در بین ماست.

او در میان ما حضور دارد.

آری امام زمان عليه السلام در بین ماست.

منجی جهان در جمع ما است.

اگر مردم جهان بدانند نجات دهنده آنان و آن کسی که همه ادیان خبر از ظهور او داده‌اند در جمع آنان حضور دارد بپا خواهند خواست، حرکت خواهند کرد، او را جستجو خواهند نمود.

اگر ما شیعیان که به وجود مقدس آن حضرت و حضور او در میان بشر معتقدیم پرده غفلت از چشمهایمان کنار بزنیم اینچنین نخواهیم نشست و یکپارچه ظهورش را طلب خواهیم نمود.

امروز جهانیان تشنه صلح و عدالت و علم‌اند، اگر بدانند منبع علم و عصمت و عدالت در میان آنان حضور دارد بسان تشنه‌ای در کویر که به دنبال آب می‌گردد وقتی بدانند که در اطراف او آبی وجود دارد سر از پای نمی‌شناسد و به شدت در طلب آب اطراف خود را می‌کاود، اینچنین خواهند شد و در جستجوی امام عصر ارواحنا فداه

امام صادق علیه السلام :
«حضرت ولی عصر علیه السلام بطور معمولی در میان مردم زمان غیبت زندگی می کنند در بازارهایشان رفت و آمد دارند و در مجالس آنان بطور ناشناس حضور می یابد ولی آنان او را نمی شناسند تا آنکه خداوند به او اجازه اینکار را صادر فرماید.»

حرکتی را آغاز خواهند کرد که به ظهور و وصال آن حضرت منتهی خواهد گشت چرا که این آب حیات را خداوند در میان ما نگه داشته و منتظر آن است که در جستجوی او برخیزیم تا آنرا به ما نشان دهد.

آخر، مردم قرنهای پیش و مردم صدر اسلام و مردم قبل از آن، قدر آب حیات را نمی دانستند اگر هم آنرا به دستشان می دادند با آنکه تشنه بودند و نزدیک بود از تشنگی بمیرند، در عین حال آنرا بر زمین می ریختند و پیامبران و خوبان و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان معصوم علیهم السلام و خاندان پاکشان را به شهادت می رساندند و روحشان از تشنگی و بی آبی می مُرد و مصداق حدیث شریف " من لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة " می شدند یعنی از دایره انسانیت خارج و مرده هائی متعفن به تعفن کفر و نفاق و گمراهی می شدند.

«خداوند انسانها را دوست دارد...»

ولی از آنرو که خداوند انسان را برای بهشت خلق فرموده و دوست دارد او را متّصف به صفات خود ببیند و نخواستہ او را به پذیرش حقیقت مجبور نماید پیامبران را بسوی او فرستاده و ایشان را به علم و حکمت مجهز نمود تا بتوانند رشد فکری لازم را در انسانها ایجاد نمایند و در نتیجه با دانش و علم کافی حقیقت را بپذیرند. علم پیامبران و جانشینان آنان همان آب حیاتی است که انسانرا زنده می کند، حرکت می بخشد زندگی انسانی برایش بوجود می آورد و او را لایق بهشت برین می نماید. اگر این علم در میان بشر نباشد مثل آن است که آبهای کره زمین تمام شود که مساوی است با مرگ موجودات زنده.

گرچه زشت سیرتان و آنانکه با فرزندان آدم بنای دشمنی داشتند و بهشت را قبول

عن رسول الله ﷺ :

«من انكر القائم من ولدي في زمان غيبته مات ميتة جاهليّة»^{۱۵۰}

نداشتند کوشش نمودند این آب وجود نداشته باشد و لذا آنرا از دست بشر می گرفتند (پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم السلام را به شهادت می رساندند) ولی خداوند متعال هدفش از خلقت آن نبوده که انسانها از بی آبی بمیرند بلکه صبر کرد تا رشد فکری در آنان بوجود آید و قدر آب را بدانند.

آری باید قدر آب را بدانند تا زنده شوند.

لذا بصورت موقت این آب را از دسترس آنان خارج کرد و در قرآن کریم طبق تفاسیر خاندان علم و عصمت و رسالت علیهم السلام فرمود :

به مردم بگو اگر روزی دیدید آبتان فروکش کرد پس چه کسی می تواند چنین آب گوارائی برایتان بیاورد؟^(۱)

آری، آن آب حیات در بین ماست.

اگر او نباشد همه چیز نابود می شود.

«پس برخیزیم»

پس برخیزیم، ای تشنگان حقیقت، ای تشنگان صلح و عدالت، ای انسانهای آزاده، آب حیات، علم حقیقی، پاکی و صداقت و رهبری که همه خوبیها را به همراه دارد را دریابید.

او را بجوئید.

با خود فکر کنید اگر او در میان بشر نباشد آیا خلقت معنی خواهد داشت؟

آیا خداوند خلق را بیهوده آفرید، در حالیکه در ساختمان یک اتم هیچ بیهودگی

۱- قل ارايتم ان اصبح ماؤکم غوراً فمن ياتيکم بماء معين. (سوره ملک آیه آخر).

رسول خدا ﷺ :
«کسیکه در زمان غیبت حضرت قائم علیه السلام، وجود و حضور او را منکر شود یقیناً به مرگ جاهلیت مرده است.»

یافت نمی شود چگونه در عالم عظیم انسانیت بیهودگی وجود دارد؟

«ای شیعیان»

و ای شیعیان، ای کسانی که خود را معتقد به آن بزرگوار می دانید، اگر تشنه خوبی و عدالتش هستید، اگر تشنه مهر و محبتش هستید، اگر خواستار رهبری او در جهان هستید.

شما که می دانید او در بین مردم زندگی می کند، پس چرا غفلت، چرا فراموشی از آن حضرت؟

آیا طول کشیدن زمان غیبت و خانه نشینی آن حضرت باعث بی تفاوتی و فراموشی از آن حضرت شده؟

اگر چنین است این خانه نشینی یک هزار و صد و شصت ساله باید بر درد جانکاه و غم شما «یک هزار برابر» بیفزاید زیرا برای پدر بزرگوارش علی ابن ابیطالب علیه السلام که ۲۵ سال خانه نشین شد این چنین غمدیده اید که بر سر و سینه می زنید آیا نباید برای این بزرگوار که صدها برابر جدّ مظلومش خانه نشین شده صدها برابر غمدیده باشید و شب و روز برایش گریه کنید؟

«ای مردم جهان»

ای مردم ستمدیده و محروم جهان که حتی ثروتمندان شما هم محروم هستند، (محروم از علم و هدایتهای امامی که انسان را بهشتی می کند، محروم از بهشت و خشنود به زرق و برق چند روزه دنیا) با خود فکر کنید آیا می شود خداوند مهربانی که هر ثانیه میلیاردها سلول بدن شما را سالم نگه می دارد آیا برای زندگی سالم دنیایی و آخرتی شما هیچ برنامه ای ندارد و دوست دارد انسانها در فقر و مرض و جنگ و

عن مولانا الحسن بن علی علیه السلام :
«لو قام المهدي عليه السلام لأنكره الناس لأنه يرجع اليهم شاباً و هم يحسبونه شيخاً كبيراً»^{۱۵۱}

بی دینی و بی هویتی و مادیت بمیرند؟

آن خدائی که برای بدن کوچک شما یک مغز و یک قلب را به عنوان فرمانده قرار می دهد آیا برای جهان بشریت یک رهبر دور از خطا که تمام کره زمین را سرشار از صلح و صفا نماید قرار نمی دهد و نداده است؟

آیا وقت آن فرا نرسیده که شما هم مانند ما پیروان خاندان عصمت و طهارت که جانشینان آخرین پیامبر خدا هستید، معتقد به وجود آن آب حیات گردید که البته شما هم بطور کلی به او معتقد هستید ولی آیا وقت آن فرارنرسیده که جستجوئی از او کنید؟

«جستجویی از او»

او که گمشده شماست،

او که صدای همه را می شنود و همه را می تواند ببیند، زیرا نماینده خدای قادر و تواناست و خداوند او را بر دیدن و شنیدن همه صداها و حضور در همه مکانها قدرتمند ساخته، و حق اوست چنین کند زیرا بوسیله او خلق خود را هدایت می کند. اگر شما هم او را صدا بزنید.

اگر بگوئید "یا صاحب الزمان" یعنی ای صاحب و رهبر این زمان، که از سوی خداوند مأمور نجات جامعه بشری هستی بفریاد ما برس، ما را دریاب.

«اگر او را صدا بزنید بفریادتان می رسد...»

اگر خواسته باشید می توانید امام زمانتان را صدا بزنید.

می توانید به او بگوئید: ای نماینده خدا، دستم را بگیر، مرا بسوی حق راهنمایی کن، مرا از پیروان حقیقی دین خدا قرار ده، مرا به مقام انسانیت برسان.
فکر نمی کنم جملات فوق مخصوص مسلمانان یا شیعیان باشد بلکه هر انسانی

امام حسن مجتبی علیه السلام :
«وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور فرماید مردم او را نمی شناسند زیرا آن حضرت بصورت جوان ظاهر می شود در حالیکه مردم فکر می کنند او (بسبب طول عمر زمان غیبت) پیرمردی با عمر طولانی است.»

می تواند چنین با آن حضرت حرف بزند به شرط آنکه طالب حقیقت باشد.

«ای صلح جویان جهان»

و ای صلح جویان جهان، ای کسانی که از سلاحهای مرگبار اتمی و خودخواهان و ظالمان هراس دارید و هر از چند گاهی در سراسر جهان به تظاهرات صلح جویانه و مبارزه با سلاحهای مرگبار دست می زنید، بدانید که مصلح حقیقی در میان ماست. خداوند ما انسانهای قربانی ظلم و بی عدالتی را بدون نجات دهنده رها ننموده، او را در میان ما قرار داده تا هر روز که حقیقتاً طالب صلح حقیقی که مورد قبول پروردگار باشد و در آن هیچ ظلمی نه به قوانین الهی نه به پیامبران نه به انسانها و نه به راه حق صورت نگیرد هر روز که طالب آن صلح واقعی بودید و از خدا آنرا خواستید او را ظاهر نماید.

«او باید در میان ما باشد تا...»

او باید در میان ما باشد تا هیچگاه ما نتوانیم بگوئیم خدایا ما رهبر معصوم و نماینده ای از جانب تو نداشتیم تا از ظلم و ستم و دوری از تو رهایی یابیم. او باید در میان ما باشد تا روز قیامت مردم یازده قرن پیش تا امروز نگویند خدایا ما رهبری، نجات دهنده ای نداشتیم تا دچار از هم گسیختگی و جنگ و بدبختی نشویم و در صلح و صفا زندگی کنیم و بحال خود رها بودیم. آری اگر او در میان ما نباشد بدین معنی است که خداوند بشر را بحال خود رها کرده و راهنمایی برایشان قرار نداده است در حالیکه چنین چیزی حتی در یک ذره اتم که کوچکترین چیزها از نظر ماست، یافت نمی شود. اگر او در میان ما نباشد مساوی است با بهم ریختن نظم اتمها و کهکشانها و همه رموز

القرآن الکریم: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا»^{۱۵۲}
عن الباقر علیه السلام: «اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا علی أذیة عدوکم و رابطوا
امامکم المهدی المنتظر»^{۱۵۳}

عالم هستی زیرا همه اینها راهنما و مدیر و هدایت کننده دارند جز جامعه بشری که اشرف و افضل از همه اینهاست و همه آسمانها و زمین برای رفاه او خلق شده است. اگر او در میان ما نباشد بدین معنی است که نزول قرآن بر آخرین پیامبر خدا بیهوده بوده و جامعه بشری پس از آخرین فرستاده خدا هیچ استناده مؤثری از کلام الهی نمی تواند بنماید و خداوند کار خود را ناقص و ناتمام رها نموده است چرا که بدون وجود او هر کس حرفی در تفسیر قرآن می زند و آنرا با نظر خود معنی می کند و اختلاف بسیار در فهم کلام خدا پدید می آید و همین هفتاد و چند فرقه ای که در اسلام هست اثر این اظهارنظرها و روی گرداندن بعضی از مسلمانان از جانشینان معصوم رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

اگر او در میان ما نباشد بدین معنی است که قرآن بی سرپرست و بی کس مانده و خداوند کلام خود را بدون تفسیر در میان بشر باقی گذاشته است. آری او در بین ماست.

او سرپرستی مهربان برای ماست.

او عالمترین خلق خدا و پاکترین آنهاست.

«خداوند از هزار و صد سال پیش...»

خداوند مهربان از هزار و صد سال پیش برنامه اصلاح جامعه بشری را به ما ارائه فرمود و قبل از آن از زمان بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله تا شهادت یازدهمین جانشین آن حضرت یعنی امام حسن عسکری علیه السلام زمینه و مقدمات آغاز حکومت جهانی امام دوازدهم را فراهم نمود یعنی کاملترین و آخرین قانون خود را که تا روز قیامت بدون کوچکترین نقصی هدایتگر جامعه بشری باشد ارائه فرمود و سپس

امام باقر علیه السلام آیه آخر سوره آل عمران را چنین معنی فرمود :
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر انجام واجبات الهی استقامت ورزید و بر آزار دشمنان
مقاوم و بردبار باشید و با امام خود حضرت مهدی منتظر علیه السلام رابطه برقرار کنید.»

توسط یازده جانشین آن حضرت کوشید مردم را با حق و عدالت آشنا سازد و آنانرا آماده حکومت عدل جهانی منجی آخرالزمان نماید.

ولی با کمال تأسف مردم آنزمان و زمانهای بعد اینرا نپذیرفتند.

هر روز که از تولد منجی آخرالزمان گذشت کار اصلاح جامعه بشری به عقب افتاد و جنگها و بدبختیهای فراوان به آنان روی آورد.

اگر مردم یازده قرن پیش تا این زمان بگویند خدایا چرا ما دچار عقب افتادگی و دوری از تو و دوری از علم و سعادت و پیشرفت مادی و معنوی بودیم و چرا جنگهای خانمانسوزی مثل جنگ جهانی اول و دوم بسراغمان آمد و چرا اکنون در نقاط بیشماری از جهان هزاران نوع بدبختی و فقر و جنگ و مرض و ... وجود دارد؟ خداوند در پاسخ آنان خواهد فرمود : مقصّر خود شما هستید. من از یازده قرن قبل تاکنون منتظر شما هستم و نماینده خود منجی آخرالزمان را در میان شما قرار دادم و اعلام کردم هر لحظه خواستید از من بخواهید تا بر شما منت گذاشته و بوسیله او جهان را از شرّ ظلم و ستم و دغلبازی پاک کنم ولی شما به سخنان پیامبر عظیم الشان اسلام و جانشینان آن حضرت و حتی پیامبران قبل توجهی نکردید و منجی خود را نشناختید و تسلیم سخن شیاطین شدید و حتی عده‌ای از شما وجود او را منکر شدند و خلاف ضرورت عقل خود پذیرفتند که رهبری ندارند و رها هستند و عده‌ای گفتند معلوم نیست منجی آخرالزمان کی بیاید و...

«او در بین ماست»

برای رسیدن به صلح و عدالت و تمدّن در جهان منتظر چه چیز هستیم؟
اگر فرض کنیم صلح و عدالت حقیقی مانند یک منزل و دارای شماره تلفنی باشد،

عن ابی عبداللہ رضی اللہ عنہ :
«ان للقاءم غیبتین یرجع فی احدیها و الآخری لا یدری این هو، یشهد الموسم یری
الناس و لا یرونه»^{۱۵۴}

آیا کسیکه می خواهد با این منزل تماس بگیرد صحیح است پای تلفن بنشیند و شماره‌های احتمالی و خیالی و حدسی خود یا دیگران را بگیرد. آیا به او نمی گوئید خودت را معطل نکن، این شماره‌ها را نگیر، شماره این منزل را از مرکز اطلاعات تلفن بپرس.

«علم اساس هر چیز...»

مگر اساس هرچیز بر علم استوار نیست؟
مگر نظم موجود در ذرات عالم از اتمها و سلولها گرفته تا کهکشانهای عظیم براساس رموز دقیق علمی نیست؟
کدام چیز در عالم را می توان یافت که براساس علم شکل نگرفته باشد و با حدس و گمان و احتمال برپا گردد؟
آیا صلح جهانی به معنی حقیقی اش (نه آنچه که مدعیان صلح شعار آنرا سر می دهند ولی در عمل هرکاری به جز صلح از آنان دیده می شود) براساس علم و رموز خاصی استوار نیست؟

رمز صلح حقیقی یا علم آن در دست کیست؟
آیا خداوند بزرگ که همه چیز را می داند و علم مطلق و نامحدود است و صلح حقیقی را در ذره ذره عالم و در تمام خلقت بی نهایتش اجرای کرده و تنها ما انسانها از آن روی گردان هستیم، آیا او تنها کسی که رمز صلح را در اختیار دارد نیست؟
آیا نباید از او (که در مثال تلفن به آن اشاره شد به عنوان مرکز اطلاعات همه تلفن ها و همه رموز خلقت) شماره و رمز صلح و عدالت و تمدن حقیقی را پرسید و عمر پرارزش میلیاردها انسان را قرنهای متمادی صرف شماره گیریهای حدسی و اختراعی

امام صادق علیه السلام :
«حضرت قائم علیه السلام دارای دو غیبت است (صغری) که در آن ارتباطی محدود با مردم دارد و (کبری) که کاملاً ناشناس در میان آنان بسر می برد هیچکس نمی داند او کجاست در مراسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند ولی مردم او را نمی شناسند».

و احتمالی نمود؟

آیا جامعه بشری قرن‌ها خود را معطل شماره‌گیری حدسی این و آن که دائماً ادعای برقراری صلح و عدالت را دارند ننموده است؟
آیا جامعه بشری در اثر این شماره‌گیریهای احتمالی صدها بار (مانند کسیکه اشتباه شماره‌گیری می‌کند) نشنیده است که : اشتباه گرفتید.
آری صدها و هزاران سال است و امروز نیز چنین است که همه ما به وضوح می‌شنویم اشتباه گرفتید، این شماره (مانند نظام کمونیستی و دهها نظام دیگر که براساس اختراعات فکری و حدسیات افراد بشر مطرح شده است) شماره منزل صلح و عدالت و حقیقت نیست؟!!

«تا به کی»

تا به کی می‌خواهیم این شماره‌ها را بگیریم.
مگر علم ریاضی نمی‌گوید رسیدن به شماره مورد نظر از اینراه محال است؟
آنهم یک شماره پیچیده صدها رقمی بنام صلح و عدالت و رفاه و سلامتی و کمالات انسانی و معنویت و محیط زیست سالم و ...
آنانکه علم‌گرا هستند و علم را اساس همه چیز می‌دانند که ما پیروان خاندان عصمت علیهم السلام نیز طبق سخنان پیشوایان خود به این حقیقت معترفیم، چرا برای دستیابی به رمز پیچیده صلح و عدالت و رفاه و سعادت و ... در تمام جهان به شماره علمی آن مراجعه نمی‌کنند؟
مگر عقل سالم به انسان نمی‌گوید خداوند تنها کسی است که همه چیز را می‌داند و راه دستیابی به سعادت مادی و معنوی و علم به رموز آنرا او در دست دارد؟

عن مولانا صاحب الزمان رحمته :

«و انی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء»^{۱۵۵}

«رمز در دست چه کسی است؟»

مگر عقل سالم به انسان نمی‌گوید خداوند این رمز را در اختیار هر کسی قرار نمی‌دهد؟

زیرا اگر خداوند متعال علم به رموز عالم خلقت که دانستن آن قدرت می‌آفریند مثل رموز علم اتم، را در اختیار انسانهای تربیت نشده‌ای که جز به منافع مادی و شهوانی خود نمی‌اندیشند، قرار دهد چه بر سر عالم خواهد آمد؟ آنانکه در یک نمونه کوچک خود را نشان دادند.

آنانکه وقتی قدرت اتم و علم به آنرا خداوند بطور آزمایشی در اختیارشان گذاشت تا دروغ بودن ادعای صلح و عدالتشان آشکار گردد، صدها هزار نفر را در چند دقیقه با چند بمب اتمی نابود کردند و اگر هم اکنون عده‌ای را مزاحم خود ببینند و یا کشوری بخواهد در جهان مستقل زندگی کند و بنده آنان نباشد با تهدید به سلاحهای هسته‌ای او را وادار به سکوت و پذیرش خواسته‌های خود می‌کنند.

بشر امروز به چشم خود می‌بیند اگر خداوند علم را در اختیار انسانهای غیرمعصوم و تربیت نشده به تربیت انبیاء قرار دهد چه فاجعه‌ای در جهان پدید خواهد آمد و همین "علم" که اساس همه خوبیهاست، موجب نابودی و برچیده شدن حیات از زمین می‌گردد.

"علم" مانند چاقوی آشپزخانه است که اگر در دست کودک ناآگاه و خردسال قرار گیرد خود یا دیگران را با آن مجروح یا نابود می‌کند و اگر در دست مادر آگاه و مهربان قرار گیرد موجب ادامه زندگی و حیات می‌شود.

بنابراین خداوند متعال این رمز و شماره پیچیده را تنها در اختیار کسیکه مانند مرکز

امام عصر ارواحنا فداء:

«وجود من سبب امنیت کره زمین از بلاهاست همانطور که ستارگان برای اهل آسمان سبب امنیت اند.»

اطلاعات تلفن همه شماره‌ها و رموز را در اختیار دارد قرار داده است. او انسانی معصوم از خطا را در هر زمان از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، در کره زمین به عنوان نماینده خود قرار می‌دهد که همه رموز عالم خلقت را می‌داند و در هیچ کاری جز براساس علم صددرصد قدم بر نمی‌دارد و همین امر ضامن عصمت او از خطاست.

آری خداوند در تمام زمانها حجّت را بر مردم کره زمین تمام کرده و نماینده‌ای از جانب خود که یا پیامبر یا جانشین اوست را در میان آنان قرار می‌دهد تا هر لحظه که خواستند به صلح و عدالت و سعادت حقیقی دست یابند فوراً به سراغ او رفته و رمز را از او بپرسند.

پس او در بین ماست.

او حجّت خداست.

او امام و رهبر زمان ما از سوی خداست زیرا خداوند علم به حقیقت هر چیزی را در اختیار او قرار داده و او را از خطا معصوم نموده است.

«اگر او در میان ما نباشد»

بعضی فکر کرده‌اند منجی آخرالزمان اکنون در میان ما نیست و بعدها متولد خواهد شد.

در پاسخ می‌گوئیم اگر او منجی آخرالزمان است (که زمان ما آخرالزمان است) چرا بعدها به دنیا خواهد آمد، مگر هم اکنون جامعه بشری نجات دهنده نمی‌خواهد؟ به عنوان مثال آیا دولت یک کشور می‌تواند به مردم بگوید ما فعلاً مأموری برای اطفاء حریق در سطح شهرهایمان نداریم، مأمورین ما بعداً به دنیا خواهند آمد؟

عن رسول الله ﷺ :

«تكون له غيبة طويلة يرجع عنها قوم و يثبت عليها آخرون»^{١٥٦}

اگر چنین دولتی یافت شود، مردم آنرا بی کفایت و ناتوان دانسته و خواستار دولت دیگری می شوند.

اکنون می پرسیم آیا دولت قدرتمند الهی برای خاموش کردن آتشیهای فساد کره زمین که همه نوع بدی و زشتی و تیره روزی را برای بشر به ارمغان آورده و هر انسانی را با آتش فقر و مرض و جنگ و... یا آتش گناهان و صفات زشت و ناپسند می سوزاند، هیچ مأموری را در حال حاضر آماده اطفاء حریق ننموده است؟
آیا صحیح است خداوند به مردم بگوید مأمور اطفاء حریق ما بعدها به دنیا خواهد آمد؟

آیا خداوند متعال از قرار دادن یک نماینده معصوم در حال حاضر در کره زمین (العیاذ بالله) عاجز و ناتوان است که بشر امروز را به حال خود رها نموده و هیچ نجات دهنده‌ای (در سطح جهان) برایشان قرار ندهد؟

ساحت کبریائی و مقدّس پروردگار عالم از این سخن ناروا مبرّاست و او خدای منزّه از هر نقصی است که پاکی و تقدّس او از هر ذره‌ای هویدا است تا چه رسد به مهمترین امور زندگی میلیاردها انسان مظلوم و تشنه صلح و عدالت جهانی.

بنابراین، اینکه بعضی اظهار داشته‌اند مصلح جهان حضرت مهدی موعود علیه السلام بعداً به دنیا خواهد آمد، سخن صحیحی نیست و شاید شبهه‌ای برای آنان پیش آمده که چنین گفته‌اند زیرا پس از رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام تا امروز بواسطه دوری مسلمانان از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و بواسطه حکومت‌های ظالمانه، بازار افکار و اختراعات فکری غیر صحیح در میان مسلمین رواج یافته و آنرا دچار تشنگی و اختلاف نموده است.

آری، منجی آخر الزمان باید هر لحظه در بین مردم حضور داشته باشد تا به مجرد

رسول خدا ﷺ :
«برای او (حضرت مهدی علیه السلام) غیبتی بس طولانی خواهد بود که عده‌ای در آن زمان از اعتقاد به آن حضرت بازگشته ولی عده‌ای دیگر محکم و پابرجا ایستاده‌اند».

رفع موانع آنانرا از آتشیهای سوزان مادی و معنوی نجات بخشد.

«پس او در بین ماست»

پس او در بین ماست، او منتظر ماست، او با ماست تا صدایش بزنیم،
او از غفلت ما می نالد و می‌گرید و می‌گوید :

“ اگر شیعیان ما یکپارچه و یکدل به عهد خود با ما وفا می‌کردند هرگز میمنت دیدار ما را از دست نمی‌دادند و این سعادت از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و به سرعت ما را ملاقات می‌نمودند، این اعمال ناپسند خود آنان است که دور از انتظار ما است و ما را خوش نمی‌آید و موجب محرومیت آنان از ما شده است.”^(۱)
و در تشرّف مرحوم حاج محمد علی فشنودی که در مسجد جمکران اتفاق افتاده فرمودند :

“ شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد.”^(۲)
آیا ما همچنانکه در سالهای خشکسالی و بی‌آبی به دنبال آب هستیم، هم‌اکنون او را خواسته‌ایم؟

آیا همچنانکه فرزندانمان مریض و در بیمارستان بستری است و تقاضای ما برای

۱- نامه آن حضرت به شیخ مفید اعلی‌الله مقامه "ولو ان اشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالمهد علیهم لما تأخر عنهم الین بلقائنا...". احتجاج ج ۲ ص ۶۰۲ (احتجاج شماره ۳۶۰) و بحارالأنوار ج ۵۳ ص ۱۷۶.

۲- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ج ۱ ص ۱۴۷.

عن الصادق عليه السلام :

«يفقد الناس امامهم، فيشهدهم الموسم فيراهم ولا يرونه»^{۱۵۷}

شفای او از سوز دل و با اشک و گریه است، آیا ظهور آن حضرت را اینچنین با سوز و گداز خواسته‌ایم؟

آیا همانطور که آب شهرمان قطع می‌شود و مضطرب و بی‌تاب شده خود و دیگران را در خطر می‌بینیم و به دنبال ظرفی آب در تکاپو هستیم آیا ظهور آب حیات و آب صلح و عدالت و سعادت را اینچنین خواسته‌ایم یا با وسوسه شیاطین اینها را حرف و سخن و مسائل اخلاقی تصور کرده و پای بندی به آنرا خیلی لازم نمی‌دانیم؟ آیا وقتیکه جنگ جهانی اول و دوم و انفجارات هسته‌ای و نابودی صدها هزار نفر و جنگهای خانمانسوز دیگر را می‌بینیم هیچگاه به فکر افتاده‌ایم که این آتشفشانها به دلیل کنار گذاشتن و فراموش نمودن مأمور نجات بشر بوده و الا خداوند هیچگاه وقوع چنین فجایعی را برای مخلوق خود نمی‌خواهد و از آن جلوگیری می‌کند همانطور که وقوع آتش سوزی در یک منزل به دلیل سهل‌انگاری کودکان یا بزرگان و ادامه آن به دلیل عدم حضور مأمور آتش نشان می‌باشد.

آیا جناحهای سیاسی و غیرسیاسی و احزاب آن مقدار که برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کنند به فکر معرفی مصلح جهان و آنکه در بین ما غریبانه بسر می‌برد هستند؟ یا آنکه چون نام مسلمان و شیعه را بر خود نهاده‌اند هر نوع فعالیت را خدمت به آن حضرت می‌دانند؟ یا آنکه خود می‌دانند چنین نیست و برای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه کاری نکرده‌اند.

آیا سازمانهای بین‌المللی صلح و دوستی و گفتگوی تمدن‌ها برای شناخت رهبر صلح و تمدن بشر که یازده قرن در انتظار است اقدامی نموده و در سطح جهان فعالیتی نموده‌اند؟!

اگر می‌گویند ما شیعه و مسلمان نیستیم آیا مسیحی هم نیستند، آیا یهودی هم

امام صادق علیه السلام :

«در زمان غیبت، امام زمان علیه السلام در میان مردم حضور دارد حتی در مراسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌شناسند.»

نیستند؟

آیا زرتشتی هم نیستند، آیا یک انسان آزاده هم نیستند که بیایند و بگویند باید تحقیقی از آنچه شیعیان می‌گویند بنمائیم؟! اگر شیعیان راست بگویند که منجی آخرالزمان در بین ما حضور دارد این بزرگترین جفا در حق آن رهبر یگانه تاریخ انسانیت است که این چنین او را به فراموشی بسپاریم.

باید برویم و از او تحقیقی کنیم، اگر چنین شخصی وجود داشت که از او برای اصلاح جهان دعوت نمائیم و اگر وجود نداشت حداقل روز قیامت در برابر خداوند و امروز در برابر وجدان خود سرافراز خواهیم بود که ما از چنین شخصی که یک میلیارد مسلمان از او خبر می‌دهند تحقیق کردیم و خبری نبود و آنان اشتباه فکر می‌کنند. آیا سازمانهای دفاع از حقوق بشر (اگر راست می‌گویند) برای بزرگترین مدافع حقوق بشر که منجی آخرالزمان است و همه افراد بشر را به حقوق حقه و کامل خود می‌رساند چه کرده‌اند؟

آیا آنان نمی‌دانند که همه ادیان الهی خبر از ظهور منجی داده‌اند؟

آیا آنان نمی‌دانند که ما مسلمانان و شیعیان معتقد به حضور فیزیکی آن حضرت در میان خود هستیم و حتی هزاران نفر از انسانهای باصفا و با اخلاص در طول تاریخ هزار و صدساله زمان غیبت و پنهان زیستی آن حضرت، او را دیده و بخدمتش مشرف شده‌اند؟

آیا آنان سخن همه مشرف شدگان را دروغ می‌پندارند؟

دعاء مولانا المهدی علیه السلام :

«... واجعل لی و لشیعتی من الضیق فرجا و من الهم مخرجاً» ۱۵۸

«اورا می توان دید»

بهترین دلیل بر اثبات چیزی نشان دادن آن است. گرچه مطالبی که تاکنون گفتیم چیزی کمتر از نشان دادن نبود زیرا آن مطالب وجود مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را با چشم دل و عقل ثابت می کرد و آنچه در زمان غیبت آن حضرت مهم است آن است که مردم آن بزرگوار را با چشم عقل و دل ببینند. طبق برخی از روایات، از مردمی که در زمان غیبت، به وجود مقدس امام زمان علیه السلام با چشم عقل پی برده اند تعریف زیادی شده و آنانرا از مردم زمانهای دیگر باارزستر دانسته اند زیرا آنان به قدری از نعمت عقل و خرد بهره مند شده اند و خداوند عقول آنانرا پربار نموده است که ضرورت وجود امامی معصوم را درک کرده و جهان بدون وجود و حضور او (حال یا به شکل آشکار مانند علی بن ابی طالب علیه السلام و ده فرزند معصومش علیهم السلام و یا به شکل پنهان مانند حضرت مهدی ارواحنا فداه که ناشناس بسر می برند) را مانند بدنی بدون قلب یا مغز می دانند که بسرعت نابود می شود.

آنان با عقل خود به این حقیقت اعتراف نموده اند که مگر می شود خداوند میلیاردها انسان را بدون یک راهنمای معصوم رها نماید و جامعه بشری دچار هرج و مرج و از هم گسیختگی گردد؟

«چه کسی او را دیده است؟»

ولی با همه اینها ممکن است عده ای بگویند اگر امام زمان علیه السلام در میان ما بسر می برد چه کسی او را دیده است؟

امام عصر علیه السلام :

«خدا یا برای من و شیعیانم گشایشی از تگناها و ناراحتیها مرحمت فرما».

پاسخ به این پرسش آسان‌ترین پاسخ برای ماست زیرا بقدری تشرّف به محضر مقدّس آن حضرت نقل شده که هر انسانی با شنیدن این قضایا به حضور و وجود آن حضرت در میان جامعه بشری یقین پیدا می‌کند.

«چندین جلد کتاب خواهد شد...»

اگر بخواهیم این تشرّفات را نقل کنیم بالغ بر چندین جلد کتاب قطور می‌شود که بحمدالله عدّه‌ای از شیفتگان و نویسندگان از قدیم و جدید داستان تشرّف آنانکه به خدمت آن حضرت رسیده‌اند را در کتابهایی چون "نجم الثاقب"، "ملاقات با امام زمان علیه السلام"، "تبصرة الولی"، "شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام" "ملاقات با امام عصر علیه السلام"، و دهها کتاب و نوشته دیگر منعکس نموده‌اند که اکنون در صدد شمارش و ذکر نام شریف آنها نیستیم.

ولی برای آنکه کتاب ما به عطر خوش این قضایا بیش از پیش معطر گردد از میان هزاران قضیه تشرّف تنها به چند نمونه کوتاه بسنده می‌کنیم تا شاید با شنیدن و خواندن این قضایا، خداوند متعال عدّه‌ای را به آرزوی دیدار جمال بی‌مثال حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فدا، مشرّف فرماید و قلوبمان به نور علوم آن حضرت روشن گردد. لازم به ذکر است از میان این چند قضیه، قضیه اوّل قدری طولانی ولی جذاب و خواندنی است.

دعاء فی زمن الغیبة :

«و لا تسلبنا الیقین لطول الامد فی غیبتہ و انقطاع خبرہ عنا» ۱۵۹

ملاقات اول :

«حافظ القرآن»

به دلیل آنکه داستان ملاقات " حافظ القرآن " با حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداہ با معجزه غیرقابل انکاری همراه است و هزاران نفر در زمان معاصر قضیہ او را دیده یا شنیده و حتی دشمنان نیز قادر به انکار آن نبوده‌اند، ما هم آنرا برایتان به نقل از استاد بزرگوارمان حضرت آية الله سيّد حسن ابطحي مدظله العالی که بطور مشروح در کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام جلد دوم نقل نموده‌اند می‌آوریم.

به دلیل آنکه استاد بزرگوار توضیحات لازم در باره این قضیہ را بطور مشروح بیان فرموده‌اند ما بیش از این شما را معطل نمی‌کنیم و شما را با فرمایشات ایشان تنها می‌گذاریم.

ایشان فرمودند :

در سال ۱۳۳۲ که تازه وارد حوزه علمیه قم شده بودم و مدت پانزده روز در منزل حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد رازی سکونت داشتم، در همین مدت مردی به نام کربلائی " محمد کاظم کریمی ساروقی " میهمان معظم له بود.

من در آن موقع با " فدائیان اسلام " و بخصوص با رهبر آنها، مرحوم حجة الاسلام شهید سیّد مجتبی نواب صفوی ارتباط خوبی داشتم.

آنها و حاج آقای رازی، آقای کربلائی محمد کاظم را خیلی احترام می‌کردند، نه بخاطر آنکه او مرد باسواد و عالمی باشد، و نه بخاطر آنکه او مرد قاطع و قدرتمندی باشد، و نه بخاطر آنکه او مرد ثروتمند و بانفوذی باشد، بلکه تنها به خاطر آنکه او در

دعای زمان غیبت امام عصر علیه السلام :
«خدایا بواسطه طولانی شدن زمان غیبت امام عصر علیه السلام و عدم دسترسی به آن حضرت
از ما یقین و ایمان به آن بزرگوار را سلب مفرما».

اثر عمل کردن به آنچه از احکام اسلام دانسته است مورد توجه حضرت
بقیة الله روحی له الفداء قرار گرفته و بزرگترین ثروت معنوی را به او داده بودند.

یعنی او را در یک لحظه حافظ قرآن کریم کرده بودند، آن هم نه بطور معمولی، بلکه
هر سوره و آیه‌ای که به او تعلیم داده بودند خواص آن و تمام خصوصیات آن آیه را در
حافظه او سپرده بودند. در مدت این پانزده روز که من با او معاشر بودم چند قصه و
جریان، خودم از او دیده‌ام که برای شما خوانندگان محترم نقل می‌کنم تا بدانید که این
حفظ قرآن طبیعی نبوده بلکه اگر شخصی با حافظه بسیار قوی بخواهد در ظرف
صدسال مثل او حافظ قرآن شود ممکن نیست.

ضمناً تذکر این نکته لازم است که کربلائی محمد کاظم به قدری کم حافظه و
ساده لوح و کم استعداد بود که در مدت پانزده روزی که من شب و روز با او بودم با
آنکه من اصرار زیادی داشتم که او اسم مرا یاد بگیرد و در حافظه‌ای که قرآن محفوظ
است اسم من هم حفظ شود، او خیلی با زحمت این او اخر اسم و فامیل مرا یاد گرفته
بود و حتی عرفیات خوبی نداشت.

ای کاش او را می دیدید! که خود این کم حافظه‌ای و سادگی و کم استعدادی، بهترین
دلیل بر معجزه بودن حفظ قرآن او بود، علاوه او مگر ساده حافظ قرآن بود، نه بلکه اگر
جریانات زیر را که دهها مرتبه در حضور علماء و مراجع تقلید اتفاق افتاد، با دقت
ملاحظه فرمائید! باور می‌کنید، که ممکن نیست بطور عادی این عمل انجام شود.
مثلاً یک روز مرحوم حجة الاسلام آقای سید عبدالحسین واحدی (یکی از سران
فدائیان اسلام) با زحمت چند روزه از چند سوره کلماتی را به طوری کنار هم تنظیم
کرده بود که وقتی در محضر جمعی از علماء آنها را خواند هیچ یک از آنها حتی
احتمال هم نداده بودند که آن آیه‌ای از قرآن نباشد، ولی کربلائی کاظم به او گفت: این

عن علی بن مهزیار الأهوازی ... ثم قال :
«مالذی ترید یا بالحسن؟ قلت : الامام المحجوب عن العالم، قال : و ما هو محجوب
عنکم و لکن حجه سوء اعمالکم»^{۱۶۰}

کلمه را از فلان سوره و آن کلمه را از فلان سوره دیگر و تقریباً بیست کلمه را از بیست سوره همه را یک یک نام برد و قبل و بعد آن کلمه را از همان سوره‌ای که نام می‌برد تلاوت می‌کرد، و گفت : چند "واو" هم از جیب برای وصل کردن کلمات در بین آنها گذاشته‌ای و می‌خواهی مرا امتحان کنی!

این عمل در حضور جمعی از علماء بود که همه به او احسنت گفتند و حتی بعضی از بزرگان از جا برخاستند و دست او را بوسیدند.

یک روز من او را به شخصی معرفی می‌کردم و به او می‌گفتم : آنچنانکه ما سوره "فاتحه" را حفظیم ایشان تمام قرآن را حفظ‌اند، او رو به من کرد و گفت : حالاً تو سوره "فاتحه" را خوب حفظی؟

گفتم : معلوم است زیرا همه روزه ده مرتبه لا اقل در نمازهای واجب آن را می‌خوانم.

گفت : کلمه وسط سوره حمد کدام است؟

من خواستم کلمات را بشمارم و کلمه وسط سوره حمد را برای او بگویم.

گفت : نه همین طوری بگو.

گفتم : نمی‌دانم!

خود او گفت : کلمه وسط سوره حمد " نستعین " است که دوازده کلمه آن طرف این کلمه است و دوازده کلمه این طرف این کلمه است و این کلمه در وسط این دو دوازده کلمه واقع شده است و من بعدها با امتحانات و تحقیقاتی متوجه شدم که او تمام کلمات قرآن را با محاسبه دقیق از این قبیل می‌داند و حتی هر زمان یک کلمه از قرآن را از او سؤال می‌کردم که مثلاً این کلمه چندمین کلمه قرآن است فوراً بدون معطلی می‌گفت : این کلمه مثلاً هزارمین کلمه قرآن است و به همین ترتیب آیات را و حتی اگر می‌خواست تعداد حروف قرآن و یا چند مرتبه مثلاً " الله " و یا سایر کلمات در قرآن

علی بن مهزیار اهوازی می گوید: فرستاده امام زمان علیه السلام بمن فرمود: «ای علی بن مهزیار چه می خواهی؟ گفتم: امام زمانی که از جهان پنهان است، فرمود: چنین نیست او از شما پنهان نیست ولی اعمال ناپسند خودتان باعث شده او ناشناس زندگی کند».

ذکر شده همه را می دانست و می گفت، و از این جهت فوق العادگی عجیبی داشت. یک روز به او گفتم: فلانی بسیار مقروض است و از من تقاضای دعائی کرده اگر شما چیزی در این باره می دانید بفرمائید تا به او بگوئیم.

او گفت: من جز قرآن چیزی بلد نیستم لذا اگر مایل باشد می توانم از قرآن برای او دستوری بدهم تا قرضش اداء شود ولی شرطش این است که تو فقط این دستور را به همان شخص بگوئی و او هم نباید به کسی بگوید والا اثرش از بین می رود، من قبول کردم. او به من گفت: به او بگو فلان تعداد تا ده روز آیه شریفه:

”وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ

اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا“^(۱) را بخواند انشاءالله قرضش ادا می شود.

من این دستور را به او گفتم: او هم عمل کرد و در همان روز دهم با آنکه قرض سنگینی داشت از جایی که احتمالش را نمی داد قرضش اداء شد.

یکی از خصوصیات که همه را به حیرت آورده بود و شاید بیشتر از هر چیز از این طریق او را امتحان می کردند این بود که هر قرآنی را ولو قرآن خطی منحصر بفردی را به او می دادند و از او می خواستند که فلان آیه را پیدا کند بدون ورق زدن، قرآن را طوری باز می کرد که آن آیه در یکی از آن دو صفحه ای که در مقابل صورتش بود، قرار داشت و خودش آن را با سر انگشت نشان می داد.

و عجیب تر این بود که اگر کسی کتاب عربی خط ریزی مثل ”مکاسب“ و ”شرح لمعه“ را به او می داد و می گفت: آیات قرآن این صفحات را پیدا کن، با آنکه آیات قرآن در آن

۱- سورة طلاق آیات ۲ و ۳.

عن الامام المجتبیؑ :

«یطیل الله عمره فی غیبه ثم ینظهره بقدرته فی صورة شابّ دون أربعین سنة»^{۱۶۱}.

صفحات بسیار کم بود و علاوه طوری آنها را ننوشته بودند که مشخص باشد، و در عین حال بدون حتی لحظه‌ای معطلی آن آیات را ولو کوتاه بود نشان می‌داد و می‌گفت: این آیه یا این جمله از فلان سوره و فلان آیه قرآن است.

... در اینجا از او سؤال کردم که: چگونه شما اینها را می‌فهمید؟

گفت: وقتی کتابی را که در آن آیات قرآنی هست باز می‌کنم کلمات و آیات قرآن در مقابل چشمم تلالو می‌کند و نورانیّت دارد لذا مستقیماً انگشت روی آن می‌گذارم. او در هر شبانه‌روزی یک ختم قرآن را می‌خواند که ما وقتی حساب کردیم تقریباً هر جزء قرآن را در مدت پانزده دقیقه تلاوت می‌کرد و عجیب‌تر این بود که با همین سرعت سوره‌ها و آیات قرآن را از آخر به اوّل می‌خواند.

من یک روز قرآن را باز کردم و به او گفتم: سوره حجرات را از آخر به اوّل بخوان او با همان سرعتی که قرآن را از اوّل به آخر می‌خواند از آخر به اوّل کلمات آن سوره را می‌خواند.

شما اگر می‌خواهید اهمیت این عمل را بدانید تنها سوره توحید را از آخر به اوّل بخوانید یعنی بگوئید: احد کفوّاً و لم یکن له و لم یولد لم یلد الصّمد الله احد الله هو قل تا بدانید که او چه تسلطی بر قرآن داشت.

به هر حال شاید به وسیله نقل این قضایا که خودم ناظر آنها بودم و صدها نفر از علماء و مراجع تقلید، مثل مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی حکیم شاهد آن بوده‌اند توانسته باشم مقداری از وضع کربلائی محمّد کاظم حافظ قرآن را نقل کنم.

ولی " شنیدن کی بود مانند دیدن " .

و بالاخره اگر شما او را یک ساعت می‌دیدید یقین می‌کردید، که او قرآن را به طور

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام :
«خداوند عمر حضرت قائم علیه السلام را طولانی می فرماید و سپس او را در صورت جوانی کمتر از چهل سال برای مردم آشکار می نماید».

عادی حفظ نکرده و بلکه شما هم آنچنان که مراجع تقلید مثل مرحوم آیه الله العظمی بروجردی از او برای تصحیح قرآنهاى نوشته شده استفاده می نمود، استفاده می کردید. و اقل فایده معاشرت با او این بود، که با دیدن این معجزه عجیب که نسبت به او انجام شده بود خدا و حقانیت اسلام و قرآن برای شما ثابت می شد. به هر حال اصل قضیه از این قرار بود.

مرحوم کربلائی محمد کاظم برای من نقل می کرد که :

«در ایام محرم واعظی برای تبلیغ به قریه ای که ما، در آن سکونت داشتیم یعنی ساروق که در اطراف شهر اراک است آمد، او شبها منبر می رفت، من هم آن روزها جوان بودم و خیلی دوست می داشتم که از معارف و احکام اسلام اطلاعی داشته باشم، پای منبر او می رفتم. یک شب او در منبر سخن از مسأله خمس و زکات به میان آورد و گفت : اگر کسی خمس ندهد نمازش درست نیست زیرا یک پنجم مال غیر مخمس متعلق به سادات و امام زمان علیه السلام است و ممکن است شما لباس یا مسکنتان را از اموال غیر مخمس خریده باشید و یک پنجم آن مال سادات و امام زمان علیه السلام باشد و شما در اموال آنها تصرف غاصبانه نموده باشید و خلاصه مطالبی از این قبیل در منبر گفت و من تصمیم داشتم که «هر چه می شنوم و یاد می گیرم عمل کنم».

لذا با مختصری تحقیق متوجه شدم که ارباب و مالک ده خمس و زکات نمی دهد. ابتداء به او تذکر دادم ولی او اعتنا نکرد تصمیم گرفتم که در آن قریه نمازم و برای ارباب و مالک ده کار نکنم و از آن ده خارج شوم، هرچه اقوام و بخصوص پدرم به من گفتند که این کار را نکن، من که از خدا می ترسیدم نتوانستم حرف آنها را قبول کنم و بالاخره شبانه از ده فرار کردم.

تقریباً سه سال به عملگی و خارکنی در دهات دیگر برای امرار معاش کار می کردم،

دعاء النذبة :

«ای ارض تفلک او ثری ابرضوی او غیرها ام ذی طوی»^{۱۶۲}

یک روز که مالک ده از محل زندگی من مطلع شده بود، برای من پیغام فرستاد که من توبه کرده‌ام و خمس و زکاتم را می‌دهم و دوست دارم به ده برگردی و در نزد پدرت بمانی من قبول کردم و به ده برگشتم و در زمین خودم که ارباب و مالک ده به من داده بود نصف کاری می‌کردم و نصف درآمد خود را بین فقراء همان محل تقسیم می‌نمودم و بسیار به فقراء و مستمندان کمک می‌کردم و دوست داشتم همیشه یار و مددکار مردمان ضعیف و مستضعف باشم، تا آنکه یک روز تابستان که برای خرمن کوبی به مزرعه رفته بودم و گندم‌ها را جمع کرده بودم و منتظر بودم نسیمی بیاید تا گندم‌ها را باد دهم و گاه را از گندم جدا کنم هرچه منتظر شدم بادی نیامد و آسمان کاملاً راکد بود، تا بالاخره مجبور شدم به طرف ده برگردم در بین راه یکی از فقراء ده به من رسید و گفت : امسال چیزی از محصولت را به ما ندادی آیا ما را فراموش کرده‌ای؟ گفتم : خیر خدا نکند که من از فقراء فراموش کنم ولی هنوز نتوانسته‌ام محصول را جمع کنم و این را بدان که حق تو محفوظ است.

او خوشحال شد و به طرف ده رفت ولی من دلم آرام نگرفت، به مزرعه برگشتم و مقداری گندم با زحمت زیاد جمع کردم و برای آن مرد فقیر برداشتم و قدری هم علوفه برای گوسفندانم درو کردم و چند ساعت بعد از ظهر یعنی حدود عصری بود که گندمها و علوفه‌ها را برداشته و به طرف ده به راه افتادم.

قبل از آنکه وارد ده بشوم به باغ امامزاده مشهور به هفتاد و دوتن رسیدم، در آنجا دو امامزاده به نامهای امامزاده جعفر و امامزاده صالح دفنند و یک قسمت هم به نام چهل دختران معروف است. من روی سکوی در امامزاده برای رفع خستگی نشستم و گندمها و علوفه‌ها را کناری گذاشتم و به طرف صحراء نگاه می‌کردم، دیدم دو نفر جوان که یکی از آنها بسیار خوش قد و قامت بود با شکوه و عظمت عجیبی به طرف

دعای ندبه :

«یا صاحب الزمان ای کاش می دانستم در کدام سرزمین تشریف فرما هستی آیا در کوه رضوی مکه یا در ذی طوی یا غیر آن؟»

من می آیند، لباسهای آنها عربی بود و عمامه سبزی به سر داشتند، وقتی به من رسیدند بدون آنکه من آنها را قبلاً دیده باشم همان آقای باشخصیت اسم مرا برد و گفت: کربلائی کاظم بیا با هم برویم فاتحه‌ای در این امامزاده برای آنها بخوانیم. من گفتم: آقا من قبلاً به زیارت رفته‌ام و حالا باید برای بردن علوفه به منزل بروم.

فرمود: بسیار خوب این علوفه‌ها را کنار دیوار بگذار و با ما بیا فاتحه‌ای بخوان من هم اطاعت کردم و عقب سر آنها حرکت نمودم. آنها به طرف امامزاده رفتند امامزاده اول را زیارت کردند و فاتحه‌ای برای آن امامزاده خواندند و سپس به طرف امامزاده بعدی رفتند، من هم عقب سر آنها به آن امامزاده داخل شدم. در اینجا دیدم آنها چیزهایی می خوانند که من متوجه آن نمی شوم. لذا ساکت کنار امامزاده ایستاده بودم، ناگهان چشمم به کتیبه اطراف سقف افتاد دیدم کلماتی از نور آنجا نوشته شده. همان آقای باعظمت رو به من کرد و فرمود: کربلائی کاظم پس چرا چیزی نمی خوانی؟ گفتم: آقا من ملاً نرفته‌ام، من سواد ندارم.

فرمود: ولی تو باید بخوانی. و سپس نزد من آمد و دست به سینه من گذاشت و محکم فشار داد و گفت: حالا بخوان گفتم: چه بخوانم؟ فرمود: اینطور بخوان:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ان ربکم اللّٰه الذی خلق السموات و الارض فی ستة اّیام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النّهار یطلبه حیثاً و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامرہ الاّ له الخلق و الامر تبارک اللّٰه رب العالمین»^(۱)

من این آیه را با چند آیه دیگر که بعد از این آیه است به همراه آن آقا خواندم. آن آقا

زیارت آل یاسین :

«السلام علیک حین تصبح و تمسی»^{۱۶۳}

همچنان دست به سینه من می کشید تا رسیدم به آخر آیه ۵۹ که با این کلمات آن آیه ختم می شد :

«انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم»

من صورتم را برگرداندم که به آنها چیزی بگویم، ناگهان دیدم کسی آنجا نیست! و از آن آقائی که تا همین لحظه دستش روی سینه من بوده خبری نیست و دیگر از آن نوشته ها هم که روی سقف بود چیزی وجود ندارد.

در این موقع دچار ترس و رعب عجیبی شدم و دیگر نفهمیدم چه شد، یعنی بیهوش روی زمین افتاده بودم. نزدیک اذان صبح بود که به هوش آمدم هوا هنوز تاریک بود، جریان روز قبل را هم فراموش کرده بودم، چند دقیقه مثل کسی که از خواب بیدار می شود و نمی داند کجا است نشستم و به اطرافم نگاه کردم در بدنم احساس خستگی عجیبی می نمودم. وقتی متوجه شدم که در امامزاده هستم به خودم بد و بی راه گفتم و خودم را سرزنش کردم که مگر تو کار و زندگی نداری آخر اینجا چه کار می کنی.

بالاخره از جا برخاستم و از امامزاده بیرون آمدم و بار علوفه را به دوش گرفتم و به سوی ده حرکت کردم، در بین راه متوجه شدم کلمات عربی زیادی بلدم و سپس ناگهان به یاد تشریفی که روز قبل خدمت آن آقا پیدا کرده بودم افتادم، باز ترس و رعب مرا برداشت ولی این دفعه زود خودم را به منزل رساندم. اهل خانه ام خیلی مرا سرزنش کردند که تا این موقع شب کجا بودی، من چیزی نگفتم و علوفه را به گوسفندان دادم و صبح زود آن گندمها را به در خانه آن مرد مستمند بردم و به او تسلیم نمودم و بدون معطلی به نزد پیشنماز محلّ آقای حاج شیخ صابر عراقی رفتم و داستان خودم را از اوّل تا به آخر گفتم. آقای پیشنماز به من گفت: آنچه می دانی بخوان من آنها را خواندم. به من گفت: اینها آیات قرآن اند، او ساعتها مرا امتحان می کرد و هر

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما یا صاحب الزمان در آغاز روز و پایان آن».

چه می پرسید جواب می دادم. کم کم مردم ده از موضوع مطلع شدند ولی من مشغول کشاورزی و کار خودم بودم تا اینکه یک روز به دهکده شهاب که نزدیک ملایر بود رفتم و مشغول کار بودم، مردم ده شهاب قصه مرا به آقای سید اسماعیل علوی بروجردی که از علماء ملایر بودند می گویند ایشان به ده شهاب تشریف آوردند و با من ملاقات کردند و با اصرار مرا به ملایر بردند و جلسه ای تشکیل دادند و قصه مرا برای شخصیت های ملایر نقل کردند آنها مرا بسیار آزمایش و امتحان نمودند و همه تعجب می کردند.

و بالاخره علماء ملایر لازم دانستند که قضیه مرا برای مردم شهرهای مختلف ایران نقل کنند تا همه مردم بدانند که چگونه حضرت ولی عصر ارواح العالمین لثاب المقدمه الفداء به یک نفر که از روی اخلاص و وظائفش را عمل می کند اظهار لطف می فرمایند، خلاصه مرا ابتداء به آیه الله العظمی آقای بروجردی معرفی فرمودند، من به قم آمدم، ایشان از من امتحان زیادی کردند و بالاخره مطمئن شدند که امام عصر علیه السلام به من این لطف را فرموده اند. حوزه علمیه و تمام علماء بزرگ قم مرا دیده اند و همه این حقیقت را اذعان دارند، سپس تجار محترمی که من اسم آنها را فراموش کرده ام مرا به نجف اشرف و کربلای معلا خدمت علماء نجف و کربلا فرستادند، چند نفری هم در این سفر با من همراهی می کردند. من خدمت علماء و مراجع نجف رفتم که الآن اسم آنها را فراموش کرده ام ولی آقای آیه الله العظمی میلانی که آن موقع در کربلا بودند و آقای آیه الله العظمی حکیم که در نجف بودند به من فوق العاده محبت کردند و همه آنها به اعجاز حضرت ولی عصر ارواحنا فداء اقرار نمودند، و وقتی به ایران برگشتم باز جمعیت فدائیان اسلام مرا برداشتند و فعلاً در قم هستم و با شما نشستهام و حرف می زنم، این بود مختصری از شرح حال من».

دعاء الندبة :

«عزیز علی ان اجاب دونک و اناغی»^{۱۶۴}

من در اینجا از او تشکر کردم و قصه او را در همان موقع یادداشت نمودم که امروز موفق شده‌ام آن را عیناً برای شما خوانندگان عزیز نقل کنم ...

این بود آنچه از فرمایشات استاد علامه حضرت آیه‌الله‌سید حسن ابطحی مدظله (با اندکی تخیل) برایتان نقل نمودیم^(۱) امید است مورد رضایت و توجه حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه واقع شده باشد.

۱- کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام ج ۲ ص ۲۵-۴۱.

دعای ندبه :
«آقا جان یا صاحب الزمان بر من سخت است که از غیر تو جواب بشنوم و با دیگران
هم نشین شوم». (چه زندگی تاریکی که مجبورم با آنکه محبوبم نیست همنشین باشم).

ملاقات دوم:

«طی صدها کیلومتر در چند لحظه»

همچنین استاد بزرگوارمان در همان کتاب نقل نموده‌اند :

حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی معزی فرمودند : مرحوم
حاج شیخ مرتضی زاهد که از پاکان علماء تهران بود فرمود :
«مرحوم سید عبدالکریم محمودی شبهای جمعه به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام
می رسید.

او می گفت : شب جمعه‌ای در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (در شهر ری)
خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه رسیدم، به من فرمودند : سید کریم بیا با هم به
زیارت جدّم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام برویم.

گفتم : در خدمتم چند قدمی در خدمت آن حضرت برداشتم دیدم به در صحن
حضرت رضا علیه السلام رسیده‌ام من با آن حضرت زیارت کردم و باز به همان نحو برگشتیم
و به تهران آمدیم. (۱)

۱- ملاقات با امام زمان علیه السلام ج ۱ - ص ۱۷۲-۱۷۳.

دعاء النذبة :

«بنفسی انت من مغیب لم یخل منا»^{۱۶۵}

ملاقات سوّم :

«ملاقات بحر العلوم یمنی»

همچنین در ملاقات پنجاه و هفتم همان کتاب^(۱) فرموده‌اند :

مرحوم آیه‌الله آقای سید ابوالحسن اصفهانی از مراجع معروف زمان ما است. او مکرّر خدمت حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه رسیده که من جمله قضیّه زیر است. در کتاب گنجینه دانشمندان از علامّه متبّع آقای حاج سید محمّد حسن میرجهانی نقل می‌کند که او فرمود :

«یکی از علماء زیدی مذهب، به نام "بحر العلوم" که در یمن سکونت داشت و منکر وجود مقدّس حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه بود، به علماء و مراجع آن وقت نامه‌ها نوشت و از آنها برای اثبات وجود مقدّس آن حضرت دلیل می‌خواست. آنها به او جواب می‌دادند، ولی او قانع نمی‌شد. تا آنکه نامه‌ای برای مرحوم آقای سید ابوالحسن اصفهانی نوشت و از ایشان جواب خواست، مرحوم آقای آیه‌الله اصفهانی در جواب نامه نوشته بودند، که اگر شما به نجف بیائید پاسخ شما را شفاهی خواهم داد. لذا بحر العلوم یمنی با فرزندش سید ابراهیم و جمعی از مریدانش به نجف اشرف مشرف شدند و بحر العلوم به خدمت مرحوم آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رسید و به او گفت : من طبق دعوت شما به این مسافرت آمده‌ام، امید است جوابی را که وعده فرموده‌اید به من بدهید، تا استفاده کنم.

۱- کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام ج ۱ ص ۲۶۴-۲۶۷.

دعای ندبه :
«جانم فدای شما یا صاحب الزمان با آنکه زندگیت غائبانه است ولی در میان ما
بسر می‌بری». (و فقط خود را به ما معرفی نمی‌فرمائی).

مرحوم آیه‌الله اصفهانی فرمودند : فردا شب به منزل ما بیائید، تا جواب سؤال شما را بدهم.

بحرالعلوم و پسرش شب بعد به منزل مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رفتند، پس از صرف شام و نقل مطالبی در باره وجود مقدس آن حضرت و رفتن میهمانان دیگر و متفرق شدن آنها و گذشتن نیمی از شب.

مرحوم آیه‌الله اصفهانی به نوکرشان مشهدی حسین فرمودند : چراغ را بردار و به بحرالعلوم و فرزندش گفتند برویم تا خود آن حضرت را ببینیم.

آقای میرجهانی فرمودند : ما که آنجا حاضر بودیم، خواستیم با آنها برویم، آیه‌الله اصفهانی فرمودند : شما نیائید فقط بحرالعلوم با پسرش بیایند.

آنها رفتند ما نفهمیدیم که به کجا رفتند، ولی فردای آن روز که من بحرالعلوم یمنی و فرزندش را ملاقات کردم و از جریان شب قبل سؤال نمودم او گفت : بحمدالله ما مشرف به مذهب شما شدیم معتقد به وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام گردیدیم.

گفتم : چطور؟

فرمود : آقای آیه‌الله اصفهانی حضرت ولی عصر علیه السلام را به ما نشان داد.

پرسیدم : چگونه او حضرت بقیة الله را به شما نشان داد.

گفت : وقتی ما از منزل بیرون آمدیم، نمی‌دانستیم به کجا می‌رویم، تا آنکه در خدمت آیه‌الله اصفهانی به وادی السلام وارد شدیم در وسط وادی السلام محلی بود که آن را مقام حضرت ولی عصر علیه السلام می‌گفتند.

آیه‌الله اصفهانی وقتی به در مقام رسید چراغ را از مشهدی حسین گرفت و تنها مرا با خود به داخل مقام برد، در آنجا وضویش را تجدید کرد.

دعاء الندبة :

«لیت شعری این استقرت بک النوی»^{۱۶۶}

پسرم به اعمال او می‌خندید، آنگاه چهار رکعت نماز در آن مقام خواند و کلماتی می‌گفت : که آن را نفهمیدیم، ناگهان دیدیم، آن فضا روشن شد در اینجا پسرش می‌گفت : در این موقع من بیرون مقام ایستاده بودم، پدرم با مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی داخل مقام بودند، پس از چند دقیقه صدای پدرم را شنیدم، که صیحه‌ای زد و غش کرد.

نزدیک رفتم دیدم، آیه‌الله اصفهانی شانه‌های پدرم را می‌مالد، تا بهوش بیاید وقتی از آنجا برگشتیم پدرم گفت : حضرت ولی عصر علیه السلام را دیدم و او مرا مشرف به مذهب شیعه اثنی عشری فرمود و بیشتر از این، خصوصیات ملاقاتش را نگفت و پس از چند روز به یمن برگشت و چهار هزار نفر از مریدانش را شیعه دوازده امامی کرد.

دعای ندبه :

«ای عزیزم ای محبوبم ای سرورم می دانم که در بین ما هستی ولی ای کاش می دانستم کجا منزل داری». (تا به دیدنت بیایم).

ملاقات چهارم :

«یک شب در محضر حجت خدا»

همچنین استاد بزرگوار در ملاقات شصت و نهم

چنین فرموده‌اند: (۱)

در زمان علامه حلی رضوان الله تعالی علیه یکی از مخالفین و اهل سنت کتابی در ردّ مذهب شیعه نوشته بود و در مجالس عمومی و خصوصی خویش از آن بهره گرفته، افراد زیادی را نسبت به طریقه امامیه (۲) بدبین و گمراه می نموده است.

از طرفی کتاب را هم در اختیار کسی نمی گذاشته تا در دست دانشمندان شیعه قرار بگیرد و جوابی بر آن ننویسند و ایرادی وارد نکنند.

«علامه حلی با آن عظمت قدر و جلال علمی، به دنبال وسیله‌ای برای به دست آوردن آن کتاب به مجلس درس آن مخالف می رود و برای حفظ ظاهر خود را شاگرد او می خواند و بعد از مدتی علاقه و رابطه استاد و شاگردی را بهانه می کند و تقاضای دریافت آن کتاب را می نماید.

آن شخص در یک حالت عاطفی قرار می گیرد و چون نمی تواند دست ردّ بر سینه او بزند لاجرم می گوید :

من نذر کرده‌ام که کتاب را جز یک شب به کسی واگذار نکنم.

علامه به ناچار می پذیرد و همان یک شب را غنیمت می شمرد آن شب با یک دنیا

۱- ملاقات با امام زمان علیه السلام ج ۱ ص ۳۱۲-۳۱۳

۲- یعنی اعتقاد به وجود مقدس دوازده امام معصوم علیهم السلام پس از رسول خدا ﷺ به عنوان تنها جانشینان حقیقی آن حضرت.

دعاء الندبة :

«فاغث يا غياث المستغيثين عبيدك المبتلى و اره سیده يا شديد القوى»^{۱۶۷}.

شعف و خرسندی به رونویسی آن کتاب قطور می پردازد!!
نظر او این بود که هر چه مقدور شد از آن کتاب را یادداشت نموده و سپس در
فرصتی به پاسخش اقدام نماید.
اما همین که شب به نیمه می رسد. او را خواب فرا می گیرد در همین هنگام میهمان
جلیل القدری داخل اطاق او می شود و با او هم صحبت می گردد و پس از صحبت‌هایی
می فرماید :

علامه تو بخواب و نوشتن را به من واگذار.

علامه بی چون و چرا اطاعت می کند و به خواب عمیقی فرو می رود. وقتی از
خواب برمی خیزد، از میهمان نورانیش اثری نمی بیند! چون به سراغ نوشته اش
می رود، کتاب را می بیند که به صورت تمام و کمال نوشته شده است و در پایان آن،
نقشی را به عنوان امضاء چنین مشاهده می کند : « کتبه الحُجَّة »:

(حجّت خدا آن را نگاشت)

دعای ندبه :

«ای فریادرس بیچارگان به فریادم برس، بنده کوچکت را که به فراق محبوبش دچار شده، دریاب و آقا و سرورش را به او نشان ده، ای قادر و توانا.»

ملاقات پنجم :

«سخنرانی با چند زبان در آن واحد»

حضرت حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسین رجائی دام
عزه در کتاب " پنجاه داستان از شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام " نقل
نموده‌اند : (۱)

از یکی از علمای معاصر نقل شده که گفت :

«در سال ۱۳۵۳ شمسی به مکه معظمه مشرف شدم، یکی از روزها که برای طواف
به مسجدالحرام رفته بودم، جمعی را دیدم که در گوشه مسجدالحرام نشسته و خطیبی
از اهل سنت برای آنها سخن می‌گفت :

نزدیک رفتم تا ببینم چه می‌گویند؟

دیدم در باره حضرت ابوطالب (پدر بزرگوار حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام) سخن
می‌گویند و ادعا می‌کنند که او ایمان نیاورده و اگر حمایتی از پیغمبر داشته به خاطر عدم
ایمان بحالش سودی ندارد!!

از جهالت و نادانی او خشمگین شدم بحدی که چشمانم پر از اشک شد متوسل به
حضرت ولی عصر علیه السلام شدم عرضه داشتم آقا من که چاره‌ای ندارم خودت جواب این
نادان را بده.

پس از اعمال حج برای زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع علیهم السلام به مدینه رفتم.
یک روز صبح در حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از فریضه بامداد ناگهان مرد عربی را
دیدم که ایستاد و به زبان عربی فصیح مشغول سخنرانی شد و مردم با اینکه معمولاً

۱- کتاب پنجاه داستان از شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ص ۲۲۹-۲۳۱.

دعاء الندبة :

«عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیساً و لا نجوی» ۱۶۸

بعد از نماز اکثراً مسجد را ترک می‌کنند مع ذلک کسی از جا بلند نشد و سخنان آن عرب را استماع می‌کردند.

آنروز در باره عظمت اسلام سخن گفت و از سران ممالک اسلامی انتقاد کرد و از نابسامانی مسلمین اظهار تاسف نمود سخنانش که بپایان رسید خواستم با او آشنا شوم نزدیک رفتم ولی بخاطر کثرت جمعیت نتوانستم خود را به او برسانم!! فردا نیز پس از نماز صبح همان شخص از جا بلند شد و به سخنرانی پرداخت و من تا دو متری او نزدیک رفتم ولی بخاطر ازدحام جمعیت همانجا نشستم. آنروز در باره خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علی علیه السلام سخن گفتم ... خیلی تعجب کرده با خود می‌گفتم ... خدا کند که کسی باو آزاری نرساند.

در پایان سخنرانی جلو رفتم تا با او آشنا شوم ولی باز هم موفق نشدم و او را ندیدم. روز سوّم که به اتفاق پدرم و جمعی از اهل کاروان و ایرانیان به مسجد پیغمبر رفتیم من جلو رفتم تا پهلوئی آن ستونی که هر روز آنجا سخن می‌گفت جا گرفتم همینکه نماز صبح تمام شد، آن آقا را دیدم که کنار ستون ایستاده و شروع بسخن کرد. امروز در باره ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام سخن گفتم و دلایل فراوانی برای اثبات این موضوع بیان داشت.

سخنانش که بپایان رسید با اینکه کنارش بودم ولی متاسفانه باز هم موفق نشدم دستش را ببوسم چون دسترسی به وی پیدا نکردم تا از نظرم ناپدید شد. به پدرم گفتم : عجب بیان شیرینی داشت و سخنانش را با عربی فصیح بیان می‌کرد. پدرم گفت : او که به زبان فارسی سخن میگفت!! دیگری از ایرانیان که زبانش ترکی بود گفت : من که به زبان ترکی از او می‌شنیدم معلوم شد که هرکس سخنان آن آقا را به زبان خودش می‌شنیده است!.

دعای ندبه :

«آقا جان یا صاحب الزمان بر من سخت است همه را ببینم ولی تو را نبینم و حتی از یک بار شنیدن صدای دلربایت و خلوت با تو نیز بایدمحروم باشم».

در اینجا لازم می‌دانم به عرض خوانندگان محترم برسانم که این ملاقات یک معجزه مطابق با وسائل پیشرفته روز است که انشاءالله حضرت بقیةالله صدها برابر آنرا در زمان ظهور مقدسشان انجام خواهند داد و جهانیان را با معجزات متناسب با زمان کنونی به حقانیت خویش آگاه خواهند نمود.

دعاء الندبة :

«عزيز على ان تحيط بك دوني البلوى و لا ينالك مني ضجيج و لا شكوى»^{۱۶۹}

ملاقات ششم :

«مظلوم ترین فرد عالم»

جناب حجة الاسلام والمسلمين آقای قاضی زاهدی دام عزه در کتاب شیفتگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این قضیه را نقل فرموده اند که :

دانشمند محترم و عاشق اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام جناب حجة الاسلام آقای حاج سید مرتضی مجتهدی دامت برکاته داستان جالبی را در اختیار بنده قرار دادند که ذکرش در اینجا لازم است، ایشان می گوید :

مرحوم حجة الاسلام آقای حاج سید اسماعیل شرفی از شخصیت های دلسوخته ای بود که چند بار خدمت حضرت بقية الله الأعظم ارواحنا فداه مشرف شده بود. ایشان یکی از تشرفات خود را برایم این گونه نقل نمودند :

«به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء عليه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالا سر حرم مطهر امام حسین عليه السلام مستجاب است در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداه مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار روشن نماید.

مشغول زیارت بودم که ناگهان خورشید جهانتاب جمالش ظاهر شد، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم، پس از سلام از ایشان سؤال کردم : شما کیستید؟

آقا فرمودند : من مظلوم ترین فرد عالم هستم.

دعای ندبه :

«آقا جان، مولای عزیزم بر من سخت است که مصیبتها و غمها تنها بر تو هجوم آورد
و من با خیال راحت برای خودم زندگی کنم و حتی نتوانم به حضورت رسیده و
دردهایم را برایت بازگو نمایم و ناله سردهم».

من متوجه نشدم و با خود گفتم : شاید ایشان از علماء بزرگ نجف هستند و چون
مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده‌اند خود را مظلوم‌ترین فرد عالم می‌دانند، در این
هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست.
اینجا بود که فهمیدم مظلوم‌ترین فرد عالم کسی جز امام زمان ارواحنافداه نیست، و من
نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.^(۱)

لازم به تذکر است ما در بحث مظلومیت و مهجوریت از همین کتاب
مطالبی پیرامون مظلومیت خاندان عصمت و حضرت
بقیةالله ارواحنافداه بطور کلی و در کتاب "راهی بسوی نور" بطور
مشروح مظلومیت حضرت بقیةالله ارواحنافداه را به خصوص مورد
بررسی قرار داده‌ایم و اصولاً کتاب "راهی بسوی نور" با همین انگیزه
یعنی بیان غربت و مظلومیت امام عصر ارواحنافداه نوشته شد زیرا در
رؤیایی صادق که یکی از دوستان خوب امام زمان علیه السلام دیده بود، امام
عصر ارواحنافداه خطاب به من و او فرموده بودند:

"چرا به مردم نمی‌گوئی من مظلوم هستم، برو بگو مردم
مرا فراموش کرده‌اند، و مرا از یاد برده‌اند."

پس از آن خواب من مشغول نوشتن کتاب "راهی بسوی نور" شدم
که در ابتداء نام آن را "ندای مظلومیت امام عصر ارواحنافداه" گذاشته
بودم که به جهاتی از آن صرف‌نظر و نام "راهی بسوی نور" را بر آن
نهادم و باید بگویم تمام همت و تلاشم در چند سال اخیر بر اینکه
مردم را متوجه غربت و مظلومیت آن حضرت نمایم متمرکز بوده و

۱- شیفتگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ج ۳ ص ۱۵۹-۱۶۰.

دعاء الندبة :

«هل اليك يا بن احمد سبيل فتلق» ۱۷۰

حتی همین کتاب (خورشید هدایت) را نیز بر این اساس نوشته‌ام. زیرا هرکس متوجه اینهمه غربت و مظلومیت می‌شود باید از غصه قالب تهی کند و بگیرد چرا همه چیز و همه کس باید در معرض دید و یاد همه باشد و بهمه چیز توجه داشته باشیم جز به حیاتی‌ترین مطلب؟

ما آتش گرفتگانی هستیم که در آتش فساد و فقر و دوری از خدا و غرق شدن در مادیات و جنگها و اختلافات سیاسی و غیره می‌سوزیم ولی تنها چیزی که مورد توجه ما نیست صدا زدن آتش نشان الهی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است تا با ظهور خود این آتش را خاموش نماید.

آیا خود این آتش نشان که در کنار ما ایستاده و نردبان نجات خود را بسوی ما فرستاده نمی‌گیرد و نمی‌نالد و بحالمان غصه نمی‌خورد که چرا اینها نمی‌خواهند از آتش خارج شوند؟
چرا متوجه من نیستند؟

چرا اینقدر به خود ظلم می‌کنند؟
چرا بجای یک دنیای آباد و سراسر صفا و عدالت و معنویت و ثروت و سلامتی مادی و معنوی و رسیدن به صفات انسانی و کمالات روحی به جهنمی از صفات رذیله و گناهان و تخریب محیط زیست و فقر مادی و معنوی و امراض جسمی و روحی و هزاران بلای دیگر چون جنگ و درگیری و کشمکش راضی شده‌اند؟

اینست که آن حضرت احساس غربت و تنهایی کرده و به انتظار خود ادامه می‌دهند.

اگر جدّ غریبش علی بن ابیطالت علیه السلام ۲۵ سال خانه نشین بود، آن

دعای ندبه :

«آقا جان، ای فرزند پیامبر، آیا راهی هست من به حضورت شرفیاب شوم؟».

حضرت ۱۱۶۰ سال است خانه نشین هستند و در این مدت از کمترین حق زندگی یک انسان معمولی یعنی زندگی در شهر و دیار خود و زندگی معمولی غیرمخفیانه محروم شده و از شهر مورد نظر خود یعنی سامراء که محل تولد آن حضرت است و دوست داشتنی ترین زمینها برای آن بزرگوار است طرد شده^(۱) و یازده قرن است زندگی مخفیانه را در اماکن نامعلوم و دور از دسترس ظالمین و در جای جای کره زمین برگزیده اند و این نیست جز ظلم و تجاوز انسانهای شیطان سیرت که حق آن حضرت که حکومت بر زمین است را غصب و ایشان را مجبور به سکوت و صبر تا وقت فرج و ظهور نموده اند و جهان بشریت را از رهبری آن حضرت و عدالت و علم و تمام خوبیها محروم نموده اند.

لذا آن بزرگوار به اندازه تمامی جمعیت کره زمین در زمان حاضر و پیش از این تا زمان امامت پدران بزرگوارشان، مظلوم واقع شده و در حق آن حضرت جفا شده است.

۱- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۶۶، عنه عجل الله تعالی فرجه :... و هو يتولى اللهم انك تعلم انها احب البقاع لولا الطرد.

دعاء الندبة :

«این بقیة الله التي لا تخلو من العترة الهاديّة»^۱

ملاقات هفتم :

«امام زمان عليه السلام به فریاد همه می رسد»

همچنین استاد بزرگوارم در ملاقات سی و هفتم کتاب خود چنین می فرمایند: (۱)

مرحوم حاجی نوری در کتاب نجم الثاقب می گوید :

عالم جلیل و حبر نبیل، مجمع فضائل و فواضل شیخ علی رشتی که عالم باتقوی و زاهد و دارای علوم زیادی بود، با بصیرت و خیرت و شاگرد استاد اعظم مرحوم شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه بود و من در سفر و حضر با او بودم و کمتر کسی را در فضل و اخلاق و تقوی مثل او دیدم، نقل کرد که :

یک زمانی از زیارت حضرت «ابی عبدالله الحسین» عليه السلام از راه آب فرات به طرف نجف برمی گشتم، در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج با مسافر می رفت نشستم، مسافری آن کشتی همه اهل حله بودند، همه مشغول لهو لعب و مزاح و خنده بودند، فقط یک نفر در میان آنها خیلی باوقار و سنگین نشسته بود و با آنها در مزاح و لهو و لعب مشغول نمی شد و گاهی آن جمعیت با او در مذهبش سربه سر می گذاشتند و به او طعن می زدند و او را اذیت می کردند و در عین حال در غذا و طعام با او شریک و هم خرج بودند، من زیاد تعجب می کردم ولی در کشتی نمی توانستم، از او چیزی سؤال کنم، بالاخره به جایی رسیدیم که عمق آب کم بود و چون کشتی سنگین بود و

۱- (ما این ملاقات را با اندکی نصرف در بعضی جملات از کتاب ملاقات با امام زمان عليه السلام چاپ ۲۱ تک جلدی

نقل می کنیم).

دعای ندبه :

«کجاست آن گمشده بشر و آن باقیمانده تمامی انبیاء و اولیاء و علوم الهی که هرگز کره زمین از وجود او که از خاندان هدایت است خالی نمی باشد». (او در بین ماست).

ممکن بود به گل بنشیند، ما را از کشتی پیاده کردند، در کنار فرات راه می رفتیم، من از آن مرد باوقار پرسیدم، چرا شما با آنها این طورید و آنها شما را اینطور اذیت می کنند؟ او گفت: اینها اقوام من اند، اینها همه به غیر از مذهب شیعه هستند پدرم هم مانند آنها بود ولی مادرم شیعه بود و من خودم هم غیر شیعه بودم ولی به برکت حضرت «ولی عصر ارواحنفا» به مذهب تشیع مشرف شدم.

گفتم: شما چطور شیعه شدید؟

گفت: اسم من یاقوت و شغلم روغن فروشی در کنار جسر حله بود، چند سال قبل برای خریدن روغن از حله با جمعی به قراء و چادر نشینان اطراف حله رفتم، تا آنکه چند منزل از حله دور شدم، بالاخره آنچه خواستم خریدم و با جمعی از اهل حله برگشتم، در یکی از منازل که استراحت کرده بودیم و من به خواب رفته بودم، وقتی بیدار شدم، دیدم رفقا رفته اند و من تنها در بیابان مانده ام و اتفاقاً راه ما تا حله راه بی آب و علفی بود و درندگان زیادی هم داشت و آبادی هم در آن نزدیکی نبود، به هر حال من برخاستم و آنچه داشتم بر مرکبم بار کردم و عقب سر آنها رفتم ولی راه را گم کردم و در بیابان متحیر ماندم و کم کم از درندگان و تشنگی که ممکن بود به سراغم بیایند فوق العاده به وحشت افتادم، به اولیاء خدا که آن روز به آنها معتقد بودم، مثل... متوسل شدم و استغاثه کردم، ولی خبری نشد یادم آمد، که مادرم به من می گفت: که ما «امام زمانی» داریم! که زنده است و هر وقت کار بر ما مشکل می شود و یا راه را گم می کنیم، او به فریادمان می رسد و کنیه اش «ابا صالح» است. من با خدای تعالی عهد بستم، که اگر او مرا از این گمراهی نجات بدهد، به دین مادرم که مذهب شیعه است مشرف می گردم، بالاخره به آن حضرت استغاثه کردم و فریاد می زدم، که «یا ابا صالح ادرکنی» ناگهان دیدم! یک نفر کنار من راه می رود و بر سرش عمامه سبزی

عن مولانا الصادق عليه السلام :

«اللهم ارنى الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل ناظري بنظرة منى اليه» ۱۷۲

مانند اینها (اشاره کرد به علفهائی که کنار نهر روئیده بود) است و راه را به من نشان می دهد و می گوید :

به دین مادرت مشرف شو و فرمود : الآن به قریه ای می رسی که اهل آنجا همه شیعه اند.

گفتم : ای آقای من با من نمی آئی تا مرا به این قریه برسانی؟ فرمود: نه زیرا در اطراف دنیا هزارها نفر به من استغاثه می کنند و من باید به فریادشان برسم و آنها را نجات بدهم و فوراً از نظرم غائب شد.

چند قدمی که رفتم به آن قریه رسیدم، با آنکه به قدری مسافت تا آنجا زیاد بود که رفقایم روز بعد به آنجا رسیدند. وقتی به حله رسیدیم، رفتم نزد سید فقهاء سید مهدی قزوینی ساکن حله و قضیه ام را برای او نقل کردم و شیعه شدم و معارف تشیع را از او یاد گرفتم و سپس از او سؤال کردم، که من چه بکنم؟ یک مرتبه دیگر هم خدمت حضرت «ولیی عصر ارواحنا فدا» برسم و آن حضرت را ملاقات کنم؟

فرمود : چهل شب جمعه به کربلاء برو و «امام حسین عليه السلام» را زیارت کن، من این کار را مشغول شدم و هر شب جمعه از حله به کربلا می رفتم، تا آنکه شب جمعه آخر بود تصادفاً دیدم مأمورین برای ورود به شهر کربلا جواز می خواهند و آنها این دفعه سخت گرفته اند و من هم نه جواز و تذکره داشتم، و نه پولی داشتم که آن را تهیه کنم، متحیر بودم مردم صف کشیده بودند و جنجالی بود هر چه کردم، از یک راهی مخفیانه وارد شهر شوم ممکن نشد، در این موقع از دور حضرت «صاحب الزمان عليه السلام» را در لباس اهل علم ایرانی که عمّامه سفیدی بر سر داشت، داخل شهر کربلاء دیدم، من پشت دروازه بودم، به او استغاثه کردم. از دروازه خارج شد و نزد من تشریف آورد و

امام صادق علیه السلام خواندن این دعا را برای زمان غیبت توصیه فرموده‌اند :
«خدا یا آن چهره ملکوتی و صاحب جبین ستوده را برای لحظه‌ای نشانم ده و مرا به
حضورش شرفیاب کن.»

دست مرا گرفت و داخل دروازه کرد، مثل آن که مرا کسی ندید وقتی داخل شدم و
قصد داشتم با او مصاحبت کنم او ناگهان غائب شد و دیگر او را ندیدم.

ملاقات هشتم:

«فقط گفتم: یا صاحب الزمان»

جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای قاضی زاهدی دام مجده در
کتاب "شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام" از قول حضرت
حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین کاشانی ساکن
تهران که در کتاب "گفتار بزرگان" قضیه خویش را آورده است نقل
می‌نماید که :

یکی از کارهای بسیار خطرناک در مراسم حج آن است که غالباً عربها در معابر
پرجمعیت آن مراسم برای باز شدن راه، زیاد فشار می‌دهند و گاهی هم افرادی قربانی
این عمل می‌شوند. در یکی از سفرهای حج در منی در چهارراه "سوق العرب" در
وسط این چهارراه دچار حادثه و گرفتار شدم، به طوری که از طرف جلو و عقب
جمعیت زیاد برای باز کردن راه فشار می‌دادند، هرچه مقاومت کردم، نتیجه نداشت،
نزدیک بود هلاک شوم و فشار جمعیت هر آن بیشتر می‌شد به حدی که مشرف به
هلاک بودم.

در این حال گفتم: خدا یا، مرگ حق است اما من نمی‌خواهم این چنین بمیرم و فقط
گفتم: "یا صاحب الزمان".

بعد از این استغاثه دیدم هیچکس در چهارراه نیست و چهارراه کاملاً خالی از مردم
است خیلی راحت به طرف پیاده‌رو رفتم و از فرط خستگی به دیوار تکیه کردم ولی با

زیارت امام عصر علیه السلام :

«اللهم ارنا وجه وليك الميمون في حياتنا و بعد المنون». ۱۷۳

نهایت تعجب دیدم پرده برگشت چهارراه مملو از جمعیت شد و از هر طرف به یکدیگر فشار می آورند و به همان صورت قبل شده است.

«چند تذکر پیرامون تشرّفات»

اول: پنهان زیستی حضرت مهدی ارواحنا فدا بر دو نوع بوده است :

الف: زمان غیبت صغری: این زمان که از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و آغاز امامت حضرت ولی عصر علیه السلام شروع و تا حدود هفتاد سال ادامه داشت و آن حضرت توسط نایب خاص خود با مردم تماس برقرار می نمودند و کمتر کسی می توانست بطور مستقیم آن حضرت را ملاقات نماید زیرا مأمورین حکومت طاغوتی بنی العباس پدران آن حضرت را به شهادت رسانده و در صدد قتل آن بزرگوار بودند و چون آن حضرت آخرین جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند و نباید تا پیش از استقرار حکومت جهانی از دنیا بروند و زمان شروع آن حکومت فرانسیده بود، لذا مجبور بودند از دید مردم خود را مخفی و به اصطلاح ناشناس و غائب زندگی کنند و کسی از محل زندگی آن حضرت اطلاع نداشته باشد و این وظیفه به دستور پروردگار بود که به صورت خیر غیبی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی بن ابیطالب علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام و سپس به حضرت بقیه الله ارواحنا فدا رسیده بود. و برای آنکه مردم مسلمان به یکباره دچار این محرومیت نگشته و سرگردان و متحیر نشوند، مقرر شد تا حدود هفتاد سال توسط نایبان مخصوص با مردم ارتباط داشته و مشکلات آنانرا حلّ و فصل نمایند.

در این مدت چهار نفر یکی پس از دیگری نیابت مخصوص آن حضرت را برعهده داشتند.

اسامی آنان عبارت است از :

زیارت امام عصر علیه السلام :

«خدایا چهره زیبا و مبارک امام عصر علیه السلام را در زندگی و پس از مرگم بمن نشان ده.»

حضرت عثمان بن سعید (ره)

حضرت محمد بن عثمان (ره)

حضرت حسین بن روح (ره)

و جناب علی بن محمد سمري (ره)

که مقام آن بزرگواران بسیار رفیع بوده و حتی پس از مرگشان نیز انسان می تواند از روح مطهرشان استمداد جوید و آنرا واسطه بین خود و امام عصر عجل الله تعالی فرجه فرار دهد.

ب : زمان غیبت کبری :

پس از وفات چهارمین نایب خاص آن حضرت یعنی حضرت علی بن محمد سمري (ره) دستوری از ناحیه مقدسه آن حضرت صادر گشت که از این پس غیبت کامل واقع شده و دیگر کسی نمی تواند مانند نایبان خاص واسطه بین مردم و امام علیه السلام شود و نامه برده جواب آورد یا چیزهایی در این راستا و چنین ارتباطی تا هنگام ظهور آن حضرت ممنوع است و هرکس مدعی چنین ارتباطی شود بسیار دروغگو و افترازننده بر آن حضرت است. (۱)

در زمان غیبت کبری از طرفی ادعای دیدار و ارتباط مستقیم مانند دیدار نواب خاص آن حضرت ممنوع بوده و هست ولی از طرف دیگر دهها و صدها و بلکه

۱- توفیق معروف حضرت ولی عصر علیه السلام که شش روز قبل از وفات جناب علی بن محمد سمري رضی الله عنه صادر گشت و در آن از وفات آن بزرگوار در شش روز بعد که روز نیمه شعبان بود خبر داده شده بود. احتجاج ج ۲ ص ۵۵۵. احتجاج شماره ۳۴۹ (... و سیاقی الی شیعی من یدعی المشاهده الأ فن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی والصحیحة فهو کذاب مفر...).

زیارت امام عصر علیه السلام :

«اللهم كما جعلت قلبي بذكره معمورا فاجعل سلاحى بنصرته مشهوراً»^{۱۷۴}

هزاران نفر در طول زمان غیبت کبری بدون هیچگونه ادعایی و تنها در اثر عنایات خود آن حضرت بطور اتفاقی و غیره منتظره آن بزرگوار را دیده و حتی عده‌ای ایشان را در همان موقع شناخته و حوائج خود را گرفته و معجزات فراوانی از ایشان مشاهده نموده‌اند که محال است این معجزات از غیر امام علیه السلام صادر گردد.

از یک سو آنانکه نمک بر زخم شیعیان آن حضرت می‌پاشند، همین مطلب را بهانه کرده گفتند: هیچ کس نمی‌تواند امام زمان علیه السلام را در زمان غیبت کبری ببیند و حتی اگر گفت من آن حضرت را دیده‌ام دروغ‌گوست.

این اشخاص یا دوست ناآگاه بودند و یا دشمن آگاه.

دوست ناآگاه که کلام امام علیه السلام را بدرستی نفهمیده و "چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند" و حتی با خود فکر نکردند این حرف مستلزم دروغ‌گو دانستن و رد نمودن سخن دهها و صدها عالم بزرگ شیعه است که همه معارف دین و عبادات و احکام اسلام از آنان بجا رسیده و تکذیب و ردّ سخن آنان مساوی با ردّ سخن امام علیه السلام است.

بزرگانی چون سید بن طاووس اعلی‌الله‌مقامه و سید بحر العلوم رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و مقدّس اردبیلی (ره) و علامه حلّی (ره) و در زمان ما مرحوم آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی قدس سره و آیه‌الله بروجردی قدس سره و ...

لذا باید دوستان ناآگاه این مطلب را مورد توجه قرار داده از ردّ نمودن قضایای صحیح تشرف به محضر مقدّس آن حضرت خودداری نمایند و روح خود را بدینوسیله تاریک نمایند.

و از سوی دیگر عده‌ای معدود برای آنکه از نام مقدّس آن حضرت سوءاستفاده نمایند مدعی ارتباط و ملاقات مستقیم با آن حضرت شده و عده‌ای را جذب خود

زیارت امام عصر علیه السلام :
«خدایا همانگونه که قلبم را به یاد امام عصر علیه السلام روشن و منور ساختی سلاحم را
آشکارا در خدمت و یاری اش قرار ده.»

نموده‌اند که سوءاستفاده این افراد باعث پرهیز عده‌ای از مسأله ملاقات و تشرّف شده و آنانرا به تکذیب همه ملاقاتها کشانده است که هر دوی اینها انحراف از صراط مستقیم (افراط یا تفریط) می باشد.

لذا باید بگوئیم در زمان غیبت کبری بطور اتفاقی و بدون آنکه قابل پیش بینی باشد ممکن است انسان به محضر مقدّس آن حضرت شرفیاب شود.

ولی اگر کسی مدعی ارتباط دائم و مستقیم مانند ارتباط نواب اربعه که واسطه بین مردم و امام زمان علیه السلام بودند، شود و بگوید: من پیغام یا نامه مردم را گرفته و جواب از آن حضرت برایشان می آورم یا سخنی بگویم که به دیگران بفهماند من باب (درب) ارتباطی بین امام زمان علیه السلام و مردم هستم. باید ادعای چنین کسی را تکذیب و سخنش را مردود دانست که البته خدای تعالی چنین افرادی را اگر آگاهانه به عمل زشت خود ادامه داده‌اند رسوا نموده و مهر بطلان بر آنان زده است مانند سیدعلی محمد باب و امثال او.

تذکر دوّم: انسان می‌تواند به امید آنکه مورد لطف امام عصر ارواحنا فداه قرار گیرد اعمال خیر و عباداتی بجا آورد تا اگر خدا خواست پاداش عمل خود را به عنوان زیارت جمال آن حضرت دریافت نماید و لذا بسیاری از شیعیان با چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله رفتن و یا احسان به برادران دینی نمودن و پرستاری از پدر و مادر پیر و برپائی مجالس بنام آن حضرت و برپائی جشنهای نیمه شعبان و رفتن به مسجد جمکران و زیارت مشاهد مشرفه و دهها عمل خوب دیگر چه بسیار شده که بطور اتفاقی مورد عنایت آن حضرت قرار گرفته و جمال بی مثالش را زیارت نموده‌اند. این راه باز است ولی باید دانست که حتمی نیست و نمی‌توان گفت هرکس این عبادتها و برخی اذکار و اوراد را خواند حتماً امام عصر ارواحنا فداه را می‌بیند بلکه تنها

زیارت امام عصر علیه السلام :

«اللهم صلّ عليه و علی خدامه و اعوانه علی غیبه و نأیه» ۱۷۵

باید امیدوار به لطف آن حضرت باشد چه بسا اصلاً موفق به این دیدار ظاهری نگردد و خداوند اجازه ملاقات به او ندهد تا برنامه غیبت کبری که ناشناس زندگی کردن امام عصر ارواحنا فداه می باشد بهم نخورد.

تذکر سوّم: اینکه ما از مجامع جهانی و انسان دوستان و صلح جویان دنیا خواسته و می خواهیم اگر می خواهند می توانند از امام زمان علیه السلام تحقیق کرده و به وجود مقدّسش یقین کنند تابع همین قانون است.

یعنی ما نمی توانیم بگوئیم جسم شریف آن حضرت را می توانیم به آنها نشان دهیم زیرا این کار در دست ما نبوده و به علاوه اگر چنین چیزی قبل از ظهور آن حضرت واقع بشود، ظالمین در صدد قتل آن حضرت برمی آیند و اصولاً اختیار دیدار جسمی آن حضرت بدست هیچکس جز خداوند متعال نیست ولی برای آنکه حقیقت شیعه و وجود مقدّس امام عصر ارواحنا فداه برای آنان ثابت شود، می توانند از دو راه این یقین را بدست آورند.

یکی از راه عقل و آنچه ما در طول این کتاب متذکر شده ایم.

دوّم از راه نقل تشرفات که چند نمونه آنها ذکر کردیم و آنان می توانند دهها و صدها قضیه دیگر را که مربوط به زمانهای گوناگون یازده قرن گذشته تا حال است را از کتب مربوطه مطالعه و به وجود مقدّس آن حضرت یقین کنند و حتی از خداوند بخواهند بطور خصوصی لحظه ای جمال مقدّس آن حضرت را به آنان نشان دهد که این آرزو را همه ما داریم.

در عین حال خداوند بقدری مهربان است که اگر کسی را حقیقتاً در جستجوی آن حضرت ببیند او را ناامید نمی نماید و اگر در بیداری نشد ممکن است آن حضرت را در خواب به او نشان دهد که شاید کمتر شیعه ای باشد که آن حضرت را در خواب

زیارت امام عصر علیه السلام :
«خدایا بر مولایم امام زمان علیه السلام و بر خدمتگزاران مخصوص و یاری دهندگان بر
پنهان زیستی آن حضرت رحمت خاص خود را نازل فرما».

ندیده باشد و سالهای سال بلکه تا آخر عمر هر وقت بیاد آن حضرت می افتد
خوشحال و با نشاط نگردد و به آنکه امام زمانش را دیده افتخار نماید امیدواریم شما
هم به این فیض عظمی نائل شوید.

«ارزش آنانکه امام زمان علیه السلام را به دنیا معرفی می نمایند»

همچنین خداوند مهربان هر جمعیتی که برای پیشبرد نام و اهداف مقدس امام
عصر ارواحنا فداء و معرفی آن حضرت به جهانیان در قالب فیلم، عکس، کتاب و کنفرانس
و غیره تلاش می کنند مورد لطف شدید خود قرار داده و عنایات مادی و معنوی خود
را به سوی آنان سرازیر می نماید چرا که دوست دارد مردم جهان حتی آنانکه در ادیان
دیگر منتظر ظهور آن مصلح جهانی هستند در راستای معرفی و زنده شدن یاد آن
حضرت گام بردارند و افکار دیگران را به سوی ظهور آن حضرت سوق دهند تا هرچه
زودتر زمینه ظهور آن حضرت کامل گشته و اذن ظهور مقدسش صادر گردد.

ما به همه جهانیان خصوصاً مسلمانان و شیعیان قول می دهیم اگر در مباحثی چون
گفتگوی تمدنها و کنفرانسهای بین المللی دیگر هر جا که سخن از صلح و عدالت و
سعادت آینده بشر مطرح است حتی در مباحثی مانند حفظ محیط زیست و امثال آن
چنانچه سخن را به سوی منجی جهان و ایام ظهور و حکومت عدل او که حتی محیط
زیست را صد درصد سالم می نماید معطوف نمایند مانند آن است که روحی را به
پیکره بی جان وارد نمایند و حرکت فرهنگی و علمی و کتاب یا فیلم یا کنفرانس خود
را روح و زندگی بخشند و مورد لطف خاص الهی قرار گیرند و تلاش آنان مورد توجه
خاص امام زمان ارواحنا فداء قرار گیرد.

اگر چنین کنند بزرگترین خدمت را به جامعه بشری نموده اند و موجب

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام :

«انا بقیة الله فی ارضه والمنتقم من اعدائه» ۱۷۶

جلوافتادن ظهور آن بزرگوار شده‌اند.

آنان باید بدانند یک ساعت جلوافتادن ظهور آن حضرت مساوی است با جلوگیری از هزاران و میلیونها فاجعه از قبیل قتل، دزدی، خیانت، فساد، مرض و...
 آنان باید بدانند تلاش برای زنده کردن نام امام عصر عليه السلام یعنی جلوافتادن ظهور آن حضرت چراکه هر قدر مردم بیشتر بیاد آن حضرت باشند شوق به ظهور مقدّسش در آنان بیشتر می‌شود و می‌گویند ای کاش آن حضرت بیاید و به همه نابسامانیها پایان دهد که همین آرزو موجب رسیدن فرج می‌شود آنان باید بدانند فعالیت در این راه یعنی نجات میلیاردها انسان از دام شیطان و از رفتن بسوی جهنّم.
 آنان باید بدانند تلاش در اینراه یعنی خدمت به یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر و خدمت به اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام و حضرت سیدالشهداء عليه السلام و سایر امامان معصوم عليهم السلام .
 آنان باید بدانند تلاش در این راه تنها تلاش حقیقی برای دستیابی به صلح جهانی و عدالت است.

«تمدن حقیقی»

این تلاش تنها تلاش برای رسیدن به تمدن حقیقی است زیرا تا جامعه جهانی امام و رهبری را که خداوند برای او فرستاده نشناخته و او را نپذیرفته است در حقیقت تمدن حقیقی را نپذیرفته و هر قدر در مادیات و صنعت و غیره پیشرفت نماید نمی‌تواند محرومیت از روح اصلی تمدن بشری که بهره‌مند شدن از علم بی‌پایان آن حضرت است را جبران نماید.

جامعه‌ای که نماینده خدا در زمین را شناسد تمدن حقیقی را نشناخته است.

امام عصر علیه السلام :

«من تنها یادگار پروردگار و باقیمانده او در زمین و انتقام گیرنده از دشمنانش هستم.»

به عنوان مثال :

آیا وقتی که مردم یک شهر یا روستا نماینده دولت مهربان و خدمتگزار و دولتی که از هر جهت به آنان محبت می نماید و هیچ ظلمی به آنان روا نمی دارد و خلاصه دولتی از هر جهت نیکو (به عنوان مثال) آیا وقتی مردم آن شهر یا روستا نماینده چنین دولتی را شناخته و به او بی اعتنا و بی توجهند و خود را از وجود او و اعتبارات و کمکهای او محروم می کنند می توانند خود را متمدن بنامند؟

نماینده ای که برای آنان آب لوله کشی، آسفالت، مخابرات، درمانگاه، حمام، کامپیوتر و دهها نوع وسائل رفاهی دیگر آورده و آنان اعتنایی به او نمی کنند آیا می توانند تنها با دادن شعار آنکه ما متمدن هستیم خود را متمدن بنامند؟

آری ما مردم کره زمین مانند همان مردم شهر یا روستای مثال فوق هستیم که نماینده دولت الهی یعنی حضرت بقیة الله ارواح سفیاء را نمی شناسیم و در نتیجه از آنچه او برایمان آورده محروم گشته ایم.

او برایمان حداقل ده نوع امتیاز کلی در سطح جهان آورده که مشروح آنها را انشاء الله در بحث روز ظهور خواهیم آورد ولی بطور خلاصه به آنها اشاره می کنیم.

۱- او برایمان ریشه کن شدن فقر از تمامی مردم کره زمین و ثروت کافی و کامل برای همه آنان آورده است.

۲- او برایمان غذای کامل برای تمامی جمعیت کره زمین آورده است که حتی یک گرسنه در جهان باقی نمی ماند.

۳- او برایمان پوشاک کافی که تمام مردم زمین از پوشاک کافی بهره مند باشند آورده که حتی یک نفر نیز محروم نمی ماند.

۴- او برایمان ادا شدن دیون تمامی قرض داران جهان را آورده است که حتی یک نفر

زیارة آل یاسین: «السلام علیک یا خلیفة اللہ و ناصر حقہ»^{۱۷۷}
زیارت آل یاسین: «سلام بر شما ای جانشین خدا در روی زمین و ای ستاننده حق
خداوند از ظالمین».

نیز قرض دار باقی نماند.

۵- او برایمان برطرف شدن ناراحتی از تمامی مردم جهان را آورده است تا جائیکه
حتی یک غمدیده در جهان یافت نشود.

۶- او برایمان بازگشت تمامی آوارگان در سطح جهان را آورده است که حتی یک نفر
به دور از وطن و در غربت نماند.

۷- او آزادی تمام کسانی که در جهان به شکلی اسیر هستند را به همراه آورده است.

۸- او برایمان شنای تمامی امراض جسمی را آورده تا جائیکه حتی یک مریض بدون
شنا گرفتن از آن حضرت در تمامی کره زمین باقی نخواهد ماند.

۹- او برایمان اصلاح تمامی امور جامعه را آورده است.

و مهمتر از همه آنکه :

۱۰- او برایمان عوض شدن اخلاق و روحیات مردم از حیوانی و شیطانی به صنات و
روحیات انسانی را آورده است که تنها همین امتیاز باعث بهشتی شدن مردم جهان
می شود.

اینها که شرایط تمدن حقیقی در جهان است در اختیار آن حضرت است و رموز آن
در دست آن بزرگوار و ما که آن حضرت را نشناخته و ظهورش را خواستار نشده ایم در
حقیقت تمدن حقیقی را خواستار نشده و فراموش نموده ایم و لذا هزاران نابسامانی از
فقر و مرض گرفته تا جنگهای خونین و خودخواهیها و غرق شدن در گناهان در جامعه
بشری دیده می شود.

و چنانکه پیش از این گفتیم آیا ممکن است ما که به این رمز پیچیده ناآگاهیم و
خداوند علم آنرا در اختیارمان قرار نداده بی جهت خود را معطل نموده و با جهالت و
ناآگاهی مدعی شویم ما می توانیم فقر را ریشه کن کنیم، صلح را در جهان برقرار

دعاء الندبه: «این المدخر لتجدید الفرائض والسنن»^{۱۷۸}
«کجاست آن انسان کاملی که خداوند او را در بین ما نگه داشته است تا بوسیله او جهان را سرشار از بندگی و راه و روش انبیاء (پرسعادت) نماید».

نمائیم، عدالت را فراگیر کنیم و هزاران سخن و شعار زیبا؟!
زیرا براساس یک تحلیل عمیق علمی گفتیم: ما انسانهای معمولی که این رموز را نمی دانیم (که اگر می دانستیم باید تاکنون کره زمین را سرشار از تمامی این ده نوع امتیاز نموده باشیم) مانند کسی هستیم که یک شماره تلفن ده رقمی را نمی داند ولی در عین حال مدعی است من می توانم پای تلفن نشسته و آنقدر شماره گیری نمایم تا منزل مورد نظر به دست آید.

حداقل یازده و بلکه چهار ده قرن است که جامعه بشری (جز آنانکه انبیاء علیهم السلام یا جانشینان آنانرا لایق رهبری جهان می دانند) مدعی این شماره گیری هستند و حکومتهای مختلف با ادعاهای بلند سرکار آمده ولی همه آنان در عمل جز اشتباه کار دیگری نکرده اند و هیچگاه نتوانسته (و محال است بتوانند) بدون علم از جانب خدا این ده شماره و رمز سعادت بشر را تحقق بخشند و هر روز فجایع بی شماری بر جامعه جهانی تحمیل نموده و میلیونها کشته و زخمی و جنگهای جهانی و غیره بوجود آورده و انسانها را دچار یأس و سرگردانی و دوری از مقام انسانیت و دوری از پروردگارشان نموده اند.

آری تنها آن امام معصوم، آن حجت خدا، به تمامی رموز و شماره های سعادت بشر آگاه است و باید او این شماره ها را برای بشر بگیرد تا انسانها با منزل سعادت مرتبط گردند.

و باید جهان امروز او را که در بین ما بسر می برد بشناسد و برایش کنفرانسهای عظیم بین المللی ترتیب داده و در سطح جهان از او تبلیغ نماید.

فهرست

صفحه	مطلب
۷	پیشگفتار
۱۵	امام راحل در خواب نگران بودند.....
۱۶	یک ارتباط روحی در مقابل مرقد امام راحل.....
۱۹	تذکرات مهم.....
۲۷	کتاب خورشید هدایت در یک نگاه.....
۳۵	قسمت اول: سرگشتگی
۳۷	هنوز به نقطه شروع زندگی نرسیده‌ایم.....
۴۷	قسمت دوم: هدف انبیاء
۵۲	پرواز به سوی آسمان.....
۵۵	هنر چیست؟.....
۵۶	تلاش انبیاء.....
۵۷	ملائکه چه گفتند و چه شنیدند؟.....
۵۹	چرا خداوند جلوی فساد بشر را نمی‌گیرد.....
۶۱	قسمت سوم: همه در انتظار او
۶۲	معجزه‌ای بزرگ در تمام جهان.....
۶۳	تفکر کنفوسیوس.....
۶۴	تفکر زنو.....
۶۴	بشریت در مسیر صلح جهانی.....

۶۵	لطف پروردگار به مردم عصر حاضر.....
۶۶	اتفاق نظر ادیان جهان پیرامون ظهور منجی آخرالزمان
۶۶	منجی آخرالزمان در اعتقادات زردشت
۷۰	منجی آخرالزمان در عقاید هندو.....
۷۳	منجی آخرالزمان در اعتقادات یهود
۷۴	اول: بشارت آمدن منجی آخرالزمان و اطاعت همه مردم جهان از او
۷۵	دوم: برچیده شدن شرک از تمامی نقاط زمین.....
۷۷	سوم: انتشار علم بوسیله منجی آخرالزمان و پرشدن زمین از علم.....
۷۹	پیشرفت علم در حال حاضر زمینه ظهور منجی است.....
۸۲	چهارم: جهان در اختیار بندگان صالح و واقعی خداوند قرار خواهد گرفت
۸۳	پنجم: شفای همه امراض، صلح جهانی و همزیستی مسالمت‌آمیز
۸۵	ششم: انتظار ظهور.....
۸۸	هفتم: ناگهانی بودن زمان ظهور.....
۸۹	هشتم: سفارشات علماء یهود و علماء اسلام برای تسریع در ظهور
۹۱	نهم: عظمت و شخصیت منجی آخرالزمان در اعتقاد یهود و اسلام.....
۹۳	انجیل در باره منجی آخرالزمان چه می‌گوید؟
۹۳	شیطنت پنهان در فیلم نوستراداموس
۹۵	حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> : او مرا جلال خواهد داد.....
۹۷	توضیحی در مورد روح راستی
۹۸	پسر انسان در انجیل
۱۰۱	اسامی دوازده امام معصوم خصوصاً منجی آخرالزمان در کتابهای مقدس ادیان
۱۰۷	نتیجه تلاش انبیاء <small>علیهم السلام</small>

۱۰۹	شعار نظم نوین جهانی
III	قسمت چهارم: افتخار ما
۱۱۲	اتفاق نظر تمامی مسلمانان جهان بر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱۸	معجزه‌های آشکار
۱۲۰	افتخار ما
۱۲۱	امام زمان <small>علیه السلام</small> مانند کعبه است
۱۲۳	تنها افتخار کافی نیست
۱۲۵	قسمت پنجم: پرچمدار رهایی
۱۲۶	انسان اسیر چیست؟
۱۲۹	انسانها تا چه زمانی اسیر شیطان هستند؟
۱۳۰	استراق سمع شیاطین
۱۳۱	نزدیک شدن به روز تولد منجی آخرالزمان و پایان اسارت انسان
۱۳۲	نجات انسانها به تأخیر افتاد
۱۳۳	باید قیام کرد
۱۳۵	قسمت ششم: طبیب بشر
۱۳۷	حلقه اول: سلامتی از جانب خداوند است
۱۳۹	حلقه دوم: علم اساس سلامتی
۱۴۰	هوای نفس آفت سلامتی است
۱۴۶	سوء استفاده کنندگان از علم
۱۴۸	حلقه سوم: پیکر بیمار
۱۵۱	دعوت از متفکرین
۱۵۲	غده‌های سرطانی جامعه بشری

۱۵۳ فقط انسانها مریض اند
۱۵۴ سلام دادن و آرزوی سلامتی
۱۵۵ سلام بر تو ای منجی
۱۵۸ حلقه چهارم: امراض بشر
۱۵۹ همه مریض هستیم
۱۶۱ حلقه پنجم: هفتاد و پنج مرض
۱۷۱ قسمت هفتم: انسان کامل
۱۷۵ خصوصیات روح
۱۸۰ انسان کامل محبوبترین کس نزد هر انسانی است
۱۸۱ خسارتهای ناشی از فقدان انسان کامل
۱۸۲ انسان کامل عقل مجسم در میان بشر است
۱۹۱ انتظار خداوند
۱۹۴ راه خروج از این خسارت
۱۹۷ قسمت هشتم: وعده حتمی
۱۹۸ وعده مسلم
۲۰۰ ریشه یابی
۲۰۲ انسان و جنّ برای فساد و شیطنت خلق نشده اند
۲۰۴ دانشجویانی که شهریه هنگفت گرفتند
۲۰۶ مهلت فعالیت شیطان رو به پایان است
۲۰۷ مردم با داشتن رشد فکری، دیگر سخن شیطان را نمی پذیرند
۲۰۸ چرا خداوند به ابلیس مهلت داد؟
۲۰۹ چگونگی فعالیت شیطان

۲۱۰	شیطان مانند فرستنده رادیوئی عمل می‌کند.....
۲۱۰	شیطان می‌گوید: مرا لعنت نکنید.....
۲۱۳	حمام توبه
۲۱۵	خداوند عالم نیز براساس صراط مستقیم حرکت می‌کند.....
۲۱۶	عمل به جهل می‌کنیم
۲۱۸	جهل پیشرفته
۲۱۹	صبری زیبا پیشه کن
۲۲۰	سدّ جهل را بشکنیم.....
۲۲۳	قسمت نهم: سیاست گزاران بشر.....
۲۲۵	چه کسی باید سیاست بشر را در دست داشته باشد.....
۲۲۷	پاسخ به سه سؤال
۲۲۷	سیاستهای صحیح.....
۲۲۹	دین و سیاست.....
۲۳۱	سیاست‌گزاران زندگی بشر
۲۳۲	همانند مغز در بدن
۲۳۴	شرایط سیاست‌گزاران زندگی بشر.....
۲۳۷	مدّت بسیاری از شروع آخرالزمان می‌گذرد.....
۲۴۱	قسمت دهم: مظلومیت و مهجوریت
۲۴۵	حدیث ثقلین
۲۵۵	گفتار ابن حجر در صواعق پیرامون ثقلین
۲۵۷	یگانگی قرآن و عترت
۲۶۰	قانون مجری می‌خواهد.....

۲۶۰	ریشهٔ تمام نابسامانیها.....
۲۶۲	پیام قرآن و عترت : ایجاد حکومت جهانی
۲۶۷	یک حقیقت ناگفته در مظلومیت خاندان عصمت <small>علیهم‌السلام</small>
۲۶۸	کلاس را آرام کنیم.....
۲۶۸	سیاست‌بازان با پیام قرآن و عترت چه کردند
۲۷۴	مظلومیت امام زمان <small>علیه‌السلام</small>
۲۷۹	قسمت یازدهم: بزرگترین عید بشر
۲۸۴	او به موقع آمد.....
۲۸۴	چرا بزرگترین عید.....
۲۸۷	امام زمان <small>علیه‌السلام</small> به دنیا آمد تا در همان زمان حکومت واحد جهانی استقرار یابد ..
۲۸۸	تذکری به مسئولین
۲۸۹	بزرگترین عیدی بازگشت عقل به پیکره است
۲۹۰	اگر کسی از کرات دیگر به کره زمین بیاید و ببیند.....
۲۹۳	قسمت دوازدهم: راز طول عمر
۲۹۵	جواز طول عمر.....
۲۹۷	طول عمر برای منجی عالم بشریت یک برنامه طبیعی است
۲۹۸	دنیا زندان مؤمن است.....
۲۹۹	تمدید مأموریت در جای بد آب و هوا.....
۳۰۰	ساده‌ترین جواب.....
۳۰۱	راز اصلی
۳۰۳	قسمت سیزدهم: او در بین ماست
۳۰۸	اهمیت حضور.....

۳۰۹	خداوند انسانها را دوست دارد.....
۳۱۰	پس بر خیزیم
۳۱۲	جستجویی از او
۳۱۲	اگر او را صدا بزنید به فریادتان می رسد.....
۳۱۳	ای صلح جویان جهان.....
۳۱۳	او باید در میان ما باشد تا... ..
۳۱۸	رمز در دست چه کسی است؟
۳۲۴	او را می توان دید
۳۲۴	چه کسی او را دیده است؟
۳۲۶	ملاقات اول: حافظ القرآن
۳۳۷	ملاقات دوم: طی صدها کیلومتر در چند لحظه
۳۳۸	ملاقات سوم: ملاقات بحر العلوم یمنی
۳۴۱	ملاقات چهارم: یک شب در محضر حجّت خدا
۳۴۳	ملاقات پنجم: سخنرانی با چند زبان در آن واحد
۳۴۶	ملاقات ششم: مظلوم ترین فرد عالم
۳۵۰	ملاقات هفتم: امام زمان <small>علیه السلام</small> به فریاد همه می رسد
۳۵۳	ملاقات هشتم: فقط گفتم: یا صاحب الزّمان
۳۵۴	چند تذکر پیرامون تشرفات
۳۵۹	ارزش آنانکه امام زمان <small>علیه السلام</small> را به دنیا معرفی می نمایند
۳۶۰	تمدن حقیقی
۳۶۴	فهرست مطالب
۳۷۱	مدارک احادیث

«مدارك احاديث»

رديف	أغاز حديث	مدرك	رديف	أغاز حديث	مدرك
١	من مات ولم يعرف	احقاق الحق ج ١٣/٨٥	٢٢	القائم من ولدى	اثبات الهداه ج ٣/٢١٣
٢	المهدى من ولدى	احقاق الحق ج ١٣/١٥٥	٢٣	من ذريتى المهدي	بحارج ١٤ / ٣٩٤
٣	سبجىء اقوام	بحارج ٢٢ / ٢٥٣	٢٤	من انكر خروج	احقاق الحق ج ١٣ / ٢١٣
٤	ولولا انت يا على	بحارج ١٠٢/١٠٤	٢٥	الا انه قد بشر	بحارج ٣٧/٢٠٤
٥	اما ان لو لدى غيبه	بحارج ٥١/١٦٠	٢٦	الا انه المخبر	بحارج ٣٧/٢٠٤
٦	الا انه لا غالب له	بحارج ٣٧ / ٢٠٤	٢٧	الا انه خيره الله	بحارج ٣٧/٢٠٤
٧	اخذ الله الميثاق	المحجه ١٣٦	٢٨	قل انتظروا	قرآن انعام/١٥٨
٨	الا انه ولى الله	بحارج ٣٧/٢٠٤	٢٩	طوبى لشيعه	المحجه/٧٠
٩	من انكر القائم	كمال الدين ج ٢/٤١٢	٣٠	ابن المرتضى	بحارج ١٠٢/١٠٤
١٠	اشهد انك حى	بحارج ١٠٢/١٠٣	٣١	و منا مهدي الامه	البيان فى .../٨١
١١	الى ان انتهيت	بحارج ١٠٢ / ١٠٤	٣٢	ابن المعد لقطع	بحارج ١٠٢/١٠٤
١٢	ولثلا بقول	بحارج ١٠٢ / ١٠٤	٣٣	السلام على المهدي	بحارج ١٠٢ / ١٠١
١٣	السلام عليك يا ميثاق	بحارج ١٠٢ / ٨١	٣٤	السلام على النور	بحارج ١٠٢ / ١٠٣
١٤	ابن المنتظر	بحارج ١٠٢ / ١٠٤	٣٥	السلام عليك يا	بحارج ١٠٢ / ١١٦
١٥	و لقد كتبنا	قرآن انبياء / ١٠٥	٣٦	والشمس وضحيها	قرآن شمس/١
١٦	هم اصحاب المهدي	مجمع البيان ج ٧ / ٦٦	٣٧	الشمس	المحجه/٢٥١
١٧	ان عيسى	احقاق الحق ج ١٣/٣٣٤	٣٨	والنهار اذا تجلى	قرآن الليل/٢
١٨	فلابقى على	المحجه البيضا ج ٤/٣٤١	٣٩	النهار هو القائم	المحجه/٢٥٣
١٩	اللهم لك الحمد	بحارج ١٠٢ / ١٠٤	٤٠	يريد الله ان يحق	قرآن انفال/٧
٢٠	الاثمه من بعدى	روضه الراعظين/١٠٤	٤١	يعنى ليحق	المحجه/٢٦٤
٢١	ابن المؤمل	بحارج ١٠٢ / ١٠٤	٤٢	الا انه المنتقم	بحارج ٣٧/٢٠٤

ردیف	آغاز حديث	مدرک	ردیف	آغاز حديث	مدرک
۴۳	السلام عليك ايها	بخارج ج ۱۰۲/۱۱	۶۳	يعطف الهدي	نهج البلاغه ج ۱۳۸/۱
۴۴	الا وان خاتم	بخارج ج ۳۷/۲۰۴	۶۴	و يعطف الراي	نهج البلاغه ج ۱۳۸/۱
۴۵	والسموات	قرآن البروج ۱/	۶۵	اعلموا... يحببها الله	اثبات الهداه ج ۳/۴۹۲
۴۶	اما السماء	المحجده ۲۴۷/	۶۶	اذا قام قائمنا	بخارج ج ۵۲/۳۳۶
۴۷	المهدي منا	الصواعق المحرقة ۲۳۵/	۶۷	فاذا خرج اشرفت	فوائد السمطين ج ۲/۳۳۷
۴۸	المهدي منا	منتخب الاثر ۱۸۰/	۶۸	ولو قد قام	تحف العقول ۷۶/
۴۹	هل ولد القائم	بخارج ج ۵۱/۱۴۸	۶۹	ابشركم بالمهدي	ينابيع الموده ۴۶۹/ب ۸۵/
۵۰	المهدي من ولدي	احقاق الحق ج ۱۳/۲۵۹	۷۰	به يدفع البلاء	بخارج ج ۵۲/۲۳
۵۱	منا الذي يصلي	احقاق الحق ج ۱۳/۱۹۹	۷۱	المهدي رجل من	منتخب الاثر ۱۸۵/
۵۲	و هذا القائم	كمال الدين ج ۱/۲۵۲	۷۲	تنعم امني	المحجده البيضاء ج ۴/۳۴۱
۵۳	قال رب انظرني	قرآن الحجر ۳۸ - ۳۶	۷۳	ان الله فتح	احقاق الحق ج ۱۳/۲۶۰
۵۴	ولكن الله عزوجل	بخارج ج ۶۳/۲۲۱	۷۴	اذا قام القائم	بخارج ج ۵۲/۳۳۸
۵۵	و اخرى تحبونها	قرآن صف ۱۳/	۷۵	اذا قام قائمنا	منتخب الاثر ج ۳/۳۰۵
۵۶	يعنى فى الدنيا	المحجده ۲۷۱/	۷۶	ابن قاطع حبائل	بخارج ج ۱۰۲/۱۰۴
۵۷	ابن صاحب يوم	بخارج ج ۱۰۲/۱۰۴	۷۷	ابن حاصد فروع	بخارج ج ۱۰۲/۱۰۴
۵۸	ابن هادم ابنه	بخارج ج ۱۰۲/۱۰۴	۷۸	لو بقيت الارض	كمال الدين ج ۱/۲۰۴
۵۹	ابن طامس آثار	بخارج ج ۱۰۲/۱۰۴	۷۹	الكوكب الدرى	المحكم والمتشابه ۴/
۶۰	اعلموا ان الله	قرآن الحديد ۱۷/	۸۰	ان العلم بكتاب	منتخب الاثر ۳۰۹/ج ۱/
۶۱	ليس يحييها	المحجده ۲۲۲/	۸۱	والنهار اذا تجلى	قرآن الليل ۲/
۶۲	فيحيى الله	احقاق الحق ج ۱۳/۳۲۷	۸۲	و هو القائم	المحجده ۲۵۳/

مدارك احاديث

رديف	أغاز حديث	مدرك	رديف	أغاز حديث	مدرك
٨٣	المهدي من ولدي	كمال الدين/٢٨٦	١٠٣	و وعدته ان	بحارج ١٠٢/١٠٤
٨٤	المهدي طاووس	احقاق الحق ج١٣/٢١٢	١٠٤	اما تعلمون	كلمة الامام/٢٤٦
٨٥	المهدي من ساده	صواعق/١٨٥	١٠٥	قال لي يا علي	منتخب الاثر/٣٠
٨٦	اذا قام قائم	اثبات الهداه ج٣/٤٤٧	١٠٦	يا حسين انت	منتخب الاثر/٩٤
٨٧	يا كميل ما	بحارج ٧٧/٢٦٧	١٠٧	لا يكون العبد	الحكم الزاهره ج ٢/١٧٥
٨٨	المهدي رجل	كنز العمال ج ١٢/٢٦٤	١٠٨	منا اثنا عشر	الحكم الزاهره ج ١/١٠٢
٨٩	لو ان الامام	بصائر الدرجات/٤٨٨	١٠٩	الا انه ناصر	بحارج ٣٧/٢٠٤
٩٠	اين الانجم	بحارج ١٠٢/١٠٤	١١٠	اين السبب	بحارج ١٠٢/١٠٤
٩١	اين بقبه الله	بحارج ١٠٢/١٠٤	١١١	اين باب الله	بحارج ١٠٢/١٠٤
٩٢	لو لم يبق	مفتاح النجاه/٢٨٩	١١٢	بابي انت و امي	بحارج ١٠٢/١٠٤
٩٣	لكل اناس	بحارج ٥١/١٤٣	١١٣	لم سمى	كمال الدين ج ٢/٣٧٨
٩٤	لا تذهب الدنيا	عيون الاخبار ج ٢/٦٦	١١٤	للغلام غيبه	بحارج ٥٢/٩٧
٩٥	من المحتوم	وسائل ج ١٨/٥٦٢	١١٥	حتى اذا اسيس	قرآن يوسف/١١٠
٩٦	فقال عز وجل: بذلك	علل الشرايع/١٦٠	١١٦	و ذلك عن قيام	منتخب الاثر/٣١٤
٩٧	يخرج رجل من	منتخب الاثر/١٤٦	١١٧	اذن للذين يقاتلون	قرآن حج/٣٩
٩٨	لو لم يبق	احقاق الحق ج ١٣/١٧٤	١١٨	و من قتل مظلوما	قرآن اسراء/٣٣
٩٩	يخرج مني	فضائل الكوفه/٣	١١٩	ذلك قائم	كامل الزيارات/٦٣
١٠٠	لا تذهب	بنايع الموده/٢٥٨	١٢٠	امن يعجيب	قرآن نمل/٦٢
١٠١	لو لم يبق	مسند احمد ج ١/٩٩	١٢١	المستحل من	المحججه/١٥٢
١٠٢	و تريد ان	قرآن قصص/٥	١٢٢	فمن ظلمنا	المحججه/١٥٢

ردیف	آغاز حديث	مدرک	ردیف	آغاز حديث	مدرک
۱۲۳	صاحب هذا	کمال الدين ج ۳۰۳/۱	۱۴۳	السلام عليك ايها	بحارج ۸۱/۱۰۲
۱۲۴	ولما قضى نحيبه	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۱۴۴	ما تنكرون	اثبات الهداه ج ۵۱۲/۳
۱۲۵	والامة معده	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۱۴۵	ان وجه	کمال الدين ج ۲۸۱/۲
۱۲۶	فعلى الاطائب	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۱۴۶	لا بد للغلام	بحارج ۹۰/۵۲
۱۲۷	ولمن انتصر	قرآن شوری/۴۱	۱۴۷	السلام عليك فى	بحارج ۸۱/۱۰۲
۱۲۸	صاحب هذا الامر	کمال الدين ج ۴۷۹/۲	۱۴۸	انا خاتم الاوصياء	خرائج/۲۱۶
۱۲۹	ان الايمان	م الامام المهدي ج/۴۰	۱۴۹	صاحب هذا الامر	بحارج ۱۵۴/۵۲
۱۳۰	لا يخرج	م الامام المهدي ج/۴۰	۱۵۰	من انكر القائم	منتخب الاثر/۴۹۲
۱۳۱	سياتي على	م الامام المهدي ج/۲۲	۱۵۱	لو قام المهدي	منتخب الاثر/۲۸۵
۱۳۲	صاحب الامر	کمال الدين ج ۳۱۸/۱	۱۵۲	با ايها الذين	قرآن آل عمران/۲۰۰
۱۳۳	عزيز على ان	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۱۵۳	اصبروا على اداء	المحججه/۵۲
۱۳۴	اذا قام القائم	منتخب الاثر ج ۳۰۵/۲	۱۵۴	ان للقائم	منتخب الاثر/۲۵۲
۱۳۵	من احيا ليله	ثواب الاعمال ج ۱۰۱/۲	۱۵۵	وانى امان	بحار ۳۸۰/۷۸
۱۳۶	و ذكرهم بايام الله	قرآن ابراهيم/۵	۱۵۶	تكون له	المحججه/۲۲۹
۱۳۷	ايام الله عزوجل ثلاثه	المحججه/۱۰۸	۱۵۷	يفقد الناس	بحارج ۱۵۱/۵۲
۱۳۸	وقل جاء الحق	قرآن اسراء ۸۱	۱۵۸	واجعل لى	كلمة الامام المهدي/۳۲۱
۱۳۹	اذا قام القائم	المحججه/۱۳۰	۱۵۹	ولانسلبنا	كلمة الامام المهدي/۳۳۴
۱۴۰	والذى نفسى بيده	احقاق الحق ج ۳۲۵/۱۳	۱۶۰	ما الذى تريد	تبصره الولي/۷۷۸
۱۴۱	السلام عليك ايها	بحارج ۸۱/۱۰۲	۱۶۱	يطيل الله	کمال الدين ج ۳۱۵/۱
۱۴۲	ان بلغكم	اثبات الهداه ج ۴۳۹/۳	۱۶۲	اي الارض	بحار ۱۰۴/۱۰۲

مدارك احاديث

ردیف	آغاز حدیث	مدرك	ردیف	آغاز حدیث	مدرك
۱۶۳	السلام عليك حين	بحار ۸۱/۱۰۲	۱۷۱	اين بقيه الله	بحار ۱۰۴/۱۰۲
۱۶۴	عزيز على	بحار ۱۰۴/۱۰۲	۱۷۲	اللهم ارنى الطلعه	بحار ۱۱۱/۱۰۲
۱۶۵	بنفسي انت من مغيب	بحار ۱۰۴/۱۰۲	۱۷۳	اللهم ارننا وجه	بحار ۱۰۳/۱۰۲
۱۶۶	ليت شعري	بحار ۱۰۴/۱۰۲	۱۷۴	اللهم كما جعلت	بحار ۱۰۳/۱۰۲
۱۶۷	فاغث يا غياث	بحار ۱۰۴/۱۰۲	۱۷۵	اللهم صل عليه	بحار ۱۰۳/۱۰۲
۱۶۸	عزيز على ان ارى	بحار ۱۰۴/۱۰۲	۱۷۶	انا بقيه الله	كلمة الامام المهدي/ ۵۲۴
۱۶۹	عزيز على ان تحيط	بحار ۱۰۴/۱۰۲	۱۷۷	السلام عليك يا	بحار ۸۱/۱۰۲
۱۷۰	هل اليك يابن	بحار ۱۰۴/۱۰۲	۱۷۸	اين المدخر	بحار ۱۰۴/۱۰۲